گنج تاریخ

بسم الله الرحمن الرحیم

خالق اکبر تعالی شانه — وحده سبحانه سبحانه
صاحب لطف و کرم [illegible] — مالک و رزاق و رحمان و رحیم
[illegible] — پادشاه اندر زمین و آسمان
دانا [illegible] — [illegible] و سحر از نور اوست
[illegible] — مستفیض از فیض دیدارش نظر
[illegible] جهان — وقت مشکل دستگیر بندگان
[illegible] العالمین — غافر الذنب و غفور المذنبین
[illegible] کبریا — صانع لوح و قلم ارض و سما
[illegible] ملک — فرش و عرش و کوه و دریا و فلک
[illegible] وحش و طیور — باد و خاک و آب و آتش نار و نور
[illegible] آمدند — قطره‌ها ان بحر حقیقت آمدند
[illegible] الخبیر — قادر مطلق بصیرست و قدیر
[illegible] — بود او شد باعث هر اصل بود
[illegible] — نقش آن نقاش پیدا جا بجا
[illegible] — از چراغ دل هویدا نور او

گوش زو شنوا زبان گویا ست زو	دیدهٔ اهل نظر بینا ست زو
جلوهٔ او شد عیان بر روی گل	بوی او پیداست اندر بوی گل
خوان بقرآن قل هو الله احد	بی زن و فرزند الله الصمد
کن نظر سر و رحیم در زمین	تا منظر آید ترا نور یقین

در نعت سرور کائنات خلاصه موجودات سید عالم صلی الله علیه وسلم

سید کونین ختم الانبیا	احمد مرسل محمد مصطفی
باج بگرفت از سلاطین تاج او	تا جداران جهان محتاج او
هادی گم گشتگان و گمرهان	خانه دار خانهٔ کون و مکان
حامی دین و شفیع المذنبین	ابر رحمت رحمة للعالمین
چتر لولاک هست زیبا بر سرش	خلعت الا رسول اندر برش
از احد گر دست این احمد ظهور	نور عین آمد عیان از عین نور
از میانش میم چون بر داشتند	ذات احمد را احد بنگاشتند
در ثنایش از زمین تا آسمان	هست بر اهل زبان رطب اللسان
نام نامیش محمد مصطفی	وه چه خوش نام خدا صل علی
صد صلوة و صد درود و صد سلام	باد بر روحش الی یوم القیام

در مدح هر چهار اصحاب کبار حضرت سید ابرار صلی الله علیه وسلم

اولا صدیق آن والا همم	کان صدق و مخزن لطف و کرم
صادق و اصدق محب کبریا	یار غار مصطفی با صد صفا
شاهد اوصاف قرآنش بس است	اذ هما فی الغار در شانش سزاست
و آن عمر و الا گهر غازی دین	بعد پیغمبر نبی را جانشین
بنده حق اهل حق حق الیتام	از زبانش حق عیان گشتی مدام
بر کلامش ینطق الحق شد دلیل	هست این قول نبی بی قال و قیل
در جهان شد عزت اسلام زو	یافت دین حق بعالم نام زو
حضرت عثمان شه اهل صفا	جانشین ثالث خیر الوری
مخزن انوار و ذی النورین او است	آفتاب دین شه کونین او است

مجمع البحرین دریای سخا   شاه والا جاه با حلم و حیا
حیدر صفدر شه کرار بود   ابن عم احمد مختار بود
پهلوان شیر دل شیر خدا   والی عالی علی المرتضی
عاشق الله و محبوب نبی   پادشاه دین سخی متقی

در تشریح و تقسیم این کتاب که بهشت مخزن منقسم است

بهر ذکر خیر پیران کرام   یافته این گنج تاریخ انتظام
نیز در ذکر شهان باوقار   داده ام این گنج خود را افتخار
جابجا تاریخ هر یک گفته ام   طرفه تر در نظم گوهر سفته ام
در هزار و دو صد و هشتاد و چار   ماند این مخزن ز سر در یادگار
نام تاریخی ز بهر این کتاب   گنج تاریخ آمده اندر حساب
کرده ام تقسیم اندر هشت گنج   تا بیابی حصه‌ای بی دست رنج
مخزن اول رقم ای نیک نام   گشت در ذکر شه خیر الانام
نیز سال فوت اصحاب کبار   شد درو ترقیم ای عالی وقار
باز در ذکر امامان کرام   ختم شد گنج نخستین والسلام
گنج ثانی شد مهیا ای اخی   در بیان اولیای قادری
گنج ثالث آمد ای نیکو سرشت   بهر ذکر خاندان اهل چشت
در چهارم شد بطرز دلپسند   ذکر خیر اولیای نقشبند
کرده ام در مخزن پنجم عیان   شرح حال سهروردیه بیان
گنج ششم هست در متفرقات   هفتمین ذکر نسا و عارفات
هشتمین ذکر شهان باوقار   یافت زایشان گنج تاریخ افتخار
گنج هشتم را من ای والاهمم   کرده ام در یازده حصه رقم
حصه اول چو کردم ابتدا   بهره زو دادم بنی امیه را
حصه ثانی چو شد از من عیان   شد بنی عباس را در وی بیان
حصه ثالث ز روی الکی   شد درو ذکر شهان غزنوی
حصه چارم چو آمد بر قلم   گشت در وی ذکر غوریه رقم

پنجمین خلجیه آمد در شمار | تغلقی ششم بدان ای باوقار
خضرخانی را هفتم کن نظر | هشتمی لودیه ای والاگهر
در نهم چنگیزی است ای نیک خو | نیز تیموری و چغتایی بگو
شد رقم اندر دهم ای نوجوان | حالت شاهان متفرق بیان
حصه حادی عشر ای جان من | گفته ام در ذکر امرائی دکن
نیز ذکر شاعران هوشمند | شد بیان در وی بطرز دلپسند
جامع این جمله گنج مختصر | بنده پرعیب و خالی از هنر
سرورم نی نی غلام سرورم | زیب در تاج غلامی بر سرم
هست پیش شاعران باهنر | دعوی شاگردی ام بس سربسر
ذره ام در پیش نور آفتاب | بلکه چون خاشاک پیش بحر آب
زین سبب دارم بصد عجز و ندا | در جناب حضرت شان التجا
بر خطاهایی که باشد در کتاب | خامه اصلاح رانند از ثواب
ور نه نهد از سر لطف و سخا | بر خطای پرخطا دست عطا
هر که بر این پرخطا احسان کند | دائما بر وی خدا احسان کند
پرده پوشی کن که ستار العیوب | بندگان راهست غفار الذنوب
یا الهی بهر آل فاطمه | وقت رحلت کن بایمان خاتمه
یا الهی بهر اولاد علی | دار ما را از محبان نبی
یا الهی بهر اصحاب رسول | کن دعای سرور بیدل قبول
یا الهی بهر پیران کرام | دار ما را در دو عالم نیکنام

گنج اول در قطعات تواریخ وفات حضرت سرور عالم صلی الله علیه وسلم وخلفای راشدین و ائمه دین رضوان الله تعالی عنهم اجمعین

قطعه وفات آنحضرت علیه الصلاة والسلام که در سال یازدهم هجری بود

چون محمد از جهان پوشید رو | مثل خورشید جلوه گر اندر جنان
محو هو بوده است ذات پاک او | گشت از «محو هو» سال ترحیلش عیان
بود ذاتش مخزن حب خدا | سال ترحیلش «احب» ای جوان

ولادت حضرت سرور کاینات صلی الله علیه وسلم از شرفای قریش که معروف به صحیح الطرفین از جانب پدر محمد بن عبدالله بن عبدالمطلب بن هاشم و از جانب مادر بی بی آمنه بنت وهب بن عبدالمناف و اسامی گرامی آنجناب بسیار اند از آنجمله محمد و احمد و حامد و محمود و مصطفی از مشهورترین اسامی آنجناب است
ولادت باسعادت آنحضرت بروز دوشنبه بوقت قبل از طلوع صبح صادق بماه ربیع الاول بسال واقع فیل بود [illegible]
[illegible]

آنحضرت [illegible] جبرئیل بر آنحضرت [illegible] عروج معراج آنحضرت در ماه رجب [illegible] از بعثت نبوت در ماه صفر [illegible] هجرت از مکه به مدینه و وفات آنحضرت [illegible] در مدینه منوره [illegible] دوازدهم ربیع الاول [illegible] از ازواج [illegible] خدیجه الکبری بنت خویلد [illegible] زینب بنت [illegible] و ام سلمه [illegible] و صفیه [illegible]

شد ز وصلش حب مولی از زمین	ز انتقالش رفت مطلوب از زمان
میر از دوران سفر کرد ای دریغ	از وفات او بمرد و رفت از جهان
گشت پیدا سال وصل آنجناب	شد حبیب حق چو از عالم روان
کعبه لی مولی ست از وصل نبی	ماند آخر بی‌وفا لفظ زمان

قطعهٔ ثانی

رسول امین سید دو جهان	جناب محمد علیه السلام
سفر کرد چون زین جهان فنا	بخلد برین یافت جای مقام
صفا رفت ز آفاق از رفتنش	دگر ماند آل نبی بی امام

قطعهٔ تاریخ وفات یار غار پیغمبر صدیق اکبر ابی بکر رضی الله عنه
که بسال سیزدهم از هجرت بوقوع آمد

حضرت صدیق اکبر یار غار	حاکم کون و والی کون و مکان
صادق و صدیق و غمخوار نبی	در دلش عشق محمد همچو جان
یار دلدار جناب مصطفی	شد چو از دنیا بخلد جاودان
وجد کن تحریر با لفظ جهاد	یا احد یا جود وصلش کن بیان
باز چون جستم وصال پاک او	شد ندا از دل ولی رفت از جهان

قطعهٔ ثالث

حضرت صدیق اکبر شاه دین	جانشین مصطفی با عز و شان
رفت آخر زین جهان بی‌ثبات	یافت در پهلوی پیغمبر مکان
گشت پیدا رحلت آن پادشاه	رفت از دوران چو سلطان زمان
کرد از دوران محقق چون سفر	میشود سال وصال او عیان
جلوه گر شد سال وصل آنجناب	ماه روی خود چو پوشید از جهان
ارتحال او کمال از عدل رفت	سرورا کن سال وصل او بیان

قطعهٔ تاریخ وفات فاروق الاعظم عالی جناب عمر ابن الخطاب رضی الله عنه
که بسال بست و سه یا بست و چهار از هجرت مقدس بوقوع آمده بود

چون عمر چون گنج زیر خاک رفت	روح پاکش بر سر افلاک رفت

ذکر کنیت عمر ابو حفص است و لقب فاروق اعظم و نام پدر وی خطاب بن نفیل بن عبد العزی بن ریاح بن عبد الله بن قرط بن رزاح بن عدی بن کعب و نسب وی از جانب [illegible] بنسب حضرت پیغمبر [illegible] پیغمبر و جد نهم عمر است میرسد ولادت وی بعد واقعهٔ فیل بسیزدهم سال بود و در سال ششم از بعثت نبوت مشرف باسلام شده [illegible] عمر اسلام آورد [illegible] النبی حسبک الله و من اتبعک من المؤمنین نازل شده [illegible] شکست و وی بعد وفات [illegible]

پاک شد سال وصال او عیان	یعنی پاک آمد بدنیا پاک رفت

قطعه ثانی

جانشین مصطفی حضرت عمر	بود بر فرش زمین عرش آستان
آخرش چون زین جهان پر ملال	کرد رحلت شد باقلیم جنان
سال تاریخش وجیهه هست ای اخی	باز فرما رفت سید از زمان
نیز سال ارتحالش طرفه تر	گو ز عالم رفت محبوب جهان
وحی دان هادیه بخوان جا بدیگو	سال وصل آن شه عالی مقام

قطعه ثالث

عمر آن معدن سر آسایے	کرآمد در دو عالم ذات او طاق
زفوتش ماند عالم خالی از حسن	دگر رفته محب حق ز آفاق

قطعه تاریخ وفات حضرت عثمان ابن عفان رضی الله عنه که در سال سی و پنج یا سی و شش از هجرت شاه رسالت وفات یافت

چو زین دهر ناپایدار جهان	سفر کرد عثمان لصد عز و جاه
بگو اهل تاریخ ترحیل او	حبیب احد باز نقط آله

قطعه ثانی

امیر خلق عثمان ابن عفان	که بر عشق محمد بود مشتاق
خرد از بهر سال انتقالش	بگفتا شد امام دین ز آفاق

قطعه ثالث

شاه عثمان خلیفه بر حق	از جهان شد بجنت اعظم
سال تاریخ آن سراپا عدل	ای بگو رفت عادل از عالم

تاریخ وفات علی المرتضی شیر خدا کرم الله وجهه که بسال چهل هجری وفات یافت

مرتضی شاه ولی مظهر انوار جلی	خانه دین نبی یافت از و پر آبادی
زاهد پاک چو تاریخ وصالش جستم	از خرد باز ندا گشت که هادی هادی

قطعه ثانی

مرتضی شیر خدا شاه جهان	طالب الله و مطلوب نبی

حامی دین و وصی مصطفی	شاه غازی پهلوان متقی
گشت چون از فرش بر عرش عروج	شد ندا از دل معلی شد علی
نیز گفتم رفت محبوب از زمان	تا شده تاریخ وصلش منجلی
بنده حق رفت چون بیرون دهر	یافت آخر صورت مولی ولی
از زمین خوبی رفت زیب اولیا	یافتم از سال فوتش آگهی
بود ذات او دل هر اهل دل	از وفاتش ماند بیدل هر کسی
از دل و جان ورد کن هر روز مدام	یا علی مولی علی مولی علی

قطعه ثالث

چون شهادت یافت با صدق یقین	شیر یزدانی علی المرتضی
بهر سال انتقال آن جناب	از دل سرور چنین آمد ندا
صاحب از عالم سفر کرد ای دریغ	رفت از عالم حبیب الاولیا

تاریخ شهادت حضرت امام حسن رضی الله عنه که در سنه پنجاهم هجری بوقوع آمد

مجمع خلق حسن حضرت حسن	احسن دین محسن دوران زمان
نور چشم حضرت خیر النسا	قرة العین نبی دو جهان
رفت چون از دار دنیا گفت دل	عدل بی جان ماند و شد و آه از جهان
کامل و مالک ز عالم چون برفت	گشت تاریخ وصال او عیان
رحمت حق بر روان پاک او	باد تا باشد زمین و آسمان

قطعه ثانی

محسن دین حسن امام جهان	نور چشم علی ولی زمان
چون محب جناب نبوی بود	پس محب شده هست سال رحلت آن
نیز گو سال رحلت آن شاه	ماند بی یار سر بسر دوران
چون گل باغ جنت است حسن	هست گل شده سال رحلتش شایان

قطعه ثالث

چون ز دنیای دنی مسموم رفت	آن محب ذو المنن شاه حسن
گفت دل اسلام از آفاق رفت	ماند خالی آه ای وای زمین

ما سبب آن جناب وصی نبی علیه السلام [illegible]
ابو محمد و لقب و مجتبی [illegible]
[illegible] و وقت ولادت وی [illegible]
[illegible] نام حسن [illegible] در ماه رمضان المبارک [illegible]
[illegible]

بن ابوسفیان تفویض نمود و از
جنگ و خون ریزی خلق دست
باز داشت و عهدنامه مشروط
بچند شرائط از معاویه تحریر کنانید
آخر نصیحه زهر که جعده منکوحه وی
بود بسازش یزید بشهادت رسید و
درین باب اختلاف است بعضی
میگویند که جعده بایمای معاویه
زهر بآنجناب داده بود و بعضی
بایمای یزید پلید اما قول اول
که مولانا عبدالرحمن جامی معتقد
آنست مقرون بصدق است
چراکه بعد شهادت آنحضرت معاویه
یزید را ولی عهد خود کرده بود در
حیات آنجناب حسب [illegible] عهد نموده
[illegible] نبود ۱۲

تاریخ شهادت امام المجتبی شهید کربلا سید الکونین امام حسین رضی الله عنه که در سال شصت یا شصت و یک سنه هجری بوقوع آمد

سید اکبر حسین المجتبی	مقتدای زمرهٔ اهل الیقین
چون شهادت یافت در کرب و بلا	روح پاکش رفت بر عرش برین
جستم اندر دل سن و سال وصل او	گفت رضوان رفت آلی از زمین
باز فرما قبلهٔ بی ما بد بماند	هم بگو ز آفاق شد محبوب دین
سید امجد بخوان ز آفاق رفت	تا کنی حاصل وصالش بالیقین
علم بی کس ماند از ترحیل او	گفت سرور سال وصل او چنین

مثنوی

شه مظلوم سید الثقلین	پادشاه زمانه شاه حسین
رفت چون از جهان حزن و ملال	یافت با ذات حق کمال وصال
سال ترحیل وی نکو دانی	گر تو والی حور بخوانی
دوست محبوب حق محب ازل	سال وصلش بگو حبیب ازل
سال ترحیل آن شه کونین	آمده آخرین دو حرف حسین
سال وصلش عجب شده است عیان	قبلهٔ دین برفت از دوران
بکن رقم هم با اختلاف امم	زبدهٔ دین برفت از عالم
سال ترحیل آن شه اعظم	هست شد بی نیاز از عالم
بگو جوان رحلتش موید خواه	نیز مودود و بندهٔ دل آگاه

تاریخ ولادت و وفات امام المومنین علی الملقب بزین العابدین که ولادت وی در سال سی و هشت و وفات در سال نود و چهار یا نود و پنج بوقوع آمده بود

سید دین شاه زین العابدین	بود محبوب جناب ذو الجلال
زاهد طیب بگو تولید او	وصل بی عیب و عزیز با کمال
پهلوان و انجم و والاجناب	عابد زاهد دگر ای خوش خصال
سید هادی در آب زندگی	سید طیب دگر تاریخ سال

قطعه ثالث

علی گفت ... حسین المجتبی و ابی عبد الله و ابو الائمه ... شهید و سید الشهدا ... ولادت وی ... بروز سه شنبه چهارم شعبان ... المکرم سنه چهارم از هجرت نبوی ... [illegible] ... و میان ولادت امیر المومنین علیه السلام ... حسن و علوق فاطمة الزهرا بالحسین ... تفاوت پنجاه روز در میان است ... [illegible]

[illegible] ... امام حسین علیه الصلوة و السلام ... حضرت رسول ... حسین ... دوست ... قصه شهادت وی ... [illegible]

[illegible]

... وفات ... در سنه ... ذی الحجه ... حضرت ... زین العابدین ... فاطمه بنت ... ولادت ... جنت البقیع ...

آن شه عالی علی ابن الحسین	مقتدای اولیا و متقی
سال تولیدش عیان شد از ازل	نیز والا باز آمد ال ای وصلی
بهر وصلش جا بن و آل ز آفاق رفت	شد ز دوران سید ال ...
هم خرد والی و الا جاه گفت	باز محبوب الهست ای اخی

تاریخ ولادت و وفات امام محمد باقر رضی الله عنه که ولادتش در سال پنجاه و هشت یا هفت و وفات در سنه یکصد و دوازده یا چهارده بوقوع آمد

نور چشم محمد است و علی	آنچه او در امجد آمد نام
گشت سید امجد تولیدش	هم موحد شد از خرد و الهام
ارتحالش محب دین سید است	نیز شد سید ازل ارقام

قطعه ثانی

محمد حبیب خدا یار حق	چو شد زین جهان فنا در جنان
همایون و دمساز و زنده ولی	رقم کن تا تاریخ آن مهربان
بگو جامع و نیک دل سال او	حبیب محمد بخوان ای جوان

قطعه ثالث

حضرت باقر امام با صفا	قره چشم شه خیر الانام
هست والی بدا تولید او	نیز محبوب است نزد خاص و عام
سال وصل او بگو هادی حشر	هم بخوان ای یار هادی انام
نیز وصل او امام ایزدی ست	پس ولی الله دان ای نیکنام
اهل دل ز آفاق چون بدرود گشت	سال ترحیلش بر آمد والسلام

تاریخ ولادت و وفات امام جعفر صادق بن محمد باقر رضی الله عنه که ولادت وی در سال هشتاد و وفات در سنه یکصد و چهل و هشت یا نه بوقوع آمد

امام با صفا صادق شه دین	که بود اندر طلب مطلوب کامل
تولیدش عطا گو نیک برخوان	ترحیلش بدان محبوب کامل

قطعه ثانی

حضرت جعفر آن شه صادق	رهبر خلق و مرشد دوران

ونهصد و ... ذی الحجه ... سال
هشتم ماه ... و پنجاه و ... در جنت البقیع
... است و ... و حوالی
... قرابت ... حضرت ...
چون ... آن حضرت ...
... آن ... مفصل در
... تفصیل آن ...
کتاب خزینة الاصفیا ...
... است
... ابو عبدالله
... کنیت وی ... وی صادق
و ابو اسمعیل و لقب وی ... ام فروه
ام والده وی ام ... ابوبکر
بنت قاسم بن محمد بن ابوبکر
صدیق و مادر ام فروه ...
اسما بنت عبد الرحمن بن ... است ولادتش
ابوبکر رضی الله عنه ... تاریخ ... سیزدهم
... در مدینه ... تاریخ ... وفات ...
ماه ربیع الاول و وفات ...

٩

دوشنبه پانزدهم رجب بوقوع آمد
و وی امام ششم است از ائمه
اثنا عشر و مقتدای اهل طریقت
و شریعت و نسبت اکثر از اولیا
طریقت و صوفیه عالیه بوی منتهی شود
و خلقی بسیار بلکه بی تعداد و شمار
از وی فیض علوم ظاهری
و باطنی یافتند و خوارق و کرامات
بسیار از آن جناب بظهور آمدند
مزار پر انوار وی در جنت البقیع
در مقبره آبا و اجداد وی
زیارتگاه خلق است ۱۲

هست تولید او وصال اجل　　آمده زبدهٔ نبی به بیان
نیز محبوب ایزد است عجب　　بهر سال ولادتش شایان
حق طلب گشت رحلتش پیدا　　هم ولی زمانه هست عیان
باز با اختلاف خلق بگو　　صاحب و آلی و محب زمان

قطعهٔ ثالث

چون ز دوران صادق دیجاه رفت　　شاه رفت و شیخ حق آگاه رفت
عقل سال انتقال آنجناب　　گفت از دوران ولی الله رفت

تاریخ ولادت و وفات امام اعظم بوحنیفه کوفی رضی الله عنه که ولادت وی در سال هشتاد یا هشتاد و دو و وفات در سنه یکصد و پنجاه بوقوع آمد

بوحنیفه آن امام ذو الکرام　　مستفیض آمد ز فیضش خاص و عام
نیک صورت نیک سیرت نیک روز　　نیک خوی و نیک خواه و نیک نام
سال تولیدش بقول اهل سیر　　بی نیاز آمد یکی ثانی امام
کن رقم سلطان بسال وصل او　　طالب حق گوی و محبوب انام
شد قوی دل سال ترحیلش عیان　　مهدی کامل رقم کن والسلام
سیف خوان سالش دگر باره علیم　　هم بجو او فوج علمش لا کلام
قطب از دوران سفر کرد ای دریغ　　بهر وصل آن شد والا مقام

تاریخ ولادت و وفات حضرت امام مالک رضی الله عنه که ولادت در سال نود و پنج و وفات در یکصد و هفتاد و نه یا یکصد و هشتاد و یک هجری بوقوع آمد

آن امامیکه مالک دین است　　بود مخدوم و مقتدای زمان
هست تولید او مجید ازل　　والی اولیا و اهل جهان
سال وصلش بخوان امام زمن　　مالک ملک یا بگو سلطان
قطب محبوب است تاریخش　　سالک اهل دل دگر برخوان

تاریخ ولادت و وفات امام ابو یوسف رحمة الله علیه که ولادت وی در یکصد و ده یا یازده و وفات در سنه یکصد و هشتاد و دو بوقوع آمد

آن امام خلق و مقبول اله　　یوسف دین زبدهٔ اهل یقین

صحبت کس را باطن حاصل نیکرد و و فیض علوم ظاهری و باطنی از اصحاب رسول صلی الله علیه وسلم دریافت و احادیث روایت کرد و ... رضی الله عنه صحبت و بامام جعفر صادق ... ایشان ابن الله انس ابن مالک ... بن عبد الله ... امام اهل سنت و ... ابن عبد الله بن انس عبد الله بن ابی عبد الله بن عمر ... تابعین بود و اما نعمان بن ثابت ... امام اعظم و کنیت وی ابو حنیفه ... یسار و ... بن ... بن ... تعالی عنهم و مزار آنجناب ... بغداد است ۱۲
نام مالک است و کنیت وی ابو عبد الله و از ائمهٔ اربع اهل سنت و امام و ... است و استاد امام شافعی رضی الله عنه فضایل و کمالات بسیار داشت وی بروز یکشنبه هفتم جمادی الاخری ... در ماه ربیع الاخر بوقوع آمد و وفات پرانوارش در مدینه منوره است ۱۲
امام ابو یوسف ... نام وی یعقوب بن ... و لقب وی ... شاگرد رشید ... امام اعظم ... ابو حنیفه ... و امام ... قاضی القضاة ... ۱۲

ماه دین گو قطب خوان تولید او	سال ترحیلش امام اهل دین
قطعه تاریخ	
ابو یوسف آن یوسف دین حق	ولی جهان مقتدای زمان
بگو مه جبین باز اهل جمال	بتاریخ تولیدش ای نکته دان
خرد گفت وصلش سعید ازل	دلم گفت عابد وصی جهان
تاریخ وفات امام محمد شیبانی رضی الله عنه که در سال یکصد و هشتاد و شش بوقوع آمد	
چون محمد از عطای ذو الجلال	رفت از دنیای دون اندر جنان
زاهد مقبل بگو تاریخ او	هم بگو محبوب سبحانی بخوان
صوفی آمد نیز سال وصل او	شد مه عالم ز اوج دل عیان
قطعه تاریخ	
محمد چو از لطف و فضل اله	رسید از جهان در مقام جنان
رقم شد وصالش محمد عزیز	دگر گشت سید امام جنان
تاریخ ولادت و وفات امام موسی کاظم رضی الله عنه که ولادت وی در سال یکصد و بست و هشت و وفات در سنه یکصد و هشتاد و شش یا سه بوقوع آمد	
شه شاهان و فخر اهل بیت مصطفی موسی	کلیم امت نبوی و محبوب خدا موسی
جلال دین بود هادی حق تاریخ تولیدش	تبرحیلش ندا آمد حبیب اولیا موسی
مثنوی	
موسی کاظم آن امام جهان	آن امام ذوی الاکرام جهان
سرور دهر و سید کونین	سال تولید اوست اسم حسین
سال ترحیل آن حبیب اله	کین رقم سید وصی الله
باز سال وصال آن مسعود	موسی اهل دل خرد فرمود
عقل تاریخ او چو گوهر سفت	سال وصلش امام صاحب گفت
عمده دین بست ارتحال او	خوان امام امین وصال او
تاریخ ولادت و وفات امام محمد شافعی رضی الله عنه که ولادت وی در سال یکصد و پنجاه و وفات در سن دو صد و چار از هجرت مقدس بوقوع آمد	

1

حسن [illegible] و پدرش از [illegible]
[illegible] گشت امام محمد [illegible]
[illegible] شوال [illegible] گشت و [illegible]
[illegible] امام ابو یوسف و
[illegible] و دین امام [illegible] و امام
محمد از اصحاب [illegible] ایشان است
[illegible] مرقد ایشان [illegible]
[illegible] امام [illegible] تمام عالم [illegible]
زیارت گاه خلق است [illegible]
[illegible] امام هفتم است [illegible] ابو الحسن
[illegible] و لقب وی
[illegible] ابراهیم [illegible] نام وی

[illegible] موسی است و نام مادر وی ام ولد حمیده بربریه بود ولادت با سعادت وی بمقام ابوا در میان مکه و مدینه بروز یکشنبه بتاریخ هفتم ماه صفر وقوع آمد و وفات بتاریخ پنجم رجب روز جمعه در بندیخانه هارون رشید بعد زهر بظهور رسید که یحیی بن خالد امیری از امرای هارون بحکم هارون آنجناب را در رطب زهر داد و مقبره مقدسه وی در بغداد در زیارت گاه خلق است

[illegible]

آنکه او شافعی محمد بود	جامع علم و قطب امجد بود
پیشوا و امام دین است او	مخزن معدن و یقین است او
هست تولید او اگر مطلوب	تو بجو از محمد محبوب
سال تولید آن امام کمال	تو بخوان از محب اهل جلال
سال تولید آن شه دارین	گشت پیدا او اجود کونین
سال تولید آن ولی زمان	صالح طیب آمد است عیان
سال تولید آن امام جهان	سرور او ولی زمانه بخوان
سال ترحیل وی که تحقیق است	قطب آل نبی و صدیق است
سال وصلش اگر کنی اظهار	پس عزیز علی بخوان ای یار
سال ترحیل آن یگانه بگو	سرور اصاحب زمانه بگو
سال وصلش که از همه طاق است	ای محبان حبیب آفاق است
سال وصلش چو مشکل گوهر سفت	خامه من وی تحسن گفت

قطعه ثانی

محمد شافعی کو والی ملک جهان آمد	جنابش جامع علم زمین و آسمان آمد
ولی الله والا سال تولیدش رقم کردم	ولی الله محمد سنه ترحیلش عیان آمد
حبیب اصفیا کردم رقم هم سال وصل او	که ذات او امام و مقتدای دو جهان آمد

تاریخ ولادت و وفات امام علی رضی موسی کاظم که ولادت وی سال یکصد و پنجاه و دو و یا سه و وفات وی در سنه دو صد و سه یا پنج یا شش یا هشت باقوال مختلف

سید افضل و امام همام	عالم و فاضل و فقیه علی
سال تولید اوست محی الدین	رحلتش سید وجیه علی

قطعه ثانی

آن امام علی رضا موسی	قره دیده نبی و علی
طالب عالی است تولیدش	رحلتش گو امام دین نبی

قطعه ثالث

آن امام حق علی موسی رضا	آنکه گشت از وی عیان دین نبی

بن حسن بن علی بن ابیطالب
بود و وی را قریشی هاشمی
علوی فاطمی میخواندند و وی
امام سوم است از امام اربعه
اهل سنت اول در مدینه منوره
کسب علوم از امام مالک نمود و چون
بعراق آمد با امام محمد شاگرد
امام اعظم صحبت داشت و استفاده
نمود و ولادت وی بمقام غزه
بقولی در عسقلان و بقولی در یمن
و وفات وی در جمعه سلخ ماه رجب در
قرافه مصر بوقوع آمد ذات
با برکات وی دریای فیضی
بود که بر وی زمین جاری شد
خلقی بسیار و طلبا بیشمار از ذات
وی فواید علوم دینی و دنیاوی
یافتند ۱۲ منتخب

ع و وی امام هشتم است
از ائمه اثنا عشر و کنیت وی
ابو الحسن چون ... نام وی علی و لقب
رضاست و نام پدر وی موسی کاظم و ولادت وی در مدینه
منوره روز پنجشنبه یازدهم
ربیع الآخر ... و وفات وی بتاریخ
... بمقام طوس بوقوع آمد
... رمضان المبارک ...

[illegible]

ارتحالش طالب محبوب حق	سال مولود است اولاد علی
مثنوی	
ابن موسی علی امام رضا	آنکه راضی است با رضای خدا
پیشوائی طریق حق طلبی	مقتدای ره خدا جوئی
سال تولید سید ذی جاه	هست اهل جلال و والا جاه
گو محب زمانه تولیدش	خوان تو قطب زمن ترحیلش
سال ترحیل آن شهنشه دین	گفته اند اهل دین و اهل یقین
سال ترحیل آن شه مسعود	هاتفم زد ندا ست علی محمود
ذات او بود بدر چرخ کمال	بدر گشته عیان بسال وصال
ذات او پیر کامل دین بود	گو بوصالش که واصل دین بود
بود جان و تنش سرا پا درد	سال وصلش خرد بگفت با درد
سال ترحیل آن امام ولی	شد ندا زنده دل ولی مهدی

تاریخ ولادت و وفات امام محمد تقی رضی الله عنه که ولادت وی در سال یکصد و نود و پنج و وفات در سنه دو صد و بست یا بست و یک یا بست و نه آمده

آن محمد تقی امام زمن	گلبن گلشن حسین و حسن
متقی و تقی است تعریفش	شاه سید ولی است توصیفش
سال تولید آن حنا یابست	گفت سرور امام اقطاب است
سال تولید اوست گر مطلوب	تو بجویش ز قبله محبوب
سال تولید آن شه نیکو	دان مه اوج علم صادق گو
سال تولید او فقیه بدان	رحلتش سید حلیم بخوان
رحلت آن شه تقی و ولی	گشت روشن ز ماه دین علی
سال وصلش اگر کنی تحقیق	گشت پیدا ز زاهد صدیق
سال ترحیل آن شه اعظم	هست مهدی هادی عالم

تاریخ ولادت و وفات امام احمد حنبل رضی الله عنه که ولادت وی در سال یکصد و شصت یا شصت و چهار یا شصت و پنج و وفات در سنه دو صد و چهل و یک یا چهل و دو آمده

۹۷
کنیت وی ابو جعفر ثانی و لقب وی تقی و جواد و نام مادر وی سکینه است و نام مادر وی خیزران از قبیله ماریه قبطیه بود و وی امام دهم است از ائمه اثنا عشر و چون مامون خلیفه بغداد را صبیه‌ای بود ام الفضل نام بزوجیت امام علی بن موسی الرضا نسبت ... ۱۲

برای ترجیح بوی میفرستاد چون مامون وفات یافت معتصم بالله بن ابراهیم بن مامون بتخت سلطنت بنشست بعد انقضای عرصه‌ای ماه بر حضرت امام بدظن شد و از مدینه در بغداد طلب کرد و در زندان برده زهر هلاهل در طعام با آنحضرت داد امام بایین صدمه شربت شهادت چشید باسعادت در بغداد مدفون گشت ولادت آنحضرت در جمعه دهم ماه رجب و شهادت ششم ماه ذی الحجه و بقولی بتاریخ سلخ ذیقعده بود و عمر شریف بست و پنج سال است ۱۲

جناب احمد حنبل شه دین	که بود او جامع معقول و منقول
بتولیدش رقم کن قطب احمد	بترحیلش بخوان محبوب و مقبول

مثنوی

احمد حنبل آن امام همام	صاحب دین و اصل اسلام
هست تولید آن عجب دلخواه	اقدس و احمد ولی الله
سال تولید آن امام زمان	عالم پاک و زیب عالم خوان
سال تولید آن شه اعظم	ناطق است و دگر مسیحا دم
ذات او بود کان صلح و فلاح	سال تولید اوست اهل صلاح
سال تولید آن شه والا	قدس خوان معدن و نقی فرما
سال تولید آن عیان گفتم	سرور اصاحب جهان گفتم
سال ترحیل آن شه اکمل	هست محمود احمد حنبل
سال ترحیل اوست ای مشتاق	صاحب علم و مهدی آفاق
نیز سرور بدرد و رنج و ملال	گفت مقبول دین بسال وصال

تاریخ ولادت و وفات امام علی نقی رضی الله عنه که ولادت وی در سال دو صد و دوازده یا ۱۳ یا ۱۴ یا ۱۵ و وفات در سنه دو صد و پنجاه و دو یا سه یا چار یا پنج بوقوع آمد

نقی روح جهان جان زمانه	که بود او شاه شاهان زمانه
علی هادی امامش هست تولید	وصال اوست سلطان زمانه

قطعه ثانی

حضرت علی که ذات معلی‌اش سر بسر	در جسم جمله اهل جهان بود مثل جان
پیر است و روح قطب زمانه ولادتش	هادی صدق و طاهر و اطهر شده عیان
مهدی علی جمیل بگو ارتحال او	آل نبی نقی و محمد نقی بخوان

تاریخ ولادت و وفات امام حسن عسکری رضی الله عنه که ولادت وی در سال دو صد و سی و یک یا دو یا سه و وفات آن جامع الکمالات در سال دو صد و شصت هجری بوقوع آمد

حسن آن حسن دین مصطفوی	پیشوائی جهان امام زمان
قطب سید ولی‌ست تولیدش	نیز سید ولی عالی دان

احمد را سه خصلت است [illegible]
کم رایست او ل جلال طلب
کردن برای خود و عیال خود و
کم [illegible] برای خود [illegible]
و نحو مشغول است و من [illegible]
در علم وارث پیغمبر است و من [illegible]
وفات آن جامع الکمالات [illegible]
دوازدهم ربیع الاول بوقوع آمد
و صد و [illegible]
و الا [illegible] کتب
الملقب بمتوکل علی الله [illegible]
مذهب معتزله اختیار کرد [illegible]
زیاده [illegible]
[illegible]

هست قطب المحسن وصال او — باز قطب الموحدین برخوان
بحر مواج سال ترحیلش — گشت از ابر فیض طبع روان

تاریخ ولادت و غیبت امام محمد مهدی رضی الله عنه که ولادت وی در سال دوصد و پنجاه و هشت یا پنج و غیبت یا وفات در سنه دوصد و شصت و چار یا پنج یا شش بوقوع آمد

مهدی و هادی امام اولیا — مقتدای دو جهان سید امین
هست ثابت مهدی عالم پناه — سال تولیدش بنزد اهل دین
نیز حسن علم میگردد عیان — سن تولید امام المسلمین
ارتحالش مهدی اهل صفات — بار دیگر مهدی اهل یقین

مثنوی

هادی خلق مهدی دوران — نام نامی وی محمد دان
سال مولود آن شه مسعود — طرفه سلطان حق خرد فرمود
سال مولود او چها گفته — عقل مهدی حق نما گفته
سال تولید او چو گوهر سفت — عقل سلطان ولی مهدی گفت
شد چو غایب ز چشم اهل زمن — سن و سالش سراج شد روشن
میشود سال غیبتش مفهوم — گر شماری ز هادی معصوم
باز تاریخ غیبتش به یقین — گشت پیدا از قطب کامل دین

گنج دوم در ذکر قطعات وفات بزرگان متوسلان خاندان قادریه اعظمیه که متعلق بحضرت غوث الاعظم قطب العالم ابو محمد محی الدین عبد القادر جیلانیست از شروع سلسله تا این زمانه

تاریخ وفات حضرت معروف کرخی قدس سره که وفات وی در سال دوصد یا دوصد و دو یا دوصد و شش است

شیخ معروف پیر واصل کرخ — گشت چون از جهان دنیا طاق
زبده اصفیاست تاریخش — شد عیان نیز زبده آفاق
صاحب عادل است و اهل یقین — باز تاریخ آن شه مشتاق

قطعه ثانی

شیخ والا حضرت معروف کرخی مقتدا — چون ازین دنیای فانی کرد رحلت در جنان

گفت وی ابو القاسم و لقب وی منتظر و مهدی و حجة الله و قائم و خاتم الائمه است صاحب الزمان و خلیفه الرحمن است از و وی امام دوازدهم است و بقول اهل سنت ... اثنا عشر و بقول ... ولادت وی در سر من رای و ولادت وی پانزدهم ماه رمضان تاریخ ... سال دوصد و پنجاه و شش و بقول اهل تشیع پانزدهم شعبان بوقت قبل از ظهور صبح ... دوصد و پنجاه و پنج بوقوع آمد نام والده ماجده وی ... صیقل و بقولی سوسن و بقولی نرجس بود و مولانا عبد الرحمن جامی ... چون امام ... غائب شد ... 15 ... جاء الحق و زهق الباطل ان الباطل کان زهوقا نوشته بود ... کنیت وی ابو محفوظ است و نام پدر وی ابو فیروز و بقولی فیروزان اول پدرش در دین ترسا بود و چون معروف بخدمت حضرت علی بن موسی رضا رسید و مسلمان شد پدر و مادرش متابعت پسر با سلام مشرف شدند و حضرت امام والدش را بنام خود که علی بود موسوم کرد و معروف را بخدمت خود دعا داد و تکمیل وی معروف گشت تا از کاملین وقت شد و معروف در عالم ظاهری شاگرد رشید امام ابو حنیفه کوفی بود ... طریقت ... امام علی ... امام ... ماه محرم وفات ...

هر سه اقوال اند در سال وصالش ای عزیز	قطب کامل نیز قطب الدین و مصباح جهان
تاریخ وفات شیخ سری سقطی قدس سره که وفاتش در سال دو صد و پنجاه یا پنجاه و سه بوقوع آمد	
شیخ سری امین سر خدا	محرم راز و واقف تقدیر
سال وصلش بجو ز قطب الحق	بازخوان سن ارتحالش سیر
مثنوی	
جناب شیخ سری شیخ آفاق	چو زین دار فنا شد ذات او طاق
بسال رحلت آن شاه والی	ندا آمد که عبد الله عالی
بسال رحلت آن شیخ محمود	خرد سلطان اهل و دین بفرمود
بسال رحلت آن پیر ذیجال	ندا آمد ز هاتف پیر ابدال
چو بود او شاه شاهان زمانه	بجو وصلش ز سلطان زمانه
چو ذاتش بود قطب ملک سرمد	عیان سالش ز قطب العالی آمد
تاریخ وفات شیخ جنید قدس سره که در سال سه صد و یا دو صد و نود و هفت یا نود و هشت یا نود و نه باختلاف روایات بوقوع آمده بود	
شیخ ابو القاسم جنید نامور	بود شاهنشاه قطب الاولیا
شد چو در جنت عیان شد سال وصل	از ولی الله قطب الاولیا
نیز کردم سال ترحیلش رقم	طالب الله قطب الاولیا
قطعه ثانی	
شد چو از دنیا ابو القاسم جنید	در جنان نور الهی شد عیان
کرد تاریخش مه انور ظهور	همچنان نور الهی شد عیان
قطعه ثالث	
سید الطائفه امام همام	آنکه او بود مرشد دوران
سال نقلش بگو نور آه نما	یا بخوان اکمل زمین و زمان
باز گفتا جنید و اصل حق	سرور زار سال رحلت آن
مثنوی	
سید الطائفه ولی زمان	یعنی حضرت جنید عالیشان

باطن مدرجه کمال رسید و در علوم ظاهر و اول کسیکه در بغداد سخن توحید و اسرار حقائق یاد و ابلند کرد وی بود و وی کار تجارت داشت و در بازار نشستی و دوکانی داشت پرده بر در آویخته در وی تمام روز بعبادت مشغول ماندی و هزار رکعت در شب و هزار در روز ادا کردی و مشائخ عراق مرید وی بودند و خال شیخ جنید و پیر وی بود و در خرید و فروخت از ده دینار نیم دینار بیش طمع سود نداشتی ۱۲

اهل و لغت است شیخ وقت و مقتدای زمان و امام و پیر معروف کرخی و ... است او الحسن

۱۶

ابو القاسم ... سید الطائفه و طاوس العلماء ... شیخ جنید ... سری سقطی ... شیخ حارث محاسبی ... صحبت داشت ... ابو الحسن نوری ...

[illegible]

رفت چون از جهان بباغ جنان / نامور گشت سال رحلت آن
ذات او بود بدر چرخ کمال / بدر کامل بگو سال وصال
جلوه گر گشت چون مه زیبا / سال وصلش زنیر و الا
سال ترحیل آن شه اکبر / مهر تابان است و هم مه انور
رحلت آن ولی حق والی / ظاهر آمد ز صوفی عالی
وصل آن پادشاه متقیان / میر والی بگو صبور جوان

تاریخ وفات شیخ ابوبکر شبلی که در سال سه صد و سی و چار و یا پنج یا چهل و دو بود

شیخ دین شبلی است پیر بی نظیر / یافت چون از دهر در جنت مقام
سید دوران است سال وصل او / هم محب اصفیا هادی امام
سال وصلش پیر دین محبوب گو / هم بخوان محرم ولی ای نیکنام
هم ولی الله ابوبکر آمده است / باز صدیق مکمل و الاسلام
دوران مقرب بازخوان والاقدر / سال ترحیلش باقوال عوام

تاریخ وفات شیخ عبدالواحد تمیمی قدس سره که در سال چارصد و بست و پنج بود

جناب عبد واحد شیخ اکبر / بر اوج شرع شمس الظهر انور
بشکل ماه چون اندر جنان شد / بوصلش نور حقانی عیان شد
چو تاریخ وصال او عیان کرد / ز نامم سید عارف بیان کرد
بحق چون گشت از عالم وصالش / ندا شد عارف دین با کمالش

قطعه

رفت یکتا چو از جهان فنا / عبد واحد ولی شه ابرار
فرد عالم بگو بترحیلش / بازخوان مقصد کمال ای یار

ایضا

عبد واحد چو بصد عزت و شان / جست زین دهر سوی جنت راه
سال تاریخ شه احسان گو / هم دگر بار شه عالی جاه

تاریخ وفات شیخ ابوالفرح طرطوسی قدس سره که در سال چارصد و چهل و هفت بود

حضرت شیخ ابوالفرح طرطوسی ولی / شیخ والا مرشد پیر و جوان

تیمی است قدوه اولیای زمان و زبده مشایخ جهان صاحب مقامات بلند و ند ارج ارجمند نور اصل وی از

شد چو از دنیا بفردوس برین … بود پیری بی ریا سالش بدان
هم بگو بوالفرح محبوب سنی … نیز محی الدین طرطوسی بخوان
والی کشف و دگر کاشف ولی … سال وصلش آمد از سرور جهان
باز وصل آن شه عالی جناب … شاه عالم گشت از خاطر عیان

تاریخ وفات شیخ ابو الحسن قریشی هنکاری قدس سره که در سال چارصد و هشتاد و چار یا هشتاد و پنج یا هشتاد و شش بوقوع آمد

بوالحسن آن رهبر دین رسول … چون ز دنیا گشت راهی در جنان
آفتاب آمد دگر تاج عطا … سال وصل آن شه والامقام
سرور هادی بگو ای خوش خصال … شاه طیب بوالحسن دان ای جوان
هم شه عادل امام الاولیا … قطب ربانی ولی الله خوان
گفته ام اهل محبت ای عزیز … باز مهتاب ازل کردم بیان

تاریخ وفات شیخ ابوسعید مبارک مخزومی قدس سره که در سال پانصد و سیزده یا هشت از هجرت حضرت شاه رسالت بوقوع آمد

بوسعید آن اسعد دور زمن … جلوه گر شد درخشان چون ماه عید
قافله سالار سالش هست نیز … عابد طیب مبارک بوسعید
شمس حق گو باز قطب عارفان … سال وصلش ظل فضل گفت و شنید

قطعه ثانی

آن مبارک شیخ پیر بوسعید … مقتدای اولیا و اتقیا
شد چو از دنیا بگو تاریخ او … هادی محبوب پیر بی ریا
هست اسرار الهی سال او … باز دل فرمود پیر رهنما

تاریخ وفات شیخ حماد دباس بغدادی قدس سره که در سال پانصد و بست و پنج یا پانصد و سی و یک بعرصه وقوع آمد

شیخ حماد پیر روشن دل … بود در ستر معرفت مستور
سال ترحیل اوست پیر طریق … هم رقم کن زهی مه پر نور
سن وصلش فقیر فانی دان … رکن دوران دگر بکن منظور

۱۸

اول دل مجتبی است تاریخش	هم عنایت زخامه کرد ظهور

تاریخ وفات شیخ بقا قدس سره که در سال پانصد و پنجاه و سه بوقوع آمد

چون بقا با صد هزاران خوبی	رفت از دار فنا سوی بقا
سال ترحیلش زسرور شد رقم	زنده آفاق قطب الحق بقا
هم بتاریخ وصال آنجناب	واصف ارشاد باشد مدعا
پس فنی زنده ولی رهبر بگو	سال وصل آن ولی الاتقیا

تاریخ وفات شیخ علی بن هیتی که در سال پانصد و شصت و یک بوقوع آمد

قطعه علی رهنمای خفی و جلی	علی راز دار علی و نبی
بگو کامل عشق ترحیل او	دگر بود مقبول دوران علی

قطعه ثانی

طالب حق شاه علی ولی	رفت چون زین دهر بخلد برین
سال وصالش چو بجستم ز دل	گفت علی عالم علم یقین

قطعه ثالث

رفت بر عرش چون زفرش نبی	شاه عرش آستان علی والی
سرور زار سال ترحیلش	گفت شاه زمان علی والی

قطعه رابع

بست چون رخت سفر از دار دو	شاه عالی حضرت مولی علی
تاریخ گوشه گیر است و دگر انور است	سال وصل آن ولی متقی

تاریخ ولادت و وفات حضرت غوث الاعظم شیخ سید ابو محمد محی الدین عبد القادر گیلانی که ولادت آنجناب در سال چارصد و هفتاد و یک و وفات در سنه پانصد و شصت و یک یا شصت و دو بوقوع آمد

عز آل حیدری و فخر اولاد حسن	عبد قادر شاه محی الدین ولی ممتاز
دوست فرما عشق گو عاشق بدان ثبت نحو	سال تولیدش دگر محبوب سلطان الکبیر
باز از دل گشت محی الدین نورانی رقم	نیز محی الدین بحر حق تولیدش کبیر
از وصال پاک او سلطان عبد القادر	عاشق کامل دگر مهدی ولی الله قدیر

۱۹

عبد القادر الحسنی الحسینی الگیلانی است و نسبت آبای کرام آنجناب بحضرت حسن بن علی رضی الله عنه میرسد که آنحضرت بن ابو صالح بن سید موسی بن سید عبد الله بن سید یحیی زاهد بن سید محمد بن سید داؤد بن سید موسی ثالث بن سید عبد الله محض بن المثنی الحسن المثنی بن امام حسن بن علی رضی الله عنهم و والده ماجده آنجناب بی بی فاطمه ام الخیر بنت سید عبد الله صومعی بن سید ابو الجمال بن سید ابو محمد بن سید احمد بن سید محمود بن سید عبد الله بن سید کمال بن سید علی بن سید علاء الدین محمد بن امام جعفر صادق بن امام محمد باقر بن امام زین العابدین علی بن سید الشهدا حسین بن علی المرتضی [illegible]

سره عالم صلی الله علیه و سلم یافت و بظاهر خرقه خلافت از شیخ ابو سعید پوشید و حنبلی مذهب بود و آنجناب والی

گفت مسکین عبد فادر هم فقیر نیکنام | خامه ام از بهر وصل آن شه روشن ضمیر
عارف محبوب محی الدین شده تاریخ او | باز محی الدین کن الحق خبر شد از ضمیر

مثنوی

محی دین غوث معلی قطب دین | ذات او محبوب رب العالمین
پیر پیران میر میران دستگیر | شاه والا پیر هر برنا و پیر
قرة چشم جناب مصطفی | نور حق لخت دل خیر النسا
سال تولیدش بگو ای مدح خوان | پیر محی الدین ولی جهان
بالیقین تولید آن ولی حق | خوان امام المسلمین ولی حق
سال تولیدش بعبد صدق و صفا | شد رقم محبوب قطب اصفیا
سرور ا تولید آن پیر نکو | بالیقین سید ولی عارف بگو
سال تولیدش چه خوشتر گفته ام | عارف احسن دگر بحر کرم
گفت دل سال وصال او چنین | اهل دل محبوب رب العالمین

تاریخ وفات شیخ قضیب البان قدس سره که در سال پانصد و هفتاد و نود و ...

رهنمای جهان قضیب البان | شیخ ذی جاه رهبر معصوم
رحلتش کاشف القلوب بگو | خوان دگر بار پیر دین مرحوم
باز سال وصال او گردید | هادی متقی ز دل معلوم

تاریخ وفات شیخ احمد بن مبارک قدس سره که در سال پانصد و هفتاد و دو و ...

شیخ احمد بن مبارک چون بفضل ایزدی | یافت از دنیای دون در جنت اعلی مکان
رحلتش احمد مقدس بن مبارک شد رقم | نیز احمد نور ربانی شد از سرور عیان
شهسوار است و دو باره شمس دین حق بگو | رحلت آن پیر عالم گیر شاه دو جهان

تاریخ وفات سید احمد رفاعی قدس سره که در سال پانصد و هفتاد و دو بود ...

سید احمد رفاعی سرور دور زمان | شد چو از دنیای فانی راهی خلد برین
قطب کامل شاه دین شد سال رحلتش رقم | هم بگو احمد رفاعی سید هادی بدین
عاشق نامی است هم سال وصال آنجناب | نیز زیبا ماه ارشاد هست ای اهل یقین
هم بخوان احمد مکرم قطب حق ای مهربان | باز احمد صاحب وحدت بخوان ای اهل دین

از عظمای خلفای غوث اعظم است و بار دوم [illegible] انجناب بود و تمام عمر در خدمت آنحضرت بسر برده و جامع علوم ظاهر و باطن [illegible] در بغداد [illegible] ۱۲

نام پدرش ابی الحسن و از سادات حسینی است نسبت آبای وی با مام علی بن موسی رضا و نسبت طریقت وی بشیخ [illegible]

[illegible] ۲۰

شیخ [illegible] از خلفای حضرت غوث الاعظم [illegible] [illegible] حضرت [illegible] والده [illegible] [illegible]

تاریخ وفات سید شرف الدین عیسی خلف الرشید غوث الاعظم که در سال پانصد و هفتاد و سه بوقوع آمد

شیخ شرف الدین چو رفت اندر جنان … سال وصل آن شه اهل کمال
کن رقم مسعود سید پیشوا … شفیق پاک هم سال وصال
ذات پاکش بود میر عاقبت … عاقبت شد عاقبت تاریخ سال

تاریخ وفات شیخ صدقه بغدادی قدس سره که در سال پانصد و هفتاد و سه بوقوع آمد

امام جهان صدقه پیر کبیر … فدا کرد در عشق حق جان و تن
زسرور از حق سال وصلش بگو … دگر صدقه صادق امام زمین

تاریخ وفات بو عمر قدس سره که در سال پانصد و هفتاد و پنج بوقوع آمد

بو عمر آن مخزن نور خدا … شد چو در خلد برین منزل گزین
سال وصلش بو عمر ابو ر بخوان … نیز فرما مطلع نور یقین
ارتحالش آفتاب کامل است … نیز میر جنتی ای اهل دین

تاریخ وفات شیخ محمد الاوانی قدس سره که در سال پانصد و هفتاد و شش بوقوع آمد

چون محمد از جهان با لطف حق … گشت در فردوس دالا بهره یاب
رحلتش سرور از عاشی شد عیان … نیز شد روشن محمد آفتاب
باز سال ارتحال پاک او … اهل تسلیم آمده اندر حساب

تاریخ وفات شیخ ابو مسعود بن شبلی قدس سره که در سال پانصد و هفتاد و نه بوقوع آمد

شیخ ذی رتبه پیر عالمگیر … بو مسعود آنکه بود زبده حق
عاشق حق بگو بر حلت او … هم شه بو مسعود زبده حق

تاریخ وفات شیخ حیات حنبرانی قدس سره که در سال پانصد و هشتاد و یک بوقوع آمد

چون سفر کرد از جهان فنا … در جنان مهدی زمانه حیات
رحلتش منبع حیات بگو … هم بخوان مهدی زمانه حیات

قطعه ثانی

حیات آب حیات چشمه دین … چو از دنیا به جنت گشت پیدا
ندا شد از دلم اشرف لباسش … دگر آمد عیان شمس المعلی

تاریخ وفات شیخ ابو عبد الرحمن قدس سره که در سال پانصد و هشتاد و هفت بوقوع آمد

٢١

چو از دنیا بجنت گشت راهی — شبه اهل یقین مقبول رحمان
وصالش و اسے تسلیم بیدیت — دو باره به حسین مقبول رحمان
دگر بار ایسال رحلت او — عیان شد ماه دین مقبول رحمان

قطعه ثانی

بجنت شد چو از دنیای فانی — رحیم و ارحم محبوب رحمان
بتاریخ وصالش گفت سرور — مکمل اهل دین محبوب رحمان

تاریخ وفات سید شمس الدین عبد العزیز قدس سره که در پانصد و هشتاد و نه بوقوع آمد

سید و سجاده و عالی مرتبت — مرشد حق نما حق بین عزیز
رحلتش مهتاب عالم گفته ام — نیز شد روشن ز شمس الدین عزیز

تاریخ وفات شیخ ابو شعیب بن مغربی که در سال پانصد و نود و هجری بوقوع آمد

شیخ بو مدین شعیب مغربی — آن امام دین شه دور زمن
هست تاریخ وصال آنجناب — زاهد هادی شعیب بن حسن
سید طیب ابو مدین شعیب — هست سال وصل آن فرخنده تن
هم رقم کن سعد ان نور یقین — سال ترحیلش اگر خواهی ز من

قطعه ثانی

چو بو مدین شعیب آن والی دین — ز دنیا رفت در خلد معلی
شده روشن ز روشن قول وصالش — شریف آمد دگر از دل هویدا

تاریخ وفات سید تاج الدین عبد الرزاق قدس سره که در سال پانصد و نود و پنج بوقوع آمد

شد ز دنیا چو در بهشت برین — عارف حق نجیب تاج الدین
کاشف صدق سال وصلش گو — نیز سید حبیب تاج الدین

قطعه ثانی

تاجدار اهل جنت باصفا — شیخ تاج الدین امام المسلمین
ارتحالش آفتاب عالی است — هم بخوان تاج کمال اهل دین
پس محب مقتدا گو وصل او — بازخوان شاه جهانگیر از یقین

تاریخ وفات سید ابو الفضل محمد قدس سره که در سال ششصد بوقوع آمد

سید ابو الفضل فضل اهل فضل — شد چو از فضل خدا اندر جنان

میر فردوس است سال وصل او	هم محب متقی کردم بیان
کاشف حق کامل آمد رحلتش	زبدهٔ اشراف هم گشته عیان

تاریخ ولادت و وفات سید ابوزکریا که ولادتش در سال پانصد و پنجاه و وفات در سنه ششصد هجری بوقوع آمد

شیخ زکریا ابو یحیی که بود	شاه عالی قدر چشم علی
قبلهٔ حاجات و عارف حق نما	سال تولیدش نوشتم ای اخی
هم ولی اهل حکمت کن رقم	نیز فرما تاج اهل دین ولی
عاشق پاکیزه دل هم گفت دل	سال تولیدش دو باره متقی
عصمت آمد سن ترحیلش دگر	عارف حق سید طیب ولی

تاریخ ولادت و وفات سید سیف الدین عبد الوهاب قدس سره
که ولادتش در سال پانصد و دوازده و وفات در سنه ششصد و سه بوقوع آمد

شاه سیف الدین شه سرور سرای	قاتل کفار با شمشیر دین
سال تولیدش بشیر آمد عیان	تاج حق فرما و هم مهتاب دین
قطب عرفان نیز سالک کاشف است	طالب عشق است و قطب الشاهدین
گفت سیف الدین سر حق خرد	ارتحال آن شه روی زمین
مقتدای اولیا گو وصل او	عالم اسرار خوان با صد یقین
ارتحالش آفتاب احسن است	نیز شاه نامور ای نکته چین
سیف حق سلطان صادق گفته ام	وصل آن شیخ یقین بر امین

تاریخ ولادت و وفات سید ابو نصر موسی قدس سره که ولادتش در سال
پانصد و بست و نه و وفات در سنه ششصد و شانزده بوقوع آمد

حضرت بونصر پیر باکمال	رهبر عالم شه روی زمین
شد ز دل مفتاح تولیدش عیان	صاحب توحید و هم سردار دین
شاه اکبر خوان و معشوق احد	سال تولیدش بگو اب مومنین
رحلتش بونصر مقبول انام	نیز شد سید از مهتاب یقین
یار رهبر سید مرشد بگو	ارتحال پاک او فارغ نشین

تاریخ وفات شیخ موفق الدین مقدسی قدس سره که در سال ششصد و بست بوقوع آمد

زا السمین حضرت غوث الاعظم قطب العالم [illegible]
محی الدین [illegible] علوم [illegible]
[illegible] غوث الاعظم [illegible]
[illegible]

۳۳

صوفی [illegible] عبد السلام الملقب [illegible]
[illegible] شیخ کامل [illegible]
[illegible] علوم فقه و حدیث و [illegible]
[illegible] در انجا [illegible] وفات یافت [illegible]

چو آن شیخ موفق بن محمد	ز دنیا گشت سوی خلد ماسور
رقم کن لفظ برکت یا تبرک	بتاریخش دگر نور علی نور

تاریخ ولادت و وفات سید ابو اسحاق ابراهیم قدس سره که ولادت وی در سال پانصد و بست و هفت و وفات در سال ششصد و بست و سه بوقوع آمد

سید ابراهیم پیر رهنما	حامی دین پیشوای دو جهان
کاشف دین نبی تولید اوست	رحلتش دان کاشف عالی مکان

قطعه ثانی

شیخ بو اسحاق ابراهیم دین	پیر عالم سید اهل کمال
دال شیخ ز تولیدش بگو	باز ابراهیم نور حق وصال

تاریخ وفات شیخ صدر الدین قونیوی قدس سره که در سال ششصد و سی و [illegible]

صدر دین صدر اولیای کرام	شد ز دنیا چو در بهشت برین
وصل او هست آفتاب علوم	نیز واصل صدق صدر الدین
متقی نیک و رهبر اکبر	هست سال وصال آن حق بین
باز فرما ولی دین وز دین	سرور او وصل او بصدق یقین

تاریخ ولادت و وفات شیخ محی الدین ابن العربی که ولادت وی در سال پانصد و شصت و وفات در سنه ششصد و سی و هشت بوقوع آمد

محی دین پیر زنده دل والا	هادی سالکان رهی بر دین
هست سال ولادتش نعمت	صاحب کشف مهدی هست برین
نیز جویش ز صاحب التوحید	عارف دین رهبر بخوان بیقین
عقل فرمود صاحب الارشاد	سال ترحیل او لقب تزئین
کن رقم نیز هادی تحقیق	هم بخوان آفتاب محی الدین

تاریخ وفات شیخ محمد بن احمد الاجوینی که در سال ششصد و پنجاه و هشت بوقوع آمد

شیخ احمد چو از عنایت حق	کرد رحلت ازین جهان بوطن
رحلتش آفتاب صاحب حق	کن رقم نیز ماه نور روشن
باز احمد شه بکرم دان	وصل آن پادشاه دور سخن

تاریخ وفات سید امام عبد الله یافعی قدس سره که در سال هفتصد و پنجاه و پنج یا شصت بوقوع آمد

آن امام یافعی نور اله	بود اندر مکه یک قطب الولی
هاتفم فرمود سال رحلتش	کاشف اسرار امام یافعی
هم رقم کن زاهد اهل بهشت	هم ولی بو سعادت یافعی
اهل دل مخدوم هم گردد عیان	هم شهنشاه عزیز است ای ولی

تاریخ وفات سید عبد الملک بهاکهری که در سال هشتصد و پنجاه و پنج بوقوع آمد

مقتدای دو جهان عبد الملک	هادی و مهدی امین سید شریف
رحلتش خوان مقتدای پیر زمان	نیز کامل اهل دین سید شریف

تاریخ وفات سید عبد الواسع بهاکهری قدس سره که در سال هشتصد و هشتاد بوقوع

عبد واسع سید هر دو سرای	مقتدا و رهنما و متقی
شمع عشق آمد وصال پاک او	باز فرما سید مخلص ولی

تاریخ وفات سید عبد الخالق بهاکهری که در سال نهصد و هفت بوقوع آمد

شاه عبد الخالق آن هادی خلق	شد چو از دنیا بفردوس برین
کاشف ارشاد گو تاریخ او	نیز فرما عبد خالق اهل دین

تاریخ وفات شیخ بهاء الدین جمشیدی قدس سره که در سال نهصد و بیست و یک بوقوع آمد

شیخ روی زمین بهاء الدین	ماه فردوس و بدر چرخ کمال
رفت چون از جهان بجنت خلد	عارف شرع و ذاکر آمد سال

تاریخ وفات سید محمد غوث حلبی اچی گیلانی قدس سره که در سال نهصد و بیست و سه بوقوع آمد

بفردوس برین چون کرد رحلت	محمد غوث پیر سید دین
محمد شاه میران قطب اقطاب	بگو تاریخ او با طرز رنگین
دگر سلطان اکبر متقی گو	بسال رحلت آن شاه حق بین

قطعه ثانی

چو شد از جهان به بهشت برین	جناب محمد امام زمان
شنو دسال ترحیل آن شاه دین	زمخدوم عالم محمد عیان

تاریخ وفات شیخ فیروز لاهوری که در سال نهصد و سی و سه بوقوع آمد

چو از دنیا بفردوس برین رفت — جناب شاه طلق حق آگاه فیروز
چو از دل سال ترحیلش بجستم — عیان شد میر سید شاه فیروز ۹۳۳

قطعه ثانی

شد چو از عالم بخلد جاودان — معدن نور خدا فیروزشاه
عارف اشراف تاریخش بگو — نیز قطب الاصفیا فیروزشاه ۹۳۳

تاریخ ولادت و وفات سید عبدالقادر ثانی اچی که ولادت وی در سال هشتصد و شصت و دو و وفات در سنه نهصد و چهل بوقوع آمد

عبد قادر ولی ثانی — شیخ ذیجاه سید معصوم
طرفه مشکل‌گشای عالم شد ۹۴۰ — سال تولید آن ولی مرقوم
میر مخدوم گو به ترحیلش — هم بخوان ماه علم دین مخدوم ۹۴۰
شاه خلد است و رهنمای خلد ۹۴۰ — گر کنی سال وصل او معلوم

قطعه ثانی

شیخ نامی پیر عبدالقادر است — سید عالی شه روی زمین
طرفه تاج الفقر و اصلی شد رقم ۹۴۰ — سال تولیدش بدان الهی چل دو بین
سن ترحیلش باقوال صحیح — دان خداداد آن سید اهل یقین

تاریخ وفات سید محمود حضوری لاهوری که در سال نهصد و چهل و دو بوقوع آمد

رفت از دنیا چو بر اوج جنان — سید محمود پیر با کمال
صاحب مشتاق تاریخش بگو ۹۴۲ — نیز شمس العارفین اهل جمال ۹۴۲
هم بکرم مرشد محمود خوان ۹۴۲ — باز فضل ایزدی دانش وصال

تاریخ وفات سید عبدالقادر گیلانی لاهوری که در سال نهصد و چهل و دو بوقوع آمد

عبد قادر سید نورانی است — قطب دوران سالک ربانی است
خیر اسلام آمده ترحیل او ۹۴۲ — بار دیگر عبد قادر ثانی است ۹۴۲

تاریخ وفات سید عبدالرزاق گیلانی اچی که در سال نهصد و چهل و دو بوقوع آمد

عبد رزاق شاه والا جاه — رفت چون در جنان ز دور زمان
میر حق آفتاب گوش لنش ۹۴۲ — باز مخدوم قطب عالم خوان ۹۴۲

در لاهور آمده سکونت ورزیدند ف صاحبزاده بلند اقبال سید عبدالقادر ثانی بن سید محمد غوث اچی است بوقت وفات پدر

تاریخ وفات سید مبارک حقانی گیلانی اچی که در سال نهصد و پنجاه و شش بوقوع آمد	
مبارک شد چو فردوس معلی	بان احمد مبارک پیر ملت
ز فیض الله سرور رحلتش یافت	دگر فضل الهی گشت گویا
بگو سید مبارک پیر رهبر	ولی دو جهان مشتاق فرما
بکرم یار حق سید مبارک	عیان شد وصل آن شاه معلی
دگر شیخ ولی و ماه فضل است	وصال آن ولی محبوب مولی
تاریخ وفات سید محمد غوث بالاپیر صاحب شکره که در سال نهصد و پنجاه و نه بوقوع آمد	
شد چو در خلد برین منزل گزین	آن محمد غوث پیر دستگیر
دان وصالش میر مهدی مستقیم	نیز صادق شاه بالاپیر پیر
باز عارف با خدا شد جلوه گر	سال وصل آن شه روشن ضمیر
تاریخ وفات سید بهاول شیر گیلانی حجره واله که در سال نهصد و هفتاد و سه بوقوع آمد	
چون بهاء الدین ز دنیا رخت بست	رفت در فردوس چون سرو سهی
مهدی ابرار شیر آمد عیان	سال وصلش نیز شیر جنتی
شیر عرفان نبی گو رحلتش	نیز پیر دل شیر سلطان الولی
باز گو ترحیل او سر و بهشت	نیز قطب الاکرمین شیر ای اخی
قطعه ثانی	
رفت چون از جهان بهاء الدین	یافت مسکن بجنت الاعلی
پیر اهل صفا بهاول شیر	گشت تاریخ رحلتش پیدا
نیز شیر دلیر حق عالی	هست تاریخ آن شه والا
قطعه ثالث	
شد بهاول شیر در خلد برین	زین جهان پر بلا چون گشت سیر
سال تاریخ وصال آنجناب	گفت سرور قطب حق شیر دلیر
تاریخ وفات مخدوم حی قادری قدس سره که در سال نهصد و هفتاد و هشت	
شد چو مخدوم از جهان با وفا	گشت در فردوس والا جایگیر
رحلتش مخدوم قطب العالم است	هم بخوان هادی مخدوم الکبیر

۲۷

بهاء الدین بهاول شیر بن سید محمود بن سید علاء الدین المشهور زین العابدین بن سید صدر الدین بن سید ظهیر الدین بن سید شمس الدین بن سید مومن بن سید شرف بن سید علی بن سید صالح بن سید الآفاق عبد الرزاق بن حضرت غوث الاعظم قدس سره مولد وی بغداد است پدر و جد امجد از بغداد در آمده در ملتان آمدند و در پدر اوشان توطن گرفتند و ... والد ماجد ... هم بر اوشان هست و ... بمقام حجره و دی و دوصد و پنجاه سال عمر یافت و ... و ... از دوازده ...

دهشت تمام شب در نوافل گذرانیدی و در یک اجلاس ختم قران کردی

تاریخ وفات سید عبد الله ربانی گیلانی اچی که در سال هشتصد و هفتاد و هشت بوقوع آمد	
ز دنیا رفت در خلد معلی	چو شیخ پاک عبد الله معصوم
وصال پاک او از دل عیان شد	امام دین عبد الله مخدوم
دو بار ابر مهدی هشت هست	دگر فیاض مطلوب است معلوم
تاریخ وفات سید حامد گیلانی اچی مطابق هشتصد و هفتاد و هفت سال هجری	
شیخ حامد گنج بخش دو جهان	شد بملک خلد زین فانی سرا
شیخ محبوب الهی است سال وصل او	نیز حامد شاه سید مقتدا
پیر حامد خواجه محبوب خوان	سال وصل آن ولی الاولیا
سید حامد محب ذو الجلال	بهر سال وصل او شد مدعا
ابر رحمت سید حامد بگو	فضل نبوی نیز سالش بهر ورا
تاریخ وفات سید اسمعیل گیلانی قدس سره که در سال هشتصد و هفتاد و هشت بوقوع آمد	
رفت چون زین جهان بخلد برین	پیر روشن ضمیر اسماعیل
گشت تاریخ رحلتش روشن	نیر نور منیر اسماعیل
تاریخ وفات شیخ داود کرمانی حویلی والا که در سال هشتصد و هشتاد و دو بوقوع آمد	
حضرت داود شیخ باکمال	شد چو از دنیا بجنت یافت جا
کی رقم فیاض کامل رحلتش	باز فرما اهل عرفان مقتدا
زبده دین محترم پیر آمدست	نیز پیر حق پرست از دل ندا
قطعه ثانی	
بسال انتقال شیخ داود	چو سرور ماده تاریخ خواهی
عطابخش است دیگر فضلی یزدان	سه کرر خوان ولی فیض الهی
تاریخ وفات شیخ بهلول دریائی قدس سره که در سال هشتصد و هشتاد و سه بوقوع آمد	
رفت روحش باوج چرخ برین	کرد رحلت چو از زمین بهلول
هست شیخ خلیل تاریخش	هم بخوان خیر اهل دین بهلول
قطعه ثانی	
چو شد بهلول از دنیا بجنت	دو تاریخ وصال اوست دریا

یکی شد گنج فضل از عقل پیدا ۹۸۴	دگر بهلول مهتاب جهان تاب ۹۸۴

تاریخ وفات شیخ ابو اسحاق لاهوری که در سال نهصد و هشتاد و پنج بوقوع آمد

مرشد و دستگیر بو اسحاق	بود پیران پیر بو اسحاق
بهر و روز ارسال وصلش گفت	شاه عالی فقیر بو اسحاق ۹۸۵

قطعهٔ ثانی

شیخ بو اسحاق پیر رهنما	شد چو از دنیای دون اندر جنان
رحلتش گفتم فقیه معرفت ۹۸۵	هم ابو اسحاق تاج عارفان ۹۸۵

قطعهٔ ثالث

رفت از عالم چو در خلد برین با صد خوشی	آن شه آفاق بو اسحاق شیخ با کمال
ذاکر دین گو دگر مشتاق اهل حق بخوان ۹۸۵	دان امام ثابت و هم تاج اشرف ارتحال ۹۸۵

تاریخ وفات سید میر میران گیلانی اچی که در سال نهصد و هشتاد و شش بوقوع آمد

بجنت رفت از دنیای فانی	جوان مقبل مبارک میر میران
وصالش مخزن انوار فرما ۹۸۶	بخوان مقبل مبارک میر میران ۹۸۶

تاریخ وفات شاه معروف چشتی و قادری که در سال نهصد و هشتاد و هفت بوقوع آمد

ز دنیا گشت سوی خلد راهی	چو شیخ دین والا شاه معروف
وصال او بسرور گشت پیدا	ز اقدس شاه عالی جاه معروف
دگر شد شیخ عابد سال تاریخ ۹۸۷	بسال وصل شاهنشاه معروف

تاریخ وفات سید محمد نور حجره واله که در سال نهصد و هشتاد و هشت بوقوع آمد

گشت در جنت چو روشن مثل ماه	نور دین نور محمد شاه نور
سال وصلش شفقت حق گو بنیز ۹۸۸	سالک اکبر محمد شاه نیز ۹۸۸

تاریخ وفات شاه قمیص گیلانی رتهوری که در سال نهصد و دو بوقوع آمد

چون قمیص از جهان دنیا رفت	گشت چون گنج در زمین مستور
سال وصلش امام فضل آمد ۹۹۲	نیز شیخ امام کرد ظهور ۹۹۲
باز فرما قمیص بنده خاص ۹۹۲	هم بخوان اهل دل ستاره نور ۹۹۲

تاریخ وفات سید اسمعیل رتهوری که در سال نهصد و نود و چار بوقوع آمد

شد چو اسمعیل از دار البقا (٩٩٤)	مسکن خود یافت در دار السلام (٩٩٤)
رحلتش آمد عیان ممتاز وقت	نیز اسمعیل مخدوم انام

تاریخ وفات سید الله بخش گیلانی لاهوری که در سال نهصد و نود و چار بوقوع آمد

اله بخش آن ولی دین احمد	ز دنیا شد چو در خلد معلی (٩٩٤)
بجستم از خرد سال وصالش	ز فیاض زمانه گشت پیدا (٩٩٤)
اله بخش است نام آن گرامی	محمد بخش شد سالش هویدا

تاریخ وفات شیخ خضر سیوستانی که در سال نهصد و نود و چار بوقوع آمد

شیخ خضر آن رهنمای راه حق	مقتدای دین ولی متقی
هادی دین شیخ شد از دل عیان (٩٩٤)	سن وسال انتقالش ای اخی (٩٩٤)
آفتاب عارفان حق بگو (٩٩٤)	نیز سالک متقی نور الولی

تاریخ وفات سید شاه نور حضوری لاهوری که در سال نهصد و نود و هفت بوقوع آمد

گشت روشن چون بخلد جاودان	سید و سردار سپهر ورشاه نور (٩٩٧)
سال وصلش از خرد شد جلوه گر (٩٩٧)	هادی احسن منور شاه نور (٩٩٧)
ذو الکرم خوان نیز سال وصل او	هم بدان مقبول انور شاه نور

تاریخ وفات سید موسی پاک شهید گیلانی ملتانی که در سال یکهزار و یک بوقوع آمد

چو موسی از جهان رخت سفر بست	عیان شد رحلت آن شاه حق بین
ز قطب الاصفیا موسی ثانی (١٠٠١)	دگر مهتاب ثانی نیر دین (١٠٠١)

تاریخ وفات شیخ عبد الوهاب متقی شاذلی چشتی که در سال یکهزار و یک بوقوع آمد

ز دنیا شد چو در خلد معلی	جناب شیخ اکمل عبد وهاب (١٠٠١)
رضا جو شیخ کامل گو بسالش (١٠٠١)	دگر بر خوان ز افضل عبد وهاب

تاریخ وفات سید صوفی گیلانی لاهوری که در سال یکهزار و دو هجری بوقوع آمد

شه خلد صوفی صافی ضمیر	شریفی ز اولاد پاک علی (١٠٠٢)
شود سال ترحیل او جلوه گر	ز مخدوم صوفی سید ولی
ز فیاض سالک بجو رحلتش	دگر قطب فیاض دان ای اخی

تاریخ وفات سید کامل شاه لاهوری که در سال یکهزار و پنج هجری بوقوع آمد

جناب شیخ کامل صدر دیوان　　بعلم عشق کامل قطب عالم
ندا شد بهر سال انتقالش　　که شاهنشاه کامل قطب عالم

تاریخ ولادت و وفات شیخ لعل حسین لاهوری که ولادتش در سال نهصد و چهل و پنج و وفاتش در سنه یکهزار و هشت هجری مقدس بوقوع آمد

طالب عشق و عاشق جان باز　　شاه عالم حسین نور العین
گشت پیدا انیس دین بهر ست　　سال تولید او بزینت و زین
گفت سرور محقق پیر ست　　سال ترحیل آن شه کونین
شیخ محمود نیز شیخ زمان　　وصل او هست شیخ عشق حسین

تاریخ وفات شاه بدر گیلانی قدس سره که در سال یکهزار و هیژده بوقوع آمد

چو بدر الدین ازین دنیای فانی　　سفر ورزید و شد روشن بجنت
رقم کن فضل حق یا شیخ حق یار　　دگر سید ولی بدر الکرامت

تاریخ وفات شاه شمس الدین لاهوری که در سال یکهزار و بست و یک بوقوع آمد

جلوه گر شد چون باوج هفت چرخ　　روح شمس الدین ولی باصفا
سال ترحیلش عیان شد از خرد　　هادی محبوب شمس الاتقیا
فخر عالم نیز شیخ بوتراب　　باز مجذوب کریم آمد ندا
صاحب کرامت و هم عارف سخی　　شیخ عالی نیز هادی رهنما

تاریخ وفات سید عبد القادر ثالث لاهوری که در سال یکهزار و بست و دو بوقوع آمد

عبد قادر چو شد ز دار فنا　　یافت از حق بخلد والا جا
فیض اسلام گو بتاریخش　　هم بخوان عبد قادر اهل هدا

تاریخ ولادت و وفات شیخ خیر دین ابو المعالی قادری لاهوری که ولادتش در سال نهصد و شصت و وفات در سنه یکهزار و بست و چار هجری بوقوع آمد

بو المعالی خیر دین احمدی　　آنکه شد پر نور از او روی زمین
خیر دین مولی است تولیدش عیان　　رحلتش فرما معلی خیر دین

تاریخ وفات شیخ عبد الله بهشتی قدس سره در سال یکهزار و سی و هفت بوقوع آمد

شد ز دنیا چو در بهشت برین　　شیخ با اختصاص عبد الله

۱۳۱

در لاهور تشریف آورده بهدایت خلق مشغول ماند روضه عالیه وی در لاهور از شهر بیرون مزار است و کتب مصنفه وی کتاب
که وی مرید شاه اسکندر کیتهلی و وی مرید پدر خود شاه کمال و وی مرید شاه فضل و وی مرید شاه گدای رحمان و وی مرید شیخ ابو الحسن

هست وصلش امام دین فایض — نیز صدیق خاص عبد الله

تاریخ وفات شیخ طاهر لاهوری قادری که در سال یکهزار و چهل بوقوع آمد

شیخ پاکیزه طاهر و اطهر — رفت طاهر چو زین جهان بجنان
سال تاریخ آن شه ذیجاه — خواجه طاهر و مقدس خوان

قطعه ثانی

شیخ طاهر چون ز دنیا پاک رفت — سال وصل آن شه والا ولی
میشود در وشن ز روشن آفتاب — هم ولی طاهر بزرگ متقی
باز طاهر بادشاه اتقیا — سال ترحیلش رقم کن ای اخی

تاریخ ولادت و وفات حضرت میا میر بالا پیر لاهوری قدس سره که ولادتش در سال نهصد و پنجاه و هفت و وفات در سنه یکهزار و چهل و پنج بوقوع آمد

میر دنیا و دین میا میر است — واقف راز و محرم اسرار
هست پیر بهشت تولیدش — هم میا میر چشمهٔ انوار
بنده که مقتدا میا میر است — طرفه تولید آن شه ابرار
هادی صدق میر اشرف دان — واصل آن شاه زبدة الاخیار
نیز فیاض حق وصالی آمد — هم میا میر دستگیر ای یار

تاریخ وفات شاه بلاول قادری لاهوری که در سال یکهزار و چهل و شش بوقوع

ز دنیا شد چو در خلد معلی — جناب شه بلاول شاه شاهان
بگو مقبول حق پیر است تاریخ — دگر کامل مه فضیلت ای جان
بلاول قبله دین شاه عشق است — دگر مقبول عشق آمد نمایان
بلاول پیر محبوب بهشت است — وصال آن شه دین شاه عرفان

تاریخ وفات شیخ عبد الحق محدث دهلوی که در یکهزار و پنجاه و یک بوقوع آمد

ز دنیا وصل با حق یافت آخر — چو عبد الحق ولی پاک معصوم
وصالش یافتم با طرز رنگین — ز عبد الحق امام دین مخدوم

تاریخ وفات سید محمد محکم الدین حجره واله که در یکهزار و پنجاه و پنج بوقوع آمد

چون محمد مقیم محکم دین — شد ز دار الفنا مقیم بهشت

رحلتش دوشنبه از بقر آمد شد عیان نیز افضل الاقطاب	نیز جان جهان نعیم بهشت سال ترحیل آن مقیم بهشت

تاریخ ولادت و وفات شیخ دهو لاهوری که ولادتش در سال نهصد و سی و سه و وفات در سنه یکهزار و پنجاه و شش هجری الاقدس بوقوع آمد

عاشق الله و محبوب حسین مخزن علم و عمل تولید اوست هست بحر معرفت ما دهو وصال	شیخ ما دهو پیر و عالم بادشا خواه گو شیخ جلیل ای نیکخواه باز گو مست می عشق آله

تاریخ وفات شاه سلیمان قادری قدس سره که در یکهزار و شصت و پنج بوقوع آمد

سلیمان مقتدائی هر دو عالم سلیمان پیر شاهنشاه گفتم	شه دین پیشوای اهل دوران ز بهر وصل ثانی سلیمان

تاریخ حیات شیخ جان محمد حضوری لاهوری که در سال یکهزار و شصت و چهار بوقوع آمد

کرد چون عزم سفر زین دار تنگ سوی خلد بیان کن جان جنت عاشق مولی وصال	شه عالی لقا جان محمد رهبر جنت عیان کن سرورا جان محمد سرو جنت

قطعهٔ ثانی

جان هر دو جهان محمد جان فیض دین سالک است ترحیلش	کرد چون از جهان بخلد ظهور باز جو وصلش از محب طهور

تاریخ وفات سید عبد الرزاق المشهور شاه چراغ لاهوری که در سال یکهزار و شصت و هشت بوقوع آمد

جلوه گر شد در جهان مثل چراغ گشت روشن سال ترحیلش ز ذل	چون چراغ آن آفتاب عارفان سید حق آفتاب عارفان

تاریخ وفات ملا شاه قادری لاهوری که در سال یکهزار و شصت و نه بوقوع آمد

ملک جنت یافت چون از فضل حق قطب شیخ الاولیا تاریخ اوست پس محمد شاه محمود عاقبت باز گفتم سالک مخدوم سخی	شیخ ملا شاه پیر شاه با عطا ثانیا محبوب اعظم شد ندا هست بهر رحلت او مدعا نیز ملا شاه مطلوب خدا

تاریخ وفات شاهزاده داراشکوه قادری که در سال یکهزار و هفتاد بوقوع آمد

در کشمیر تشریف برده بهمانجا سکونت ورزیده و شاهزاده داراشکوه از اعاظم خلفای و مریدان وی بود هر ارشش در لاهور است

شد ز دنیا بحضرت دادار — شاه دارا ولی پاک سعید
گفت تاریخ قتل او سرور — شاه اسلام پادشاه شهید

قطعهٔ ثانی

یافت چون آب خوشگوار افسوس — شاه دارا ز چشمهٔ شمشیر
هست در ویش متقی سالش — خواجه مجتبی دگر برگیر
باز گو سال رحلتش سرور — شاه دینی شهید عالمگیر

تاریخ وفات سید صفی الدین المشهور به سیف الرحمن حجره واله که در سال یکهزار و هشتاد و نه بوقوع آمد

چون صفی شد از جهان با صد صفا — رحلت آن شاه مخدوم سعید
وان صفی الله ولی محتشم — هم صفی الله مخدوم سعید

تاریخ وفات سید محمد هاشم گیلانی لاهوری که در سال یکهزار و هشتاد و هفت بوقوع آمد

شد چو در خلد معلی از جهان — سید هاشم ولی مقتدا
سال ترحیلش سرور شد عیان — ماهتاب هاشمی قطب صفا

تاریخ وفات سید محمد امیر گیلانی حجره واله که در سال یکهزار و یکصد و دو بوقوع آمد

شد بجنت چو میر بالا سیر — طرفه سالش ز خامه تحریر است
آفتاب حقیقت است و دگر — محیی سید حق جهانگیر است

تاریخ وفات شیخ حاجی محمد نوشاه گنج بخش قدس سره که در سال یکهزار و یکصد و سه بوقوع آمد

حضرت نوشاه شاه باکمال — زیر فرمان یافت چون ملک جنان
رحلتش گو هادی حق گنج بخش — نیز مهدی گنج بخش دو جهان
باز سال ارتحال آن جناب — قطب زاهد گنج بخش آمد عیان
پیر فیاض و محمد اعظم است — نیز سال ارتحالش بی گمان

تاریخ وفات سید فاضل گیلانی لاهوری که در سال یکهزار و یکصد و دوازده هجری بوقوع آمد

چون شه فاضل ولی اهل فضل — یافت فضل و وصل حق اندر جنان
قبلهٔ دین فاضل آمد رحلتش — نیز زیب اصفیا فاضل بخوان

تاریخ وفات خواجه محمد فضیل نوشاهی کابلی که در سال یکهزار و یکصد و یازده هجری بوقوع آمد

خواجهٔ دین فضیل واصل حق — شد ز دنیا چو در بهشت برین

۳۵

رحلتش هست عارف سرمست	نیز فرما افضل و اصل دین

تاریخ وفات شیخ رحیم داد نوشاهی قادری که در سال یکهزار و یکصد پانزده بوقوع آمد

در جنان یافت رتبه اعظم	چونکه آن اعظم و عظیم و رحیم
هست دریای فیض تاریخش	هم بخوان اشرف و کریم رحیم

تاریخ وفات سید حسن پشاوری گیلانی که در سال یکهزار و یکصد پانزده بوقوع آمد

حسن احسن یافت در خلد برین	چون جناب سید والا حسن
رحلتش شیخ حسن مطلوب گو	نیز فرما فاضل مولا حسن

تاریخ وفات شاه رضا قادری لاهوری که در سال یکهزار و یکصد شانزده بوقوع آمد

با نعمت خلد گشت راضی	چون شاه رضا ولی والا
دل گفت که آفتاب خلد است	تاریخ وصال آن معلی

تاریخ وفات شاه درگاهی لاهوری که در سال یکهزار و یکصد بیست و دو بوقوع آمد

گشت روشن چو رفت از دنیا	در جنان همچو ماه درگاهی
شیخ پیر است از سن وصالش نیز	قطب سرور دار شاه درگاهی

تاریخ وفات شیخ تاج محمود قادری نوشاهی که در سال یکهزار و یکصد بیست و سه بوقوع آمد

تا جدار خلد شد با غرو شان	حامد و محمود و هم پیر مقتدا
شد عیان سالش ز فیاض کبیر	باز شد سید از شیخ الاصفیا
نیز سرور گفت سال وصل او	عاقبت محمود تاج اولیا

تاریخ وفات سید نور محمد حجره واله که در سال یکهزار و یکصد بیست و شش بوقوع آمد

نور محمد آن مه عالم چو از جهان	بر عرش حق رسید بقرب جلیل حق
شاه کریم متقی آمد وصال او	دیگر بگو که نور محمد جلیل حق

تاریخ وفات حافظ برخوردار نوشاهی که در سال یکهزار و یکصد و سی بوقوع آمد

شد چو برخوردار در باغ بهشت	شیخ برخوردار پیر رهنما
حافظ عالم بگو تاریخ او	نیز فرما دوستدار مجتبی
بار محبوب جهان شاه بهشت	بهر سالش حاصل آمد مدعا

تاریخ وفات شیخ هاشم دریادل نوشاهی که در سال یکهزار و یکصد و سی سه بوقوع آمد

همچو دریا شد روان اندر بهشت — پیر هاشم شاه بحر معرفت
سال ترحیلش بگو دریای فضل ۱۱۳۶ — نیز حق آگاه بحر معرفت ۱۱۳۶

تاریخ وفات سید احمد شیخ الهند گیلانی که در سال یکهزار و یکصد و سی و شش بوقوع آمد

رفت احمد چو در بهشت برین — وصل آن شیخ دین و حق آگاه
اعظم الاولیا و سے گفتم ۱۱۳۶ — همدگر شیخ هند امین الله ۱۱۳۶

تاریخ وفات سید بدر الدین گیلانی که در سال یکهزار و یکصد و سی و شش بوقوع آمد

بدر چرخ زمانه بدر الدین — شد چو روشن باوج باغ جنان
سال تاریخ رحلتش سرور — بدر دین پیر دین شریف بخوان ۱۱۳۶

تاریخ وفات شاه شرف لاهوری که در سال یکهزار و سی و هفت بوقوع آمد

چون مشرف شد بسماے بهشت — آن شرف شیخ یقین تاج الشرف
سال وصل اوست شیخ المومنین ۱۱۳۷ — هم بخوان محبوب دین تاج الشرف ۱۱۳۷

تاریخ وفات شیخ عصمت الله نوشاهی که در سال یکهزار و یکصد و سی و هفت بوقوع آمد

چو با صدق و یقین اندر جنان رفت — جناب شیخ صادق عصمت الله
غلام الله خوان سال وصالش ۱۱۳۷ — دوباره جو ز عاشق عصمت الله ۱۱۳۷

تاریخ وفات حضرت شاه عنایت قادری لاهوری که در سال یکهزار و یکصد و چهل و یک بوقوع آمد

چو از فضل و عنایات الهی — عنایت رفت از دنیا بجنت
ز مشتاق مکرم جو وصالش ۱۱۴۱ — دگر تاج یقین اهل عنایت ۱۱۴۱

تاریخ وفات سید حاجی عبد الله گیلانی لاهوری که در سال یکهزار و یکصد و چهل و یک بوقوع آمد

پیر عالم گیر عبد الله پیر — سیر جنت شد چو با فضل و عطا
سال ترحیلش بخوان عاشق سخے ۱۱۴۱ — نیز فرما اهل نعمت مقتدا ۱۱۴۱

تاریخ وفات شیخ جمال الله نوشاهی که در سال یکهزار و یکصد و چهل و دو بوقوع آمد

چون بباغ جنتے شد جلوه گر — آن جمال با کمال معرفت
رحلتش شیخ کبیر است و دگر ۱۱۴۲ — قبله عالم جمال معرفت ۱۱۴۲
بار شیخ العالمین تحریر کن ۱۱۴۲ — سال وصل آن هلال معرفت

تاریخ وفات شیخ محمد معموری نوشاهی که در سال یکهزار و یکصد و چهل و پنج بوقوع آمد

۳۷

از عمارات جهان برداشت دل … شیخ معموری ولی دو جهان
شود ظاهر ز مظهر سال او … مجتبی مخدوم میکرد عیان

تاریخ وفات خواجه محمد فاضل بٹالوی قادری که در سال یکهزار و یکصد و پنجاه و یک بوقوع آمد

شیخ فاضل پیر فضل اهل فضل … یافت چون از فضل حق خلد برین
رحلتش مشتاق بر حق کن رقم … بار دیگر فاضل علم اهل دین

تاریخ وفات شه محمد غوث قادری لاهوری که در سال یکهزار و یکصد و پنجاه و دو بوقوع آمد

غوث و قطب دین محمد غوث پیر … شد چو در جنت بصد لطف و خوشی
عارف مخدوم قطب آمد وصال … بار دیگر راه بر سید سخی

تاریخ وفات شیخ پیر محمد سچیار نوشاهی که در سال یکهزار و یکصد و پنجاه و دو بوقوع آمد

چون محمد پیر با حق یافت وصل … سال وصل آن شه برنا و پیر
طالب دیدار فیاض آمد است … هم دگر معصوم پیر دستگیر

تاریخ وفات شیخ عبد الرحمن المشهور پاک رحمن که در سال یکهزار و یکصد و پنجاه و سه بوقوع آمد

چون جناب عبد رحمان شیخ پاک … یافت جای پاک در خلد جلیل
هست عالی مرتبت تاریخ او … هم بگو عاشق رحمان جمیل

تاریخ ولادت و وفات شیخ عبد القادر شاه گدا گیلانی که ولادتش در سال یکهزار و شصت و سه و وفات در سنه یکهزار و یکصد و پنجاه و چار بوقوع آمد

عبد قادر میر عالم گیر پیر … شیخ اکبر پیشوای رهنما
شد ورا تولید صابر حق پرست … باز فرما رشد دین مجتبی
ارتحالش گو همایون مرتبت … نیز مهدی متقی مقتدا

تاریخ وفات شاه فرید نوشاهی لاهوری که در سال یکهزار و یکصد و پنجاه و [illegible] بوقوع آمد

چون فرید زمانه سید دین … فرد و یکتا بباغ خلد رسید
رحلتش و اصلی خلافت دان … هم بخوان آفتاب فقر فرید

تاریخ وفات سید حسین حجره واله که در سال یکهزار و یکصد و شصت و دو بوقوع آمد

بصد حسن چون از جهان رخت بست … شه محسن آن پیر کامل حسین
بگو مجتبی شاه عرفان وصال … دگر سید بو الفضائل حسین

تاریخ وفات میر سیف الدین مجره واله که در سال یکهزار و یکصد و شصت و شش بوقوع آمد

میر سیف الدین امیر با جلال	کرد چون در خلد از دنیا ظهور
سیف دین مهر بهشت آمد وصال	بار دیگر نور فضل و شیخ نور

وفات شیخ رحمت الله نوشاهی که در سال یکهزار و یکصد و شصت و هفت بوقوع آمد

شد چو رحمت الله برحمت حق وصل	هست تاریخ آن شه ابرار
رحمت الله ولی رهبر نیز	رحمت الله معدن الانوار
شیخ انور دگر بیار بخش	بنویس و ببین بخوان بشمار

تاریخ وفات شیخ نصرت الله نوشاهی که در سال یکهزار و یکصد و هفتاد بوقوع آمد

رفت بانصرت چو در خلد برین	نصرت الله ناصر کون و مکان
رستم عشق است سالش کن رقم	نیز نصرت واصل کامل بخوان
شمس اہل خلد هم کرده ظهور	عاشق نور تجلی شد عیان

تاریخ وفات سید بهلی شاه قصوری که در سال یکهزار و یکصد و هفتاد و یک بوقوع آمد

چو بهلی شاه شیخ هر دو عالم	مقام خویش اندر خلد در زید
رقم کن شیخ اکرم ارتحالش	بگر هادی اکبر مست توحید
دو باره گو منور تاج عشاق	بسال رحلت آن شاه تفرید

تاریخ وفات محمد عظیم قادری لاهوری که در سال یکهزار و یکصد و هشتاد و یک بوقوع آمد

چون محمد عظیم اعظم وقت	شد بصد عظمت از زمانه جدا
رحلتش فاضل کریم آمد	نیز شیخ جلال اهل صفا
زیب عالم عظیم تاریخ است	بهر ترحیل آن شه اعلی

تاریخ وفات شاه سردار قادری که در سال یکهزار و یکصد و هشتاد و چهار بوقوع آمد

شاه سردار و ولی و متقی	شد شه فردوس با صدق و صفا
گشت روشن از خرد خورشید دین	سال وصل شاه همچون مهر ما
باز خورشید جلال است و دگر	سید هادی بشنو اسرار شاه

تاریخ وفات سید محمد عبد الرزاق المشهور به میر محمد که در سال یکهزار و یکصد و هشتاد و چهار بوقوع آمد

عبد رزاق سید عالی جاه	ذات پاکش بد و جهان طاق است

هست عیب اللسان وصالش نیز ١١٨٣ — متقی مهیر عبد رزاق است ١١٨٣

تاریخ وفات شیخ مصاحب جان قادری لاهوری که در سال یکهزار و یکصد و نود بوقوع آمد

چون مصاحب برحمت باری — یافت در بارگاه جنت بار

جو وصالش زمیر نعمت فقر ١١٩٠ — بار دیگر ز مخزن الاسرار ١١٩٠

تاریخ ولادت و وفات سید صدر الدین حجره واله که ولادتش در سال یکهزار و یکصد و بست و هشت و وفات در سنه یکهزار و یکصد و نود بوقوع آمد

صدر عالم صدر دین صدر الصدور — مظهر دین مصدر فیض سنی

جلوه گر شید از خز د مهتاب خلد ١١٢٨ — سرورا تولید آن والا ولی

باز شاهنشاه سرور طرفه تر ١١٢٨ — سال تولیدش ز دل شد منجلی

سن وصل آن شه عالی جناب — هست صدر الدین امیر متقی ١١٩٠

تاریخ وفات سید سعد الدین حجره واله که در سال یکهزار و یکصد و نود و پنج بوقوع آمد

با سعادت شد چو از دار فنا — اسعد و در زمان شیخ ظهور

گوشه فیض هست تاریخش دگر ١١٩٥ — سید الابرار هادی شمع نور ١١٩٥

تاریخ وفات شیخ جان محمد قادری که در سال یکهزار و دو صد و شش بوقوع آمد

چو جان تازه از وصل خدا یافت — شه عالم ولی جان محمد

وصال او ز شیخ رهنما جو ١٢٠٦ — دگر فرما غنی جان محمد ١٢٠٦

تاریخ وفات شیخ عبد الله شاه بلوچ لاهوری که در سال یکهزار و دو صد و شانزده بوقوع آمد

خالد خلد شد چو از عالم — شیخ عالم مکرم عبد الله

رحلتش صاحب ظهور بگو ١٢١٦ — نیز مهدی اعظم عبد الله ١٢١٦

تاریخ وفات شیخ محمود قادری لاهوری که در سال یکهزار و دو صد و شانزده بوقوع آمد

حامد و محمود چون زین دهر رفت — بر روانش باب جنت گشت باز

سال ترحیلش شد از سرور عیان — محتشم محمود میر بی نیاز ١٢١٦

تاج اخیار است و هم اهل ظفر ١٢١٦ — سال وصل آن ولی اهل راز

تاریخ ولادت و وفات سید عادل شاه گیلانی لاهوری المشهور شتو شاه که ولادتش در سال یکهزار و یکصد و ده و وفات در سنه یکهزار و دو صد و بست بوقوع آمد

سید والامراتب نیک ذات — شاه عالم عادل دور زمان
سال تولیدش با قوال صحیح — عادل و فاضل علیم آمد عیان
گشت سال انتقالش جلوه گر — محرم اسرار عشق ای مهربان

تاریخ وفات سید شادی شاه لاهوری که در سال یکهزار و دو صد و بست و یک بوقوع آمد

چو از روی زمین مانند خورشید — نهان شد میر شادی شاه فردوس
بیان شد فاضل بر حق وصالش — عیان شد میر شادی شاه فردوس

تاریخ وفات شاه سردار قادری لاهوری که در سال یکهزار و دو صد و بست و پنج بوقوع آمد

یافت سرداری چو در خلد برین — آن شه حسن و بشر سردار شاه
سال ترحیل و وصال انتخاب — دان ولی راه بسردار شاه

تاریخ وفات سید علی شاه لاهوری که در سال یکهزار و دو صد و بست و هفت بوقوع آمد

قدر اعلی یافت از دنیا چو بر اوج بهشت — حضرت سید علی شاه زمان شیخ جهان
رحلتش سید علی نور زمن مخدوم گو — فضل نورانی بدان هم شیخ نورانی جهان

تاریخ ولادت و وفات سید سردار علی شهید حجره واله که ولادتش در سال یکهزار و یکصد و نود و دو و وفات وی در سال یکهزار و بست و هشت بوقوع آمد

شه و سردار محبوب الهی — شریف و سید و اشراف و دیندار
شد از دل عارف مشتاق پیدا — پی تولید آن سردار ابرار
بوصلش متقی راه شهنشاه — دگر برخوان مقدس پیر اخیار
مبارک سید فیاض فرما — رقم کن مرشد حق قطب سردار

تاریخ وفات شیخ محمد فیض قادری لاهوری که در سال یکهزار و دو صد و سی بوقوع آمد

فیض بخش از جهان چو کرد سفر — سال تاریخ آن شه ابرار
قمر فیض و مخلص عشق است — نیز سرمست عشق دان ای یار
باز محبوب سالکی نظر آمد — رحلتش کرد چون خرد تکرار

تاریخ وفات شیخ امام بخش درویش لاهوری که در سال یکهزار و دو صد و سی بوقوع آمد

امام بخش امام جهان ولی زمان — ز دهر رخت سفر بست رفت خوش بجنان
امام بخش محقق بگو بتاریخش — دگر برحلت او مظهر وفا برخوان

تاریخ وفات سید غلام نبی حجره واله که درسال یکهزار و دوصد چهل و هفت بوقوع آمد

رفت چون زین دهر بخلد برین	حاکم دین شاه غلام نبی
گفت بتاریخ وصالش خرد	طالب الله و غلام نبی

تاریخ وفات سید قطب الانام قطب الدین گیلانی مقیم شاهی که درسال یکهزار و دوصد و پنجاه بوقوع آمد و ولادت وی در سنه یکهزار یکصد و هشتاد و دو بوقوع آمد

قطب اقطاب آن سه قطب الانام	میر قطب الدین ولی متقی
سال تولیدش ز چرخ چارمین	طرفه خورشید نبی شد منجلی
رحلتش مخدوم نعمت کن رقم	نیز قطب الافضلین کامل ولی

تاریخ وفات شیخ مسلم خان لاهوری که درسال یکهزار و دوصد پنجاه و چهار

جناب شیخ مسلم خان والا	بجنت رفت چون زین دهر پرشور
ولی مهربان شیخ استنادش	دگر آمد عیان محبوب منظور

گنج سیوم دربیان قطعات تاریخ وفات حضرات سلسله چشت نیکو شعر
تاریخ وفات خواجه حسن بصری رضی الله عنه که درسال یکصد و ده یا یازده یا

خواجه دو زمین آن محسن و احسن حسن	زیب بصره زینت دین مقتدا و متقی
سال وصلش قطب گو اعلی بدا با یک سخن	هم ولی امجد همایون هادی ملک علی
مه جبین ماه دین و طاق و باخوی گفته	جامع و والی دین و کافی و زنده ولی
بلبل گل هست دمساز و محب مکمل است	شد دگر ماه بلال از اوج خاطر منجلی
هادی کامل محب دین و عابد پاک باز	دان وسیله بازگو اهل جمال از آگهی

تاریخ وفات شیخ عبدالواحد بن زید که درسال یکصد و هفتاد و هفت بوقوع آمد

عبد واحد صاحب توحید پیر	فرد و یکتا شد چو آخر از زمان
سعدن جود است و عابد زنده دل	سال وصل آن شه والا مکان
زبده دین عبد واحد کن رقم	هم امام عبد واحد کن بیان
نیز تاریخش بقول اهل حق	دان یقین حق بین دگر قطب جهان

تاریخ وفات خواجه فضیل بن عیاض که درسال یکصد و هشتاد و شش یا هشتاد و هفت

چون فضیل از فضل حق شد در بهشت	سال وصل آن شه دار القرار

ماه عالم پس امام عدل گو — سید اقطاب و واقف کن شمار
بو علی هادی امجد کن رقم — تا بماند مهر وصلش یادگار
صاحب مولی و اهل سیف نیز — باز صوفی کن بسالش اختیار

تاریخ وفات سلطان ابراهیم بن ادهم که در سال دو صد و شصت یا شصت و یک یا دو یا شصت و هفت یا هشتاد و یک بوقوع آمد

شیخ ابراهیم سلطان الولی — شد چو از دنیا بفردوس برین
دل بسال وصل آن والاهمم — قطب حق بین گفت و هم قطب الیقین
شد رقم قطب معلی سال او — نیز سلطان همایون بالیقین

تاریخ وفات خواجه حذیفة المرعشی که در سال دو صد و پنجاه یا دو صد و هفتاد و ...

مرعشی پیر جهانگیر ولی — چون مخلد گشت در خلد برین
ارتحال آن شه والاجناب — قطب عالم گو دو باره پیر دین

وفات خواجه هبیرة البصری قدس سره که در سال دو صد و هشتاد و هفت بوقوع آمد

باصر و اهل بصیرت شیخ حق — شیخ بصری چون بجنت یافت جا
رحلتش کامل امین الدین بگو — بار دیگر خوان جمال الاصفیا
وصل او موصول شد زاهد کریم — هم فنا فی الله شد از دل ندا

تاریخ وفات خواجه علو ممشاد دینوری که در سال دو صد و نود هشت هجری بوقوع آمد

چونکه اعلی علو دینوری — یافت عالی مقام باغ جنان
مهربان است و نیز والا — سال ترحیل آن شه ذیشان
پس صبور و عزیز صدیق است — زاهد دین علو عالی دان

تاریخ وفات خواجه ابو اسحاق شامی که در سال سه صد و بست و نه هجری بوقوع آمد

ذاکر شام و سحر شامی ولی — شد چو از دنیا بجنت شاد کام
وصل پاکش هست قطب اولیا — هم ابو اسحاق محبوب انام
رحلتش سلطان ابو اسحاق گو — پس بخوان رکن جهان ای نیکنام
بار شد سید از مهدی کریم — ارتحال پاک او ختم الکلام

تاریخ ولادت و وفات خواجه ابو احمد ابدال چشتی که ولادتش در سال دو صد و ...

وشصت و وفات در سنه سه صد و پنجاه و پنج هجری بوقوع آمد

شیخ بو احمد ولی دو جهان	نور چشم احمدی نور هدا
هادی حق سید محبوب گو	سال تولیدش بقول اصفیا
بود ذاتش نیر اوج کمال	نیز آمد بحر تولیدش ندا
حق نما بو احمد آمد هم عیان	باز فرما احمد اهل صفا
گفت دل وصلش ولی میر جهان	نیز سید زنده دل صاحب عطا
رحلتش نور اسخی احمد است	باز بو احمد فرید آمد بجا

تاریخ ولادت و وفات خواجه ابو محمد چشتی که ولادتش در سال سه صد و سی و یک و وفات وی در سنه چار صد و یازده هجری بوقوع آمد

بو محمد پیر هر برنا و پیر	محرم حق واقف سر خدا
واصل صدیق تولیدش بخوان	هم بگو واصل حبیب اصفیا
باز تولیدش ز سرور شد رقم	زنده دل صاحب امام اولیا
نیز گو تولید آن والا ولی	سرور سالک ولی با صفا
وصل او آمد محمد یار حق	رحلتش فرما محمد پیشوا
هم بخوان قطب مکرم ای اخی	نیز مطلوب کمال کبریا

تاریخ ولادت و وفات خواجه ابو یوسف چشتی که ولادتش در سال سه صد و هفتاد و پنج و وفات در سنه چار صد و پنجاه و نه هجری بوقوع آمد

خواجهٔ وقت و یوسف ثانی	مثل او مادر زمانه نزاد
صاحب حسن یوسف است بدان	سال تولید آن شه اوتاد
باز سال ولادتش سرور	قطب حق یوسف آمد اندر یاد
رحلتش شد عیان ز عارف حق	نیز یوسف ولی با در زاد

تاریخ ولادت و وفات خواجه مودود چشتی که ولادتش در سال چار صد و سی و وفات در سنه پانصد و بست و هفت بوقوع آمد

خواجهٔ مودود محبوب ودود	بود شیخ دین ولی با صفا
شاه دین مودود تولیدش بگو	یار حق سالک بفرما از عطا

۴۳۰

کہ امام یازدهم از دوازده امام
است بدین گونه میر سید [illegible] بن
محمد سمعان بن سید ابراهیم بن سید محمد
بن سید حسین بن سید عبد الله
الملقب بعلی اکبر بن امام حسن عسکری
رحمة الله علیهم اجمعین [illegible] فرزند لبند
خواجه ابو یوسف چشتی است قطب الدین
قطب العابدین لقب داشت [illegible]
[illegible]

هم بخوان واصلی دین مهرجال
کعبهٔ دین شاه مودود آمدا
ارتحالش هم رقم شد از قلم
هم شه محمود دین مود و دخوان

نیز کن تحریر عاشق پیشوا
رحلت آن پادشاه اتقیا
صاحب مودود واصل پیشوا
انتقال او ندسرور و الدما

تاریخ وفات خواجه پیر کبار و ثوزی که در سال پانصد پنجاه هجری بوقوع آمد

از جهان چون شیخ ثوثیم دین
متقی آمد وصال پاک او

رفت در دربار جنت یافت بار
هم وصلی دو جهان پیر کبار

تاریخ ولادت و وفات خواجه احمد چشتی که ولادتش در سال پانصد ... وفات در پانصد ...

شیخ دین احمد که در پیران چشت
مهربان قطب زمان تولید او

بود شیخ اهل حال و اهل قال
عاشق احمد وصلی دار انتقال

تاریخ وفات شاه محمد سنجان چشتی که در سال پانصد و نود و هفت بوقوع آمد

معلی رتبه در ملک جنان یافت
وصالش جو ز واصلی متقی نیز

چو سنجان شاه عالیجاه محمود
زعالی زبده دین شاه محمود

تاریخ وفات خواجه حاجی شریف زندنی که در سال ششصد و دوازده بوقوع آمد

چون مشرف شد باشراف بهشت
یار عرفان پیر کشف آمد عیان
هم بگو مهتاب دین اهل دین

اشرف التاثیر حاجی شریف
رحلت آن پیر حاجی شریف
نیز کن تحریر حاجی شریف

تاریخ وفات خواجه عثمان هارونی چشتی که در سال ششصد و هفده بوقوع آمد

از زمین چون شد بر اوج آسمان
قطب وقت آمد وصال پاک او

شیخ عثمان مقتدای اولیا
جلوه گر شد نیز تاج الاصفیا

تاریخ ولادت و وفات خواجه معین الحق والدین حسن سنجری که ولادت در سال پانصد و سی و هفت و وفات در سنه ششصد و سی و سه هجری بوقوع آمد

حسن محسن معین الحق والدین
تولیدش امام سبحتی خوان

دلش روشن ز انوار تجلی
وصالش نیر اکبر معلی

قطعه ثالث

[illegible]

سید عالم معین الدین ولی — مقتدای دین شه هندستان
سال تولیدش بگو بدر منیر — باز سرور عارف صوفی بخوان
عمده دین زنده دل بدر الدجی — شد عیان تولید آن شاه جهان
نیز قطب الواصلین قطب زمن — سال تولیدش بسرور شد عیان
مخبر دل سال وصل آنجناب — گفت قطب الاصفیا میر جهان
هم بدان میر مکرم زیب دین — رحلت آن میر دین جنت مکان
گر دهم دل سال وصلش طرفه تر — عارف زاهد معین الدین بیان

قطعه ثالث

معین الدین چو از فضل الهی — بوصل ایزدی گردید موصول
عجب تاریخ وصلش جلوه گر شد — امام حق معین الدین مقبول

تاریخ ولادت و وفات خواجه سید قطب الدین بختیار کاکی اوشی که ولادتش در سال پانصد و هشتاد و دو و وفات در سنه ششصد و سی و سه یا سی و چار بوقوع آمد

جناب خواجه قطب الدین اوشی — که بود او شیخ و قطب شیخ و هم شاب
تولیدش رقم کن قطب عاشق — بخوان هم عاشق سالک درین باب
دگر تاریخ وصلش یافت سرور — ز قطب الدین مقدس قطب اقطاب
دگر ترحیل او جنت مقام است — نکر رعالم الاسرار در یاب

قطعه ثانی

کریم النفس قطب دین سبنی — که مرحوم و مقبول و منظور بود
بتاریخ ترحیل آن شاه دین — بفرما که نور زنی علی نور بود

تاریخ وفات سلطان شمس الدین التمش که در سال ششصد و سی و سه یا سی و چار بوقوع آمد

شمس دین پر نور شاه ملک هند — شد چو از دنیا بشه ملک جنان
شمس دین حق بین بخوان سال وصال — هم بفرما شمس دین قطب جهان
بنده حق شمس دین تحریر کن — نیز شمس الاصفیا هادی بخوان

تاریخ وفات شیخ جلال الدین تبریزی که در سال ششصد و چهل و دو بوقوع آمد

یافت از دنیای دون احلال خلد — چو بود جلال الدین بصد عز و جلال

زبده دین صاحب التوحید گو ... نیز اکبر جلال الدین وصال

تاریخ وفات شیخ محمد ترک نارنولی که در سال ششصد و چهل و دو بوقوع آمد

چون محمد بعرشش کرد عروج ... سال ترحیل آن شه ذی شان

کاشف البحر کن دلا تحریر ... بعد ازان متقی محمد خوان

تاریخ وفات خواجه فخر الدین اجمیری که در سال ششصد و پنجاه و سه بوقوع آمد

فخر اهل زمانه فخر الدین ... یافت از حق چو عز و فخر جنان

خواجه ابدال و خواجه والا ... رحلتش خوان ز مقتدای زمان

تاریخ وفات شیخ بدر الدین غزنوی که در سال ششصد و پنجاه و هفت بوقوع آمد

گشت روشن چو بدر دین در خلد ... سال ترحیل آن شه حق بین

کاشف راز اولیا فرما ... نیز پیر سعید بدر الدین

تاریخ وفات شیخ جمال الدین قطب هانسوی که در سال ششصد و پنجاه و نه بوقوع آمد

شد چو روشن جمال روی بهشت ... از جمال کمال دین بنگر

جلوه گر شد بسال رحلت او ... عارف حق جمال دین بنگر

قطعه ثانی

شد چو در جنت بصد حسن و جمال ... شیخ حق آمین جمال اهل فقر

پرتو افگن شد عجب سال وصال ... از جمال الدین جمال اهل فقر

سال ولادت و وفات شیخ فرید الحق والدین گنجشکر اجودهنی قدس سره که ولادت در سال پانصد و هشتاد و پنج و وفات در سنه ششصد و شصت و چهار یا شش یا هفتاد

مقتدای دین فرید الدین ولی ... فرد عالم فرد فرد دو جهان

گشت ظاهر حق طلب قطب الفقر ... از خرد تولید آن قطب زمان

هم فرید الاولیا پیر آمدست ... سرور تولید آن شاه جهان

نیز تولیدش بقول اصفیا ... شد فرید الدین امین الدین عیان

زیب عالم فرد عالم طرفه تر ... سال تولیدش عیان شد از نهان

شد دگر مهدی فرید العالمین ... سال تولیدش ندا از آسمان

عاشق حق کامل آمد رحلتش ... زاهد دین پیر عالم گیر دان

رحلتش گو نیز شاه دین فرید	شمع نور آمد دگر از دوستان
هم حبیب حق فرید الدهر گو	صوفی کامل فرید الدین بخوان
باز عالی جاه قطب الحق فرید	بنده فرد الفرید ای مهربان
عاشق صادق دگر فرما ہمے	سال وصل آن شه عالیمکان
بین سه کامل فرید الدهر گو	سرورا سال وصالش بی گمان

قطعه ثانی

مقتدای یقین فرید الدین	فرد اهل جهان ولی زمان
عمده دین فرید حق گفتم	سال تولید آن شه ذی شان
زبدهٔ دین فرید دهر آمد	نیز سال ولادتش بزبان
سال ترحیل او خرد فرمود	حب مولی فرید هر دو جهان
قطب دوران فرید شد پیدا	رحلت آن شهنشه دوران
بندهٔ حق فرید قطب الهند	وصل او گفت سرور نادان

قطعه ثالث

فرید دین فرید جمله عالم	شه فرخ لقا فرخنده آیین
فرید الهند قطب پاک فرما	پی تولید پاک آن شه دین
بخوان وصلش فرید الدهر اسلام	دگر سالک فرید الدین حق بین

قطعه رابع

پیر شکر گنج فرید زمان	حضرت مسعود ولی سعید
سالک مسعود فرید امدست	مادهٔ تولید وی از دل بدید
سال وصالش چو بجستم ز دل	گفت بگو باد شه دین فرید

قطعه خامس

فرد دنیا و دین فرید الدین	فرد و یکتا بقرب وصل رسید
رحلتش بندهٔ خدا میخوان	هم بدان فرد دین فرید وحید

تاریخ وفات شیخ نجیب الدین محمود متوکل که در سال ششصد و هفتاد و یک بود

چون نجیب الدین متوکل نجیب	از توکل یافت با حق اتصال

شیخ نجیب الدین محمود متوکل ... برادر حقیقی شیخ فرید الدین مسعود ... است در توکل و قناعت و رضا و تسلیم مقامات بلند و مراتب ارجمند داشت و ... تا مدت هفتاد سال در دهلی سکونت کرده ... از دنیا در ان رفت ۱۲

راست گفتم بہ ہشتی تاریخ او — باز محمود عاقبت کردم خیال
نیز بهر انتقال آنجناب — قطب دین متوکل آمد بسال

تاریخ وفات شیخ نظام الدین ابو المؤید که در سال ششصد و هفتاد و دو بوقوع

چون نظام الدین بصد نظم و نظام — ناظم جنت شد از دار فنا
کامل اشرف بگو تاریخ او — نیز مهدی بو موید مقتدا

تاریخ وفات شیخ حمید الدین صوفی ناگوری که در سال ششصد و هفتاد و سه بوقوع

چون حمید الدین صوفی با صفا — صاف صاف از دهر در جنت رسید
هست قطب العاشقین سالش دگر — سالک دوران حمید الدین سعید

تاریخ وفات قاضی حمید الدین ناگوری که در سال ششصد و هفتاد و هشت بوقوع

چون حمید الدین حمید العاقبت — یافت جای خویش عرش حمید
گشت سال انتقالش جلوه گر — تاج اهل دین ولی الله حمید
هم حمید الدین ولی بدر منیر — گشت وصلش از دل سرو پدید
پس رقم کردم جمال العاقبت — ارتحال آن شه والا سعید

تاریخ وفات شیخ عبد العزیز علی ناگوری که در سال ششصد و هشتاد و یک بوقوع

شد چو با عزت ازین ذلت سرای — عزت دین متقی عبد العزیز
بحر عرفان اهل دل گو رحلتش — بازشاه دین علی عبد العزیز

تاریخ وفات امام علی لاحق سیالکوتی که در سال ششصد و هشتاد و شش بوقوع آمد

علی اعلی لقب شیخ معلی — چو شد در جنت فردوس والی
علی شاه کریم آمد وصالش — دگر فرما علی سرور عالی

تاریخ وفات شیخ محمود برهان الدین ابو الخیر اسعد بلخی که در سال ششصد و هشتاد و هفت بوقوع آمد

چون بصد برهان وصال خلد یافت — شیخ عالم مقتدا برهان دین
رحلتش سرور دین محسن بگو — هم ولی بشنو ا برهان دین

تاریخ وفات خواجه علاء الدین علی احمد صابر چشتی که در سال ششصد و نود بوقوع آمد.

صابر و شاکر علاء الدین علی احمد ولی	شد چو در جنت بسال رحلتش بی قیل و قال
گو علی احمد علاء الدین صابر ایزدی	هم علاء الدین صابر صادق آمد ارتحال
قطعه ثانی	
با هزاران صبر چون ین مهر رفت	حضرت صابر ولی اهل جاه
سال ترحیلش ز سرور شد عیان	هادی و محبوب صابر بادشاه
هم بخوان صابر سراج الطالبین	تا شود روشن وصالش مثل ماه
قطعه ثالث	
چو صابر ولی جهان کان صبر	شده رونق افزا بخلد قدیم
ز مخدوم جو سال ترحیل او	بفرما دگر متقی سلیم
قطعه رابع	
معدن صبر صابر اکبر	شد بجنت وصال آن حق بین
مرشد اهل دین ولی فرما	هم بخوان آفتاب اهل یقین
تاریخ وفات شیخ بدر الدین بن اسحاق چشتی که در سال ششصد و نود هجری بوقوع آمد	
بدر دین چون گشت روشن مثل بدر	در جنان تاریخ او بی قال و قیل
بدر کامل مهدی دین بدر دین است	بار دیگر شاه بدر الدین جمیل
تاریخ وفات شیخ منتجب الدین چشتی که در سال ششصد و نود و پنج هجری بوقوع آمد	
مطلع نور سبحانیت منتجب	شد چو روشن از فنا اندر بقا
کاشف حق صوفی آمد رحلتش	هم دگر مهدی کامل مقتدا
مقتدای علم شد از دل عیان	کاشف مرحوم گشت از جان ندا
سرور امصار منتجب کن رقم	رحلت آن شاه عالم والا جا
تاریخ وفات سید محمد بن محمود کرمانی چشتی که در سال هفتصد و یازده بوقوع آمد	
محمد ابن محمود آن مه کرمان شه عالم	بشکل شمع شد روشن چو اندر باغ رضوانی
رقم شد مرشد المؤمنین هم مشکلکشا سالش	دگر باره محمد بود سید پیر کرمانی
تاریخ وفات شیخ شمس الدین ترک پانی پتی که در سال هفتصد و پانزده بوقوع آمد	
مطلع حق شمس دین نور یقین	شد چو از دنیا بسال شمس مدعا

طالب مقبول شمس الدین بود ‌‌‌‌‌‌ — نیز شمس الدین ولی باصفا
شمس دین سلطان نامی شدعیان ‌ — باز شمس ذین امیر آمد ندا
هم ز شمس ذین الکبه جسته ام ‌ — ارتحال آن ولی مقتدا

قطعهٔ ثانی

شمس دین شد چو در جهان روشن — هست تاریخ آن شه حق بین
اهل دین شمس ذین ولی حق — هم محب یقین شمس الدین

تاریخ وفات قاضی محی الدین کاشانی چشتی که در سال هفتصد و نوزده هجری بوقوع

شد بجنت چو زنده جاوید — زنده دل محی دین ولی حق بین
رحلتش هست صاحب تحقیق — نیز مهتاب حسن محی الدین

تاریخ وفات خواجه علاء الدین چشتی اجودهنی که در سال هفتصد و بست هجری بوقوع

شد چو از دهر خلد اعلی یافت — شیخ دنیا و دین علاء الدین
متقی لقیین است تاریخش — نیز سید است متقی حق بین
یار حق کاشف و ثریا جاه — هست وصلش نزهت و تزئین
باز تاریخ رحلت آن شاه — گفته ام شمع حق علاء الدین

تاریخ وفات خواجه شمس الدین دهلوی که در سال هفتصد و بست و دو بوقوع آمد

مغرب رفت از روی زمین آه — چو شمس الدین ولی مهر منور
بگو قطب الشرف اخلاص فرما — بسال رحلت آن شاه رهبر
و گر تاریخ وصلش جلوه گر شد — ز شمس الاولیا هادی اکبر

تاریخ وفات شیخ شرف الدین بوعلی قلندر پانی پتی که در سال هفتصد و بست و چار بوقوع

بوعلی اشرف و شریف و نجیب — وصل شد چون بوصل رب ودود
ارتحالش شرف ولی زمان — نیز فرما شرف ولی محمود
بار دیگر شرف سعید بگو — سال ترحیل آن شه باجود
باز شد سن رحلتش پیدا — زیب عالم قلندر مسعود

تاریخ ولادت و وفات شیخ نظام الدین بداونی دهلوی که ولادتش در سال
ششصد و سی و چار و وفات در سنه هفتصد و بست و پنج هجری بوقوع آمد

نظام الدین نظام دین احمد	ولی محبوب حق حق گو و حق بین
تولیدش ز دل آمد هویدا	که محبوب الهی سرور دین
دگر هادی حق بدر منیر ست	تولیدش بگو ای فرخ آئین
رقم شد پس دو سال انتقالش	فرید ملک سلطان السلاطین
عدیم المثل دان سال وصالش	خلیفه کن بیان با زیب و تزئین

تاریخ وفات خواجه امیر خسرو دهلوی که در سال هفتصد و بست و پنج بوقوع آمد

خواجه خسرو امیر دو جهان	یافت مثل گل چو در جنت مقام
رحلت او اشرف الاقطاب گو	نیز فرما ملبس شیرین کلام

قطعهٔ ثانی

آن امیر اولیا و ان خسرو ملک بقا	شد چو زین دار الحزن چون گل بسوی گلستان
عندلیب دل ز بهر ارتحال پاک او	گفت زیبا طوطی گوینده هندوستان

تاریخ وفات شیخ وجیه الدین یوسف چشتی که در سال هفتصد و بست و نه بوقوع آمد

مصر دنیا گذاشت آخر کار	شیخ مسعود یوسف ثانی
یوسف عاقبت بگو سالش	هم بخوان بود یوسف ثانی

تاریخ وفات میر حسن علای سنجری دهلوی که در سال هفتصد و سی و شش بوقوع آمد

چون حسن احسن شه اهل جمال	با کمال حسن در جنت رسید
رحلتش حسن حقیقت شد عیان	سید مرشد حسن آمد پدید

تاریخ وفات مولانا ضیاء الدین برنی که در سال هفتصد و سی و هشت بوقوع آمد

جلوه گر در جنت الفردوس شد	چون ضیاء الدین بصد نور و ضیا
رحلتش مخدوم امجد کن رقم	بار دیگر پیر برنی پارسا
وصل او ابر سعادت گفته ام	والی خاص است دیگر والدعا

تاریخ وفات شیخ برهان الدین غریب که در سال هفتصد و چهل و یک بوقوع آمد

چو شد برهان دین برهان جنت	عجب سال وصال او به تشهیر
خرد فرمود عاشق جمع حق	دگر اهل صفا برهان دین پیر

وفات شیخ حسام الدین سوخته چشتی که در سال هفتصد و چهل و یک بوقوع آمد

چون حسام الدین ز دنیا رخت بست … سال وصل آن ولی متقی
عاشق الله صدیق آمد است … هم حسام الدین سعید جنتی

تاریخ وفات شیخ عزیز الدین صوفی که در سال هفتصد و چهل و یک بوقوع آمد

شد ز دنیا چو با هزار اعزاز … عز خلد برین عزیز الدین
رحلتش آفتاب انور دان … هم بخوان فتح دین عزیز الدین

تاریخ وفات شیخ شمس الدین یحیی چشتی قدس سره که در سال هفتصد و چهل و هفت بوقوع آمد

شمس دین ماه اوج برج کمال … جلوه گر شد چو در بهشت برین
رحلتش عابد سخی آمد … شد عیان ماه بدر شمس الدین

تاریخ وفات ملک زاده احمد چشتی قدس سره که در سال هفتصد و چهل و هفت بوقوع آمد

احمد و حامد ولی عالی وقار … شد چو در خلد معلی جای گیر
هست مهدی محترم تاریخ او … کرت ثانی است احمد دستگیر

تاریخ وفات مولانا فخر الدین زرادی چشتی که در سال هفتصد و چهل و هشت بوقوع آمد

چو شد فخر جهان با عزت و جاه … ولی فخر جهان مخدوم محبوب
مه جنت است سال انتقالش … دگر باره بخوان مخدوم محبوب

تاریخ وفات شیخ ضیاء الدین نخشبی که در سال هفتصد و پنجاه و یک بوقوع آمد

چون ضیاء الدین بصد نور و ضیا … رفت در جنت وصالش ای اخی
واقف اسرار اهل الله دان … نیز مرشد هادی عالم ولی
باز خوان مخدوم سال رحلتش … هم ولی دین کامل متقی

تاریخ وفات شیخ فرید الدین ناگوری که در سال هفتصد و پنجاه و دو بوقوع آمد

چون فرید الدین ولی فرد الفرید … فرد و یکتا رفت اندر خاک باز
بنده خاص هست سال رحلتش … هم فرید فرد عالم پاک باز

تاریخ وفات کمال الدین که در سال هفتصد و پنجاه و شش بوقوع آمد

شد کمال الدین چو با نور کمال … چون مه کامل بفردوس برین
رحمت حق گشت روشن رحلتش … باز دیگر [illegible] اهل دین

تاریخ وفات شیخ نصیر الدین محمود چراغ دهلوی که در سال هفتصد و پنجاه و دو [illegible]

با نجاه و هفت بوقوع آمد

گشت چون جلوه گر نصیر الدین … بجنان چون چراغ پر انوار
هست مهتاب نیر دهلی … سال تحصیل آن شه ابرار
کن رقم نیز رهبر فردوس … تا شود سال رحلتش اظهار
قبله حق نصیر دین محمود … سال وصلش بخوان تو با تکرار
باز محبوب نیر اکبر … هم بگو پیر سید و سردار
کن رقم باز رحلت آن شاه … طالب الله و واقف اسرار
باز صدیق حق نصیر الدین … گفت دل سال رحلتش ای یار
شاه نامی نصیر شد تحریر … رحلت پاک او زسر و زنار

تاریخ وفات شیخ اخی سراج الدین چشتی که در سال هفتصد و پنجاه و هشت

چون سراج الدین سراج اهل چشت … جلوه گر شد مثل مه اندر جنان
عارف امجد سراج الدین بگو … هم مسلی معتبر تاریخ آن
عارف رهبر دو بار کن رقم … سالک محرم سراج الدین بخوان

تاریخ وفات شیخ صدر الدین حکیم که در سال هفتصد و پنجاه و نه بوقوع آمد

صدر دنیا و دین ولی جهان … شد چو بر صدر خلد صدر نشین
شاه جنت بگو تا ریخش … هم بخوان شاه دین صدر الدین

تاریخ وفات شیخ قطب الدین منور قدس سره که در سال هفتصد و شصت بوقوع آمد

قطب جنت شد چو با صد عز و جاه … قطب عالم قطب دین قطب یقین
سال ترحیلش ندا شد از فلک … قطب دنیا آفتاب اهل دین
هم بخوان مهر منور قطب حق … سال وصل آن شه خلوت نشین

تاریخ وفات شیخ معین الدین خورد قدس سره که در سال هفتصد و شصت و یک بوقوع آمد

چو در اقلیم جنت یافت شاهی … معین اهل امانت پیر مغفور
معین الدین متوکل رقم کرد … تا ریخش چو سرور گشت ما مور
دگر تاریخ ترحیلش عیان شد … معین الدین کامل مطلع نور

تاریخ وفات شیخ علاء الدین نیلی قدس سره که در سال هفتصد و شصت و دو هجری بوقوع

٥٣

ز دنیا شد مقیم جنت الخلد	علاء الدین واصل وصف حق
رقم شد بهر سال انتقالش	علاء الدین عارف صاحب حق

تاریخ وفات شیخ سراج الدین چشتی که در سال هفتصد و شصت و دو بوقوع آمد

ماهتاب جهان سراج الدین	جلوه گر گشت چون براوج جنان
هست اهل خلوص تاریخش	همه گر صاحب کرامت دان

تاریخ وفات شیخ جلال الدین پانی پتی که در سال هفتصد و شصت و پنج بوقوع آمد

چون جلال الدین شه اهل جلال	یافت با وصل خداوندی وصال
بحر عرفانی جلال بی نیاز	هست وصل آن شه اهل کمال
پیر کامل پیر عالیشان بگو	نیز مفتاح جلال حق جلال
پس ز اهل الله محبوب خدا	گیر بهر رحلتش تاریخ سال

تاریخ وفات شیخ حمید قلندر چشتی که در سال هفتصد و شصت و هشت بوقوع آمد

چون بالطاف جناب ذو الجلال	شد بجنت حامد رحمان حمید
شاه عالیشان بگو تاریخ او	هم بخوان سرور شه عرفان حمید

تاریخ وفات سید محمد بن مبارک کرمانی که در سال هفتصد و هفتاد بوقوع آمد

محمد شیخ دین آل محمد	چو روشن شد بجنت مثل مهتاب
عجب سال وصالش حق پرست است	فقیر فقر هم گفتم درین باب
چو شاهنشاه حق هاتف ندا کرد	وصال پاک او گفتم باحباب
محمد درد عشق است و دو بارا	محمد بن مبارک میر اقطاب

تاریخ وفات شیخ یوسف چشتی که در سال هفتصد و هفتاد و چار بوقوع آمد

یوسف مصر دین حق یوسف	کرد چون از جهان بخلد مکان
رحلتش یوسف حقیقت گو	یوسف حسن ماه تابان خوان
باز کن شمع نور حق روشن	سال وصلش ستاره حق دان

تاریخ وفات شیخ تاج الدین سوار چشتی که در سال دو و صد و هشتاد و چار بوقوع آمد

شیخ تاج الدین شه عالم که در اوصاف او	تاج دین اعزاز دینا شیخ حق بین گفته اند
ارتحالش مرشد معصوم و هم سلطان خلد	تاج فقر و نیز تاج شاهی دین گفته اند

[illegible]

تاریخ وفات شیخ عبد المقتدر چشتی که در سال هفتصد و هشتاد و نه یا نود و یک بوقوع آمد

چون با کرام خداوندی فصل لاانتها	رفت از دار الفنا در خلد عالی مقتدر
صاحب مخدوم شد وصلش دگر باره خرد	گفت اولی مقتدر فرمود والی مقتدر

تاریخ وفات شیخ علاء الدین علاء الحق بن سعد لاهوری بنگالی که در سال هشتصد بوقوع

بفردوس معلی شد علاء الدین چو از عالم	ز رویش زینت تازه بگلزار جنان آمد
ولی رهبر علاء الحق و الدین است تاریخش	دگر والی علاء الحق و الملت عیان آمد

تاریخ وفات شیخ حسام الدین فتح پوری که در سال هشتصد هجری بوقوع آمد

شد چو واصل بوصل حقانی	شیخ دین سبے حسام الدین
گفت سرور بسال رحلت او	شاه مرد ولی حسام الدین
نیز دان متقی قطب الحق	هم ولی متقی حسام الدین

تاریخ وفات میر سید اشرف جهانگیر سمنانی که در سال هشتصد و هشت بوقوع آمد

مشرف گشت با نعمای جنت	چو شیخ اشرف آن میر شرف پیر
شریف الواقف آمد ارتحالش	دوبار اراه بر قطب جهانگیر
دگر کردم رقم در سال ترحیل	امام مومنان منیر جهانگیر
بخوان سال وصالش بار دیگر	مکمل عارف والا جهانگیر
ولی هند منیر جنت آمد	چو شد وصلش ز نوک خامه تحریر
وصالش و اصل کامل شریف است	اگر خواهی بکن ای یار تقریر

تاریخ وفات شیخ احمد تها منیری که در سال هشتصد و بست بوقوع آمد

شیخ دین احمدی احمد ولی	شد چو از دنیا بجنات النعیم
هست مخدوم مکمل رحلتش	هم محمد متقی عابد سلیم

تاریخ وفات شیخ فتح الله اوده که در سال هشتصد و بست بوقوع آمد

چو فتح الله از حق یافت مفتوح	بمفتاح تلطف جنتی باب
امام اولیا خاص است سالش	دوباره نور دین فتاح ابواب

تاریخ وفات شیخ عین الدین قتال که در سال هشتصد و بست و دو بوقوع آمد

چو عین الدین ولی عین حقیقت	که ذات عین دینش عین دین بود

۵۵

[illegible]

شد دنیا شد بجو سال وصالش — ز نور العین عین الدین مسعود
هم عین الدین ولی هادی قبال — ز دل سال وصالش گشت موجود

تاریخ ولادت و وفات میر سید محمد گیسو دراز که ولادتش در سال هفتصد و بست و وصال آن باکمال در سنه هشتصد و بست و پنج بوقوع آمد

اشرف اولاد آل مرتضی — شیخ دین سید محمد پیشوا
هادی محبوب آل بوتراب — کن رقم تولید آن شاهدا
نیز تاج اولیا صدیق دین — باز زیب دین محمد مقتدا
زیب تاج عارفان وصلش بخوان — هم رقم کن بادشاه اتقیا
سرور مخدوم حق آگاه گو — تا بر آید بهر وصلش مدعا

تاریخ وفات شیخ احمد عبد الحق ردولوی چشتی که در سال هشتصد و سی و شش بوقوع

چون بوصل حق بحق موصول شد — عبد حق مهر حقیقت ماه حق
رحلت پاکش ز سرور شد عیان — حق شه مسعود حق آگاه حق
مقتدای اهل حق کامل ولی — سال وصل او بگو از راه حق
باز شاهنشاه حق هادی ولی — نیز حق حق رهنمای راه حق
هم خلیل حق موحد گفته اند — پس ولی الله بر حق شاه حق

تاریخ وفات شیر خان مسعود بک چشتی که در سال هشتصد و سی و شش بوقوع آمد

شیر خان شیر بیشه توحید — یافت چون وصل ذات سبحانی
رحلتش گو امام دین مخدوم — نیز شیر دلیر یزدانی

تاریخ وفات شیخ قوام الدین چشتی و سهروردی که در سال هشتصد و چهل بوقوع

قوام الدین چو از فضل خدا رفت — قیام خویش در فردوس اعلی
وصالش گفت دل سلطان مخدوم — سخی حق بین و مخدوم معلی
دگر میر شریف و بدر خلد است — وصال آن شه محبوب مولی

تاریخ وفات شیخ سارنگ چشتی و سهروردی که در سال هشتصد و چهل بوقوع آمد

چو سارنگ از جهان رحلت سفر بست — بجنت شد بفضل ذو الجلالی
وصالش عارف متوکل آمد — دگر گفتم ولی مخدوم عالی

٥٦

[illegible]

تاریخ وفات قاضی شهاب الدین دولت آبادی که در سال هشتصد و چهل و هفت بوقوع آمد

چو بر اوج جنان شد پرتو افگن	شهاب الدین ولی عالی مه علم
وصالش کن رقم توقیر اسلام	دگر فرما شهاب الدین شه علم

تاریخ وفات میر یدالله چشتی که در سال هشتصد و چهل و نه بوقوع آمد

دست خدا میر یدالله میر	سرور دین راهبر راه حق
رحلت چو گو مرد خدا رحلتش	نیز یدالله شهنشاه حق

تاریخ وفات شیخ نور الدین قطب عالم بنگالی که در سال هشتصد و پنجاه و یک بوقوع آمد

چو نور الدین بصد انوار و اسرار	منور شد بفردوس معلی
بگو تاریخ او شمس الهدایت	دگر قطب الهدا نور تجلی
ز مخدوم المکمل رحلتش جو	دو بار ار رحمت کن هویدا
محب ذو الجلال آمد وصالش	دگر سرمست کامل گشت پیدا

تاریخ وفات شیخ علاء الدین قریشی چشتی که در سال هشتصد و پنجاه و سه بوقوع آمد

جای اعلی بخلد عالی یافت	چون شه مقتدا علاء الدین
هست دیدار خلد تاریخش	هم ولی خدا علاء الدین

تاریخ وفات شیخ کبیر چشتی قدس سره که در سال هشتصد و پنجاه و هشت بوقوع آمد

چو بگرفت در خلد اکبر مقام	کبیر آن شه و پیر برنا و پیر
وصالش شده بحر رحمت روان	دگر قبلهٔ اهل جنت کبیر

تاریخ ولادت و وفات شیخ ابو الفتح جونپوری که ولادتش در سال هفتصد و هفتاد و دو و وفات در سنه هشتصد و پنجاه و هشت بوقوع آمد

ولی مفتاح دین هادی ابو الفتح	که ذاتش رهبر راه صواب است
ولی حق نما ابو الفتح سرور	پی تاریخ تولیدش خطاب است
ز بهر ارتحالش هاتف غیب	بگفتا نور حق فتاح باب است

تاریخ وفات شیخ عارف چشتی صابری که در سال هشتصد و پنجاه و نه بوقوع آمد

بقرب معرفت اندر جنان رفت	چو عارف شیخ عارف واقف حق
بجو مجذوب حق سالش دو بارا	ز قطب الحق معلی عارف حق

۵۷ [illegible]

[illegible]

تاریخ وفات شیخ ابو الفتح علای قریشی کالپوی که در سال هشتصد و شصت و دو بوقوع آمد

بفتح باب جنت شد مشرف	چو آن اهل یقین هادی ابو الفتح
چو سال انتقالش جستم از دل	بگفتا میر دین هادی ابو الفتح

تاریخ وفات شیخ پیاره چشتی که در سال هشتصد و شصت و پنج بوقوع آمد

چو شد یکتا بفردوس معلی	جناب صاحب تفرید پیاره
تو از سر خدا وصلش بجو نیز	ز کامل صاحب التوحید پیارا

تاریخ وفات شیخ محمد المشهور شیخ میا چشتی و سهروردی ...

چو مسکن یافت اندر قصر محمود	محمد شاه دین مقبول احمد
وصالش کن بیان مخدوم مسعود	دگر فرما خلیل حق محمد
زشمس عشق باز از گلشن عشق	وصال آن شه حق بین برآمد

تاریخ وفات شیخ شمس الدین طاهر که در سال هشتصد و هشتاد و یک بوقوع آمد

چو شمس الدین بجنت شد منور	وصال پاک آن خورشید ...
باول گشت روشن تاج عزت	دوباره ... دگر شد شمع عشاق

تاریخ وفات شاه جلال الدین گجراتی که در سال هشتصد و هشتاد و یک بوقوع آمد

شد چو با صد جلال در جنت	شیخ والا جلال ماه جاه
فاخر آمد ز دل وصالش نیز	واصل حق جلال شاهنشاه

تاریخ وفات شیخ کاکو چشتی لاهوری که در سال هشتصد و هشتاد و دو بوقوع آمد

حکومت یافت در اقلیم فردوس	چو شاهنشاه والا جاه کاکو
رقم شد احسن الاخلاق سالش	دوباره شاه اکبر شاه کاکو

تاریخ وفات شیخ حسام الدین مانک پوری که در سال هشتصد و هشتاد و دو بوقوع آمد

چون حسام از دهر در جنت مقام	کرد سال وصل آن اهل یقین
صاحب مخدوم کامل گو و نیز	هادی مشکلات مطلوب دین

تاریخ وفات شیخ سعد الدین خیرآبادی که در سال هشتصد و هشتاد و دو بوقوع آمد

شد چو با صد سعادت از دنیا	سعد دین اسعد سعید امین
هست ... سالش نیز	کاشف حق سعید سعد الدین

تاریخ وفات سید محمد بن جعفر مکی حسنی چشتی که در سال نهصد و نود و یک بوقوع آمد

رفت در جنت به بزم احمدی	چون محمد شیر دین روشن ضمیر
رحلتش فیاض گو دیگر بخوان	سید آل محمد دستگیر
باز سیر متقی کامل بگو	سال وصل آن شه برنا و پیر
نیز مهتاب سخی جلوه گر	گشت در تاریخ آن میر و فقیر

تاریخ وفات شیخ جنید حصاری که در سال نهصد هجری الاقدس بوقوع آمد

کرد چون در جنت الاعلی مقام	شیخ عالم عالم و عامل جنید
خاص دهر آمد وصال پاک او	نیز کامل خواجه و اصل جنید

تاریخ وفات شیخ حسین ناگوری که در سال نهصد و یک بوقوع آمد

یافت چون نور حسن در جنت	مرد محسن حسین نور العین
یار رفت متقی است تاریخش	هم نفر با امام خاص حسین

تاریخ وفات راجی حامد شاه چشتی که در سال نهصد و یک بوقوع آمد

شد چو بر اوج قصر جنت شاد	حامد ذات احمدی و ولی
یار مخدوم گو وصالش نیز	قطب دین حامد محمد اوست

تاریخ وفات شیخ حسن طاهر چشتی در سال نهصد و نه بوقوع آمد

داد چون در بهشت جلوه حسن	احسن و محسن و حسن مرحوم
بیرد و تاریخ رحلتش سرور	زیب فیض قطب حق مخدوم

تاریخ وفات شیخ بختیار چشتی که در سال نهصد و ده هجری بوقوع آمد

شاه اهل بخت شیخ بختیار	چون به بخت خوش بجنت یافت جا
هادی فیض است سال وصل او	نیز یار حق ولی مقتدا
فضل شیخ و خیر اهل دین بگو	باز درویش فقیر ای باصفا

تاریخ وفات شیخ احمد مجد شیبانی که در سال نهصد و بیست و هفت بوقوع آمد

رفت چون احمد به بزم احمدی	سال وصل آن شهر دی بیره
هست محبوب نبی نیکو خصال	بار دیگر جو ز احمد شیخ دین

تاریخ وفات شیخ عبد القدوس گنگوهی که در سال نهصد و چهل و پنج بوقوع آ

چو شیخ قدس اقدس عبد قدوس	بملک قدس از حق یافت شاهی
ز مشتاق جنان سالش عیان شد	دگر مشتاق محبوب آسایی
بگو قدوس شاهنشاه اقطاب	اگر تاریخ ترحیلش بجوایی
تاریخ وفات شیخ عبد الکبیر بالاپیر چشتی که در سال نهصد و چهل و هفت بوقوع آمد	
درجهٔ کبری ز حق در خلد یافت	چون کبیر آن شیخ اکبر دستگیر
هست تاج الاتقیا تاریخ او	هم فرید الدهر سلطان الکبیر
تاریخ وفات شیخ خانو گوالیاری که در سال نهصد و چهل و هفت بوقوع آمد	
شیخ خانو خوان نعما یا سخا	شد چو در جنت پی تاریخ آن
گشت مخدوم معلی زنده دل	نیز خانو حق نما کامل عیان
تاریخ ولادت و وفات شیخ علاء الدین بن نور الدین اجودهنی که ولادتش در سال هشتصد و هفتاد و دو و وفاتش در سنه نهصد و چهل و هشت بوقوع آمد	
ولی و متقی و شیخ عالم	علاء الدین عالی شاه معصوم
ز هاتف مادهٔ مخدوم آفاق	پی تولید او گردید مفهوم
رقم کن مرشد ابرار وصلش	دو باره حق نما مهدی مخدوم
شده معراج خلد و شیخ ابدال	ز دل سال وصالش طرفه معلوم
تاریخ وفات شیخ عبد الرزاق جهنجانه که در سال نهصد و پنجاه بوقوع آمد	
رزق خود چون یافت شیخ عبد رزاق	سال وصل آن ولی باصفا اهل تمیز
عابد رزاق والا منزلت کردم رقم	بار دیگر قطب جنت عابد رزاق نیز
تاریخ وفات شیخ یوسف المشهور شاه جوسی که در سال نهصد و پنجاه بوقوع آمد	
چو یوسف یوسف مصر محبت	ز دنیا رخت خود بربست بهشت
خرد دست محبت گفت تاریخ	دگر فرمود کامل یوسف جنت
تاریخ وفات شیخ امان پانی پتی که در سال نهصد و پنجاه و هفت بوقوع آمد	
در جنان با امان و ایمان رفت	شیخ حق گو امان حق آگاه
سال ترحیل او است سیر بهشت	شیخ واصل و شیخ والاجاه
والی فضل گو دگر باره	هم بخوان خاص حق امان الله

انوار العیون از تصانیف او است و کتاب [illegible] نیز از تصانیف او است ... شیخ عبد القدوس ... مرید و خلیفهٔ شیخ ... [illegible] ... حضرت فرید الدین گنج شکر است [illegible]

۶۰

[illegible] ولایت ... شیخ ... [illegible]

تاریخ وفات شیخ حمزه دهر سو چشتی که در سال نهصد و پنجاه و هفت بوقوع آمد

مقیم روضه خلد برین شد	چو قطب الاولیا مخدوم حمزه
بخوان افضل ولی وصالش	دگر اهل صفا مخدوم حمزه

تاریخ وفات شیخ حسام الدین متقی ملتانی که در سال نهصد و شصت بوقوع

چون حسام الدین حسام دین حق	سالک دین رهنمای متقی
رفت از عالم بتاریخش بگو	زاهد دین پیشوای متقی
بار مخدوم کریم آمد عیان	سال وصل مقتدای متقی

تاریخ وفات سید عبد الاول حسینی چشتی که در سال نهصد و شصت و هشت بوقوع آمد

عبد اول اول از روز قیام	شد چو مثل گل بباغ جنتی
شیخ محبوب است سال رحلتش	هم هو الاول هو الآخر ولی

تاریخ وفات شیخ قاضی خان چشتی که در سال نهصد و هفتاد هجری بوقوع آمد

از قضای قاضی هر دو سرای	کرد قاضی خان چو در جنت مکان
قاضی مهدی است سال رحلتش	قاضی هند است و قاضی جهان

تاریخ ولادت و وفات عبد العزیز بن حسن طاهر که ولادتش در هشتصد و نود و هشت و وفاتش در سال نهصد و هفتاد و پنج بوقوع آمد

شیخ دین عبد العزیز محترم	بود دنیا پیش او ناچیز چیز
هست تولیدش بقول اهل حال	چشتی کامل عزیز است با تمیز
گفت سرور ارتحال انتخاب	هادی مخدوم دین عبد العزیز

تاریخ ولادت و وفات شیخ علی متقی بن حسام الدین چشتی قادری شاذلی که ولادتش در سال هشتصد و هشتاد و پنج و وفات در سنه نهصد و هفتاد و نهم بوقوع آمد

حامی دین رهنمای راه حق	مرشد اعلی علی عالی ولی
سال تولیدش بقول معتبر	شد ز دل مخدوم صادق منجلی
باز شد پیدا علی مصباح خلد	سرور از تولید آن نور جلی
سال وصلش گو علی سر خدا	هم بخوان مخدوم دین عالی علی

تاریخ وفات شیخ اله بخش جونپوری که در سال نهصد و هفتاد و شش بوقوع آمد

٦١

پرتو افگن شد بجنت مثل ماه — چون که او هست مظهر نور جمال
رحلتش شاه ولایت اکبر است ۹۴۶ — فیض مولی نیز تاریخ وصال ۹۴۶

تاریخ ولادت و وفات شیخ اسلیم چشتی فتح پوری که ولادتش در سال هشتصد و هفتاد و هفت یا هشتصد و هشتاد و چار و وفاتش در سنه ۹۷۹ هجری بوقوع آمد

اسلم الاولیا سلامت رو — شیخ اسلم سلیم با اسلام
گشت مخدوم صدق و رهبر عشق ۸۸۴ — سال تولیدش از خرد ارقام
قطب والا سلیم مخدوم است ۹۷۹ — سن ترحیل آن ذوی الاکرام
باز سال وصال او جستم — پیر محمود قوت الاسلام ۹۷۹

تاریخ وفات شیخ نظام الدین انبهتی که در سال نهصد و هشتاد و یک هجری بوقوع آمد

ناظم عالم نظام الدین ولی — یافت با وصل خدا وندی جمال
سن ترحیلش صراط المستقیم ۹۸۱ — حاصل آمد باز از فیض کمال ۹۸۱

تاریخ وفات شیخ نظام الدین بکهاری که در سال هشتصد و هشتاد و پنج بوقوع آمد

بکهاری چون ز دنیا شد بجنت — بسال وصل آن محبوب باری
فرشته گو فقیه معرفت خوان ۹۸۵ — دگر باره شیخ نماید بکهاری ۹۸۵

تاریخ وفات شیخ بیارا چشتی که در سال نهصد و هشتاد و شش بوقوع آمد

عزیز خلد شد با عزت و جاه — ولی مجذوب بیارا رحمت الله
عیان شد مخزن الانوار سالش ۹۸۶ — دگر محبوب بیارا رحمت الله ۹۸۶

تاریخ وفات شیخ جلال الدین تهانیسری که در سال نهصد و هشتاد و نه بوقوع آمد

با جلال و عزت بجنت رسید — جلال آن ولی اهل کمال
بگو شیخ پاکیزه دل سال او ۹۸۹ — دگر بار مهتاب عزت جلال ۹۸۹

تاریخ ولادت و وفات شیخ رزق الله المتخلص مشتاقی که ولادتش در سال هشتصد و نود و هفت و وفات وی در سنه نهصد و هشتاد و نه بوقوع آمد

شیخ عالی رتبه رزق الله شیر — اهل دل عارف مکرم متقی
بی گمان تولید آن شیخ الهنا — هیشو هیدا از مشتاقی ولی ۸۹۷
رحلتش فرما یکی مشتاق حق ۹۸۹ — هم حبیب دین مشتاق نبی ۹۸۹

[illegible]

تاریخ وفات شیخ عثمان زنده پیر بانی پتی که در سال نهصد و نود و دو بوقوع آمد

شیخ عثمان پیر عالم گیر چشت		یافت چون در روضهٔ جنت مکان
رحلتش کن حسبان عثمان نام		باز قطب الواصلین عثمان بخوان

تاریخ وفات شیخ نظام نارنولی که در سال نهصد و نود و نه بوقوع آمد

نظام الدین چو از دنیای دون رفت		بالطف حق مکان در باب جنت
نمایان شد شیخ نهدم رحلتش نیز		محب اولیا مهتاب جنت

تاریخ وفات شیخ منهه گاکروی چشتی که در سال یکهزار و سه بوقوع آمد

آنکه وصل خدا در رضا یافت		منهه پیر باخبر شیرین کلام
هست فیاض همایون رحلتش		هم بخوان والا قدر شیرین کلام

تاریخ وفات شیخ عبد الله انصاری سلطان پوری که در سال یکهزار و شش بوقوع آمد

از عبادت یافت چون عبد الله خلد		رحلت آن عابد دوران زمان
آفتاب فقر عبد الله گو		بار دیگر آفتاب عاشقان

تاریخ وفات شیخ اختیار الدین مردانی که در سال یکهزار و یازده بوقوع آمد

اختیار الدین چو باصد اختیار		گشت خود مختار در خلد برین
بهر سال انتقال آن جناب		گفت سرور اعظم و شیخ امین

تاریخ وفات شیخ جلال الدین کاسی چشتی که در سال یکهزار و سیزده بوقوع آمد

چون جلال آن ولی اهل جلال		با جلال و کمال شد سبحان
هست شیخ زمانه تاریخش		باز مشتاق حق جلال بخوان

تاریخ وفات خواجه حاجی اویس و توزی قصوری که در سال یکهزار و هفده بوقوع آمد

قبله اهل جنان شد از جهان		شیخ حاجی کعبه اهل یقین
شیخ نور عارف رقم کن سال او		بار دیگر شیخ حاجی پاک بین

تاریخ وفات شیخ نظام الدین بلخی الچشتی که در سال یکهزار و بیست و چهار بوقوع آمد

چون نظام الدین ز دار دهر رفت		باب جنت بر روانش گشت باز
وان حضوری افضل اقطاب نیز		ارتحالش هم نظام پاک باز

تاریخ وفات شیخ محمد بن فضل الله چشتی که در سال یکهزار و بیست و نه بوقوع آمد

[illegible]

چون محمد ابن فضل الله اهل علم و فضل — یافت از فضل خدا در خلد قرب ایل راز

عمده فضلت شیخ احسن و شیخ فلاح — سال وصلش باز فضل الله هادی یکبار

بار دیگر گشت پیدا زیب دین فضل اله — نیز هادی زمان افضل بصد عجز و نیاز

تاریخ وفات شیخ احمد شوریانی چشتی که در سال یکهزار و سی هجری بوقوع آمد

شد چو در بزم محمد از جهان — احمد آن حامی دین احمدی

احمد واعظ بگو تاریخ او — نیز هادی احمد فاضل ولی

تاریخ وفات میر سید محمد کالپوی چشتی یکهزار و سی و یک بوقوع آمد

چو در خلد منور گشت روشن — جناب مه لقا سید محمد

ز شمس المتقین جو ارتحالش — دگر سرخد اسید محمد

تاریخ وفات شیخ صادق گنگوهی که در سال یکهزار و سی و شش بوقوع آمد

بصد صدق و صفا شد سوی جنت — چو آن صادق ولی محبوب صادق

بگو مشتاق صادق ارتحالش — دگر مخدوم دین مطلوب صادق

تاریخ وفات شیخ علی غواص ترمزی چشتی که در سال یکهزار و چهل بوقوع آمد

چو زد غوطه در بحر وصل خدا — علی شاه غواص والی ولی

سخی پیر امجد علی سال اوست — دوباره بگو شیخ هادی علی

تاریخ وفات شیخ حاجی لگن قصوری شوریانی چشتی که در سال یکهزار و چهل و سه بوقوع آمد

چو حاجی شد به اهل جنان شد — بسال رحلت آن شیخ اعظم

دلم فرمود حامی صاحب ذکر — خرد گفتا که حاجی فخر عالم

ندا آمد ز هاتف مجمع فیض — دوبار از رحلت آن پیر اکرم

تاریخ وفات شیخ عبد الجلیل لکهنوی که در سال یکهزار و چهل و سه بوقوع آمد

چو شد با هزاران جلالت بخلد — وصل اجل شیخ عالم جلیل

ولی ذو الکرم خوان ترحیل او — بفرما خلیل مکرم جلیل

تاریخ وفات شیخ عبد الکریم چشتی لاهوری که در سال یکهزار و چهل و پنج بوقوع آمد

شیخ اکرم کریم با اکرام — مکرمت یافت چون بخلد برین

مقتدای شفیق دان سنائش — نیز رہ حق کریم کاشف دین

تاریخ وفات شیخ عبد الرشید جونپوری که در سال یکهزار و پنجاه و پنج بوقوع آمد

چون رشید آن مرشد ارشاد حق	با هزاران رشد و در جنت رسید
افضل الاقطاب گو تاریخ او	نیز قطب الاولیا عارف رشید

تاریخ وفات شیخ یحیی گجراتی که در سال یکهزار و هفتاد و پنج بوقوع آمد

یافت در جنت حیات دائمی	چونکه یحیی زنده دل زنده ولی
سال وصل آن ولی با خدا	یافتم عشق خدا از آگهی

تاریخ وفات شیخ پیر محمد لکهنوی که در سال یکهزار و هشتاد بوقوع آمد

محمد پیر در بزم محمد	چو شد تاریخ آن سرو از آفاق
بگو شیخ یقین و شیخ حق بین	بفرما شه محمد پیر عشاق

تاریخ وفات شه دولا دریایی گجراتی که در سال یکهزار و هشتاد بوقوع آمد

بجنت یافت از حق دولت وصل	چو شاهنشاه حق آگاه دوله
عجب تاریخ وصلش جلوه گر شد	ز قطب الوقت مولی شاه دوله

تاریخ وفات شیخ داود گنگوهی چشتی که در سال یکهزار و نود و پنج بوقوع آمد

چو داود رسید از قضای اله	ازین دهر در خلد جنت نشین
بگو شیخ داود حق بین وصال	دگر بار داود شیخ یقین

تاریخ وفات شاه ابو المعالی چشتی در سال یکهزار و یکصد و شانزده بوقوع آمد

رفت از دنیا چو در خلد برین	پیر رهبر بو المعالی اهل فیض
سال وصل اوست تاج التارکین	بار دیگر بو المعالی اهل فیض

تاریخ وفات شیخ عبد الرشید جالندهری چشتی که در سال یکهزار و یکصد و بیست و یک بوقوع آمد

حضرت عبد الرشید آن پیر دین	چون ز دنیا رفت و در جنت رسید
سال وصل اوست عارف حق پرست	بار دیگر سرور عالم رشید

تاریخ وفات شیخ سوندها چشتی که در سال یکهزار و یکصد و بست و نه بوقوع آمد

شیخ سوندها چون ز دنیا رخت بست	سال وصلش سرور از روی یقین
گفت سوندها متقی رهبر ولی	محرم مشتاق و فخر المحسنین

تاریخ وفات سید محمد سعید المشهور شاه بکهه که در سال یکهزار و یکصد و سی یک بوقوع آمد

چو از حکم قضا گردید آخر — بگفتا دل بسال اش مفتی الشرع ۱۱۳۱
باوج خلد روشن مثل مه بهیکه — خرد فرمود تاج فقر شه بهیکه ۱۱۳۱

تاریخ وفات سید عتیق الله چشتی جالندهری که در سال یکهزار و یکصد و ... و یک بوقوع آمد

ز دنیای دون چون بفردوس رفت — شهنشاه عشق است تاریخ او ۱۱۴۱
ولی جهان پیر پیران عتیق — دوباره بگو مهر پیران عتیق ۱۱۴۱

تاریخ وفات شیخ یحیی مدنی چشتی که در سال یکهزار و یکصد و چهل و یک بوقوع آمد

باز یحیی زنده دل شب زنده دار — کن رقم عاشق سخی تاریخ او ۱۱۴۱
گشت چون زنده بجنات النعیم — نیز یحیی چشتی مستقیم

تاریخ وفات شیخ کلیم الله جهان آبادی که در سال یکهزار یکصد و چهل و دو بوقوع آمد

بجنت یافت از حق جلوه حق — بگو موسی ثانی کاشف حق ۱۱۴۲
کلیم الله محو لن ترانی — دگر عرفان دین موسی ثانی ۱۱۴۲

تاریخ وفات نظام الدین اورنگ آبادی در سال یکهزار و یکصد و چهل و دو بوقوع آمد

بنظم خلد شد منظوم آخر — وصال او ز شیخ العالمین جو ۱۱۴۲
نظام دین و دنیا شیخ محبوب — دگر فرما نظام دین مطلوب ۱۱۴۲

تاریخ وفات شیخ لطف الله چشتی که در سال یکهزار و یکصد و هشتاد و شش بوقوع آمد

شد چو لطف الله بالطاف اله — کن رقم اهل نظر تاریخ او ۱۱۸۶
بعد فوت خود بقرب حق وصول — بار دیگر کن بیان فیض رسول ۱۱۸۶

تاریخ ولادت و وفات مولانا فخر الدین فخر جهان دهلوی که ولادتش در سال یکهزار و یکصد و بست و شش و وفات در سنه یکهزار و یکصد و نود و نه بوقوع آمد

فخر دین فخر جهان با افتخار — گشت فخر الدین علامه عیان ۱۱۲۶
طرفه سال انتقال آنجناب
عزت اسلام و فخر المومنین — سال تولیدش بصد صدق و یقین
شد بیان محبوب فخر المسلمین ۱۱۹۹

تاریخ ولادت و وفات سید علیم الله جالندهری که ولادتش در سال یکهزار و یکصد و نه و وفات در سنه یکهزار و دو صد و دو هجری بوقوع آمد

حضرت سید علیم الله پیر — شیخ حق آگاه محبوب الانام

٦٦

[illegible]

[illegible]

فیض دیدار است تولیدش عیاں ۔ سال ترحیلش بگو شیخ الکرام

تاریخ وفات شیخ نور محمد نبهیل که در سال یکهزار و دو صد و پنج بوقوع آمد

رفت چون نور محمد در جنان ۔ باغ جنت یافت زیب و نور و فور

نور حق مشتاق ترحیلش بگو ۔ هم ولی مجتبی مهتاب نور

رحلتش نور خدا صدیق علم ۔ شیخ حق واقف ز دل بابد ظهور

تاریخ وفات شیخ محمد سعید شرقپوری که در سال یکهزار و دو صد و چارده بوقوع آمد

شیخ اسعد سعید پیر سعید ۔ با سعادت چو شد بقصر جنان

گو چراغ هدا یتار بخش ۔ هم محمد سعید فخر زمان

قطعه ثانی

سعادت یافت خلد از مقدم او ۔ سعید از دهر چون رخت سفر بست

شده روشن وصالش اختر جود ۔ دگر هادی اکبر عاشق مست

تاریخ ولادت و وفات مولانا نیاز احمد بریلوی چشتی که ولادتش در سال یکهزار و یکصد و هفتاد و سه و وفات در سنه یکهزار و دو صد پنجاه بوقوع آمد

واقف سر احدی احمد ۔ عالم علم دین و محرم عشق

سال تولید اوست پاک نظر ۔ رحلتش بی نیاز رستم عشق

قطعه ثانی

سیر دین ناز و نیاز اهل چشت ۔ شه نیاز احمد ولی اهل ناز

فضل ربانی بگو تولید او ۔ رحلتش دیدار شیخ با نیاز

تاریخ وفات خواجه سلیمان چشتی که در سال یکهزار و دو صد و شصت و هفت بوقوع آمد

پادشاه خلد شد با غروشان ۔ چون سلیمان مرشد عالم پناه

قطب دین گو وصال او دگر ۔ قطب حق مرشد سلیمان پادشاه

تاریخ وفات شیخ غلام مصطفی وزیرآبادی چشتی که در سال یکهزار و دو صد و شصت و هفت

بنده مولی غلام مصطفی ۔ شیخ عالم سرور عشاق حق

هست واصل مظفر رحلتش ۔ بار دیگر سحر حق مشتاق حق

تاریخ وفات شیخ غلام نصیرالدین المشهور کالے صاحب که در سال یکهزار و دو صد و شصت و

[illegible]

چو کالابرو کا سے قطب صاحب از دہر	سکونت کرد در قصر بہشتی
چراغ دین بسالش جلوہ گر شد	دو ہارا عاشق صدیق چشتی

تاریخ وفات شیخ غلام محمد المشہور مسکین شاہ چشتی کہ در سال یکہزار و دو صد و ہفتاد و نہ بوقوع آمد

یافت چون قطب مسکین اہل سکنت	با ہزاران رتبہ اندر خلد جا
مقتدا نور التجلی سال اوست	نیز مسکین شاہ مرد مقتدا
باز سال انتقال آن جناب	ہست درویش مکرم مجتبی

تاریخ ولادت و وفات شیخ حاجی رمضان چشتی لاہوری کہ ولادتش در سال یکہزار و دو صد و دو و وفات وی در سن یکہزار و دو صد و ہشتاد و دو بوقوع آمد

حضرت قطب رمضان کہ نام پاک او	بود متبرک چو رمضان بر زبان
آمد اندر ماہ رمضان بر زمین	ہم بہ رمضان شد ببام آسمان
قطب رمضان ہست و رمضان عالی است	سال تولیدش بقول صالحان
قطب دوران شیخ و ترحیلش بگو	نیز کامل زندہ ذکی رمضان بخوان
بی نیاز آمد سنین عمر او	نیک گفتم ہم عطا کردم بیان

گنج چہارم در قطعات تواریخ وفات حضرات سلسلہ عالیہ نقشبندیہ مجددیہ قدس سرہم و آنچہ از این سلسلہ از یار غار پیغمبر ابوبکر صدیق اکبر رضی اللہ عنہ است و بعد از آن حضرت سلمان فارسی رضی اللہ عنہ است کہ وفات وی در سال سی و سہ بوقوع آمد

حضرت قطب سلمان کہ باد تا بحشر	تا ابد رحمت بر وی از افلاک باز
بود خاکش گوہر خاکی نژاد	رفت مثل گنج اندر خاک باز
روح پاکش پاک بود و پاک رفت	ہست سال ارتحالش پاکباز

تاریخ وفات حضرت امام قاسم رضی اللہ عنہ کہ در سال یکصد و ہفت یا یکصد و ہشت یا یکصد و یازدہ یا دوازدہ یا یکصد و دو ہجری باختلاف روایت بوقوع آمد

قسمت خود یافت چون قاسم بخلد	سال وصل آن امام نیک نام
طالب اللہ و حق فرمودہ اند	زاہد کامل بقول خاص و عام
ہادی مطلوب و اہل اللہ نیز	شد رقم ایمان دگر ہادی امام
قطب دان کافی بخوان سالک بگو	ہم ولی اللہ با صد احترام

جان محبوب آمده زنده دلے | بازو سار است و هادی انام

تاریخ ولادت و وفات شیخ ابایزید بسطامی که ولادتش درسال یکصد وسی وشش و وفات درسنه دو صد وشصت و یک یا شصت و دو یا شصت و نه بوقوع آمد

شیخ کونین بایزید ولے | شاه والا ولے عالی جاه
سال تولید او اگر خواهی | کن رقم بایزید اهل الله
هست دیندار رحلتش دیگر | اهل دین بایزید حق آگاه
بازمهدی هادی آفاق | هم نگر حق طلب ولی الله

تاریخ وفات شیخ ابوالحسن خرقانی که درسال چارصد وبست و پنج بوقوع آمد

بوالحسن محسن ولی اهل حسن | المضاعف شد چو زر وحسن جهان
سال وصلش بوالحسن صدیق دیر | میشود از خامه شمس و رعیان
شاه احسن گفت هاتف رحلتش | باز دل فرمود و اصل مهربان
نیز تاریخش بقول مختلف | میشود قطب الحسن جان جهان
بوالحسن قطب جهان محمود گو | هم نگر قطب الحسن اقدس بخوان
پس خرد سجده کمال حسن گفت | سال وصل آن شه جنت مکان

تاریخ وفات شیخ ابوعلی فارمدی که درسال چارصد وهفتاد وهفت بوقوع آمد

بوعلی چون خلد اعلے از خدا | یافت وصل آن علی متقی
شد محمد بوعلی پیر محب | نیز محمدی مکرم بوعلی
تاج گنج است و دگر تاج جلیل | رحلت آن شاه عالی منجلی
وصل او شیر علی عابد بگو | باز عزت هم عبادت ای اخی

تاریخ ولادت و وفات خواجه یوسف همدانی که ولادتش درسال چارصد وچهل یا چهل و یک و وفات درسنه پانصد و سی و چار یا پنج یا شش بوقوع آمد

همه دان و همه خوان یوسف همدان آمد | بحسن صورت و معنی است مشک یوسف ثانی
پی تولید پاکش صوفی محمود یوسف گو | دوباره سال مولودش بخوان مقبول ربانی
زمهدی نور دین یوسف بگو تاریخ ترحیلش | هم عالی قدر عالی جاه وصل اوست نجابی
عیان گردد زیوسف شاه دینی رحلت پاکش | دوباره یوسف عصر است ای سرور اگر دانی

۶۹

اگر خواهی تو تاریخ صحیح ارتحالش را　　بگو یوسف ابو یعقوب بن ایوب همدانی

تاریخ وفات شیخ حسن انداقی که درسال پانصد و پنجاه و دو بوقوع آمد

چون حسن با حسن و انوار جمال　　از جهان ورزید در جنت وطن
اهل تقوی گوشگ لیکن بیان　　سال وصل آن شه درزمین
ماه ارشاد است و فتح دین دگر　　بار دیگر عارف و عابد حسن

تاریخ وفات خواجه احمد یسوئی قدس سره که درسال پانصد و شصت و دو بوقوع آمد

شیخ احمد حامد ذات اله　　شد چو در جنت بزم احمدی
نیز نور آسمانی شد عیان　　سال وصل آن ولی متقی
باز احمد کاشف حق شد رقم　　همدگر احمد ولی جنتی
عاشق کامل چو من کردم بیان　　یافتم از سال فوتش آگهی

تاریخ وفات خواجه عبد الخالق عجدوانی که درسال پانصد و هفتاد و پنج بوقوع آمد

یافت از خالق چو خلد جاودان　　عبد خالق صاحب خلق و امین
گو همایون سبحتی تاریخ او　　بار دیگر مطلع نور یقین
باز محبوب نبی مجتبی　　نیز تاج اولیا مهدی دین
ارتحالش آفتاب کامل است　　کن رقم بشارتی فارغ نشین

تاریخ وفات خواجه محمد صدیق که درسال ششصد و پنجاه و هفت بوقوع آمد

شد چو در جنت بصد صدق و صفا　　احمد صدیق صدیق زمان
هست وصلش قطب کامل مجتبی　　سال وصل احمد عالی مکان
شاه عارف کن رقم ای نیکخو　　هم فقیر احمدی صدیق دان

تاریخ وفات خواجه سلیمان کرمینی که درسال ششصد و پنجاه و هشت بوقوع آمد

چون سلیمان مهر حسن باطنی　　شد بجنت پرتو افکن مثل ماه
خازن آمد ارتحال او ز دل　　هم ولی حق سلیمان بادشاه

تاریخ وفات خواجه عارف ریوگری که درسال هفتصد و پانزده بوقوع آمد

یافت با معرفت بخلد مقام　　عارف حق ولی عرفانی
خواجه اهل دین بگو سالش　　نیز عارف امین ربانی

باز درویش صادق آمد است | رحلت آن ولی عرفانی

تاریخ وفات خواجه محمود انجیر فغنوی که در سال هفتصد پانزده یا هفتده بوقوع آمد

چون مکان در جنت محمود یافت | جاند محمود شیخ الاتقیا

شاه عرفانی است سال وصل او | هم بخوان محمود تاج الاصفیا

تاریخ وفات خواجه عزیزان علی رامتنی که در سال هفتصد و بست و یک بوقوع آمد

قدر اعلی و عز و عالی یافت | چون علی شد بجنت العالی

گو علی بو تراب رحلت او | نیز عاشق ولی عزیز علی

وصل او بنده خدا دان است | هم علی مجتبی عزیز نبی

قطعه ثانی

چون علی عالی همو والی منزلت | شان علی یافت در فردوس از شان علی

سال ترحیلش ز رضوان شد بگوش من ندا | طالب حق رهنما و از عزیزان علی

تاج نورانی ز دل شد جلوه گر در وصل او | بار دیگر عارف اهل یقین جان علی

تاریخ وفات خواجه بابا سماسی که در سال هفتصد و پنجاه و پنج بوقوع آمد

چون محمد جا بجنت ذات آله | حمد گویان رفت در قصر جنان

رحلتش مخدوم اجلال آمد است | هم محمد متقی جان جهان

قطعه ثانی

در جنت خلد چون ز دنیا | مطلوب خدا محمد آمد

از مخبر عقل سال وصلش | محبوب خدا محمد آمد

تاریخ وفات میر سید کلال که در سال هفتصد و هفتاد و دو بوقوع آمد

رفت چو با عز و امارت بخلد | میر جهان سید امجد کلال

گفت بتاریخ وصالش خرد | بود ثناگوی محمد کلال

تاریخ ولادت و وفات خواجه بهاء الدین شاه نقشبند بخاری که ولادتش در سال هفتصد و بست و هشت و وفات در سنه هفتصد و نود و یک بوقوع آمد

نقش بند نقش نقاش ازل | آن بهاء الدین شه کون و مکان

زاهد مشکل کشا تولید او | قطب عالی نقش بند آمد عیان

۷۱

رحلتش مخدوم صاحب کن رقم — هم بخوان مخدوم نامی بیرون

قطعه ثانی

شاه والاشان بهاء الدین امام با صفا — آنکه شد روشن بنام باکمال نقشبند
هست مخدوم ازل تولید سال حلتش — گو بهاء الدین امام باکمال نقشبند

تاریخ وفات شیخ علاء الدین عطار بخاری که در سال هشتصد و دو بوقوع آمد

چو از دنیا علاو الدین عالی — بجنت رفت زین صحرای پرخار
عجب تاریخ وصلش جلوه گر شد — ز نور دین علاء الدین عطار
دگر مخدوم دنیا زهست سالش — عیان شد پیر روشندل بتکرار
زپیر عقل قطب خاص پیدست — چو خواهی رحلت آن شاه ابرار
زهاتف کشف شد کشاف عرفان — چو جست از دل وصالش پیر زوار
دگر باره وصلی اشد مخدوم — رقم شد رحلت آن پیر حق یار

تاریخ وفات میر سید عمر بن میر سید کلال که در سال هشتصد و سه بوقوع آمد

شد بجنت چون عمیر مثل عمر — روح او با وصل حق موصول شد
رحلتش مخدوم اقطاب است — هم امیر دین عمر مقبول شد

تاریخ وفات خواجه شاه میر بن میر کلال که در سال هشتصد و چهار بوقوع

بو زجنت شد چو با عز و وقار — سرور عشاق امجد شاه میر
گفت تاریخ وصال او خرد — زبده آفاق امجد شاه میر

تاریخ وفات خواجه عارف دیک کرانی که در سال هشتصد و پنج بوقوع آمد

نور عرفان بخلد والا یافت — عارف متقی شه جنت
عارف جنت است تاریخش — هم بفرما وصلی شه جنت

تاریخ وفات میر برهان بن میر کلال که در سال هشتصد و پنج بوقوع آمد

میر برهان صاحب برهان وصی — شد بجنت سال وصلش ای بصیر
میر برهان پیر دین طیب بگو — نیز بر خوان میر برهان نامور

تاریخ وفات خواجه میر حمزه بن میر کلال که در سال هشتصد و هشتاد بوقوع آمد

میر حمزه سید سادات دهر — یافت عز خلد با عز و وقار

طرفه سال انتقال آنجناب — تاج ابرار است ای والاتبار
محرم اسرار محبوب است نیز — میر حمزه رهبر کامل شمار

تاریخ وفات خواجه محمد پارسا که درسال هشتصد و بست و سه بوقوع آمد

پادشاه دین محمد پارسا — عارف حق پارسائی باکمال
داشت چون رخت اقامت در جنان — هست محی الدین شیخ سال وصال
هم حبیب ذو الجلال آمد عیان — باز پیر پارسا نور کمال

تاریخ وفات سید شریف جرجانی که درسال هشتصد و بست و پنج بوقوع آمد

چون ز دنیا یافت در جنت شرف — سید اشرف شریف دین حنیف
پادشاه اتقیا ترحیل اوست — نیز سید هادی عالم شریف

تاریخ وفات خواجه حسن عطار که درسال هشتصد و بست و شش بوقوع آمد

چون حسن رفت از جهان بی ثبات — با جمال و حسین در خلد برین
گفت سرور سال نقل آنجناب — نیز اکبر امام المسلمین
پس ازان خواجه حسن نیک جمال — هم حسن عطار ابو الفیض
وصلتش جستم ز اهل معرفت — باز نوشتم سراج العاشقین
پس حسن محمود هادی شریف — نیز حق بین حق نما نور الیقین

تاریخ وفات خواجه یعقوب چرخی که درسال هشتصد پنجاه و یک بوقوع آمد

شد بر اوج چرخ چون سنر گزین — حضرت یعقوب مجذوب خدا
رحلتش شمس الهدایت گفته‌اند — نیز حق آمود مطلوب خدا
وصل او کامل ملک سیرت بخوان — هم بعد ان یعقوب محبوب خدا

تاریخ وفات خواجه علاء الدین عجدوانی که درسال هشتصد و پنجاه و دو بوقوع آمد

شیخ عالی مکان علاء الدین — شد چو بر اوج قصر علیین
وان محب یقین جدا آگاه — رحلت او به نیک تر آئین
بنده خاص زنده دل فرما — هم شه دین پادشاه یقین
کشف شد کاشف الهدایت باز — سال ترحیل آن شه حق بین
آخرش بهر سال وصلش گو — متقی اهل دین علاء الدین

۷۳

[illegible]

تاریخ وفات خواجه نظام الدین خاموش که در سال ششصد و شصت یا شصت و یک

چون نظام الدین بجنت جست راه　　رفت خاموش از جهان سوی جنان

رحمت باری بگو تاریخ بخوان　　سال ترحیلش بقول صالحان

بندهٔ حق خاص هم تاریخ اوست　　باز مخدوم یقین کردم بیان

رحلتش مشکل‌گشای علم گو　　قطب مخدوم جهان هم بخوان

تاریخ وفات خواجه سعد الدین کاشغری که در سال ششصد و شصت و دو یا ششصت بوقوع

یافت از حق مقام سعد مخلد　　سعد دین اسعد زمان و زمین

گفت تاریخ رحلتش سرور　　متقی جمیل سعد الدین

باز مسعود مرشد کونین　　هست سال وصال آن شه دین

تاریخ وفات خواجه شهاب الدین احمد جنیدی که در سال ششصد و هشتاد و شش بوقوع آمد

چون شهاب الدین بجنت شد براه　　پرتو افکن شد پی تاریخ آن

نیر اکبر شهاب الدین بگو　　گن منور آفتاب عارفان

تاریخ ولادت خواجه برهان الدین ختلانی که در سال ششصد و نود و سه بوقوع آمد

حضرت برهان ولی برهان حق　　شد چو در جنت بصد صدق و یقین

قطب کامل ناصر ترحیلش بخوان　　نیز عاشق زنده دل برهان دین

تاریخ ولادت و وفات خواجه عبد الله احرار نقشبند که ولادتش در سال ششصد و شش و وفات در سنه ششصد و نود و پنج بوقوع آمد

عبید الله ولی اهل عبادت　　امام دین عالی شاه ابرار

زتاج عارفان تولید پاکش　　بجو دیگر ز لفظ ذوق شمار

مکرم نامور قطب زمان نیز　　بخوان تاریخ تولیدش دگر بار

وصالش عارف مرشد رقم کن　　دگر باره شه مسعود احرار

دوباره انتقال آن شه دین　　بفرما هادی سردار احرار

قطعهٔ ثانی

خلد والا چو کرد مسکن خویش　　پیر احرار شیخ عالی جاه

هست کامل ولی شه جنت　　سال ترحیل آن خدا آگاه

خاص صدیق گو دگر باره ۸۹۵ خواجه‌ها دست حق عبید الله

تاریخ ولادت و وفات خواجه نور الدین عبد الرحمن جامی که ولادتش در سال هشتصد و هفده و وفات در سنه هشتصد و نود و هشت بوقوع آمد

خواجه‌ها جامی ولی ساقی جام ۸۱۷ جرعه نوش جام حب کبریا
صاحب توقیر گو تولید او ۸۱۷ نیز بو اسلمی جهان مشکلکشا
رحلتش بدر الکرام امت گفته‌ام ۸۹۸ هم شفیق راه برای باصفا
نیز جامی ماه دین محمد و م جام ۸۹۸ بهر سال رحلتش کردم ندا
وصل او دان خواجه جامی دگر ۸۹۸ زاهد دین حسن عمرش سرورا

تاریخ وفات سید میر عبد الاول نقشبندی که در سال نهصد هجری بوقوع آمد

یافت چون آخر مقام اندر بهشت عبد اول میر دین جنت مکان
سید کونین محمد وم آمده است ۹۰۰ ارتحال آن شه دو زمان
نیز زاهد عبد اول حق پرست ۹۰۰ بازشاه عالم جنت بدان

تاریخ ولادت و وفات خواجه شمس الدین محمد روجی که ولادتش در سال هشتصد و بست و وفات در سنه نهصد و چار بوقوع آمد

گشت شمس الدین چو روشن بر جهان سال تولیدش بقول اصفیا
مهربان محبوب شمس دین بخوان ۸۲۰ نیز شمس الاصفیا اهل صفا ۸۲۰
هست ترحلیش ولی پیر نور شمس ۹۰۴ همه گر محمد ی مکرم مقتدا ۹۰۴
هادی اسلام شمس الاکرمین ۹۰۴ گشت حاصل بهر وصلش بدعا
خاص باری خسرو ابدال نیز ۹۰۴ ختم شد سال وصالش و الدعا

تاریخ شهادت خواجه محمد یحیی شهید که در سال نهصد و شش بوقوع آمد

شیخ یحیی شهید کامل عصر اکمل و اسعد است و سعد سعید
یافت حق را هر آنکه او را یافت دید حق را هر آنکه او را دید
کردی چون زین جهان بخلد عروج روح پاکش بر اوج عرش رسید
صاحب جان نثار شد تاریخ ۹۰۶ نیز قطب کبیر مرد شهید ۹۰۶

تاریخ وفات خواجه محمد عابد نقشبندی که در سال نهصد و ده بوقوع آمد

تاشکند است رسید فوجی از سوی ایران فرستاده امرای شاه بیگ و... بما رسید و خواجه را با ... ذکریا و عبد الباقی فرزندانش شهید کرده

بصد زهد و ریاضت یافت جنت — چو آن عابد محمد قطب مخدوم
وصال او بصد اطوار رنگین — بخوان زاهد محمد قطب مخدوم (٩١٠)

قطعه ثانی

یافت از فرط عبادت باغ خلد — عابد دین رحمة الله علیه
بهر سال وصل زاهد گفت دل — زاهد دین رحمة الله علیه (٩١٠)

تاریخ وفات خواجه خواجکا نقشبندی که در سال نهصد و یازده بوقوع آمد

چو آن خواجه خواجکا شیخ دین — بخلد برین یافت جائی قرار
بوصلش بگو خواجه رهنما (٩١١) — بفرما حسین خواجه نامدار (٩١١)

تاریخ وفات مولانا رضی الدین عبد الغفور لاری که در سال نهصد و دوازده بوقوع آمد

پیر اهل معرفت عبد الغفور — با رضا راضی شد و رفت از جهان
سالک مخدوم قطب است ای اخی (٩١٢) — سال وصل آن شه عالی مکان
هم جناب خواجه لاری بگو (٩١٢) — نیز عارف پیر حق لاری بخوان (٩١٢)

تاریخ وفات مولانا محمد زاهد وخشی که در سال نهصد و سی و شش بوقوع آمد

محمد زاهد آن شیخ معلی — چو با حق شد ز دنیا انفصالش
ولی فیض هم فیض الهی (٩٣٦) — عیان شد شیخ زاهد ارتحالش (٩٣٦)

تاریخ وفات مولانا درویش محمد نقشبندی که در سال نهصد و هفتاد بوقوع آمد

ز دنیا شد چو در خلد معلی — جناب سرور اکبر محمد
زسر و رست عشق آمد وصالش (٩٧٠) — دوباره عاشق رهبر محمد (٩٧٠)

تاریخ وفات خواجه عبد الشهید که در سال نهصد و هشتاد بوقوع آمد

خواجه عبد الشهید آن شیخ دین — روح پاک او چو در جنت رسید
شد ندا مخدوم هادی کریم (٩٨٠) — بحر وصلش هم ولی خواجه شهید (٩٨٠)

تاریخ وفات مولانا خواجگی امکنگی که در سال یکهزار و هشت بوقوع آمد

چون شه خواجگی باوج بهشت — جلوه گر گشت چون مه انور
هست شیخ زمان وصال او (١٠١٠) — هم بخوان خواجه یقین اکبر (١٠١٠)

تاریخ وفات خواجه محمد باقی دهلوی که در سال یکهزار و دوازده بوقوع آمد

چو باقی راهی ملک بقا شد — با اهل دهر گفت نه افراقی
ندا آمد ز هاتف سال وصلش — بجای ملک باقی رفت باقی

قطعه ثانی

چو شد از عالم فانی مقیم جنت الاعلی — خواجه عالی شده دار البقا
بخوان قطب زمان خواجه محمد باقی سال رحلتش — دگر قطب سن فی الی شه دار البقا باقی

تاریخ ولادت و وفات شیخ احمد مجدد الف ثانی فاروقی کابلی سرهندی که ولادتش در سال نهصد و هفتاد و یک و وفات وی در سنه یکهزار و سی چهار بوقوع آمد

شیخ احمد شیخ دین احمدی — پیر دین محبوب مقبول عظیم
شد عیان احمد رفیع المنزلت — مر ورا تولید آن شیخ کریم
نیز در تولید او اشرف فقیر — طرفه تر هید است از طبع سلیم
رحلتش فیض کمال احمد است — هم بخوان احمد صراط المستقیم
پیر سلطان الف ثانی بخوان — سال وصل آن شه جنت مقیم
شیخ امجد احمد پاک آمدست — ارتحال آن ولی بی خوف و بیم
حب احمد گو ولی زاهد بخوان — در سنین عمر آن نور قدیم

قطعه ثانی

احمد فاروق سرهندی ولی و اهل دل — در سن تولید و ترحیلش چو جستم اتصال
در ولادت احمد زاهد شفیع امت است — بی نیاز احمد شفیع امت آمد ارتحال

تاریخ وفات خواجه بیرنگ نقشبندی که در سال یکهزار و چهل و دو بوقوع آمد

ز دنیای دون رخت هستی ببست — چو بیرنگ آن مقتدا اهل فقر
بگو شیخ اسلام تاریخ او — دگر زبدة الاصفیا اهل فقر

تاریخ وفات خواجه خاوند محمود المشهور بحضرت ایشان لاهوری که در سال یکهزار و پنجاه و دو

بحمد الله که در جنت مکان کرد — ولی بی ریا خاوند محمود
بسر و رگفت رضوان ارتحالش — که قطب الاصفیا خاوند محمود

قطعه ثانی

چو شد زیر زمین افسوس افسوس — ز دنیا آفتاب عشق محمود

وصالش منبع فیض است سرور	دو باره آفتاب عشق محمود

قطعه ثالث

شاه محمود چون زد از فنا	رفت شد وصل باشد احمود
هست محمود شاه رحمت سال	نیز مخدوم یار سا محمود

قطعه رابع

ز دنیا شد بجنت حمد گویان	چو حق آگاه قطب وقت محمود
ولی جامع فیض است سالش	دو باره شاه قطب الوقت محمود

تاریخ وفات شیخ آدم بنوری مجددی که در سال یکهزار و پنجاه و سه بوقوع آمد

چو کرد از عالم فانی سفر سوی بقا آخر	مثال گنج پنهان گشت اندر زیر گل آدم
بسال رحلت او حافظ دین کن رقم سرور	دگر باره شد از عالم بجنت زنده دل آدم

قطعه ثانی

فخر آدم آدم ثانی ولی	شد چو از دنیای دون اندر جنان
رحلتش شیخ زمان آدم بگو	شاه عالم آدم ثانی بخوان
نیز آدم شیخ محمود ای عزیز	فخر آدم هادی حق کن بیان

تاریخ وفات شیخ نور محمد پشاوری که در سال یکهزار و پنجاه و نه بوقوع آمد

چو روشن شد بجنت مثل خورشید	شه اهل صفا نور محمد
رقم شد فیض حقانی وصالش	دگر مشکلکشا نور محمد

تاریخ وفات میر نعمان مجددی که در سال یکهزار و شصت بوقوع آمد

چو از نعمای جنت گشت منعم	شه ملک ولایت گفت نعمان
بسال انتقالش گفت سرور	که هادی رتبت نعمت میر نعمان

تاریخ وفات شیخ ابو الفتح مجددی که در سال یکهزار و شصت و شش بوقوع آمد

چون در جنت بجود بفتوح یافت	فتح دین بو الفتح مفتاح جهان
رحلتش شیخ زمان محبوب گو	هم زهی بو فتح مفتاح جهان
متقی معشوق و شاهنشاه تاج	نیز ترحیلش ز سرور رشد عیان

تاریخ وفات عبد الحی مجددی که در سال یکهزار و هفتاد هجری بوقوع آمد

۷۹

گشت مدفون چو آه صورت گنج ... در زمین حق پرست عبد الحی
مهدی اعظم است سالش نیز ... قطب دین حق پرست عبد الحی

تاریخ وفات شیخ احمد سعید مجددی که در سال یکهزار و هفتاد بوقوع آمد

باسعادت چون سعید از دهر رفت ... سوی جهان ماتم شد و در خلد عید
جلوه گر از طبع روشن وصل اوست ... نیر روشن ولی دین سعید

قطعه ثانی

صورت مشعل بزم احمدی شیخ جلوه ... باسعادت سعد دین احمدی احمد سعید
زیب عالم شیخ و شیخ ناطق آمد سال او ... هم بخوان مهدی عارف جنتی احمد سعید

تاریخ ولادت و وفات شیخ محمد معصوم مجددی که ولادتش در سال یکهزار و نه و وفات وی در سنه یکهزار و هفتاد و نه با هشتاد بوقوع آمد

مجدد نقشبند نقش یزدان ... ولی معصوم عالی رتبه مخدوم
پی تولید آن شاه معلی ... ز دل شد یار حق مخدوم معلوم
دوباره طرفه تر در سال تولید ... ذوی الاکرام شد تاریخ منظوم
زهادی غنی چو ارتحالش ... بفرما اهل حق مخدوم معصوم
دگر باره وصال پاک آن شاه ... ذو الامر ثبت گردید مفهوم
چه خوش بار دگر از دل ندا شد ... که عارف هادی اسرار معصوم

تاریخ وفات خواجه معین الدین خاوند کشمیری که در سال یکهزار و هشتاد و پنج بوقوع آمد

داخل فردوس شد با عز و جاه ... قطب بانی معین اهل دین
خواجه ملت بگو سالش دگر ... تاج عمر فانی معین الدین

تاریخ وفات شیخ سیف الدین مجددی که در سال یکهزار و نود و هشت بوقوع آمد

بقتل نفس از حق یافت جنت ... چو سیف الدین عالی سیف قتال
وصالش با صفا شمشیر دینی است ... دوباره شاه عالی سیف قتال

تاریخ وفات شیخ سعدی بلخاری لاهوری که در سال یکهزار و یکصد و یازده بوقوع آمد

باسعادت شد چو در خلد برین ... شیخ سعدی پیر اسعد شیخ پیر
باغ نعمت سعدی آمد رحلتش ... نیز سعدی عارف اکبر فقیر

هم شهنشاه ولایت شد عیان ۱۱۱۰	سال وصل آن شه روشن ضمیر

تاریخ وفات شیخ محمد اسمعیل غوری مجددی که در سال یکهزار و یکصد یازده بوقوع آمد

پاک رفت از جهان بخلد برین	چونکه معصوم دهر اسماعیل
رحلتش هست عارف سرمست ۱۱۱۱	نیز مخدوم دهر اسماعیل ۱۱۱۱

تاریخ وفات حافظ عبد الغفور پشاوری که در سال یکهزار و یکصد و شانزده

شیخ عبد الغفور حافظ دین	چون فدا کرد جان بنام اله
حافظ و اصل است تاریخش ۱۱۱۶	هم بخوان حافظ کلام اله ۱۱۱۶

تاریخ وفات خواجه احمد بیوی نقشبندی که در سال یکهزار و یکصد و شانزده بوقوع آمد

شیخ احمد چو نزد احمد رفت	بهر تاریخ آن شه اعلی
کن شهنشاه مجتبی تحریر ۱۱۱۶	فاضل علم احمدی فرما ۱۱۱۶

تاریخ وفات شیخ محمد مراد کشمیری که در سال یکهزار و یکصد سی یک بوقوع آمد

رخت سفر بست چو زین دار دون بخلد	شیخ مراد سرور عشاق بامراد
تاریخ او خرد ز شهنشاه عشق جست ۱۱۳۱	گفتا دگر که طالب مشتاق بامراد ۱۱۳۱

تاریخ وفات سید نور محمد بدایونی که در سال یکهزار و یکصد و سی و پنج بوقوع آمد

چو در خلد معلی جلوه گر شد	چراغ پنج تن نور محمد
نخبت سال وصالش گشت روشن	ز مخدوم زمین نور محمد ۱۱۳۵

قطعهٔ ثانی

چو شد خورشید دین نور محمد	بزیر ابر مثل ماه مستور
شده تاریخ وصلش پرتو افگن	محمد نور گنج نور پر نور ۱۱۳۵

تاریخ وفات خواجه محمد صدیق مجددی که در سال یکهزار یکصد و سی و شش بوقوع آمد

چون بصد صدق از جهان صدیق رفت	ارتحالش طرفه با صدق و صفا ۱۱۳۶
هست اهل دین کریم اهل خلق ۱۱۳۶	نیز اهل فضل قطب الاولیا

تاریخ وفات شیخ عبد الاحد مجددی که در سال یکهزار و یکصد چهل و دو بوقوع آمد

با احد پیوست از دار فنا	فرد دین عبد الاحد نور علی
هست شیخ العالمین تاریخ او ۱۱۴۲	هم بخوان شیخ کبیر ای متقی

بازشد پیدا از دل سال وصال	مقتدا عبد الاحد یکتا ولی

تاریخ وفات خواجه محمد افضل مجددی که در سال یکهزار و یکصد و چهل و دو بوقوع آمد

فاضل و افضل ولی اهل فضل	فضل حق بین چونکه از حق یافت بفت
عقل افضل و اصل حق سال او	آفتاب حسن عالم تاب گفت

تاریخ وفات حافظ محمد محسن مجددی که در سال یکهزار و یکصد و چهل و هفت بوقوع آمد

محسن دین احسن الاخلاق پیر	یافت از حق چونکه حسن اتصال
وصل او حافظ محب حق بود	نیز حافظ محسن آمد ارتحال
بدر عشق عاشق بخوان سالش دگر	شاه مشتاق است تاریخ وصال

تاریخ وفات حافظ سعد الله مجددی که در سال یکهزار و یکصد و پنجاه و دو بوقوع آمد

با سعادت چونکه سعد الله رفت	در مقام اسعد خلد برین
ارتحال او بسرور شد عیان	حافظ پاکیزه دل هادی دین
سالک مشتاق سعد الله گو	سال ترحیلش بصد صدق و یقین
سرور را حافظ حبیب عالم است	باز وصل پاک آن خلوت نشین

تاریخ وفات خواجه محمد زبیر دهلوی که در سال یکهزار و یکصد و پنجاه و دو بوقوع آمد

روح پاک خواجه والا زبیر	رفت چون از فرش بر عرش برین
هست شمس الاتقیا قطب زمان	سال وصل آن امام المتقین
شد عیان از نقش دل تاریخ او	نقشبند پاک با نقش یقین
نیز شمس العارفین کامل زبیر	ظاهر آمد ارتحال آن امین

تاریخ ولادت و وفات خواجه نور الدین محمد آفتاب کشمیری که در سال یکهزار و شصت و شش و وفات آن جامع الکمالات در سنه یکهزار و یکصد و پنجاه و شش بوقوع آمد

نور دین آفتاب نور یقین	بود مهر منیر عزت و جاه
آفتاب آفتاب حسن بگو	سال تولید آن ثریا جاه
شیخ معصوم و مهر افضل خوان	سن ترحیل او بحسرت و آه

تاریخ وفات شیخ محمد عابد مجددی که در سال یکهزار و یکصد و شصت بوقوع آمد

عابد دین عبد حق خیر العباد	از عبادت یافت چون ملک قدم

[illegible] خلیفه خواجه محمد [illegible] بن شیخ محمد معصوم [illegible] شیخ احمد [illegible] در فضیلت علم [illegible] شیخ عبد الاحد [illegible] تاریخ ولادت [illegible] دهلوی [illegible] از خلفای خواجه محمد زبیر [illegible] صاحب [illegible] دهلی است [illegible]

۸۱

خلف الصدق خواجه نظام الدین بن خواجه ابو الحسن الهروی بن خواجه احمد [illegible] نقشبندیست و بعد وفات حضرت پدر خود در تربیت و تکمیل از خواجه احمد [illegible] مزار پر انوارش در [illegible] از خلفای [illegible] عبد الاحد بود صاحب علم و حلم و فضل و خوارق و کرامات هدایت و ارشاد و در زهد [illegible] مزارش در سرهند است ۱۲

شیخ میر است و دگر مخدوم مشتهر — رحلتش ای همدمان بی بیش و کم
باز فضل علم عابد باکبار — شیخ قطب الحق وصالش گفته‌ام

تاریخ وفات حاجی محمد سعید لاهوری قادری و نقشبندی که در سال یکهزار و یکصد...

چون سعید آن اسعد جن و بشر — از فنا در کشور بقا رسید
نور فضل و شیخ نور آمد وصال — نیز بحر معرفت حاجی سعید

تاریخ وفات خواجه کمال الدین نقشبندی که در سال یکهزار و یکصد شصت و هشت بوقوع آمد

چو شید کمال از کمال رضا — ز دنیای دون رفت با حق وصال
بتاریخ ترحیل آن شیخ دین — بگو شیخ اقطاب سید کمال

تاریخ ولادت و وفات شاه شمس الدین حبیب الله مرزا جان جانان علوی که ولادتش در سال یکهزار و یکصد و یازده و وفات در سنه یکهزار و یکصد و نود و پنج بوقوع آمد

جناب جان جانان شاه شمس الدین حبیب الله — که بد یکتا بمحبوبی و مظلومی و مرغوبی
بتولیدش سخی مقبول ربانی رقم کردم — بوصل پاک او شاه شهادت قطب محبوبی

قطعهٔ ثانی

جان جانان شاه شمس الدین سخی — وصف و سیرونست از گفت و شنید
خازن جنت رقم شد از قلم — بهر تولید سعید آن سعید
گشت روشن از خرد سال وصال — بندهٔ حق پیر شمس الدین شهید
پس شده فیض است سال وصل او — شاه بحر الرحمت هم آمد پدید

تاریخ وفات مولوی احمد الله مجددی که در سال یکهزار و یکصد و نود و هشت بوقوع آمد

مولوی احمد آن مقبول الله و نبی — مخزن فیض هدایت مطلع نور قدم
رفت از دنیا چو در خلد برین تاریخ او — مظهر احمد بخوانش شیخ محرم کن رقم

تاریخ وفات شیخ ثناء الله پانی پتی که در سال یکهزار و دو صد و شانزده بوقوع آمد

چو رفت آخر ثناء الله والی — ثنا گویان ازین دار برادبار
بجو ان اهل ظفر تاریخ سالش — دگر برگیر وصلش تاج اخیار

تاریخ وفات شاه درگاهی مجددی که در سال یکهزار و دو صد و بست و شش هجر بست و ولادت با سعادت وی در سنه یکهزار و یکصد و شصت و دو بوقوع آمد

شیخ درگاه شاه و الا جاه	حاکم دین زمانه تا ماهے
نماش خاص کن رقم سرور	سال تولید او اگر خواهے
هست تاریخ رحلت پاکش	زاهد هند شاه درگاهے

تاریخ وفات شیخ صفی الدین المشهور صفی القدر که در سال یکهزار و دوصد و سی و شش بود

می صافی محبت کرد چون نوشش	صفی با صفا محبوب مولے
مصفا تر وصالش جلوه گر شد	ز شیخ اصفیا محبوب مولے

تاریخ ولادت و وفات شاه عبدالله المشهور بسید غلام علی دهلوی مجددی که ولادتش در سال یکهزار و یکصد و پنجاه و هشت و وفات یکهزار و دوصد و چهل بوده

شه و سید و رهبر دو جهان	امام دو عالم علی فعلے
شده روشن از خامه ام نور بخش	بتاریخ تولید آن متقے
وصالش غلام علی مهدی است	دگر آفتاب شرف علے

تاریخ وفات مولانا خالد مجددی که در سال یکهزار و دوصد و چهل و دو آمد

بلطف حق مخلد گشت در خلد	چو خالد جاذب و مجذوب مولے
ولی منظور و منظور الٰهی	بخوان تاریخ آن مطلوب مولے
دوباره گیر سال ارتحالش	ز خالد جنتی محبوب مولے

تاریخ ولادت و وفات خواجه ابوسعید مجددی که ولادتش در سال یکهزار و یکصد و نود و شش و وفات در سنه یکهزار و دوصد و پنجاه بوقوع آمد

ابوسعید آن سعد و اسعد نیک ذات	چشم عالم آنکه مثل او ندید
شد عیان تولید پاکش شاه قیصر	نیز شد منظور رب گفت و شنید
رحلتش مجدد و هم نعمت از خرد	هادی حق شیخ پیر آمد پدید
پس رفیق فیض گفتم سال او	هم معلی شیخ والا ابوسعید

تاریخ وفات شاه رؤف المتخلص برافت که در سال یکهزار و دوصد و پنجاه و سه بوقوع آمد

شاه و رافت صاحب رافت رؤف	یافت در دار القرار آخر قرار
شد عیان رافت حبیب متقے	سال وصل آن شه والا تبار
نیز رافت عاشق نامی بخوان	باز جو سالش ز رافت شهسوار

تاریخ وفات مولوی کرم الله محدث که درسال یکهزار و دوصد و پنجاه و هشت بوقوع آمد

نجلد برین گشت منزل گزین — جوان مولوی معظم کرم
وسے غیب است تاریخ او — دگر قطب و اشرف مکرم کرم

تاریخ وفات ملا عبد الغفور جرجوی که درسال یکهزار و دوصد و پنجاه و نه بوقوع آمد

گشت عبد الغفور چون مغفور — دل ترحیل آن شه معصوم
گفت زاهد و سے منظور هست — نیر ملا فقیر حق مخدوم

تاریخ وفات مرزا رحیم بیگ المشهور در ولیش محمد عظیم آبادی که درسال یکهزار و دوصد و

رحم دل مرزا رحیم الله ولی اهل کرم — رحمت حق یافت جنت بفضل ذو الجلال
کن رقم منظور دین سالش گرفخر دو عالم — هم بخوان خورشید علم از بهر سال ارتحال

تاریخ وفات مولانا خطیب احمد مجددی که درسال یکهزار و دوصد و شصت و شش بوقوع آمد

رفت چو در بزم محمد ز دهر — احمد دی جاه و ولی متقی
گفت بتاریخ وصالش خرد — اختر اجلال و مظفر ولی

تاریخ ولادت و وفات شاه احمد سعید مجددی که ولادتش درسال یکهزار و
دوصد و هفده و وفات وی در سنه یکهزار و دوصد و هفتاد و هفت بوقوع آمد

حضرت احمد سعید آن نور حق — پیر اسعد میر دین شیخ سعید
خوان نعمت گشت تولیدش عیان — مظهر امید زاهد رشید دید
مظهر اسلام دان ترحیل او — هم بخوان شیخ نقی احمد سعید

تاریخ ولادت و وفات سید امام علی شاه مجددی که ولادتش درسال یکهزار و
دوصد و دوازده و وفات در سنه یکهزار و دوصد و هشتاد و دو بوقوع آمد

نقشبند دل امام اولیا — زاهد دین سید والامقام
سال مولودش عزیز آیه عیان — جلوه گر شد باز خورشید امام
نیز شیخ السالکین اهل جلال — گشت تولیدش رقم ای نیکنام
فضل قرب و شیخ قرب آمد دگر — سال تولیدش بقول خاص و عام
کن رقم نور الهی شیخ نیز — ای اخی تولید آن ذی الاحتشام
رحلتش منظور مولے کن رقم — هم بخوان مرد خدا عارف امام

یس حید اغ علم ترحیلش بگو ۱۲۹۲ | پس ولی منظور فرما والسلام ۱۲۹۲

گنج پنجم در قطعات تواریخ حضرات مشایخ سلسله عالیه سهروردیه قدس الله سره العزیز تاریخ وفات شیخ ممشاد دینوری که در سال دو صد نود دو هشت

جان شجابان چون شه ممشاد دا | روح پاک او بجنت یافت جا
سال ترحیلش نداشد از خرد | زاهد آفاق محبوب الهدا ۲۹۸
زنده دل محبوب علم آمد عیان ۲۹۸ | پیر مولی شد وصالش مدعا ۲۹۸

تاریخ وفات شیخ ابومحمد رویم که در سال سه صد و سه هجری بوقوع آمد

چون رویم آن سلسبیل عشق حق | شد روان آخر بباغ جنتی
سال ترحیلش خرد فیروز گفت | پیر کامل خواند و هم انور ولی ۳۰۳
زنده دل کامل ولی الله بخوان ۳۰۳ | سال وصل آن ولی متقی

تاریخ وفات شیخ علی رودباری که در سال سه صد و بست دو بوقوع آمد

علی چون بلطف خدا و نبی | مخلد شد آخر بخلد برین
بگو محرم دل بتاریخ او ۳۲۲ | علی پیر فرما و برهان دین ۳۲۲

تاریخ وفات شیخ ابوعبدالله خفیف که در سال سه صد سی یک یا سی دو بوقوع آمد

کرد عزم سفر چو از دنیا | پس بجنت رسید عبدالله
هست بحر الکمال تاریخش ۳۳۲ | هم ولی سعید عبدالله ۳۳۲

تاریخ وفات ابوعلی کاتب که در سال سه صد و پنجاه و شش بوقوع آمد

علی عین الکرم سرچشمه لطف | بذات عین حق گردید موصول
علی معصوم گو تاریخ سال او ۳۵۶ | دگرباره علی محبوب مقبول ۳۵۶

تاریخ وفات شیخ ابوالعباس نهاوندی که در سال سه صد و هفتاد بوقوع آمد

بفردوس در بزم احمد رسید | چو احمد ولی متقی جنتی
بگو شاه دین سال ترحیل او ۳۷۰ | بفرما دگر هنر دین ولی ۳۷۰
ز فرد یگانه بجو رحلتش ۳۷۰ | دگر فرد مولی بگو ای اخی

تاریخ وفات شیخ ابوالقاسم علی گورگانی که در سال چهارصد و پنجاه بوقوع آمد

قسمت خود یافت چون آخر حق | حضرت قاسم ولی مستقیم

۸۵

[illegible]

[illegible]

از محبت جنت دل تاریخ او	هم خرد فرمود بو القاسم قسیم

تاریخ وفات شیخ اخی فرخ زنجانی که در سال چارصد و پنجاه و نه بوقوع آمد

ماند نیکو بد هر نیکو رفت	نیک و نیک نام زنجانی
گفت سرور بسال ترحیلش	پیر طالب امام زنجانی
نیز سالک ولی اکرم گو	رحلتش ذو الاکرام زنجانی

تاریخ وفات شیخ ابو علی فارمدی که در سال چارصد و هفتاد و هفت بوقوع آمد

یافت اعلی رتبه در خلد برا	چون علی عالی مکان شیخ هدا
زبده حق عارف آمد رحلتش	هم علی عالی امام با صفا

تاریخ وفات شیخ ابو بکر نساج که در سال چارصد و هشتاد و هفت بوقوع آمد

شده موصول با وصل خداوند	چو بو بکر آن ولی ذات محبوب
بگو عرفان مولی ارتحالش	اگر قطب جهان بو بکر مطلوب

تاریخ وفات شیخ احمد غزالی که در سال پانصد و هفده هجری بوقوع آمد

احمد آن محبوب دین احمدی	یافت قرب احمدی اندر جنان
بلبل جنت بگو تاریخ او	نیز شمس دین احمد کن بیان

تاریخ وفات شیخ عین القضات همدانی که در سال پانصد و سی و سه بوقوع آمد

عین قضات از جهان چون رخت بست	سال وصل او عیان شد از قلم
هادی اهل الیقین عین العلوم	هم بدان زبده ولی عین الکرم
باز گو علم سبحی عین الیقین	نیز نور العین علوی کن رقم
پس محب الله نور العین نیز	سال وصل او سنا ای والاهمم
گشت پیدا انور عین اهل عطا	ارتحالش از خرد ای بیش و کم

تاریخ وفات شیخ ضیاء الدین ابو النجیب عبد القاهر سهروردی که در سال پانصد و شصت و دو بوقوع آمد

یافتیم شیخ پیر و نجیب	شد چو از دنیا بجنت شد قریب
مخلف شد بسال وصل احباب	هر سه تاریخ آمده اندر حساب
او الا گو معدن انوار علم	هر بسال رحلت آن کان حلم
باز بسال وصل آن سرو ارحق	گشت روشن معدن الانوار حق

نیر سال انتقالش شد عیان — مطلع انوار محبوب زمان

تاریخ وفات شیخ وجیه الدین سهروردی که در سال پانصد و شصت و شش بوقوع آمد

جلوه گر شد بر اوج خلد برین — مظهر دین متقی وجیه الدین
هست مهتاب حسن تاریخش — نیز کاشف ولی وجیه الدین

تاریخ وفات شیخ عمار یاسر قدس سره که در سال پانصد و هشتاد و دو بوقوع آمد

چو آن شیخ زمان عمار یاسر — گشایش یافت در خلد معلی
رقم شد عاشق اعلی وصالش — دگر باره بخوان عمار یاسر

تاریخ ولادت و وفات شیخ الشیوخ شهاب الدین عمر سهروردی که ولادتش در سال پانصد و چهل و دو و وفات در سال ششصد و سی و دو بوقوع آمد

قطب دنیا ماه دین شیخ شهاب الدین ولی — مقتدا اهل هدایت پیر پیر دستگیر
کاشف عالم بگو مصباح عرفان کن رقم — تا ترا حاصل شود تولید آن روشن ضمیر
بهر ترحیلش بخوان سرور شهاب الدین بزرگ — بار دیگر کن بیان زاهد شهاب الدین پیر

تاریخ ولادت و وفات شیخ بهاء الدین زکریا ملتانی که ولادتش در سال پانصد و هفتاد و هشت و وفات در سنه ششصد و شصت و یک یا شصت و شش بوقوع آمد

پادشاه دین بهاء الدین ولی — قطب اقطاب جهان شیخ زمان
عشق حق تولید او تحریر کن — عاشق صادق بگو ترحیل آن
شمع نور آمد دگر ترحیل او — نیز فتح دین بهاء الدین بخوان
مرشد کامل بکن کامل رقم — عصمت یابد سال تاریخش بدان
هم مکرم یار حق واصل بگو — پیر زکریا ولی حق بین بخوان
رحلتش شاه رفیع است و دگر — شاه مهدی الکریم آمد بجان

قطعه ثانی

شاه روی زمین بهاء الدین — شیخ عالی امین بهاء الدین
گشت تولیدش از خرد روشن — مطلع نور دین بهاء الدین
گفت سرور بسال رحلت او — عارف اهل یقین بهاء الدین

تاریخ وفات شیخ جمال خندان رو که در سال ششصد و هفتاد و شش بوقوع آمد

۸۷

شد بحسن و جمال در جنت -	شیخ احمد جمال اهل جلال
بدر عشق است رحلت پاکش	هم بخوان آفتاب حسن جمال

تاریخ وفات شیخ صدرالدین عارف ملتانی که درسال ششصد و هشتاد و چار بوقوع آمد

شیخ صدرالدین ولی صدر الصدور	شد چو بر صدر جنان بالا نشین
اهل رحمت ارتحالش شد رقم	هم امین الدین ولی العارفین
بار دیگر سیر صدرالدین جمیل	هست وصل آن شه روشن جبین
عارف عالیمکان قطب آمده است	همدگر ابدال صدر الاکرمین
قطب سعد الله صدر الاولیا	شد ندا در وصالش از عرش برین
باز سال ارتحالش شد عیان	قطب زیب دین صدرالدین امین
مهدی صدر الصدور است ای اخی	رحلت آن شاه از روی یقین

تاریخ وفات شیخ فخرالدین عراقی که درسال ششصد و هشتاد و هشت بوقوع آمد

عراقی چون بجنت برد تشریف	با اهل دهر گفت نداء فراقی
بتاریخ وصالش محترم گو	دگر سلطان ولی عالی عراقی

تاریخ وفات شیخ حسن افغان سهروردی که درسال ششصد و هشتاد و نه بوقوع آمد

چون حسن شد بجنت الاحسن	سال ترحیل این شه والا
حسن متقی طیب گو	عاشق زنده دل حسن فریبا

تاریخ ولادت و وفات سید جلال الدین شیر شاه میر سرخ بخاری اچی که ولادت درسال پانصد و نود و پنج و وفات در سنه ششصد و نود هجری بوقوع آمد

میر ذی رتبه بادشاه کمال	شیخ دنیا و دین جلال الدین
آفتاب جلال والاجاه	سال تولیدا و بخوان و ببین
نیز عاشق جلال والی جود	هم بخوان آفتاب والی دین
باز هادی سخی مخدوم است	وصل آن میر دین شه حق بین

تاریخ ولادت و وفات شیخ شرف العالم مصلح الدین سعدی شیرازی که ولادت درسال پانصد و هفتاد و یک و وفات در سنه ششصد و نود و یک بوقوع آمد

وصلی زمان سعدی پاک باز	شه دهر مطلوب پروردگار

تاریخ وفات شیخ کبیر الدین بن خواجه عراقی که درسال هفتصد هجری بوقوع آمد

چون کبیر الدین کبیر الاولیا ... رفت از دنیا بحق ورزید عشق
گشت گوشهٔ سلطان جوان ... هم بدان ترحیل او نور دمشق

تاریخ وفات خواجه کرک سهروردی که درسال هفتصد و شانزده بوقوع آمد

چو از دنیا بفردوس برین رفت ... شه کونین پیر واقف کرک
رقم شد خواجه نامی وصالش ... دوباره زاهد حق عارف کرک

تاریخ ولادت و وفات میر حسینی شاعر سهروردی که ولادتش درسال ششصد ... و وفات وی در سنه هفتصد و هفتده یا هژده هجری بوقوع آمد

چو از دنیا شه ملک بقا شد ... ولی میر جهانگیر حسینی
ندا شد بهر سال انتقالش ... که قطب الواصلین میر حسینی

قطعه ثانی

پیر دین احسن حسینی اهل حق ... پیر عالم رهبر پیر و جوان
میر فردوس است ورز مولود او ... کاشف حق کامل از دل شد عیان

قطعه ثالث

حسین از دهر چون رخت سفر بست ... مسال وصل آن پیر حسینی
بگو قطب الحسن اهل صفا میر ... دگر پیر حسن میر حسینی

تاریخ وفات شیخ احمد معشوق که درسال هفتصد و بست و سه بوقوع آمد

چو احمد پیر معشوق آسمانی ... مقامی یافت اندر قرب جانان
بجو وصالش ز محبوب خداوند ... دگر معشوق حق احمد ولی خوان
دوباره صاحب برکت رقم شد ... عه وصال پاک آن هادی ایمان

تاریخ وفات سید عثمان المشهور بلعل شهباز قلندر که درسال هفتصد و بست و چهار بوقوع آمد

چو رفت عثمان ولی از دار دنیا ... ز حق ابواب جنت شد بر و باز
ز محمد و م اجل جو ارتحالش ... بفرما عارف محبوب شهباز

تاریخ وفات شیخ رکن الدین ابو الفتح ملتانی که درسال هفتصد و سی و چهار یا سی و پنج بوقوع آمد

بجنت رکن شد چون رکن دین پیر ... عیان شد سال وصل آن شه دین

تذکره ! ... تربیت و تکمیل ... بخدمت جد امجد یافت ... از پدر بزرگوار هم خرقه تبرک پوشید و در ملتان ...

۱۰

ز رکن الحق و الدین قطب اقطاب	دگر رکن الهدی رکن الاراکین
نکو گو هم ز دین از دل عیان شاه	بسال رحلت آن شاه حق بین

تاریخ ولادت و وفات شیخ حمید الدین حاکم قریشی هنکاری که ولادتش در سال ... هفتصد ... و وفات در سنه هفتصد و سی و هفت بوقوع آمد

حامد الکبیر حمید الدین ولی	حاکم دین سید المرسلین
قطب الاولیا حاکم رفیع	سرور تولیدش از روی یقین
شیخ حمید الدین سلطان الکبیر	گن رقم تولید آن نور المبین
چون فنا شد سلطان حق با عرش حرا	سال تولیدش بقول متقین
... سال ازو شمال انجناب	... حاکم حمید العارفین

تاریخ وفات شیخ وجیه الدین عثمان سیاح که در سال هفتصد و سی و هشت بوقوع آمد

یافت از حق چو جنت العالی	شیخ عثمان بعزت و تمکین
هست محبوب هم اولیا سالش	باز مخدوم امجد ای حق بین
کیر عثمان عابد است ذکر	ماهتاب یقین وجیه الدین

تاریخ وفات میر محمد سهروردی که در سال هفتصد و هفتاد و دو بوقوع آمد

چو محمد میر ... جلوه گر بهشت	ترحیل آن شاه روشن یقین
... میر مهتاب سید بگو	دوباره بخوان ماه روشن ضمیر

تاریخ وفات شیخ حاجی چراغ هند که در سال هفتصد و هفتاد و چهار بوقوع آمد

پرتو افگن چو شد بجنت خلد	حاجی بالیقین سراج الهند
جلوه گر گشت سال تاریخش	اهل دین نور دین سراج هند

تاریخ ولادت و وفات سید جلال الدین مخدوم جهانیان جهان گشت که ولادت در سال هفتصد و هفت و وفات در سنه هفتصد و هشتاد و پنج یا هشتاد و هشت بوقوع آمد

پیر کامل مصطفی جلال الدین	قرة دیده علی آمد
سال تولید آن شه مخدوم	از علم خادم سخی آمد
... سال وصالش ...	عابد و مهدی سخی آمد
باز ترحیل آن سعید الجلال	زاهد و پیر متقی آمد

تاریخ وفات سید علم الدین امین که در سال هشتصد و بیست (؟) ... آمد

رفت باز عالم چو با علم و عمل	علم دین این عالم ...
تاریخ ابرار بهشت تاریخ ...	عالم ... از ... عالم ...

تاریخ وفات شیخ کبیر الدین ... سهروردی ... هشتصد ... آمد

جلوه ... چو اندر خلد ...	... عالم ... دین کبیر ...
بادشاه اتقیا گو رحلتش	بار دیگر ... کبیر

تاریخ وفات سید صدر الدین راجن قتال ... که در سال هشتصد و ... آمد

چو صدر الدین ولی صدر دو عالم	بصدر خلد شد چون سال وصال
رسید شاه صدر الدین محبوب	دو باره ... دین ... قتال
دگر ... ا ... فرما ...	بسال رحلت آن شاه ذی جلال

تاریخ وفات سراج الدین سهروردی که در سال هشتصد و ... هجری ... آمد

مثل خورشید پرتو افگن ...	... سراج الدین ولی متقی
... خیر است سال رحلتش	باز شد ... سراج روشنی
جلوه گر شد باز مخدوم حلیم	ارتحال آن سراج الدین ...

تاریخ وفات سید ناصر الدین بن مخدوم جهانیان اجی که در سال هشتصد و ...

	قطعه	
بصد نصرت چو شد ناصر بجنت		سخنهای سال وصال آن شه دین
زعارف ناصر دین کامل اول	قطعه	دگر قطب کرم ناصر الدین
چون بفتح و نصرت اندر خلد شد		ناصر الدین ناصر دین متقی
گشت تاریخ وصال او عیان		شاه سید ناصر دین ...

تاریخ ولادت و وفات سید برهان الدین قطب العالم که ولادتش در سال
هفتصد و نود و وفات در سنه هشتصد و ... هجری ... آمد

حضرت سید برهان دین ...	قطب عالم شاه قطب الاکرمین
هست تولیدش ... سید ولی	... کشاف قطب العالمین
زنده دل مخدوم ...	نیز تولیدش بقول ...
طرفه تر تولید او ... معرفت	... بایزید ... فارغ ...

[illegible]

... و فرزندان کبیر ... ناصر الدین بن مخدوم جهانیان ... قطب العالم خطاب ... ابو محمد عبد الله ... برهان الدین ... صاحب حال ... سلطان احمد ... [illegible]

[illegible]

هست سال ارتحال آنجناب ... کاشف دین اہل دین برہان دین
بازمهدی قطب عالم مقتدا ... انتقال اوست از روی یقین
سید مهتاب برهان اولیے ... نیز زناه شیخ حق برهان دین

تاریخ ولادت و وفات سید شاه عالم بخاری که ولادتش در سال هشتصد و هفتده و وفات در سنه هشتصد و هشتاد و هجری بوقوع آمد

شاه عالم پادشاه اہل جاه ... مقتدای دین امیر المومنین
صاحب توقیر خوان تولیداو ... بار دیگر شاه عالم شاه دین
نیز سید شاه عالم شد اسم ... هست تولیدش بصد صدق و یقین
گشت سال انتقالش جلوه گر ... از امین البید امام المتقین
باز شد رہبر دل سال وصال ... نور اہل دل امام العارفین
شاه عالی شان ولی الله نیز ... هست وصل آن شه روی زمین
بے نیاز خلق اہل دل بخوان ... رحلت آن شاه قطب الذاکرین
فخر گو قمر سفر آن شفقت ... ارتحال آن شه خلوت نشین

تاریخ وفات شیخ عبد اللطیف داور الملک شهید قریشی که در سال هشتصد و هشتاد و دو بوقوع آمد

داور الملک آن شهید اہل جاه ... یافت چون از خلد لطف حق مزید
سال ترحیلش عیان شد طرفه تر ... از ولی میر امین داور شهید
باز شد هادی شهید متقی ... سن و سال ارتحال او پدید

تاریخ وفات شیخ سماو الدین دهلوی سهروردی که در سال نهصد و یک بوقوع آمد

سماو الدین ولی سهروردی ... که در ارض و سما حکمش روان شد
جو از حکم قضا رخت سفر بست ... قضا تاریخ ترحیلش عیان شد
دگر مهتاب جنت گشت روشن ... دو بار و متقی عارف بیان شد

تاریخ وفات شیخ عبد الجلیل قطب العالم المشهور بشیخ جو سر لاهوری که در سال نهصد و دو بوقوع آمد

شه عبد الجلیل آن قطب عالم ... بروی او کشود از فضل حق باب
چو در جنت فضیلت یافت از حق ... تو سال انتقالش فضل دریاب
دگر در رحلتش از اوج افلاک ... ندا آمد که مهتاب جهان تاب

92

[illegible]

قطعهٔ ثانی

چو عبد الجلیل از جهان رخت بست — بگو سال وصلش بطرز جمیل
یکی تاج عرفان امجد مجید — دگر مهدی حق خلیل جلیل

تاریخ وفات قاضی نجم الدین گجراتی که در سال نهصد و یازده بوقوع آمد

گشت نجم الدین چو بر وی ش مثل ماه — در جنان از رحمت پروردگار
جلوه گر شد نجم دین مخدوم دین — رحلت آن قاضی اجل وقار
باز سال نهصد آن انتخاب — صاحب خیر است و فاضل در شمار

تاریخ وفات سید عثمان بخاری لاهوری که در سال نهصد و دوازده بوقوع آمد

میر عثمان چو گشت سیر بهشت — یافت از حق بار بر عدن مکان
هست وصلش امیر عثمان نیز — معدن جود سید عثمان

تاریخ وفات سید علم الدین جونی وال که در سال نهصد و شانزده بوقوع آمد

شد چو از عالم تعلم حق شمامه — عالم علم لسانی علم دین
هست تاج الاتقیا سالش دگر — کاشف دین عالم علم یقین

تاریخ وفات قاضی محمود گجراتی که در سال نهصد و بست هجری بوقوع آمد

چون ولی محمود محمود زمانست — از جهان شد عهد گویان در جنان
ارتحال او بگو شیخ هدا — سالک مسلک محمود دان
دیگر کن از ذکر سال انتخاب — بس فضیل است و شمس سیرای جوان

تاریخ وفات شیخ موسی آهنگر لاهوری که در سال نهصد و بست و پنج بوقوع آمد

چو نور طور عرفان شیخ موسی — شده در گلشن خلد جاودانی
دل سرور وصالش طرفه تر جست — ز سلطان زمان موسی ثانی

تاریخ وفات سید حاجی عبد الوهاب دهلوی که در سال نهصد و سی و دو بوقوع آمد

از جهان در روضهٔ جنت رسید — حاجی حرمین و اسعد
سید محبوب مسند متقی — کن رقم سال وصالش سروری
باز گو تاریخ وصل انتخاب — پیشوا ماسه وسی متقی

تاریخ وفات شیخ جمال المتخلص بجمالی سهروردی در سال نهصد و چهل و دو بوقوع آمد

۹۳

حسن اجل یافت در خلد برین — چون جمال باکمال معرفت
هست افضل الهدی وصلش دگر — طالب اصل جمال معرفت

تاریخ وفات شیخ زین العابدین المشهور اده من دهلوی که در سال نهصد و پنجاه و...

چون زین العابدین عابد ولی یافت — ز معبود از خدا وصلت خدا ...
ز شمس الانقیا جو رحلتش نیز — ز زین العابدین ...

تاریخ وفات سید جمال الدین سهروردی که در سال نهصد و چهل و هشت بوده

جمال ابد یافت از وصل حق — جو آن اجل دین جناب جمال
بجو رحلت او ز معراج خلد — دگر میر عالم آفتاب جمال

تاریخ وفات مخدوم شیخ حمزه کشمیری که در سال نهصد و هشتاد و چهار بوده

حضرت حمزه چون بلطف خدا — شد ز دنیا بوصل دوست قریب
شیخ سید بگو بتار بخش — نیز مخدوم حمزه پیر حبیب

تاریخ وفات بابا داود خاکی کشمیری سهروردی که در سال نهصد و نود و چهار بوده

ز فرش خاک شد بر اوج افلاک — چو آن داود خاکی شیخ مسعود
وصالش هادی دین شیخ گفتم — دگر جستم ز حالم شیخ داود

تاریخ وفات سید جهولن شاه المشهور گهوری شاه بخاری لاهوری که در سال یکهزار و ...

شاه جهولن چونکه در جنت رسید — ارتحال آن وصلی بحر و بر
عالم اسرار جهولن شاه دان — نیز جهولن شاه شاه نامور

تاریخ وفات سید شاه محمد جهوله بخاری که در سال یکهزار و یازده بوده

شه محمد چون بجنت جست راه — گشت اعظم سال ترحلیش عیان
بار شد بید از دل شیخ امین — صاحب فضل است همراهی مهربان
شه محمد عارف ربانی است — ارتحال آن شده لامکان

تاریخ وفات شیخ حسن المشهور حسو گنجه گر لاهوری که در سال یکهزار و دوازده بوده

از جهان رفت حسن جنت یافت — چون حسن شیخ متقی مخدوم
رحلتش هست شیخ اهل الله — نیز محسن حسین وصلی مخدوم

تاریخ ولادت و وفات میران محمد شاه موج دریا بخاری لاهوری که ولادتش در سنه ...

ششصد و نود و وفات در سنه یکهزار و چهارده هجری بوقوع آمد

سید پاک بحر عرفانی — موج دنیا و ... ولاجاه
سید دین پیر روشن دل — هست تولید او عیان چون ماه
طرفه تاریخ انتقال او — گفت دل خواجه محمد شاه

تاریخ وفات سلطان سید جلال الدین لاهوری که در سال یکهزار و شانزده بوقوع آمد

چون جلال الدین جلال خلد یافت — وصل آن روح جهان جان بهشت
خواجه کشاف و عاشق مقتدی است — هم جلال الدین سلطان بهشت

تاریخ وفات سید عمادی الملک لاهوری که در سنه یکهزار و سی و نه هجری بوقوع آمد

ستون روضه خلد برین شد — عمادی الملک معصوم زمانه

تاریخ وفات شاه ارزانی قادری سهروردی که در سال یکهزار و چهل بوقوع آمد

شاه ارزانی از عطای اله — یافت ارزان وصال یزدانی
رحلت آن ولی دین عالی — کن رقم سرور را چو بتوانی
کاشف دین شاه ارزانی است — نیز عاشق مکرم ارزانی

تاریخ وفات بابا قطب الدین کشمیری که در سال یکهزار و چهل و هفت بوقوع آمد

بود دنیا چو سوی بقا رخت بست — جناب نصیب آن ولی متقی
زنا ثابت قدم ارتحالش بجو — بفرما دگر شیخ کامل ولی

تاریخ ولادت و وفات سید شهاب الدین نهرالاهوری که ولادتش در سال نهصد و شصت و پنج و وفاتش در سنه یکهزار و چهل و یک یا چهل و هفت بوقوع آمد

شهاب الدین نهر اسید پاک — که بود از سیدان دین اعلی
اگر خواهی ز نامش سال تولید — بگو شاه شهاب الدین نهرا
شهاب الدین هادی حقیقت — رقم کن وصل آن شاه معلی
شهاب الدین ولی لاثانی آمد — دگر ترحیل آن پیر مزکی

تاریخ وفات سید جمال لاهوری که در سال یکهزار و چهل ... هجری بوقوع آمد

حق جاویدی جمال خلد یافت — چون جمال الدین کمال معرفت
رحلتش فیاض تحسین گفته ام — هم ولی الحق جمال المعرفت

۹۵

شهاب الدین سهروردی هست مزارش در لاهور هست

تاریخ وفات شیخ جان محمد سهروردی لاهوری که در سال یکهزار و هشتاد و دو (؟) بوقوع آمد

جان تازه چون ز حق در خلد یافت ... روح دین جانش محمد جان جان
شیخ دین حق ندا شد از فلک ... سال تاریخش دگر عرش آشیان
یار حق جان محمد قطب وقت ... هست وصل او دوباره ایجان

تاریخ ولادت و وفات شیخ محمد اسمعیل مدرس سهروردی لاهوری المشهور بمیان کلان که ولادتش در سال تولد و پنج و وفات در سنه یکهزار و هشتاد و پنج بوقوع آمد

جناب شیخ اسماعیل مرحوم ... ولی حق قبول لایزالی
پی تاریخ تولیدش ندا شد ... خلیل الله اسماعیل والی
بسال ارتحال آن شه دین ... خرد فرمود شیخ دین عالی

تاریخ وفات شیخ حسن لالو کشمیری که در سال یکهزار و نود و نه بوقوع آمد

حسن چون ز دنیا بجنت رسید ... بتاریخ ترحیل آن پاکباز
یکی شیخ محبوب سبحانی است ... دگر بار شیخ حسن با نیاز

تاریخ وفات شیخ یعقوب کشمیری که در سال یکهزار و یکصد و شش بوقوع آمد

شده جلوه گر از جهان در جنان ... چو یعقوب مجذوب مهتاب عشق
وصالش ولی خدا مجتبی است ... دگر بار یعقوب مهتاب عشق

تاریخ وفات شیخ جان محمد سهروردی لاهوری که در سال یکهزار و یکصد و بیست بوقوع آمد

چو در خلد معلی گشت روشن ... مه روی زمین جان محمد
بگو خورشید سال ارتحالش ... دوباره شیخ دین جان محمد

تاریخ ولادت و وفات شیخ محمد قاری لاهوری که ولادتش در سال هزار و هفتاد و یک و وفات در یکهزار و یکصد و شصت و شش بوقوع آمد

حافظ آن قاری قرآن عظیم ... بود محبوب جناب ذو المنن
افضل الاقطاب والاجاه گو ... سال تولیدش با قوال زمن
بهر سال انتقال آن جناب ... گفت سرور حافظ و حامد حسن

تاریخ وفات شیخ کرم شاه قریشی که در سال یکهزار و دو صد و هشتاد و ... بوقوع آمد

کریم ذو الکرم حضرت کرم شاه ... شه مسعود رضی الله عنه

ز نور شید عطا دل جست سالش	دگر فرمود رضی الله عنه
تاریخ وفات سکندر شاه قریشی که در سال یکهزار و دو صد و چار بوقوع آمد	
چون سکندر پادشاه اهل جاه	یافت از حق دولت اتصال مفت
عقل سال ارتحال آن جناب	عارف اکبر سکندر شاه گفت
تاریخ وفات شیخ مراد بخش قریشی که در سال یکهزار و دو صد و پانزده بوقوع آمد	
چون مراد از دار دنیا رخت بست	رفت و رگلزار جنت با مراد
سال وصلش گو شیخ مقتدا	هم بخوان شاه کرامت با مراد
تاریخ وفات مفتی رحیم الله سهروردی که در سال یکهزار و دو صد و سی پنج بوقوع آمد	
رحیم الله چو شد مرحوم و مغفور	ندا از دهر سال وصل رضوان
که تاج اتقیا مهر جمال است	دگر مفتی شیخ اطهر ایمان
رحیم الله فاضل رحلتش گو	دگر قاضی رحیم الله بر خوان
عیان آمد ز سر و رچشمهٔ فیض	عجب تاریخ آن مفتی دوران
تاریخ ولادت و وفات شیخ قلندر شاه قریشی که ولادتش در سال یکهزار و یکصد و هشتاد و وفات در سنه یکهزار و دو صد و چهل و هشت بوقوع آمد	
قلندر شاه شیخ هر دو عالم	که ذاتش پیر هر برنا و پیر است
بگو تولید آن خورشید اجلال	وصالش زاهد صافی ضمیر است
گنج ششم در ذکر حضرات متفرقات دیگر خانوادهای عظام فقر قدس الله سرهم العزیز	
تاریخ وفات خواجه اویس قرنی که در سال سی و دو یا سی و هفت یا سی و نه بوقوع آمد	
آن اویسی نبی شیخ زمان محبوب حق	سرو بستان ولایت نو گل باغ سبز
میشود از دل بقول مختلف سالش عیان	اهل دل رفت از زمین و رفت محبوب از سبز
تاریخ وفات حضرت ابوهریره رضی الله عنه که در سال پنجاه و هفت یا پنجاه و نه بوقوع آمد	
بو هریره ولی دین عالی	بود ز اصحاب حضرت نبوی
از جهان چونکه رحلتش فرمود	سال پنجاه و هفت هجری بود
نیز پنجاه و نه بیان کردند	آنکه ترحیل او عیان کردند
سال ترحیل وی چو در سفتم	طرفه تر جلوه احد گفتم

سال ترحیل او عجب مجمل	زیب آباد آل هست و زیب ازل
سال ترحیل آن سعید بگو	پاک دل خوان و هم محمد بگو
سال ترحیل آن شه اوتاد	گفت هاتف بعقل طالب یاد
سال ترحیل آن شه اعلی	گفت سرور ولی هو فرما
سال ترحیل او ز مهد جو	گر بخواهی دوباره حامی گو
سال ترحیل آن شه باجود	گشت موجود از خرد موجود

تاریخ وفات حضرت عبد الله بن عباس رض الله که در سال شصت و چهار بوقوع آمد

عابد درگاه عبد الله ولی	از جهان چون سوی جنت کرد رو
دل بسال ارتحال آنجناب	حامد هو گفت یا مداح هو
دین بگو یکدل بدان بلبل بخوان	ارتحال پاک او بی گفتگو
زیب دم هست و پاکیزه وجود	نیز جانباز و جلال ای نیک خو
زاهد و اصلی دگر طالب حبیب	باز نابی گو با طور انکو

تاریخ وفات حضرت عبد الله بن عمر ابن الخطاب که در سال هفتاد و سه بوقوع آمد

جناب شاه عبد الله عالی	که ذات او براه حق دلیل است
بسال رحلتش شد سوز تاریخ	محب پاک و گنج است و جلیل است

تاریخ وفات حضرت جابر بن عبد الله انصاری که در سال هفتاد و چار بوقوع آمد

زیب انصار جابر عبد الله	شد بصد نصرت از جهان بجناز
سال تاریخ رحلتش سرور	گفت سید بگو جمال بخوان

تاریخ وفات حضرت مالک دینار رضی الله عنه که در سال یکصد و بست یا سی و هفت

جناب مالک دینار مالک دو جهان	که میر مملکت و شاه ملک دین آمد
وصال لیش هادی حق نیز زاهد عالی	جلال دین عزیز دل و حسین آمد
ولی کامل و دیگر محب مطلوب است	باختلاف روایت چنین چنین آمد

تاریخ وفات خواجه حبیب عجمی رض الله که در سال یکصد و بست یا چهل و یک یا یکصد و پنجاه و شش بوقوع آمد

آن حبیب حق شه عالم حبیب	یافت چون از دهر در جنت مکان
سال ترحیلش بقول اهل صدق	یوسف آمد نیز محبوب زمان

۹۸

هم با قوال دگر ای اهل هوش	لفظ عالیجاه تاریخش بدان
از سال ارتحال آنجناب	شد محب کامل از سر و عیان

قطعه ثانی

آن محب خدا حبیب سنی	رفت چون از جهان بباغ جنان
گفت سرور حبیب احسن گو	سال ترحیل آن امام زمان
عابد دین فانی و مصباح	عالم و لایق و امام جهان
هست احسان کفیل تاریخش	پس ولی مه جبین و هم میزان

تاریخ وفات حضرت سفیان ثوری که در سال یکصد و شصت یک یکصد پنجاه و پنج بوقوع آمد

رفت مثل گل چو در باغ بهشت	حضرت ثوری ولی دو جهان
هر دو سال وصل آن عالی جناب	کعبه دین هادی عالم بخوان
بار محبوب الاحد مهدی بگو	هم گر مهدی اهل الله دان
اهل لطف و نیز گو اهل فلاح	والی حق کن دوباره ترجمان

تاریخ وفات شیخ داود طائی که در سال یکصد و شصت و یا شصت و پنج بوقوع آمد

چو آن شاه زمان داود مسعود	بجنت یافت از دنیا رسائی
ترحیلش بگو سلطان داود	دوباره زیب حق داود طائی

تاریخ وفات خواجه عتبه بن الغلام که در سال یکصد و شصت و هفت بوقوع آمد

شیخ نامی عتبه ابن الغلام	آخرش در خلد والا یافت جاد
سال ترحیلش بگو عالی جناب	هم امین الله خوان با صد صفا

تاریخ وفات امام عبد الله قدس سره که در سال یکصد و هشتاد و یک بوقوع آمد

از عبادت چو یافت خلد برین	آن امام محب عبد الله
وصل او قطب اهل دل گفتم	نیز زاهد حبیب عبد الله

تاریخ وفات شیخ محمد سماک که در سال یکصد و هشتاد و سه بوقوع آمد

رفت چون ابن سماک از دار دو	شد چو گنج پاک جسمش زیر خاک
سال ترحیلش محمد کامل است	بار دیگر طالب هادی سماک

تاریخ شهادت خواجه شقیق بلخی که در سال یکصد و هشتاد و چار یا نود و چار یا نود و نهم بوقوع آمد

۹۹

آن شفیق بلخ پیر و دستگیر | شد چو از دنیا بملک جاودان
سال وصلش صدق یا صادق بگو | بار دیگر مطلب جان جهان
هادی قدس آمد و سلطان دل | هم کفیل دین دگر بار ار بخوان

تاریخ وفات شیخ یوسف اسباط که در سال یکصد و نود و شش بوقوع آمد

چو یوسف بر رخ خود پرده بربست | روان شد روح پاک او بافلاک
بگو سلطان ولی تاریخ سالش | دگر بر خوان ز یوسف زاهد پاک
دوباره قبله مهدی نوشتم | حبیب قدسی آمد هم با دراک

تاریخ وفات خواجه ابوسلیمان الدارانی که در سال دوصد و پانزده بوقوع آمد

پادشاه خلد شد با عز و شان | چون سلیمان شیخ دین شاه جهان
طرفه سال ارتحال آن جناب | سالک عادل است و هم قطب جنان

تاریخ وفات شیخ بشر مرسی که در سال دوصد و هژده بوقوع آمد

خواجه جن و انس شیخ بشر | رفت چون از جهان به حزن و ملال
رحلتش حسن اهل دین گفتم | واصل کامل است دیگر سال
زاهد عاقل است تاریخش | کامل زهد سالک است وصال

تاریخ ولادت و وفات شیخ بشر حافی قدس سره که ولادتش در سال یکصد و پنجاه و وفات در سنه دوصد و بست و پنج یا دوصد و بست و هفت بوقوع آمد

ولی دو جهان آن مرشد جن و بشر حافی | که در زهد و ورع تقوی ندارد مثل خود ثانی
معلی گو تو بدل خوان پی تاریخ تولیدش | پی ترحیل عین الدین دگر محبوب سبحانی

تاریخ وفات شیخ حاتم اصم که در سال دوصد و سی و هفت یا هشت بوقوع آمد

حضرت حاتم اصم والا همم | گشت با همت چو از عالم روان
رحلتش محبوب مسکین گفت دل | باز شد مقبول مقبول جهان
مهدی مقبول سال وصل اوست | هم مطیع حق بخوان تاریخ آن

تاریخ وفات شیخ احمد خضرویه که در سال دوصد و چهل هجری بوقوع آمد

شیخ احمد شه خیر اسانی | ذات پاکش سعید و اسعد بود
سال وصلش عفیف شد سید ا | هم بگو قطب دین احمد بود

تاریخ وفات شیخ ذو النون مصری که در سال دو صد چهل یا چهل و پنج بوده آمد	
شیخ ذو النون ولی با توقیر	چون از جهان بجنت راه
هادی حق پسند و قبله حق	گفت دل سال رحلت آن شاه
رحلتش شیخ بی بها گفتم	نیز هادی حق ولی الله
قطب اقطاب هادی است دگر	قطب صالح بصورت دلخواه
تاریخ وفات شیخ ابو تراب نخشبی که در سال دو صد و چهل و پنج بوده آمد	
بو تراب آنکه بود در عالم	شیخ یکتا و ولی حق کامل
رحلتش کن رقم سعید امین	هم بفرما ولی حق کامل
تاریخ وفات شیخ عبد الله دارمی سمرقندی که در سال دو صد پنجاه و پنج بوده آمد	
یافت جای خود چو در باغ بهشت	دارمی آن جامع صدق و صفا
دارمی شد سال ترحیلش عیان	نیز محبوب محب اهل العطا
تاریخ ولادت و وفات شیخ محمد اسماعیل بخاری که ولادتش در سال یکصد نود و چهار و وفات در	
آنکه او بود محمد نامش	بود با علم لدنی همراز
سال تولید چو خواهی از من	جان علم است با وشو و ساز
رحلتش طرفه ز دل شد پیدا	عابد پاک محمد جانباز
تاریخ وفات یحیی بن معاذ رازی که در سال دو صد و پنجاه و هفت یا هشت بوده آمد	
جناب شیخ یحیی شاه والا سیر و عالم	سفر چون کرد از دار الفنا جنت اعلی
تبارک شیخ گو سلطان حق اهل و محسن	رقم کن بازها دین بان زنده ولی حی
رحیم اول بخوان آنگه بگو در سال ترحیلش	دگر مطلوب حق تمیز گوی برهان حق زاهد
ولی پیر است دارای زهد پاک ارتحال	دوباره طالب حق طالب لقا گفته ام رحلت
تاریخ وفات شیخ مسلم بن حجاج نیشاپوری که در سال دو صد و شصت و یک بوده آمد	
چو مسلم زینت دین زیب اسلام	بجنت یافت از حق شان اعلی
عیان شد مسلم کامل وصالش	دگر شد جلوه گر قطب معلی
تاریخ وفات شیخ ابو حفص حداد که در سال دو صد و شصت و چهار یا پنج یا شش بوده آمد	
شه هر دو سرا ابو حفص حداد	کریم و اکرم و شیخ جهان است

۱۰۱

بجنت شد چو از دنیای فانی — امام اصفیا سالش عیان است
محب حق تما حداد گفتم — دگر حداد سلطان زمان است

تاریخ وفات شاه شجاع کرمانی که در سال دوصد و هفتاد هجری بوقوع آمد

چون شه کرمان شهنشاه جهان — از شجاعت یافت در جنت مقام
اهل دین حق بین هم از دل شد عیان — سال وصل آن شه ذی الاحترام

تاریخ وفات شیخ حمدون قصار که در سال دوصد و هفتاد و یک بوقوع آمد

حامد حق شیخ حمدون مقتدا — حمد گویان شد چو در خلد برین
شد عیان محبوب باری وصل او — هم سخوان سید ولی مولای دین
پیر مهدی دان و هم پیر جهان — هرد و تاریخ وصالش بالیقین

تاریخ وفات شیخ ابو داود بن شعیب که در سال دوصد و هفتاد و پنج بوقوع آمد

چو بو داود شد موجود در خلد — نسال رحلت آن شاه ذی حال
نگو سلطان ابو داود نامی — دگر جو رحلتش از بحر اجلال

تاریخ وفات شیخ سهل بن عبدالله تستری که در سال دوصد و هشتاد و دو بوقوع آمد

چو رفت از دار دنیا سهل ذیجاه — بگو تاریخ ترحیلش چو خواهی
نیکی صدیق هادی جهان گو — دگر مقبول محبوب الهی

تاریخ وفات شیخ ابوبکر دقاق که در سال دوصد و نود و یک بوقوع آمد

آن شیخ چون یافت در جنت مقام — حضرت بوبکر مرد مستقیم
بنده بوبکر و علامی علم — رحلتش دل گفت سلطان سلیم

تاریخ وفات شیخ ابراهیم خواص که در سال دوصد و نود و یک بوقوع آمد

چو رحلت کرد ابراهیم ثانی — خلیل آسا بسوی خلد اعلی
بیان کن ارتحالش قطب مسعود — دوباره سالک مسکین بفرما
دگر تاریخ ترحیلش عیان شد — زهادی هدا قطب معلی

تاریخ وفات شیخ ابو الحسن نوری که در سال دوصد و نود و چار یا نود و پنج بوقوع آمد

حضرت نوری چو زانو ار حق — تافت چو خور بر سر خلد برین
رحلت او سید دین بو الحسن — واقف حق است بصدق یقین

۱۰۳

صد رعیان گشت و رقم شد فرید ۲۹۴ — نیز ز سے قبلهٔ دنیا و دین ۲۹۴

تاریخ وفات شیخ عمر بن عثمان صوفی که در سال دو صد و نود و شش یا هفت بوقوع آمد

چو در خلد برین بعد از عمر رفت — جناب شیخ عمرو مرد یکتا

بگو سلطان امام دین وصالش ۲۹۶ — دگر فرما امام دین معلی ۲۹۶

شمر گو دو باره نامور خوان ۲۹۶ — مکن از رهنما سالش هویدا ۲۹۶

تاریخ وفات شیخ ابوعثمان حیری که در سال دو صد و نود و هشت بوقوع آمد

چون ابوعثمان ولی مقتدا — از فنا اندر بقا آخر رسید

قطب واقف سالک واقف بخوان ۲۹۸ — رحلت او هم ولی حق سعید ۲۹۸

تاریخ وفات شیخ ابوالعباس احمد بن محمد بن مسروق که بسال دو صد و نود و نه بوقوع آمد

بملک جنان یافت ماوای خویش — چو عباس شیخ هدا اهل دین ۲۹۹

زصدیق صادق بجو رحلتش ۲۹۹ — بفرما دگر حق نما اهل دین

تاریخ وفات شیخ یوسف بن حسن رازی که در سال سه صد و سه یا چهار بوقوع آمد

یوسف مصر ولایت اهل حسن — شاه جنت گشت چون با عز و شان

سال ترحیلش بصد حسن و جمال — یوسف هادی حسین آمد عیان ۳۰۴

تاریخ وفات شیخ ابوالعباس عبدالله بستی که در سال سه صد و چهار بوقوع آمد

چو سوی روضهٔ جنت روان شد — کریم الناس عبدالله ولی

بتاریخ وصال او خرد گفت — ابو عباس عبدالله ولی ۳۰۴

تاریخ وفات شیخ ابوسعید عبدالله بن حلا که در سال سه صد و شش یا هفت بوقوع آمد

شیخ دین ابن حلا چون از جهان — در سرای خلد شد منزل گزین ۳۰۶

بدر اهل دین بست سال وصل او ۳۰۶ — بار دیگر اهل دین اهل یقین

تاریخ وفات شیخ حسین بن منصور حلاج که در سال سه صد و هفت یا نه بوقوع آمد

حضرت حق گو حسین با کمال — یافت از حق با جناب حق وصال

جسم او حق بود جانش نور عین — قتل شد بر نام حق همچون حسین

سال وصل او عجب مثل فلق — شد ز دل روشن که حق کامل بحق

سال وصل آن شه هر دو جهان — باز صدیق زمانه شد عیان

۱۰۳

تاریخ وفات خواجه خیر نساج اسماعیل که در سال سه صد و بیست یک بوقوع آمد	
خیر نساج خیر دین نبی	یافت بالخیر چون بحق توصیل
طرفه از دل شد است محرم دل	سال ترحیل آن ولی تحصیل
بار محبوب بار رسا گفتم	نیز زاهد محمد اسماعیل
تاریخ وفات شیخ ابراهیم بن شیبان کرمانشاهی در سال سه صد سی هشت بوقوع آمد	
شیخ ابراهیم شاهی شاه دین	زیر فرمان یافت چون ملک جنان
هست اهل قرب سال رحلتش	نیز ابراهیم هادی جهان
تاریخ وفات شیخ ابو علی حسن بن علی مستوفی که در سال سه صد و چهل بوقوع آمد	
بو علی چون رفت در دار السلام	سال تاریخش زند وی آگهی
بو علی والی دین سالک بخوان	هم بخوان مهدی حسن ابن علی
قطعه ثانی	
چون جناب بو علی عالی وقار	قدر اعلی یافت بر اوج جنان
هست وصلش بو علی پیر هدا	بار دیگر بو علی عالی مکان
تاریخ وفات شیخ احمد بن محمد ابو سعید اعرابی که در سال سه صد چهل بوقوع آمد	
چون سفر از دار دنیا سوی خلد	کرد احمد رحلتش با صید صفا (?)
سرور احمد فنا فی الله گو	هم بخوان احمد جمال الاصفیا
تاریخ وفات شیخ جعفر خلدی که در سال سه صد و چهل و یک بوقوع آمد	
چو رفت اندر بهشت از دار فانی	جناب شیخ جعفر پیر حق بین
بخوان ناصر بگو افسر بسالش	بکن تحریر سلطان السلاطین
تاریخ وفات شیخ ابراهیم مولی صوفی الرقی که در سال سه صد و چهل و یک بوقوع آمد	
قرب خاص از خدا بجنت یافت	چون شه خاص و عام ابراهیم
میر کامل بگو بیا بخشش (?)	بار دیگر امام ابر ابراهیم
تاریخ وفات شیخ ابو القاسم حکیم سمرقندی که در سال سه صد چهل و دو بوقوع آمد	
چون مکان یافت در مکان جنان	شیخ کون و مکان ابا قاسم
قاسم عالم است ترحیلش	هم حکیم جهان ابا قاسم

[illegible]

۱۰

[illegible]

خواه و الاقـد رمقربـد آن ... سال ترحیل آن اباقاسم

تاریخ وفات شیخ ابو العباس سیاری که در سال سه صد و چهل و دو یا چهل و سه

چو با حق وصل شد از رحمت حق ... جناب شیخ ابو العباس حق دان
مطیع باری و پیر مکمل ... امام المسلمین شد رحلت آن
ابو العباس حق بین رحلتش گو ... ابو العباس مهدی قطب رخوان
ز قطب العالمین جو ارتحالش ... دگر قطب کبیر ای صاحب شان

تاریخ وفات شیخ ابو الخیر تیناتی که در سال سه صد و چهل و سه بوقوع آمد

حضرت ابو الخیر اهل خیر پیر ... شد بخیر از دهر در خلد برین
گو زهی محبوب ربانی وصال ... بار دیگر قبلهٔ اهل یقین

تاریخ وفات شیخ ابو عمرو زجاجی که در سال سه صد و چهل و هشت بوقوع آمد

چو عمر جاودانی در جنان یافت ... ابو عمرو زجاجی شیخ حاجی
وصال او محب مهربان است ... دگر باره ابو عمرو زجاجی

قطعهٔ ثانی

ابو عمرو زجاجی رهبر دین ... ز دنیا شد چو سوی خلد راهی
وصال او مه انور و سے گو ... دو باره دان ولی نور الهی

تاریخ وفات شیخ جعفر نصیر خلدی که در سال سه صد و چهل و هشت بوقوع آمد

چو جعفر شیخ خلدی مالک خلد ... ز دنیا رفت در خلد معلی
بخوان میرزمان یا میر محمود ... بسال رحلت آن شاه یکتا
بگو امجد معلی طالب حق ... دگر باره محمد نور فرما

تاریخ وفات شیخ ابو الحسن بوشنجی که در سال سه صد و چهل و هشت بوقوع آمد

بو الحسن چون از جهان رحلت نمود ... وصل آن محسن ولی حسن جهان
کن رقم محبوب دین حق حسن ... واصل دین بو الحسن کن بر جان

قطعهٔ ثانی

چون حسن زمانه بو الحسن پیر ... از دیدهٔ خلق روی بنهفت
دل بهر وصال آن شه دین ... محبوب نبی علی حسن گفت

۱۰۵

تاریخ وفات شیخ شند رابن ابو الحسن صوفی که در سال سه صد و پنجاه و سه بوقوع آمد

حسن جنت یافت چون با صد جمال کن بیان سیر تاریخ رحلتش	محسن دین پیر صوفی بو الحسین باز کن تحریر صوفی بو الحسین

تاریخ وفات شیخ عبد الملک بن علی بن عبد الله گاذرونی در سال سه صد و پنجاه و هشت

چو آن عبد الملک شیخ زمانه بجو از صدر دین سال وصالش	ز دنیا رفت در فردوس اعظم دگر باره ز محبوب مکرم

قطعه ثانی

شیخ دین عبد الملک الی ملک نور ایمان گو وصال پاک او	شد چو در اقلیم جنت پادشا سیر حق فرما دگر قطب الوری

تاریخ وفات شیخ علی شند رابن حسین صوفی صیرفی که در سال سه صد و پنجاه و نه بوقوع آمد

رفت در خلد معلی با هنر ابن عزوشان سن ترحیلش بخوان ساجد علی ابن حسین باز سلطان معلی مهدی آمد رحلتش	مقتدائی اولیا زاهد علی متقی بار دیگر کن بیان زاهد علی صوفی و نیز مهدی مکرم یافت سرور آگهی

تاریخ وفات شیخ ابابکر محمد دقی که در سال سه صد و پنجاه و نه بوقوع آمد

ابو بکر چون در جنان شد مقیم بگو مهربان دل آگاه گو	تاریخ آن شیخ عالی حق دو بار ابو بکر نادے حق

تاریخ وفات شیخ سلیمان بن احمد طبرانی که در سال سه صد و شصت بوقوع آمد

سلیمان ابن احمد عالم دین وصالش طرفه مهدی الکریم است	که علم از ذات پاک او هویداست سلیمان بنده حق نیز پیداست

تاریخ وفات شیخ ابو بکر مفید که در سال سه صد و شصت و چار یا پنج بوقوع آمد

حضرت بوبکر صدیق زمان طالب کامل ابو بکر است نیز قطب اهل دین مفید گفته ام پس کریم الدین یار حق ولے	یافت چون از دهر با حق اتصال شاه محبوب است نور حق وصال هم امام اصفیا اهل جلال پارسای کامل آمد ارتحال

تاریخ وفات شیخ اسماعیل نیشاپوری که در سال سه صد و شصت یا چار یا پنج بوقوع آمد

چون فنبج عشق اسماعیل دین	جان تازه یافت از آنجهان
وصلش اسماعیل محی الدین بگو	پیر محی الدین دگر باره بخوان
باز فرما واقف حق اهل دل	سال وصل آن شه والامکان

تاریخ وفات شیخ ابوعبدالله مقری که درسال سه صد شصت وشش بوقوع آمد

شیخ عبدالله چو از معبود خویش	کرد حاصل روضهٔ خلد برین
پیر حسین آمد وصال پاک او	بار دیگر واصل دین قطب دین
عارف زاهد دگر برهان حق	گفته ام سال وصالش اینچنین

تاریخ وفات شیخ ابوعبدالله رودباری بن عطا که درسال سه صد وشصت ونه بوقوع آمد

چو زین دریاے پر آفت گذر کرد	بجنت رفت پیر رودباری
شه دین کن رقم سالش دگر بار	محب اولیا محبوب باری

قطعهٔ ثانی

چون غریق رحمت حق گشت آه	رودباری شاه احمد بن عطا
هست حق بین حق نما سالش دگر	طالب الله احمد بن عطا

تاریخ وفات شیخ سهل صعلوکی بن سلیمان که درسال سه صد وشصت ونه بوقوع آمد

چو سهل از دهر آخر جلوه گر شد	باوج خلد مثل ماه تابان
ابو هادی والا سهل صعلوک	بسال رحلت آن شاه دوران
بسال وصل او فرما دوباره	ولی الاولیا ابن سلیمان

تاریخ وفات شیخ ابراهیم ابو اسحاق بن ثابت که درسال سه صد وشصت ونه بوقوع آمد

کرد ابراهیم چون عزم سفر	روح او بر عرش شد از خاک باز
خوان امیر حسین سال رحلتش	باز ابراهیم عابد پاک باز

تاریخ وفات شیخ ابوبکر محمد بن احمد که درسال سه صد وهشتاد بوقوع آمد

چو صدیق زمان بوبکر مرحوم	بجنت رفت با صد زیب وتزئین
نوشتم شاه دین سال وصالش	دگر بوبکر مهدی زاهد دین

قطعهٔ ثانی

چون ابوبکر از عنایات اله	شد بعلیین بزم متقین

کن رقم فرد یگانه رحلتش	کن یقین هم بنده حق الیقین
تاریخ وفات شیخ ابو الحسین حصری که در سال سه صد و هفتاد و یک بوقوع آمد	
چو حسن ابد یافت اندر بهشت	ز مولی عزیز علی بو الحسین
وصالش یکی عارف هادی است	دوباره عزیز علی بو الحسین
قطعهٔ ثانی	
چون بسلامت رفت ابراهیم دین	از فنا در روضهٔ دار السلام
عابد مرحوم سال وصل اوست	نیز ابراهیم هادی امام
حق نما موصول سرور ختم کرد	سال تاریخ وصالش والسلام
تاریخ وفات شیخ محمد قاسم نصیرآبادی که در سال سه صد و شصت یا هفتاد و دو	
شیخ ابو القاسم که آیهٔ انوار الحق	گشت روشن در جنان مانند ماه
جو وصال او ز قاسم نیک نام	سالک هادی ابو القاسم بخواه
سیر محبوب جهان هم گفته اند	قطب دوران رحلت آن بادشاه
قطعهٔ ثانی	
قسمت خود چو شیخ بو القاسم	یافت اندر بهشت خاطرخواه
بیس بطرز خویش و بصورت خوش	رحلت آن ولی شاهنشاه
گو وحید زمان ابو القاسم	نیز قاسم ولی عالی جاه
تاریخ وفات شیخ ابو بکر طرسوسی الحرمی که در سال سه صد و هفتاد و نُه بوقوع آمد	
رحلت بو بکر شیخ نیک ذات	هست بو بکر سعید ای نوجوان
قطب ربانی و دیگر شد عیان	سیر دین و اصلی محمود آمد عیان
تاریخ وفات شیخ عبد الواحد بن علی سیاری که در سه صد و هفتاد و پنج بوقوع آمد	
عبد واحد پیر یکتا شیخ دین	یافت چون در جنت عالی مقام
سید کونین اقدس سال اوست	باز شد سید امقدس نیک نام
باز سیاری عزیز است ای عزیز	نیز قطب پارسا تم الکلام
قطعهٔ ثانی	
عبد واحد عابد و احد وحید دو جهان	شد جدا از دار فانی یافت حق الاتصال

مهر اصفیائی بست سال ارتحالش ای اخی ۳۶۸	شد روان دیگر زطبع سید خیر کمال ۳۶۸
تاریخ وفات شیخ عبد الله برقی که در سال سه صد و هفتاد و شش بوقوع آمد	
شیخ عبد الله برقی پیر روشندل ولی	آنکه در عهدش میان کفر و دین فرق آمده است
هست سال خلعتش قطب جهان اهل یقین ۳۷۶	یکدل برقی و دیگر سید برق آمده است ۳۷۶
تاریخ وفات شیخ نصر سراج که در سال سه صد و هفتاد و هفت یا هشت بوقوع آمد	
چون سراج زمانه روشندل	گشت روشن بخلد از دوران
سال وصلش سراج اقطاب است ۳۷۷	بار دیگر سراج اوج جهان ۳۷۸
باز گو هادی هدی ابو نصر ۳۷۷	همدگر هادی شاه دین برخوان ۳۷۸
نصر ابدال شد ز دل موجود ۳۷۷	قطب دین قطب کامل است عیان ۳۷۸
نیز مقبول زبده آفاق ۳۷۸	رحلتش عابد مکرم دان ۳۷۸
تاریخ وفات شیخ ابو القاسم جعفر بن احمد که در سال سه صد و هشتاد و هشت بوقوع آمد	
رفت قاسم چو از جهان در خلد	سال تاریخ رحلت آن شاه
هست کامل ولی ابو القاسم ۳۸۸	نیز پیر و صفی عالیجاه ۳۸۸
تاریخ وفات شیخ ابو بکر کلاآبادی که در سال سه صد و هشتاد بوقوع آمد	
چون ابو بکر آن ولی صدیق پیر	با صفا و زهد در جنت مقام
رحلتش سلطان ابو بکر آمده است ۳۸۰	همدگر بو بکر محبوب انام ۳۸۰
نیز بو بکر متعلی گفته ام ۳۸۰	باز بو بکر عظیم ای نیکنام ۳۸۰
تاریخ وفات شیخ ابو بکر اقبال حبشی که در سال سه صد و هشتاد و سه یا چار بوقوع	
پیر مقبل خواجه اقبال نمبر	مصدر حق ظهیر اجلال بود ۳۸۳
ارتحالش حبشی یکدل بگو ۳۸۴	نیز مقبول جهان اقبال بود ۳۸۴
قطعه ثانی	
چو با اقبال در خلد برین رفت	جناب شیخ مقبل پیر اقبال
وصال او بخوان طاوس حرمین ۳۸۴	رقم کن بار دیگر پیر اقبال ۳۸۴
قطعه ثالث	
شیخ بو بکر مقبل اقبال	رفت چون سوی بود از نابود

عارف آیز دی است تاریخش	خوان دگر بار با اهل حق مقصود

قطعهٔ رابع

پیر مقبل خواجه مقبول پیر	یافت با اقبال در فردوس جا
رحلتش سر آسیهی عابد است	شاه عابد نیز رکن الاصفیا

تاریخ وفات شیخ ابراهیم منوچی که در سال سه‌صد و هشتاد و شش بوقوع آمد

یافت بی گفتگو ز حق جنت	صاحب حال و قال ابراهیم
رحلتش نور غیبی و منصور است	نیز اهل کمال ابراهیم

تاریخ ولادت و وفات بو الحسین سمعون که ولادتش در سال سه‌صد و وفات در سه‌صد و هشتاد و شش

ولی حق سمعون بو الحسین است	امین و مامن و هادی مامون
منیر آمد ز دل تولید پاکش	مکرم شد عیان از طبع موزون
وصالش سال الحق بو الحسین است	دگر امجد ولی الله سمعون
دگر مسکین ولی و الی جود است	ز دل شاه عطا شد طرفه بیرون
وصالش کن رقم سمعون ناطق	بخوان مهدی امجد ابن سمعون

قطعهٔ ثانی

شه دین مقتدای اهل اسلام	جناب ابن سمعون شیخ والا
بتولیدش رقم کن میر آمد	محب میر و سلطان معلی
بجستم سال تولیدش دوباره	ز دل شد طالب انوار پیدا
بسال انتقال آن شه دین	امام المومنین عابد بفرما

تاریخ وفات شیخ ابو طالب محمد بن علی مکی حارثی که در سال سه‌صد و هشتاد و شش یافت

شیخ بو طالب ولی مطلوب حق	شد چو از دنیا بسال خوب جنتی
مرد طالب اهل دین تاریخ اوست	بار دیگر محرم با بو طالب ولی
رحلتش قطب المدار است دگر	طالب نام محمد بن علی

تاریخ وفات شیخ ابو بکر موسی که در سال سه‌صد و هشتاد و شش بوقوع آمد

پیر موسی که بود شیخ جهان	داشت با ذکر و فکر ما نوسی
میر موسی است سال رحلت او	باز بو بکر ما ولی موسی

گفت وی ابو علی از اجلهٔ مشایخ مقتدی بود ... بغداد بود و با سری سقطی صحبت داشت ۱۲

... ابن احمد بن اسمعیل بن سمعون و ابو الحسن خطاب ... داشت و با ابن سمعون مشهور بود و در بغداد ... ۱۲

۱۱۰

تاریخ وفات ابو القاسم عبد الصمد حافظ دینوری که در سال سیصد و نود و هفت بوقوع آمد

قسمت خود یافت چون قاسم بخلد	سال وصل آن شه کون و مکان
هست محبوب زمان عبد الصمد	نیز بو القاسم ولی عالی بدان
نور عالم بین سراج الطالبین	مهدی محبوب دینوری بخوان

تاریخ وفات خواجه یحیی بن عمار یاسر که در سال چارصد و دو بوقوع آمد

یافت چون یحیی حیات دائمی	در جنان تاریخ آن والا مکان
هست عابد نامور یحیی بگو	نیز یحیی قطب ربانی بخوان
از فرید حق بجو تاریخ او	باز بدر الدین امین کن فرحان

تاریخ وفات شیخ بو علی دقاق که در سال چارصد و پنج هجری بوقوع آمد

محو عشق خدا چو شد سبحان	شیخ دقاق عاشق مشتاق
هست تاریخ رحلت آن شاه	زاهد دین ابو علی دقاق
ناصر دین و مطلع نور است	نیز دقاق زبده آفاق

تاریخ وفات شیخ ابو عبد الرحمن سلمی که در سال چارصد و دوازده بوقوع آمد

چون سلامت رفت در خلد برین	از جهان سلمی محمد بن حسین
پیر منعم هست سال وصل او	هم بخوان سلمی محمد بن حسین

قطعه ثانی

چو در خلد برین شد عبد رحمن	ز رحمن یافت عمر جاودانی
وصالش زبده آفاق پیر است	ز طبعم شد روان بحر المعانی

تاریخ وفات شیخ ابو سعید مالینی که در سال چارصد و یازده یا دوازده بوقوع آمد

باسعادت چو شد سعید بخلد	سال تاریخ آن شه دینی
حق طلب قطب بو سعید بگو	هم چنین بو سعید مالینی

قطعه ثانی

یافت چون بو سعید اسعد پیر	باسعادت بخلد والا جا
رحلتش صاحب العروج بگو	نیز مقبول کبریا فرما

تاریخ وفات ابو الحسین علی بن جعفر همدانی که در سال چارصد و چارده بوقوع آمد

[illegible]

111

حسن کامل یافت چون اندر بهشت ‌ ‌ ‌ حسن دین مقبول سبحانی حسین
سال ترحیلش بگو با صد جمال ‌ ‌ ‌ بو علی محبوب هدی الی حسین

قطعهٔ ثانی

محسن و اهل حق شیخ حسین ‌ ‌ ‌ شد ز دنیا چو سوی خلد روان
سال وصلش نصیر دین فرما ‌ ‌ ‌ هم گر معدن الحقایق خوان

تاریخ وفات شیخ ابو عبد الله طاقی که در سال چهارصد و شانزده بوقوع آمد

چو طاق از دار دنیا رفت در خلد ‌ ‌ ‌ جناب شاه عالیجاه طاقی
وصالش اهل دین اهل یقین طاق ‌ ‌ ‌ هم اهل حسن عبد الله طاقی

قطعهٔ ثانی

چو طاقی طاق از دار فنا رفت ‌ ‌ ‌ وصال آن شه دین اهل تحقیق
مقدس پیر واصل فقر گفتم ‌ ‌ ‌ شه عالی دو بار اهل صدیق

تاریخ وفات شیخ ابو عبد الله محمد بن علی شاذانی که در سال چهارصد و شانزده یا هفده بوقوع آمد

شد چو از دنیا به بزم احمدی ‌ ‌ ‌ شیخ حق آگاه محمد بن علی
یار حق محمود و سالش هست و نیز ‌ ‌ ‌ هادی عبد الله محمد بن علی

قطعهٔ ثانی

چون شه حق و انس عبد الله ‌ ‌ ‌ شد ز دنیا بجنت العالی
کاشف زهد گو تاریخش را ‌ ‌ ‌ شاه عالی و شاه دین والی
هم ولی شاه دین رقم فرما ‌ ‌ ‌ رحلت آن جناب متعالی

تاریخ وفات خواجه ابو منصور اصفهانی که در سال چهارصد و هژده بوقوع آمد

شد بصد نصرت چو در خلد برین ‌ ‌ ‌ شاه ابو منصور منصور جهان
جود و حدت سال آن یکتا دگر ‌ ‌ ‌ زبدهٔ کامل امام اصفهان
گو نیز حسن هم عالی وقار ‌ ‌ ‌ هم ابو منصور پاک ای مهربان

تاریخ ولادت و وفات سید سلطان سالار مسعود غازی که ولادتش در سال چهارصد و پنج و وفات در چهارصد و نوزده یا بست و چار بوقوع آمد

شاه و سالار سید مسعود — ‌ ‌ ‌ غازی دین و احمد مختار

[illegible]

۱۱۳

[illegible]

اشرف الخلق و اکرم المخلوق	قرة العین حیدر کرار
سال تولید اوست مطلع نور	صاحب قدر کن دگر تکرار
ارتحالش جمال فردوس است	نیر دین اهل دین ای یار
گفته ام باز سید فردوس	طرفه تاریخ آن شه ابرار
نیز اهل جلال نیر دین	گو تو صیقل آن شه دیندار
وصل او سید الشهید بخوان	مرد مسعود هم بکن اظهار
گفت تاریخ آن شه کونین	ولی مهدی شهید سرور زار
هست سالش شهید عابد پاک	هم با قوال بعضی از اخبار
نیر اهل صفا دگر باره	باز دریای مصدق ای حق یار
شد مرا قول اولین تصدیق	بهر تاریخ وصل آن سرور آ

قطعه ثانی

جناب سید مسعود سالار	بمیدان شهادت مرد یکتا
بتولیدش بگو سالار اقطاب	دو بار اسید السلطان معلی
شهید عادل آمد ارتحالش	حبیب عارفان کردم هویدا
دگر مسعود سلطان غزنیست آ	بوصل آن ولی و اصلی والا

تاریخ وفات میر ساهو علوی که در سال چارصد و بست و سه بوقوع آمد

میر ساهو گشت چون میر بهشت	از عطا و فضل رب العالمین
رحلتش میر امین ساهو بگو	نیز اهل دین حمید المسلمین
هم معلی قبله گو بین خوان	پارسای حق طلب کن دلنشین

تاریخ وفات سید بو علی شاه که در سال چارصد و بست و چار بوقوع آمد

چون بلطف و خالق ارض و سما	یافت اندر خلد شاهی بو علی
بو علی شاه است سال وصل او	هم بخوان سر الهی بو علی

تاریخ وفات شیخ ابو اسحاق بن شهریار گازرونی که در سال چارصد و بست و شش

یافت جای خویش در خلد برین	چون ابو اسحاق با صد عز و شان
گو وصی فقر سال وصل او	هند کر محسن ولی عالی مکان

... سید سالار مسعود غازی ... [illegible]

... سال روزه دار بماند ۱۲
... نام وی ابراهیم و اصلش از فارس
است و نسبت ارادت با ابو علی حسین بن محمد
فیروز آبادی داشت و ولی مادرزاد بود
و والد ماجد شیخ الاسلام ابو عبد الله الصفار
و مرید سید شریف حمزه عقیلی در علوم ظاهری و
باطنی طاق و یگانهٔ آفاق بود ۱۲

سالک عالی حبیب اصفیا	نیز بو اسحاق سلطان زمان
گاذرونی زیب اقطاب سیر	رحلتش نور یقین فرما عیان
باز اهل الله قطب الاصفیا	بار دیگر هادی حق مهربان
قطعهٔ ثانی	
شیخ دین طاق شاه بو اسحاق	یافت از دهر چون بخلد مکان
شاه احسان است سال ترحیلش	همدگر پادشاه جان جهان
سرور پادشاه اقطاب است	رحلت آن ولی دو زبان
تاریخ وفات شیخ ابو منصور حکیم انصاری که در سال چارصد و سی بوقوع آمد	
شد چو بو منصور در ملک بقا	باهزاران فتح و نصرت از عدم
پیر کامل و اکمل آمد وصل او	جلوهٔ منصور و هم منصور دم
قطب هادی حق بیان کن از زبان	پیشوا سالک رقم کن از قلم
تاریخ وفات شیخ ایاز لاهوری که در سال چارصد و سی و چار بوقوع آمد	
شیخ والا ایاز مهر جهان	در صف اهل راز همراز است
گو وصالش ایاز عالی قدر	باز عارف ایاز جان باز است
قطعهٔ ثانی	
پیر دین جان باز چون شیخ ایاز	باز شد در خلد از روی زمین
سالک روی زمین تاریخ اوست	نیز گو سرور امام الاکرمین
تاریخ وفات شیخ احمد قدوری که در سال چارصد و سی و هفت بوقوع آمد	
شد چو در بزم محمد از جهان	شیخ دین احمدی احمد ولی
گوشهٔ اسلام سال وصل او	بار دیگر نور حسن احمدی
تاریخ ولادت و وفات شیخ ابوسعید بن ابو الخیر که ولادتش در سال سه صد و پنجاه و هفت و وفات در سال چارصد و چهل هجری بوقوع آمد	
بوسعید آن شیخ دین اسعد سعید	مقتدائی اولیا و اتقیا
سالک معصوم شد تولید او	رحلتش گفتم سعید رهنما
شد ز دل ایما سعید نامدار	باز محرم بوسعید آمد ندا

وی از بزرگان قدیمهٔ لاهور است و در سلسلهٔ جنیدیه توسل داشت و اگرچه صاحب تحفة الواصلین تاریخ وصال وی ارقام [illegible] اما از فعل کاتب [illegible] مشهور است که این بزرگ ایاز غلام و محبوب سلطان محمود غزنوی است

۱۱۹

وی از عمدهٔ علما و [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible]

خوان ولی اهل دین سلطان سعید	عارف المحبوب سالش سرورا

قطعهٔ ثانی

سفر کرد چون باسعادت ز دهر	سعید جهان بو سعید سعید
مکرم سلیم است سالش دگر	ولی زمان بو سعید سعید

تاریخ وفات شیخ ابو عبد الله ماکو که در سال چار صد و چهل و دو بوقوع آمد

عابد معبود عبد الله شیخ دین حق	از عبادت یافت در خلد برین آخر مکان
اهل شوق و طالب کشف است وصل پاک او	نیز عبد الله منیر از خاطرم شد ترجمان
باز عبد الله مکرم گو سال رحلتش	عارف کامل بخوان قطب المکرم کن بیان

تاریخ وفات شیخ اسمعیل محدث لاهوری که در سال چار صد و چهل و هشت بوقوع آمد

یافت آخر مکان بخلد برین	چون شه دین فقیه اسمعیل
سال وصلش فقیر محبوب است	نیز پیر وجیه اسمعیل

تاریخ وفات شیخ ابو الحسن علی روزی که در سال چار صد و پنجاه و یک بوقوع آمد

رونق خلد شد بباغ بهشت	همچو سرو سهی حسن روزی
عارف زنده دل بگو سالش	نیز فرما علی حسن روزی

قطعهٔ ثانی

چون ز دنیا حسن جنت شد حسن	هست سال آن حسین الحسنین
واصل ابرار وهم والی تاج	بار دیگر عالم علم یقین

تاریخ وفات شیخ ابو الفضل بن حسن ختلی که در سال چار صد و پنجاه و سه بوقوع آمد

رونق خلد و فضل جنت شد	چون ابو الفضل افضل الابرار
ارتحالش واصل رهبر خوان	کن رقم نیز معدن الانوار

تاریخ وفات حضرت شیخ مخدوم علی گنج بخش جلابی هجویری لاهوری غزنوی که در سال چار صد و شصت و چار یا شصت و پنج یا شصت و شش بوقوع آمد

علی غزنوی آن شاه هجویر	سرا پا نور روشن ماه هجویر
سفر ورزید چون از دار فانی	شده خالد بخلد جاه و دانی
منور رحلتش چون ماه گردید	علی هجویری عالی جاه گردید

۱۱۵ [illegible]

[illegible]

چو دل سال وصال آن ولی گفت	بسرور پارسا کامل علی گفت
بسال رحلت آن عارف حق	عیان گردید حق بین واقف حق
چو آن شاه جهان اندر جنان شد	بسرور سال او سرور عیان شد
بخوان گر هست سال وصل منظور	حبیب اولیا گنجینهٔ نور
وصال او ز دل گردید مفهوم	عجب تر حق نما هادی معصوم
چو جستم از خرد تاریخ سالش	رقم شد کاشف دین انتقالش
وصال آن شه مرحوم و مغفور	شده حاصل ز عالی قطب لاهور
شود پیدا وصال آن گرامی	ز هجویری علی هادی نامی
نوشتم شمس دین و گلشن دین	بسال رحلت آن شاه حق بین
بسال رحلت آن شاه سرمد	ندائی گوهر هجویری آمد
دو باره پیر لاهوری است سالش	اگر خواهی دلا سال وصالش
بسال رحلت آن شاه اکبر	علی مهر علی گفت است سرور
خرد چون سال وصل آن ولی گفت	بسرور راه دین مظهر علی گفت
بخوان محبوب رهبر انتقالش	دلی پیر یقین گو ارتحالش
بسال رحلت آن شاه والا	خرد والا ولی فقر گفتا
بسال رحلت آن پیر تفرید	ندا آمد ز هاتف اهل توحید

قطعهٔ ثانی

علی غزنوی آن شاه هجویری اکبر	که بر دلها عیان گشتند ز و اسرار محبوبی
سه اقوال ندا از اهل خبر در شد یکدیگر	بسال رحلت آن شاه دین سردار محبوبی
یکی سرور ار خوانش بار دیگر سرور شیر	سوم کن هم رقم گنجینهٔ انوار محبوبی

قطعهٔ ثالث

شیخ عالی علی هجویری	پیر اعلی محب عالی‌قدر
ارتحالش سه جا است خوان	نیز فرما محب عالی‌قدر

قطعهٔ رابع

حضرت مخدوم هجویری ولی	رفت چون از فرش بر عرش برین

از و یافت سال ترحیلش بجو	بار دیگر کن رقم عرفان دین

قطعهٔ خامس

قدر لسے علے بخلد عالی یافت	چون سے علے پیر متقے محبوب
نیر الدین سے علے رقم کردم	رحلتش نامور سے علے محبوب
کشف اجلال و شمس اجلال است	سال ترحیل آن و لے محبوب

قطعهٔ سادس

شد ز دنیا با وج علیین	چون علو جهان بے علے ولی
گو وصالش امیر دین سلطان	نیز میر جهان سے علے ولی

تاریخ وفات شیخ ابو القاسم قشیری که در سال چارصد و شصت و پنج بوقوع آمد

قسمت خویش یافت و جنت	مرشد المومنین ابو القاسم
رحلتش عارف جمیل بگو	هم محب یقین ابو القاسم

قطعهٔ ثانی

شد چو اندر خلد با صد اقتدار	شیخ بو القاسم امین الاولیا
ارتحالش منعم دین قاسم است	هم دگر قاسم امام الاصفیا
نیز بو القاسم مقدس طیب است	رحلت آن هادی راه هدا

تاریخ ولادت و وفات مخدوم عبد الله انصاری که ولادتش در سه صد و نود و شش و وفات در چارصد و هشتاد و یک هجری بوقوع آمد

شاه انصار شیخ عبد الله	نصرت دین حضرت بارے
نور علم است نیز محرم حق	سال مولود او چو شماری
رحلتش عارف کمل دان	نیز و اسلے امام انصاری

تاریخ وفات شیخ ابو عبد الله حمیدی که در سال چارصد هشتاد و هشت بوقوع

چو از دنیا بجنت گشت راهی	حمیدی رهنمای راه تحقیق
ولی العارفین گو ارتحالش	دگر باره حمیدی پر صدق

تاریخ وفات شیخ ابو الحسن نجار که در سال چارصد و نود و یک تحریر یافت

عشرت جاوید یافت در جنت	بو الحسن پیر محسن الابرار

رحلت او کمال کشف آمد	همه گر نیک بو الحسن بجا ر

تاریخ وفات شیخ ابو نصر هروی خانقه آبادی که در سال پانصد هجری بوقوع آمد

با هزاران نصرت از دنیا چو رفت	حضرت بو نصر منصور هدا
رحلتش قطب الهدا بو نصر خوان	نیز هروی پیر زیب اولیا
هست گو دیگر متین خوان ای جوان	باز عارف حق طلب خوان والدعا
وصل او سلطان فردوس آمدست	والی رهبر ولی شد مدعا

تاریخ ولادت و وفات حجة الاسلام امام محمد بن محمد غزالی که ولادتش در سال چارصد و چهل و نه و پانجاه و وفات در سنه پانصد و پنج پا هفت هجری بوقوع آمد

آن محمد بن محمد شیخ حق	مطلع نور یقین رونقش چنین
شد عیان بحر العلوم احمدی	طرفه تر تولید آن عین الیقین
از محبت حجته ام تولید او	ماهتاب ست و مکمل نور دین
گفته ام سال وصال آن انتخاب	عابد طوبی امام المسلمین
صاحب تاج و محب مجتبی	زینت ابدال هم شمس زمین
هم رقم کردم وصال پاک او	رهبر محمود و رهبر اهل دین
پس بخوان سرور بسال رحلتش	عابد طیب امام المسلمین

قطعهٔ ثانی

چو رغبت کرد از دنیا بجنت	محمد راغب دین شیخ مرغوب
محمد بن محمد پیر مهدی	بخوان گر هست سال وصل مطلوب
عیان بار دگر شد انتقالش	محمد بن محمد یار محبوب

تاریخ وفات خواجه حکیم ثنائی غزنوی که در سال پانصد و بست پنج بوقوع آمد

چون ثنائی حکیم روشندل	گشت چون ماه از نظر مستور
شاه عالم حکیم سرمد گو	رحلتش هم زهی مه پر نور

تاریخ وفات تاج العارفین ابو الوفا بغدادی که در سال پانصد و سی بوقوع آمد

ماجد از خلد شد با عز و جاه	بو الوفا تاج سر اهل هدا
هست کامل بو الوفا مهر جمال	سال وصل آن امام الاتقیا

[illegible]

۱۱۸

[illegible]

۱۱۵

بازای محبوب خوان تاریخ او — هادی محبوب تاج اولیا
سرور دین گفت سر و جلیتش — عاشق مهدی است سالش مدعا

تاریخ وفات خواجه محمد ابو عبد الله جونی که در سال پانصد و سی بوقوع آمد

عابد دین شیخ عبد الله پیر — یافت با معبود و در جنت قرار
ارتحال پاک او هادی تقی است — باز عبد الله محمد نامدار

تاریخ ولادت و وفات خواجه ابو نصر احمد جام زنده پیل که ولادتش در سال چارصد و چهل و یک و وفات در سنه پانصد و سی و شش بوقوع آمد

جناب شیخ احمد جامد حق — ولی اهل کرامت زیب اسلام
امام المسلمین پاکیزه احمد — شده تاریخ تولیدش سرانجام
امیر المومنین محبوب گفتم — وصال آن شهنشاه نکونام
ز عشق الله چو سالش دگر بار — دگر بو نصر کامل احمد جام
عیان شد تاج اسلام ارتحالش — دوباره قطب و اصل احمد جام

قطعهٔ ثانی

پادشاه زمانه شیخ زمین — احمد جام پیر ذی الاکرام
سال تولید او شه کونین — طرفه تر گشت از خرد ارقام
هست دیگر مکرم عالم — سال تولید آن نکوفر جام
باز سال وصال او سرور — گفت عارف حلیم احمد جام

تاریخ ولادت و وفات شیخ عبد الاول بن شعیب سنجری که ولادتش در سال چارصد و پنجاه و هشت و وفات در سنه چارصد و پنجاه و سه بوقوع آمد

جناب عبد اول شیخ والا — که از روز ازل مقصود حق بود
بگو پیر نور اسعد سنجری خوان — پی مولود آن پیر حق آمود
دوباره بهر سال انتقالش — بدان ابن شعیب هادی محبوب

تاریخ وفات خواجه عدی بن مسافر شامی هکاری که در سال پانصد و پنجاه و هفت یا

چو آن ابن مسافر شیخ عالی — مسافر شد با وج عرش از خاک
بوصلش گو منیر انور دوباره — عدی ابن مسافر زاهد پاک

[illegible]

قطعه ثانی

چون عدی ابن مسافر شیخ دین … شد مسافر از جهان سوی جنان
ارتحالش ماهتاب حق بگو … عاشق مولی دوباره کن عیان
بازفرما عارف اهل الیقین … هم شناور گو بهشتی دوستان
عاشق مطلوب هم مطلوب عشق … خوان بسال وصل آن شیخ زمان

تاریخ وفات شیخ ماجد کردی که در سال پانصد و شصت و یک بوقوع آمد

شیخ ماجد چون ازین پرخار دهر … صورت گل رفت در باغ جنان
رحلتش سرور ماجد امجد است … نیز ماجد هادی الا سرار دان

تاریخ وفات سید احمد المشهور بشیخ سرور سلطان که در سال پانصد و هفتاد و هفت بوقوع

سید و سرور و شیخ احمد … بود سلطان عالم و واصل
هست سرور چو سال تاریخش … هاتفش گفت سرور عالی

ایضاً قطعه ثانی

سید احمد شیخ سرور ولی … شد ز دنیا سرور ملک جنان
قطب سرور سرور سالک بگو … نیز سرور واصل دین وصل ان

تاریخ وفات شیخ شهاب الدین سهروردی مقتول که در پانصد و هشتاد و یک یا شش یا هفت یا هشت بوقوع آمد

رهبر عالم شهاب الدین شهید … شد چو در جنت پی تاریخ ان
هادی اقدس شهاب الدین بگو … عمده دنیا شهاب الدین بخوان
مقتدای ایزدی تاریخ اوست … نیز زاهد متقی هادی بدان
سالک یزدان شهاب الدین بود … هم شهاب الدین مقبول جهان
کن رقم فتاح ابواب عطا … هم گر شمس المعلی کن بیان
نیر دین انور و اشرف دگر … تاج آفاق است هم ای مرغ خوان
وصل او محرم مکرم گفته ام … باز شد عبد بشیر از دل عیان

قطعه ثانی

چو سه پر تو افگن چو در خلد شد … شهاب ولی قطب هر دو جهان

نفی الولی گو بتاریخ او	و گر آفتاب جنان الیجوان
تاریخ وفات شیخ عبد الرحیم مغربی که در سال نهصد و نود و دو بوقوع آمد	
چو شیخ عصر در مذهب مکان کرد	جناب قطب مغربی شیخ مرکی
سیه لاثانی آمد ارتحالش	دگر عبد الرحیم عابد معلی
قطعهٔ ثانی	
چو آن رحیم دل پیر عبد الرحیم	بشد از جهان در بهشت برین
بگو ای مقتدا رحلتش	بفرما دگر قدوة الکاملین
تاریخ وفات شیخ نظام الدین گنجوی که در سال نهصد و نود و شش بوقوع آمد	
چون نظام الدین نظام دو جهان	شد ز دنیا ناظم ملک بقا
گنج عرفان گنجوی پاک باز	هست سال رحلت آن مقتدا
باز شد سال وصالش جلوه گر	از مبارک گنجوی گنج صفا
اهل نعمت هم ولی اتقی	گشت بحر سال وصلش مدعا
نیز اهل دل فرید العالمین	شد بسال رحلتش از دل ندا
تاریخ وفات شیخ عبد الله قریشی هاشمی هنکاری که در سال نهصد و نود و نه بوقوع آمد	
شد جمال خلد با حسن و جمال	چونکه عبد الله جلال هاشمی
هاشمی نادمی اکبر شد عیان	رحلتش هم پیر آل هاشمی
نور چشم و پیر کامل نامدار	گو بوصل آن کمال هاشمی
تاریخ وفات سید حسین زنجانی لاهوری که در سال ششصد هجری بوقوع آمد	
داخل خلد شد چو با اعزاز	پیر واقف حسین زنجانی
پیر فردوس سال وصلش گو	نیز عارف حسین زنجانی
تاریخ وفات سید احمد توختهٔ ترمذی لاهوری که در سال ششصد و دو بوقوع آمد	
شد به بزم احمدی چون زین سرا	سید احمد شه برنا و پیر
پیر هادی میر عالی جاه گو	رحلتش سید ولی میر کبیر
ماهتاب دین احمد کن رقم	آفتاب حسن ای روشن ضمیر
ماه روشن یاد کن روشن ست	باز شاه نامدار ای دستگیر

[illegible]

۱۳۱

[illegible]

هم زهی شیخ یقین شد جلوه گر	از خرد تاریخ آن ماه منیر
سید احمد حبیب جنت است	هادی سبی مثل سالش بی نظیر

تاریخ وفات سید یعقوب صدر دیوان زنجانی لاهوری که در سال ششصد و چار بوقوع آمد

چو یعقوب از جهان رخت سفر بست	بجذب ایزدی گردید مجذوب
شه مقبول زنجانی رقم شد	وصال آن شه دین شیخ مطلوب
بگو مسعود مهدی صدر دیوان	دگر باره مقدس پیر یعقوب

تاریخ وفات شیخ روزبهان صغیر بقلی شیرازی که در سال ششصد و شش بوقوع آمد

بفردوس برین منزل گزین شد	چو شیرازی ولی مطلوب شیراز
نوشتم پیر هادی عارف پاک	بسال وصل آن مرغوب شیراز
دگر گردد عیان سال وصالش	زهادی هد المحبوب شیراز

قطعهٔ ثانی

چون جناب روزبهان بقلی شیرازی ولی	یافت از دار فنا در جنت الفردوس جا
نور فردوس است این سردار عالم جلتش	باز کامل قطب ابرار است ای اهل صفا
چشمهٔ انوار هم شاه مکرم شد عیان	سال وصل آن شه والاهم شد آشکار

تاریخ وفات شیخ ابو اسحاق اقرب که در سال ششصد و نه بوقوع آمد

گشت اقرب چو با وصال آله	پیر روشن ضمیر بو اسحاق
مهدی متقی است وصلش نیز	صاحب حسن پیر بو اسحاق

تاریخ وفات میر سید حسین خنگ سوار اجمیری که در سال ششصد و ده بوقوع آمد

چون حسین آن محسن عالم ولی	رفت در خلد برین بازیب و زین
گفت سرور سال وصل آن جناب	میر عالی سید والی حسین
نیز قطب الاولیا ناصح شهید	هست سال رحلت آن نور عین

قطعهٔ ثانی

رفت در جنت بصد نور و جمال	چون حسین ابن محسن عالم لطیف
صاحب عرفان حق تاریخ اوست	آفتاب وصل و هادی شریف
هادی وصالش بحر کشف آمد عیان	نیز معشوق عزیز استاد حنیف

ف: از برادران و خلیفگان سید حسین زنجانی است [illegible]

۱۴۴

[illegible]

۱۲۳

تاریخ وفات شیخ عزیز الدین مکی لاهوری که در سال ششصد و دوازده بود آمد

ز دنیا چو شد در بهشت معلی	شهنشاه دوران زمین پیر مکی
بخوان آفتاب حسین ابن شجاع الشرف	بخوان نیز پیر حسن پیر مکی

قطعهٔ ثانی

باغرا چون نور جهان کرد جا	عزیز جهان اهل عزت عزیز
ز دل کشف شد پیر کشف ارتحال	دگر بار اجلال جنت عزیز

تاریخ وفات شیخ ابو الحسن گردیه که در سال ششصد و دوازده بود آمد

چو شد بو الحسن حسن خلد برین	بتاریخ آن مرشد معتقدا
یکی بو الحسن مجتبی کن رقم	دگر بو الحسن رهبر اولیا

تاریخ وفات شیخ مجد الدین بغدادی که در سال ششصد و شانزده بود آمد

در بهشت احمد از دنیا چو رفت	شیخ مجد الدین مجید دو جهان
رحلتش زاهد محب متقی	هم مبارک پیر مجد الدین بخوان
قطب وقت و نیز تاج الاصفیا	هم جمال الاتقیا کردم بیان

تاریخ وفات شیخ نجم الدین کبری قدس سره که در سال ششصد و هژده بود آمد

یافت از حق چو جنت الاکبر	نجم دین مهتر عابد کبری
گفت سرور بسال ترحیلش	نجم دین پیر زاهد کبری

قطعهٔ ثانی

نجم دین نجم ولایت نور حق	جلوه گر گردید در خلد برین
سید مرشد بگو تاریخ او	یار رهبر نیز مهتاب یقین
هم بخوان محمود نجم الدین کبیر	بهر سال وصل آن نور مبین

قطعهٔ ثالث

مثل خورشید پرتو افگن در بهشت	نجم دین کبری ولی رهنما
رحلتش منصور کبری شد عیان	هم بخوان هادی و آلی مقتدا
هم گر کبری و لی حق کبیر	هست سال رحلت آن پیشوا
باز اسعد پیر اکبر بگو	و ز حقیقت جو وصالش سرورا

تاریخ وفات شیخ یونس بن یوسف شبانی که در سال ششصد و نوزده هجری بوقوع آمد

شد چو زین دار الفنا اندر بقا با فضل حق … یونس دین محمد مقتدای دو جهان
رحلتش یونس مقدس پیر عابد کن شمار … نیز یونس ابن یوسف صوفی محمود خوان
پیر عالی رهنما باشد وصال پاک او … پیر رهبر هم مکرم یار حق سالش بخوان

تاریخ وفات شیخ ادریس یعقوبی که در سال ششصد و بیست و یک بوقوع آمد

چو شد بانید ادریس رهبان در جنت العالی … معلی شاه دین عالی علی ادریس یعقوبی
ز عاشق طالب حق سال ترحیلش بجو سرور … دگر تحریر کن والا علی ادریس یعقوبی

قطعهٔ ثانی

چون علی شد بجنت الاعلی … گشت واصل بوصل ربانی
گفت دل سال رحلتش تارک … باز فرمود بحر عرفانی

تاریخ ولادت و وفات شیخ فرید الدین عطار که ولادتش در سال پانصد
سیزده و وفات در سنه ششصد و بیست و شش یا هفت یا هشت بوقوع آمد

فرید الحق فرید الدین عطار … وحید العصر صوفی مصطفا
فرید الدین ولی محبوب هادی … شده تاریخ تولیدش هویدا
دگر تاریخ قطب حق فرید است … پی تولید آن شاه معلی
دو باره پیر بدر الدین است گوید … ز قطب عارفان شد نیز پیدا
بجو وصلش ز علی قطب ابرار … ولی اشرف بخوان ای نکته آرا
عیان کن بعد ازین اسرار سرور … بیان کن بحر و حقیقت طرفه مربا
دگر مسکین فرید الدین محبوب … بخوان در وصل آن شیخ فرید

قطعهٔ ثانی

فرید فرد جهان خواجه وحید العصر … که بود مرشد ابرار و مجرم اسرار
فرید قطب زمانی بگو تولیدش … بجو وصال جمیلش ز فرد دین عطار
بخوان حبیب خدا باز رحلتش سرور … بقول معتبر کتب و صحت اخبار

قطعهٔ ثالث

چو شد فرد از دهر فرد الفرید … پی سال ترحیل آن مقتدا

۱۴۵

یکی قبلهٔ اهل جنت بگو	دو باره بخوان زبدة الاصفیا

تاریخ وفات شیخ بهاء الدین ولد که در سال ششصد و بست یا هفت یا هشت بود

کرد مسکن چو در مقام بهشت	شیخ روحی زمین بهاء الدین
عابد متقی است سالش نیز	حق طلب شاه دین بهاء الدین
باز محبوب شد پدید اشد	وصل اهل یقین بهاء الدین

تاریخ وفات شیخ ابن الفارض حموی که در سال ششصد و سی و دو بود

چون بقصر بهشت کرد مقام	ابن فارض ولی عالی جاه
ارتحالش امام متقی است	باز فرمود دل خدا آگاه

تاریخ وفات شیخ اوحد الدین کرمانی که در سال ششصد و سی و چار یا پنج بود

شاه کرمان چو بست رخت سفر	یافت منزل بقرب رحمانی
متقی پاک بین بگو سالش	هم بخوان پادشاه کرمانی
باز برگیر مرشد کامل	نیز جنت مقام گردانی

تاریخ وفات شیخ صوفی بدهنی دهلوی که در سال ششصد و سی و هشت بود

بدهنی صوفی مصفا دل	شد چو واصل بوصل یزدانی
رحلتش هادی حقیقت خوان	بار دیگر ولی لاثانی
باز فرما تو صاحب الارشاد	ارتحالش اگر بدانی

تاریخ وفات شیخ رضی الدین علی لالا که در سال ششصد و چهل و دو بود

آن رضی الدین علی لالا ولی	وصف او بیرونست از گفت و شنید
شد چو از عالم بگو تاریخ او	سید اکرم علی ابن سعید
شد عیان اهل ارادت رحلتش	هادی برکت دگر آمد پدید

تاریخ وفات شیخ شمس الدین تبریزی که در سال ششصد و چهل و پنج بود

بجنت شد چو شمس الدین تبریز	محبت شد روشن از نور تجلی
بخوان سلطان شمس الدین و سالش	رقم کن نیز شمس الدین معلی

قطعهٔ ثانی

چو شمس الملل نور دنیا و دین	شده روشن از اتصال خدا

بگو مرد عرفان بتاریخ او ‌ ‌ ‌ بخوان خادم و شاه دار البقا

تاریخ وفات شیخ سعد الدین محمد حموی که در سال ششصد و پنجاه بوقوع آمد

باسعادت چو شد بجنت خلد ‌ ‌ ‌ سعد دین پیر اسعد الابرار

پیشوای انام سعد الدین ‌ ‌ ‌ هست سال وصال آن سردار

زنده دل متقی رقم کن نیز ‌ ‌ ‌ مهدی مقتدا وصلی شمار

کشف شد کاشف الحقائق باز ‌ ‌ ‌ دل دگر مستقیم کرد اظهار

تاریخ وفات شیخ ابو المغیث جمیل یمنی که در سال ششصد و پنجاه و یک بوقوع آمد

ز دنیای دون رخت هستی ببست ‌ ‌ ‌ ابو الغیث پیر نجیب و اصیل

وصلی خدا سال وصلش بگو ‌ ‌ ‌ دگر باز خوان بود روشن جمیل

تاریخ وفات شیخ ابو الحسن شاذلی که در سال ششصد و پنجاه و چار یا شش بوقوع آمد

رفت در جنت چو با حسن و جمال ‌ ‌ ‌ بو الحسن ذی حسن حسن جهان

سال ترحیلش بقول مختلف ‌ ‌ ‌ هادی خلد و حبیب خلد دان

سن ترحیلش بقول اهل حق ‌ ‌ ‌ بو الحسن عارف امام دین ابن

پس فرید عصر و قطب الاتقیا ‌ ‌ ‌ هم شه اکبر حسن آمد عیان

کن رقم واصل دین مهر منیر ‌ ‌ ‌ پس شه عارف بخوان ای نوجوان

تاریخ وفات شیخ نجم الدین رازی که در سال ششصد و پنجاه و چار بوقوع آمد

گشت نجم الدین چو روشن در بهشت ‌ ‌ ‌ سال وصل او بصد عقل و تمیز

طرفه نجم الدین سرور شد عیان ‌ ‌ ‌ عارف حق نجم دین ابدال نیز

تاریخ وفات شیخ عین الزمان گیلی که در سال ششصد و پنجاه و شش بوقوع آمد

حضرت عین الزمان عین الجمال ‌ ‌ ‌ شد چو نور عین پیر اوج جنان

شیخ حق نور عین آمد وصال ‌ ‌ ‌ هم دگر عارف ولی عین الزمان

تاریخ وفات شیخ سیف الدین باخرزی که در سال ششصد و پنجاه و هشت بوقوع آمد

قطع کرد از جهان بحق پیوست ‌ ‌ ‌ قاطع النفس سیف دین حق یار

کشف انوار و شمس انوار است ‌ ‌ ‌ هردو تاریخ او ز سر و رزار

باز تاریخ رحلتش گفتم ‌ ‌ ‌ سیف سیاف هالک کفار

۱۲۷

تاریخ وفات مولانا زاهدی که در سال ششصد و پنجاه و هشت بوقوع آمد

آخرش چون کرد در جنت مقام　　زاهد والا ولی زاهدی

متقی حق وصالش هست و نیز　　زاهد دین متقی زاهدی

تاریخ وفات حضرت سید شهید لاهوری که در سال ششصد و شصت و یک بوقوع آمد

سید مشهد ولی با صفا　　آنکه شیرین بود نزد خاص و عام

هست سال ارتحال آنجناب　　صاحب نعمت دگر شیرین کلام

تاریخ وفات مولانا عزیز لرکی که در سال ششصد و شصت و یک بوقوع آمد

آن عزیز دو جهان هر دل عزیز　　رفت با عزت چو در قصر جنان

شمع نور است و عزیز شهسوار　　سال وصل آن عزیز اهل شان

تاریخ ولادت و وفات مولانا جلال الدین رومی که ولادتش در سال ششصد و چار و وفات در سنه ششصد و هفتاد و دو بوقوع آمد

جلال الدین جمال هر دو عالم　　کمال اهل دین نور تجلی

بگو قطب کمال یار فان است　　عجب تولید آن شاه معلی

دو بار امولوی مهتاب دین گو　　که گر دو سال تولیدش هویدا

رقم کن مولوی پیر مکرم　　بیان کن نیز و اقف شاه اعلی

وصالش شاه دین نور الهی　　جلال متقی محبوب فرما

قطعه تاریخ

شیخ رومی مولوی معنوی　　مرشد عالم شه دوران زمان

مقتدا مهدی شد از دل منکشف　　شد تولید آن به الامکان

کاشف المقصود گو ترحیل او　　مهتاب دین جلال الدین بخوان

تاریخ وفات شیخ حسام الدین چلپی که در سال ششصد و هشتاد و سه بوقوع آمد

چو مسکن ساخت اندر باغ فردوس　　حسام الدین شه مرحوم و مغفور

ز رهبر پیر دین جو ارتحالش　　بفرما نیز عین الدین پر نور

رقم شد آفتاب حق تا نیز　　حسام الدین مهدی معدن نور

تاریخ وفات حضرت قاضی سجاوندی که در سال ششصد و هشتاد و پنج بوقوع آمد

١

نصرت حق ناصر دین صفی   شد چو از دنیا بفردوس برین
گو فرید العصر تاریخش دگر   ناصر دین سید اهل یقین

تاریخ وفات شیخ عبد الله ملتانی که در سال ششصد و هشتاد و شش بوقوع آمد

شد ز دنیا واصل ذات احد   او حمید الدین شیخ یکتای زمان
وصلش عبد الله مرشد کن رقم   نیز هادی عاشق صادق بخوان

تاریخ وفات شیخ یاسین مغربی که در سال ششصد و هشتاد و هفت بوقوع آمد

شه دین محمد شیخ یاسین   که آمد نام نامیش بقیران
وصالش جلوه گر بدر تمام است   دگر گردید روشن نور قرآن

تاریخ وفات شیخ عفیف الدین ملتانی که در سال ششصد و نود و یک بوقوع آمد

رفت چون با عفت و عصمت بخلد   آن عفیف الدین عفیف با خدا
شد بدل خاص ارتحال پاک او   هم عفیف الدین کامل رهنما

تاریخ ولادت و وفات شیخ نور الدین عبد الرحمن اسفرائی که ولادتش در سال ششصد و سی و هفت و وفات در ششصد و نود و پنج بوقوع آمد

نور دین روشن دل و اهل صفا   صاحب عصمت ولی مه جبین
نور دین ربانی از دل جلوه گر   شد تولیدش بصد صدق و یقین
کاشف مرحوم تر حالش بگو   بار دیگر عبد رحمن نور دین
کاشف حق صوفی آمد از خرد   ارتحال آن بشه خلوت نشین
هم بخوان در سال وصل نایاب   هادی مهدی منور نور دین

تاریخ وفات شیخ ابو محمد فرجانی که در سال ششصد و نود و دو بوقوع آمد

چو شیخ بو محمد بهتر احمد   ز دنیا رفت در خلد معلی
وصالش متقی حق طلب گو   دگر باره بخوان نور تجلی

تاریخ وفات شیخ نور الدین ملک یار پران که در سال ششصد و نود و پنج بوقوع آمد

شاه نور الدین ملک یار خدا   گشت آخر مالک ملک جنان
شاه نور الدین ابدال است نیز   مقتدای اهل علم سال وصل آن

تاریخ وفات شیخ عبد الله ابن المطرف که در سال هفتصد و هفت بوقوع آمد

۱۲۸

این مطرف شاه عبد الله پیر	پیر وشش بود ندیران و جوان
گشت چون منزل گزین اندر بهشت	از ستحالش از بهشت آمد عیان
شاه کاشف کشف کن در وصل او	باز کن و ارث ثوای وارث بیان
قطعهٔ ثانی	
محو شد در وصال ربانی	این مطرف ولی شبه کونین
عقل تاریخ نقل او فرمود	قطب والانجبا و رحزمین
تاریخ وفات شیخ حافظ الدین نسفی که در هفتصد و ده هجری بوقوع آمد	
شد ز دنیا چو در بهشت برین	حافظ دین و شیخ نسفی
محزن خود گو تاریخش	هم بفرما دگر تقی نسفی
تاریخ وفات شیخ قطب الدین علامه که در سال هفتصد و ده بوقوع آمد	
قطب عالم قطب علامه ولی	قطب جنت شد چو در خلد برین
شاه ابرار بهشت سال وصل او	نیز قطب الدین تاج اهل دین
باز تاج عالم قدس بخوان	هادی مخدوم دان باصد یقین
یافت چون آخر شهادت ای ندا	شد شهادت وصل آن شیخ امین
تاریخ ولادت و وفات شیخ سلطان ولد روحی که ولادتش در سال ششصد و بیست و سه و وفات در سنه هفتصد و دوازده بوقوع آمد	
حضرت شیخ سلطان ولد مقبول حق	رهبر دین نبی شیخ عظیم
شد امام العصر سلطان نامدار	سال تولیدش بطرز مستقیم
کاشف عالی مکان فرمود دل	سرور زا تولید آن شیخ کریم
هست رکن العارفین ترحیل او	هم معلی قطب سلطان الکریم
تاریخ وفات شیخ سلیمان ترکمان که در سال هفتصد و چهارده بوقوع آمد	
ز دنیا چو فوق سکن شد بجنت	چو انور تر مه عالم شیخ سلیمان
رقم کن از ستحالش رحمت آمد	دگر ما بد شه عالم سلیمان
تاریخ وفات شیخ بدر الدین اسحاق سمرقندی که در سال هفتصد و شانزده بوقوع آمد	
بدر دین بدر محبت بدر حق	جلوه گر شد چونکه بر ابرج جنان

۱۳۹

وصلش عالیقدر بدر الدین بگو ... هم ولی بدر شمر قندی بخوان
گوانام خلد و ماه اهل خلد ... رحلت آن بدر دین عالی علم

تاریخ وفات شیخ نجم الدین اصفهانی که در سال هفتصد و بست و یک بوقوع آمد

گشت چو بر اوج جنان جلوه گر ... مطلع اسرار ولی نجم دین
عاشق میر است وصالش دگر ... نیر انوار ولی نجم دین

قطعه ثانی

چو نجم الدین منور شد بجنت ... وصالش طرفه تر شد رونق افزا
امیر عشق و مقصود المحبت ... دگر ماده انوار التجلی

تاریخ وفات شیخ رکن الدین فردوسی که در سال هفتصد و بست و چهار بوقوع آمد

رکن دین رکن جهان رکن زمان ... رکن ارکان شد چو در خلد برین
سال وصلش هست مخدوم اجل ... نیز رکن الدین ولی پیر امین

تاریخ وفات شیخ بلبل شاه کشمیری که در سال هفتصد و بست و هفت بوقوع آمد

بلبل باغ خلد بلبل شاه ... شیخ دین منقی کشمیری
ارتحالش چو از خرد جستم ... گفت نامی ولی کشمیری

تاریخ وفات شیخ نجیب الدین فردوسی که در سال هفتصد و سی و سه بوقوع آمد

شد ز دنیا چو در بهشت مقیم ... سرور اهل دین نجیب الدین
از خرد پیشوای ابرار است ... وصل شیخ یقین نجیب الدین
باز سرور بسال وصلش گفت ... زیب جنت امین نجیب الدین

تاریخ وفات شیخ حسن طبنی که در سال هفتصد و سی و سه بوقوع آمد

حسن آن محسن احسن ولی پیر ... بجنت رفت چون زین دار ویران
بسال رحلتش خواجه حسن گو ... دگر بار حسن سرور سلطان

تاریخ وفات شیخ شمس الدین صفی الموسوی که در سال هفتصد و سی و پنج بوقوع آمد

میر شمس الدین صفی موسوی ... شد چو شمس خور بجنت منجلی
رحلتش اشرف ولی حق بخوان ... بار دیگر شمس دین کامل صفی

تاریخ ولادت و وفات شیخ رکن الدین علاء سمنانی که ولادتش در ... و وفات در ... بوقوع آمد

١٣٥

۱۳۱

جناب شیخ علاء رکن الدین سمنانی شه کبیر	که بود اندر زمانه رهنمای و حقانی
رکن الدین فرید آمد عیان تاریخ تولید	سنین عمرش از عابد عیان گردد اگر خوانی
امام خلد هادی سال ترحیلش بگو بشنو	دگر امجد ولی الله رکن الدین سمنانی

تاریخ وفات شیخ اوحد الدین اصفهانی که در سال هفتصد و سی و هفت بوقوع آمد

اوحد الدین شد چو یکتا از جهان	سال وصل آن شه روشن ضمیر
هست عارف اصفهانی حق طلب	هم حسیب کبریا میر کبیر

تاریخ وفات شیخ هبیت الله بازری که در سال هفتصد و سی و هشت بوقوع آمد

نجلد جاودان چون کرد مسکن	ولی شیخ اکابر هبیت الله
بگو ابر سعادت رحلت او	دگر بار ه مطهر هبیت الله

تاریخ وفات شیخ شرف الدین کبروی که در سال هفتصد و شصت و شش بوقوع آمد

چون شریف اشرف شریف دو جهان	یافت از حق نقد وصلت زانکه
ارتحالش و دستدار کامل است	بار دیگر اهل دین مولی شرف

تاریخ وفات شیخ اسحاق مغربی که در سال هفتصد و هفتاد و شش یا هفت بوقوع آمد

سال تاریخ وصیل تو اسحاق	آنکه مشهور جمله آفاق است
مهدی متقی امین الله	نیز سرور عالم اسحاق است
هم باقوال بعضی از اخبار	گفت سرور که شاه عشاق است

تاریخ وفات شیخ نجم الدین محمد الاوکانی که در سال هفتصد و هفتاد و شش بوقوع آمد

شد مشرف چو در بهشت برین	شیخ اکبر شریف نجم الدین
وصل او پیر مجتبی عالی است	بار دیگر شریف نجم الدین

تاریخ وفات شیخ محمود زاهد مرغابی که در هفتصد و هفتاد و هشت یا نه بوقوع آمد

چونکه محمود حامد الاوصاف	یافت از وصل ایزدی بهبود
هست محمود مرشد کونین	سال ترحیل آن شه با جود
باز تاریخ وصل او گفتم	طالب الله عاقبت محمود

تاریخ وفات شیخ شرف الدین احمد بن یحیی منیری که در سال هفتصد و هشتاد و دو هجری مقدس اقدس بوقوع آمد

سمنانی است و مرید ... علی ... [illegible]

... رکن الدین علاء الدوله سمنانی است ... از اعمال ... لقب وی جلال الدین است ... مولانا جلال الدین ... بحضرت علی الله علیه و سلم ... [illegible]

شیخ شرف الدین منیری با حق مهرمیز	نور دین احمدی و عالم عامل شریف
شد چو از دنیا وصالش مولوی قید دم	سالک کامل شرف با صاحب کامل شریف
تاریخ وفات شیخ سیف الدین خلوتی که در سال هفتصد و هشتاد و سه بوقوع آمد	
قطع چون کرد از جهان شد در جنان	سیف دین آن سیف مسلول خدا
دوستدار حق بگو تاریخ او	بازگن مقبول مقبول خدا
تاریخ وفات شیخ ابو اسحاق گازرونی لاهوری که در سال هفتصد و هشتاد و [illegible] بوقوع آمد	
سید اسحاق مرد طاق نور زد و الملال	وصل شد با خلد و ترک از مردم آفاق گفت
اهل رفعت ها تعم زد و بهر تاریخش ندا	هم دگر نور الهی شاه بو اسحاق گفت
قطعهٔ ثانی	
سید اسحاق شاه باکمال	شد چو از دنیا بجنت حسب راه
سال ترحیلش ز سر و رشد عیان	سید محمود میران بادشاه
تاریخ وفات امیر کبیر سید علی همدانی که در سال هفتصد و هشتاد و شش بوقوع آمد	
پیر محمد انی علی آن قرة العین نبی	محرم سر الهی واقف مافی الضمیر
سال ترحیلش علی نور هدایت گفته ام	نیز هادی سید همدان علی میر کبیر
قطعهٔ ثانی	
شد ز دنیا با وج علیین	والی عالی و علی ولی
سال تاریخ رحلتش سرور	گشت روشن ز بدر عشق علی
قطعهٔ ثالث	
بخلد معلی چو شد از جهان	علی شاه عالی و پیر کبیر
خرد بهر تاریخ ترحیل او	بگفتا جوانمرد و میر کبیر
تاریخ وفات شیخ مظفر بلخی که در سال هفتصد و هشتاد و هشت بوقوع آمد	
با ظفر رفت سوی ملک بهشت	چون مظفر ولی تقی بلخی
مخلصم سال رحلتش گفتم	همه گرزنده دل ولی بلخی
تاریخ وفات مولانا زاهدی مرغانی که در سال هفتصد و نود و یک بوقوع آمد	
بصد زهد و ریاضت یافت جنت	چو زاهد مقتدا مخدوم نامی

[illegible]

وصالش صاحب مخدوم فرما — دو بار کن ندا مخدوم نامی

تاریخ وفات خواجه شمس الدین حافظ شیرازی که در سال هفتصد و نود و دو فا بوقوع

لسان الغیب حافظ پیر شیراز — ز دنیا رفت و شد سیر در ارجنت
عیان شد سر و را تاریخ سالش — ز ادولی طوطی گلزار جنت

قطعه ثانی

چو شمس الدین حافظ حافظ دین — بجنت رفت از دنیای پرخار
وصالش هست شمس الدین منور — دو باره زبدهٔ دین شاه ابرار
بگو مخدوم ایمان ارتحالش — دگر مخدوم اهل الله تکرار

تاریخ وفات مولانا ظهیر الدین خلوتی که در سال هشتصد هجری بوقوع آمد

رفت در جنت بصد تشت و پناه — چون ظهیر الدین ولی جنتی
عندلیب خلد گو سالش دگر — اهل دین مهدی کامل متقی
ماه دین مخدوم شد از دل عیان — طرفه سال انتقال آن ولی

قطعه ثانی

در بهشت آمد بصد عز و وقار — چون ظهیر الدین ظهیر المؤمنین
سال وصل او ست پیر متقی — هم دگر محبوب قطب المتقین

تاریخ وفات شیخ کمال خجندی که در سال هشتصد و دو پا سه بوقوع آمد

جلوه گر شد چو در بهشت برین — شیخ کامل کمال اهل جلال
گفت سرور بسال ترحیلش — گره‌ی آفتاب بدر کمال
هم بقول دگر شده روشن — منبع حسن آفتاب جمال

تاریخ وفات مولانا سعد الدین تفتازانی که در سال هشتصد و هشت بوقوع آمد

ز دنیا شد چو در خلد معلی — سعید و سعد اعلی تاج ابرار
بگو کامل بهشتی ارتحالش — دگر باره بفرما تاج ابرار

تاریخ وفات مولانا محمد شیرین که در سال هشتصد و هشت یا نه بوقوع آمد

چو شیرین زبان بست رخت سفر — ز دنیای دون شد بجنت قریب
بگو زاهد معرفت سال او — بفرما دگر اهل رفعت حبیب

ملا — مسکن وی شیراز است و لسان الغیب خطاب — نسبت ترجمان الاسرار است از مجذوبان — است و سالکان حق است ... عالم — ... در دیوان حافظ — ... — از تصانیف وی ... — ... ظهیر الدین خلوتی ... وی

۱۳۳

بزرگ و صاحب حال و قال بود و شعر گویی — میلی تمام داشت ۱۲

از علمای دهر بود و در علم و فضلیت ثانی نداشت — کتاب مختصر و مطول از تصانیف وی است

... اسمعیل ... وی ... — و در اشعار خود را ... تخلص کردی

ز ولد آن شیرین بجو ر حلتش	دگر خواجه صدق دان ای عجب

تاریخ وفات میر محمد همدانی بن علی همدانی که در سال هشتصد و نه بوقوع آمد

میر جنت گشت با عز و وقار	چون محمد سید اهل یقین
شد محمد یوسف ثانی عیان	سال ترحیلش بقول مخبرین
باز سال رحلتش کردم رقم	مهربان خادل محمد میر دین

تاریخ وفات میر سید شریف علامه که در سال هشتصد و هژده بوقوع آمد

شد چو آخر اشرف اهل بهشت	میر سید متقی میر شریف
چشمهٔ عشق هست سال وصل او	همدگر سید ولی میر شریف

تاریخ وفات شیخ عبد الله شطاری که در سال هشتصد و سی و دو بوقوع آمد

جناب شیخ عبد الله شطاری شه کبار	چو پیوست از جهان در قرب وصل حضرت باری
نوشتم هادی اخبار سن و سال ترحیلش	بیان کردم ز قطب هند عبد الله شطاری

قطعهٔ ثانی

چو شطاری ولی محبوب باری	ز دنیا رفت در فردوس اعلی
شده مخدوم عبد الله سالش	دو باره سالک المخدوم پیدا

تاریخ وفات شیخ علی پیر گجراتی که در سال هشتصد و سی و پنج بوقوع آمد

شیخ دین پیر و علی وصی	شیخ عالی ولی گجراتی
قاسم خلد گو بتر حیلش	نیز کامل علی گجراتی

قطعهٔ ثانی

قدر و الا بخلد اعلی یافت	و الی ملک دین علی و ولی
گو وصالش علی قدیم المثل	هم بخوان زبدهٔ بهشت علی

تاریخ وفات خواجه شاه قاسم انوار که در سال هشتصد و سی و هفت بوقوع آمد

چو قاسم قاسم نور الهی	ز دنیا رفت و شد مرحوم و مغفور
وصالش هست شمس اهل عرفان	دو باره شاه کشید قاسم نور

تاریخ وفات شیخ زین الدین خوافی که در سال هشتصد و سی و هشت بوقوع آمد

جناب میر زین الدین شه دین	چو رفت از دار فانی در بهار جنان

رقم شد خواجه اکبر وصالش	دوبار ازین دین هادی خواست

تاریخ ولادت و وفات شیخ بدیع الدین مدار که ولادتش در سال هفتصد و شانزده و وفات در سنه هشتصد و چهل هجری بوقوع آمد

شیخ معالی رهنمائی دو جهان	آن بدیع الدین ولی کامگار
هست تولیدش مفاتیح العلوم	هم امام خلد با عز و وقار
رحلتش سلطان مخدوم است هم	مهربان واصل حق قطب مدار
نیز سال رحلت او گفته ام	پارسا سلطان بدیع الدین مدار

تاریخ وفات شیخ نور الدین ولی کشمیری که ولادت وی در سال هفتصد و پنجاه و هفت و وفات در سنه هشتصد و چهل و دو هجری بوقوع آمد

جناب نور دین مهتاب عالم	که در چشم دو عالم بود منظور
زسرور اهل عرفان نور روشن	بی تولید پاکش طرفه مسطور
زشمس الفقار فیض جوار رحمتش	دوباره هادی حق نور پرنور

تاریخ وفات شیخ بهاء الدین گنج بخش کشمیری که در سال هشتصد و چهل و دو بوقوع آمد

بهاء الدین چو شد زین دار فانی	بسال رحلت آن باب عرفان
بهاء الدین شیخ اهل دل گو	دگر باره بخوان مهتاب عرفان

تاریخ ولادت و وفات شیخ احمد کهتو که ولادتش در سال هفتصد و سی و هشت و وفات در سنه هشتصد و چهل و نه هجری بوقوع آمد

شیخ احمد بود مقبول خدا	رهنمای حق فقیر بی نظیر
احمد آفاق احمد مجتبی	سرور ازین مصرعه تولیدش بگیر
وصل پاکش شد بیان مرد خدا	شد عیان مهتاب عرفان ضمیر
سال عمرش سالک عالی بخوان	ارتحالش مقتدا احمد امیر

تاریخ وفات شیخ جمال گوجر که در سال هشتصد و پنجاه و هشت بوقوع آمد

جمال جهان شیخ اجل جمال	نکرم شه باکمال بهشت
چو شد در جنان سال ترحیل او	ندا شد که عابد جمال بهشت
دوباره بتاریخ ترحیل او	بگو طیب دین بلال بهشت

۱۳۵

۱۳۶

تاریخ وفات مولانا جلال الدین پورانی که در سال هشتصد و شصت و دو بوقوع آمد

چون جلال الدین جلیل القدر پیر	یافت با اجلال در جنت مکان
سال تاریخ وصال آن جناب	کرد با سیر و رچنین هاتف بیان
سیر جنت زبدهٔ عالم بگو	قطب ربانی جلال الدین بخوان

تاریخ وفات شیخ هلال کشمیری که در سال هشتصد و شصت و دو بوقوع آمد

ز روی جهان چون بحکم خدا	نهان شد مه دین و دنیا هلال
ز دل گشت در سال تاریخ او	عیان شمس اقبال بدر الکمال

تاریخ وفات خواجه شمس الدین محمد کوسوی که در سنه هشتصد و شصت و سه بوقوع آمد

میر شمس الدین هادی زمان	گشت چون روشن بفردوس برین
ارتحالش جو ز گنج معرفت	بار دیگر کن بیان جنت نشین

تاریخ وفات شیخ جلال الدین محلی که در سال هشتصد و شصت و چهار بوقوع آمد

چون جلال الدین شه اهل جلال	یافت با اجلال اندر خلد جا
آفتاب فقر تاریخش بگو	هم جلال الدین میر مجتبی

تاریخ وفات مولانا علی توستجی که در سال هشتصد و هفتاد و هشت بوقوع آمد

پیر تو افگن شد بخلد جاودان	چون علی اعلی ولی مهتاب حسن
جنتی عالی قدر تاریخ اوست	هم علاء الدین علی مهتاب حسن

تاریخ وفات سید محمد امین المشهور به بابا امیر ریشی کشمیری شهید که در سال هشتصد و هشتاد و نه هجری بوقوع آمد

بفضل خدا وند مولی تعالی	چو شد وصل با وصل جانان امیر
امین محتشم هست تاریخ او	دگر عارف اهل عرفان امیر

تاریخ وفات شیخ محمد میرک مرحوم که در سال هشتصد و هشتاد و سه بوقوع آمد

زنده دل پیر شیخ عبد الحی	رفت در جنت از جهان شد طاق
رحلت او خلیل بار دیگر گو	خوان دگر بار طالب مشتاق
باز نور الهی متقی هست	وصل آن میر دین شه آفاق

تاریخ وفات شیخ علی صوفی قدس سره که در سال نهصد و هشت بوقوع آمد

شیخ اعلی قدر علی صوفی	یافت در بنادر رتبت عالی
خواجه صابر است ترحیلش	هم بخوان ابک ... هشت علی

تاریخ وفات مولانا حسین واعظ کاشفی که در سال نهصد و ده بوقوع آمد

رهبر دین صاحب علم الیقین	عالم معصوم محمد حسین
شیخ بگو فضل بخوان رحلتش	باز تو مخدوم محمد حسین

تاریخ وفات شیخ جلال الدین بن عبد الرحمن سیوطی که در سال نهصد و یازده بوقوع آمد

چون جلال الدین بصد عز و جلال	گشت از دنیا سوی جنت روان
سال تاریخ وصال آنجناب	فاضل و افضل شد از سر و عیان
پس جلال دین مقبول خدا	دوست دار حق جلال الدین بخوان

تاریخ وفات شیخ احمد شرعی که در سال نهصد و بست و هشت بوقوع آمد

شیخ احمد آن شاه شرع رسول	چو کرد از جهان سوی خلد ارتحال
نیکی حسن خیر است تاریخ او	شه شرع احمد دگر بست سال

تاریخ وفات ملک زین الدین شهید که در سال نهصد و بست و هفت بوقوع آمد

شیخ زین الدین شهید با صفا	چون بصد تزئین در جنت رسید
شیخ زاهد هست سال وصل او	نیز زین الدین شه عالم شهید

تاریخ وفات شیخ زیر الدین شهید دهلوی که در سال نهصد و سی و سه بوقوع آمد

شیخ زیر الدین قتیل راه حق	شد چو در فردوس ... گفت و شنید
ارتحالش متقی العارف است	نیز طالب زنده دل عاشق شهید

تاریخ وفات شیخ یوسف قتال دهلوی که در سال نهصد و سی و سه بوقوع آمد

یوسف مصر ولایت بادشاه	رفت از دنیا چو در ملک جنان
طالب فیاض سالش کن رقم	یوسف عالی ولی حق بین بخوان

تاریخ وفات مولانا شعیب قدس سره که در سال نهصد و سی و شش بوقوع آمد

شد چو از دار فنا اندر بقا	پیر واقف صاحب جنت شعیب
سال تاریخ وصال آنجناب	گفت هاتف صاحب جنت شعیب

تاریخ وفات مخدوم محمد حاجی که در سال نهصد و سی و هفت بوقوع آمد

پیر اعظم حاجی بیت الحرام	شد چو از دنیا بباغش جای ع
آفتاب جنت آمد باز هم	های مخدوم سلطان بود

تاریخ وفات شیخ جلال الدین شیرازی که در سال نهصد و چهل و چهار بوقوع آمد

پرتو افگن شد چو در خلد برین	آفتاب دین حق ماه جلال
سال ترحیلش جلال فرخ است	نیر شیرازی و سه شاه جلال

تاریخ وفات شیخ سلیمان ابن عفان المندوی الدهلوی که در سال نهصد و چهل و چهار بوقوع آمد

سلیمان ولی هادی متقی	سفر کرد چون از جهان و جنان
بجو سال ترحیل آن بادشاه	ز شاه ولایت سلیمان عیان
دوباره سلیمان سخی جمیل	بخوان وصل آن شیخ عالیمکان

قطعه ثانی

چون سلیمان ولی حق تعالی	یافت از حق مدد رحمت بار
سال وصلش بجو ز شیخ اجل	همه [illegible]

تاریخ وفات شیخ حسین خوارزمی که در سال نهصد و پنجاه و شش بوقوع آمد

حسین والی خوارزم رهنمای جهان	مرید حضرت مخدوم بود و اهل کمال
بسال رحلت او دان عزیز خوارزم	حسین قطب بهشتی است [illegible] بسال

تاریخ وفات سید رفیع الدین صفوی که در سال نهصد و پنجاه و چهار [illegible] بوقوع آمد

اهل رفعت رفیع عالی جاه	صورت گل چو شد بباغ جنان
وصل آن شاه صادق الاحوال	صاحب رفعت زمانه بخوان
هم عزیز خدا رفیع الدین	باز میر بهشت ای جانان

تاریخ وفات سید محمد غوث گوالیاری که در سال نهصد و هفتاد و دو بوقوع آمد

محمد غوث قطب هر دو عالم	چو در وصل خدا گردید موصول
بتاریخ وصالش گفت سرور	محمد متقی سلطان مقبول

قطعه ثانی

محمد شد چو در بزم محمد	بسال رحلت آن شاه ذیشان

۱۳۸

[illegible]

رقم کن عاشق رهبر محمد	محمد جعفری تا سالی قدر خوان
دوباره فاضل نهدست سالش	دگر شد فاضل مهدی نمایان
زسر و رست عشق آمد وصالش	عیان شد شمع نعت رحلت آن

تاریخ وفات بابا قدس کشمیری که در سال نهصد و هشتاد و شش بود ۹۸۶

شیخ اندوش مقدس عالم	آنکه فیضش به روی جهان عام است
رحلتش هست مخزن الانوار	باز تاریخ دوم قدس اسلام است

تاریخ وفات سید سلطان اکبر گیلانی لاهوری که در سال نهصد و نود و شش بود ۹۹۶

شد چو از حکم خدا سلطان اکبر از جهان	دل بسال رحلت آن شاه دین [illegible]
گفت سلطان معلی سرور اکبر بخوان	باز فیاض زمان گو نیز شیخ الاولیا

تاریخ وفات سید غیاث الدین گیلانی لاهوری که در سال نهصد و نود و دو بود ۹۹۲

شاه دولت ولی اهل کمال	رفت چون از جهان بعزت و جاه
افضل الاولیاست تاریخش	هم خرد گفت مرد دولت شاه

تاریخ وفات سید کرام الدین المشهور شاه بهاگی لاهوری که در سال نهصد و نود و سه

در جهان چون بود کرام استقامت	سید اکرم کرام [illegible] زبیره
هست شیخ جمیل تاریخش	نیز مفتاح حق کرام الدین

تاریخ وفات مولانا درویش واعظ که در سال نهصد و نود و هفت بود ۹۹۷

در بهشت خلد چون رفت از جهان	حضرت درویش اهل حال و قال
فاضل مولی بگو تاریخ او	واعظ هادی بجو انش بسال

تاریخ وفات شیخ وجیه الدین گجراتی که در سال نهصد و نود و هشت بود ۹۹۸

شیخ احسن وجیه دین [illegible]	گشت خالد چو در بهشت برین
فیض حق کن رقم حفیظ بخوان	از جمالش بزینت و تزیین
باز سال وصال او فرما	صاحب حق سخی وجیه الدین

تاریخ وفات بابا والی کشمیری که در سال یکهزار و یک بود ۱۰۰۱

چو شد والی بخلد با عروشان	ولی جهان شیخ والی متقی
رضا جوی سال تاریخ او	دگر زبده فیض والی ولی

شغل ... زنگ است ۱۲
... صاحب ذوق و شوق و وجد و سماع ... سالک عارف
بجاورت حرمین الشریفین گذرانید و در آخر ... سلطنت افغانان در هند آمده توطن گرفت ۱۲
... از علمای عصر و مشایخ ... گجرات و ارادت بخدمت سید محمد غوث ... داشت و خرقه خلافت از وی پوشیده ۱۲
... از مریدان شیخ حسین خوارزمی ... کشمیر سکونت داشت و از شیخ محمد شریف ... خرقه خلافت حاصل کرد و تمام عمر در ... و ارشاد گذرانید ... در وطن ... شربت شهادت چشید ۱۲

تاریخ وفات شیخ بهاء الدین خوارزمی کشمیری که در سال یکهزار و دو بوقوع آمد

چون بهاء الدین خوارزمی ولے	در زمین شد مثل گنجینه نهان
سالک فیاض تاریخش بگو	نیز خوارزمی جمال دین بخوان

تاریخ وفات شیخ یعقوب صوفی کشمیری که در سال یکهزار و سه بوقوع آمد

چو شد یعقوب زین دهر آفات	بسال وصل آن شیخ زمانی
عیان شد از دل من شیخ اقطاب	دگر بدر الدجی یعقوب ثانی

تاریخ وفات سید محمد غوث گیلانی لاهوری که در سال یکهزار و چهار بوقوع آمد

چون محمد غوث از دار دنیا	کرد رحلت رفت در دار جنا
جامع فیض است تاریخش بگو	تاج کامل سید الابرار خوان

تاریخ وفات سید شیخ عبد الحق نامی که در سال یکهزار و پنج بوقوع آمد

گشت چون واصل بحکم ذو الجلال	شیخ برحق عبد حق موصول حق
از خرد شد سال تاریخش عیان	ماه تابان قطب حق مقبول حق

قطعه ثانی

عبد حق چون گشت با حق متصل	سال وصل این ولی الاولیا
جلوه گر گردید روشن آفتاب	باز شد سید اشفع مقتدا

تاریخ وفات شیخ میر محمد بن احمد کشمیری که در سال یکهزار و یازده یا پانزده بوقوع آمد

چون محمد میر میر دو جهان	گشت آخر میر فردوس برین
صاحب فضل است تاریخش دگر	متقی مهدی محمد میر دین

تاریخ وفات شیخ یوسف محمد یا تنجی کشمیری که در سال یکهزار و یازده بوقوع آمد

یوسف دین بی معشوق حق	رفت در جنت چو با ناز و نیاز
سال وصل او بگو شیخ امین	هم بخوان مخدوم محرم پاکباز

تاریخ وفات شیخ محمد کمال کشمیری که در سال یکهزار و هفده بوقوع آمد

گشت چون پدرود با حکم خدا	از جهان کامل کاشف اهل حال
شمع نور عارف بگو تاریخ او	نیز سالک تاج عرفانی کمال

تاریخ وفات شیخ فصیح الدین عبدی که در سال یکهزار و نوزده بوقوع آمد

چون فصیح الدین فصیح با صفا	با فصاحت یافت در جنت مکان
سال وصلش فاضل حق شد رقم ۱۰۱۹	هم فصیح الدین ولی محمد و مردان ۱۰۱۹

تاریخ وفات مولانا شاه گدا کشمیری که در سال یکهزار و بست و چهار بوقوع آمد

جناب شه گدا شاه جوانمرد	ز دنیا یافت در دربار حق بار
بفوتش جامع فضلست تاریخ	دگر باره بخوان مشکوة انوار

تاریخ وفات شیخ حبیب الله نوشهری کشمیری که در سال یکهزار و بست و شش بوقوع

چون حبیب خدا حبیب الله	شد بفردوس زین سرای خراب
رحلتش گو حبیب جامع فیض ۱۰۲۶	هم بخوان آفتاب عالم تاب ۱۰۲۶

تاریخ وفات شیخ موسی بلدسری کشمیری که در سال یکهزار و بست و شش بوقوع

شیخ موسی موسی ثانی ولی	شد چو از دنیا بفردوس برین
سال ترحیلش بسرور شد عیان	متقی رهنما موسی دین ۱۰۲۶

تاریخ وفات شیخ محمد شریف کشمیری که در سال یکهزار و بست و شش بوقوع آمد

شریف از جهان چون بجنت شتافت	خرد سال آن شیخ عالم حنیف
بگفتا که شیخ زمن هادی است	دو بار است بخوان اهل عرفان شریف ۱۰۲۶

تاریخ وفات شاه نعمت الله حصاری کشمیری که در سال یکهزار و بست و هشت بوقوع آمد

شیخ نعمت چو یافت در جنت	از خدا احسن نعمت فردوس ۱۰۲۸
سال تاریخ رحلتش سرور	شد ندا احسن نعمت فردوس

تاریخ وفات شاه قاسم حقانی کشمیری که در سال یکهزار و سی و سه بوقوع آمد

قسمت خویش یافت چون در خلد	شاه قاسم ولی خوش قسمت ۱۰۳۳
گفت تاریخ رحلتش سرور	صاحب علم قاسم النعمت

تاریخ وفات خواجه زین الدین ذاکر کشمیری که در سال یکهزار و چهل و دو بوقوع آمد

جناب زین دین شیخ معلی	که مثل او نه بر روی زمین است ۱۰۴۲
چو تاریخ وصال او بجستم	خرد گفتا که فاضل زین دین است

تاریخ وفات شیخ پیر میر شهی شطاری که در سال یکهزار و چهل و دو بوقوع آمد

شه ومقتدای جهان شیخ پیر — که تم شد بروکار علم وعمل
بتاریخ وصلش ندا شد ز دل — که پیر زمان دستگیر ازل

قطعهٔ ثانی

چو شد سید خلد با عز وشان — ولی جهان پیر دین دستگیر
بخوان شیخ اسلام تاریخ او — دگربار وان پیر تحقیق پیر

تاریخ وفات شیخ ناظر اکبرآبادی که در سال یکهزار وپنجاه وهفت بوقوع آمد

جناب ناظر آن منظر ریز دان — رسید از دهر فانی چون بجنات
ولی اعظم آمد ارتحالش — دگربار شه ملک کرامات

تاریخ وفات شیخ محب الله اکبرآبادی که در سال یکهزار وپنجاه وهشت بوقوع آمد

کان محبت چو محب اله — یافت بصد عشق ومحبت جنان
واصل اعظم تو بگو وصل او — نیز بخوان شیخ محب زمان

تاریخ وفات شیخ بابا علی کشمیری که در سال یکهزار وپنجاه وسه بوقوع آمد

قدر اعلی یافت در خلد برین — چون علی والا وصل مشتاق حق
فیض حقانی بگو تاریخ او — بار دیگر خوان علی مشتاق حق

تاریخ وفات میر صالح کشفی اکبرآبادی که در سال یکهزار وشصت بوقوع آمد

رفت در جنت بصد صلح وصلاح — چون جناب میر صالح متقی
شیخ طیب صالح گو سالش دگر — قطب هادی میر صالح متقی

تاریخ وفات مولانا محمد بن محمد فاروقی جونپوری که در سال یکهزار وشصت ودو

شد بحق موصول از لطف خدا — عاشق موصل محمد مست عشق
ارتحال او جوان بجنت اندیست — هم دگر فرما محمد مست عشق

تاریخ وفات شیخ مجتبی شطاری اکبرآبادی که در سال یکهزار وشصت وسه بوقوع آمد

مجتبی چون رفت در خلد برین — دل بسال وصل آن مرد خدا
متقی مجتبی محبوب گفت — نیز معشوق محمد مجتبی

تاریخ وفات شیخ باقی اکبرآبادی که در سال یکهزار وشصت وپنج بوقوع آمد

چو از دار فنا اندر بقا رفت — ولی ومرشد آفاق باقی

وصالش شیخ باقی طالب آمد — دوبارا سالک مشتاق باقی

تاریخ وفات مولانا عبدالحکیم سیالکوتی که در سال یکهزار و شصت و هشت بوقوع آمد

بحکم ازل چون بجنت رسید — شهی معدن علم عبدالحکیم
نداشد ز دل سال ترحیل او — ولی مخزن علم عبدالحکیم

قطعهٔ ثانی

چو با حکم خدا حکم جنان یافت — حکیم آن عالم دین با مروت
بخوان عارف بهشتی ارتحالش — دو بارا متقی اجلال جنت

تاریخ وفات بابا جامه کشمیری که در سال یکهزار و شصت و هشت بوقوع آمد

مثل خورشید جلوه گر اندر جنان — شیخ جامه مطلع نور یقین
بهر سال انتقالش از خرد — شد عیان محبوب شیخ اهل یقین

تاریخ وفات خواجه محمد نیازی کشمیری که در سال یکهزار و شصت و هشت بوقوع آمد

چون بصد عجز و نیاز اندر بهشت — یافت جا شیخ نیازی بی نیاز
بهر تاریخش رسد و ظرفه‌تر — شد ندا شیخ نیازی بی نیاز

تاریخ وفات حکیم سرمد دهلوی که در سال یکهزار و هفتاد هجری بوقوع آمد

چونکه در دیده وصال خدا — روی بنهفت سرمد و سرمست
خواجه متقی است تاریخش — هم خرد گفت سرمد و سرمست

تاریخ وفات شیخ داود کشمیری که در سال یکهزار و هفتاد هجری بوقوع آمد

چو رخت استقامت در جنان برد — شه داود و شیخ پاک مسعود
وصالش متقی درویش گفتم — دو بار او شد ارفقر داود

تاریخ وفات سید ابوتراب شاه گدای لاهوری که در سال یکهزار و هفتاد و یک بوقوع آمد

شه گدا سید و ولی متقی — بنده حق خاک پای بوتراب
سوخته گو سال ترحیلش دگر — شه ولی سید گدای بوتراب

تاریخ وفات شیخ نجم الدین المشهور بابا نیجی ریشی کشمیری که در سال یکهزار و هفتاد و دو

منور گشت مثل خور بفردوس — چو آن شمس الهدا نجم الکرامت
ز سرور ارتحالش جلوه گر شد — جمال الاصفیا نجم الکرامت

تاریخ وفات میر محمد علی کشمیری که در سال یکهزار و هفتاد و دو بوقوع آمد

چو شد سیر جنت بصد عز و جاه — محمد علی میر روشن ضمیر
بگو منبع فضل تاریخ او — دگر بار مجدد دم اسلام میر

تاریخ وفات شاه نور الحق دهلوی که در سال یکهزار و هفتاد و سه بوقوع آمد

نور حق چون از عطای ذو الجلال — گشت پر روشن مثل خور اندر جهان
رحلتش فیاض آفاق است نیز — نور حق پر نور قطب عالم خوان

تاریخ وفات بابا زاهد کامو کشمیری که در سال یکهزار و هشتاد و دو بوقوع آمد

کرد رحلت چو از جهان فنا — در جنان شیخ زاهد اهل فلاح
رحلتش نیک بخت کن تحریر — هم بخوان شیخ زاهد اهل فلاح

تاریخ وفات سید حمید گیلانی لاهوری که در سال یکهزار و نود بوقوع آمد

چون جناب حمید حامد حق — از جهان فنا بخلد رسید
اعظم الاولیا است تاریخش — هم بخوان صدر دین سخی حمید

تاریخ وفات قاضی فضل گدا لاهوری که در سال یکهزار و نود و دو بوقوع آمد

فضیل و فاضل و فضل زمانه — شه اهل کرم افضل محمد
وصالش قطب فضل اهل دل گو — دگر پاکیزه دم افضل محمد

تاریخ وفات میر هاشم منور آبادی کشمیری که در سال یکهزار و نود و هفت بوقوع آمد

بست چون رخت اقامت از جهان — میر هاشم دستگیر هاشمی
میر هاشم صاحب کشف آمده است — سال وصل آن فقیر هاشمی
باز خوان سال وصال آن جناب — شاه سید قطب میر هاشمی

تاریخ وفات خواجه ابو الفتح کشمیری که در سال یکهزار و یکصد هجری بوقوع آمد

چو بر خود یافت باب خلد مفتوح — ولی فتح زمان مفتاح عرفان
وصالش شیخ قطب الاولیا گو — دگر قطب جهان مفتاح عرفان

تاریخ وفات شیخ لاله ریشی کشمیری که در سال یکهزار و یکصد و پنج بوقوع آمد

شیخ لاله چو شد بصورت گل — در گلستان جنتی جاگیر
جلوه گر گشت سال رحلت او — تاج اجلال لاله کشمیر

تاریخ وفات بابا حبیب الله کشمیری که در سال یکهزار و یکصد و نهم بوقوع آمد

[illegible]

[illegible]

چون جنید از دار دنیا رخت بست … سال وصل آن ولی بی قال و قیل
پارسا مشتاق و شیخ صادق است … هم جنید شیخ دین شیخ جلیل

تاریخ وفات مولانا محمد امین کانی بلامیری کشمیری که در سال یکهزار و یکصد و نه بوقوع آمد

در بهشت دائمی چون کرد جا … آن امین اهل یقین شیخ زمان
قطب جنت مقتدا گو رحلتش … هم دگر باره امین شیخ زمان

تاریخ وفات میر با جو کشمیری که در سال یکهزار و یکصد و یازده بوقوع آمد

چو تاج خلد شد با عزت و شان … جناب شیخ با جو میر حق یار
شهنشاه جنت گو وصالش … دوباره پیر کامل تاج ابرار

تاریخ وفات شیخ شاه محمد کشمیری که در سال یکهزار و یکصد و هفده بوقوع آمد

محمد چون ز دنیا رخت بربست … ز مهر سن و سال انتقالش
محمد مقتدای ملت آمد … جمال الغیب هم سال وصالش

تاریخ وفات بابا عثمان کشمیری که در سال یکهزار و یکصد و هژده بوقوع آمد

چون بتقدیر خدای متعال … رفت از دهر بجنت عثمان
سال تاریخ وصالش سرور … شد عیان اهل هدایت عثمان

تاریخ وفات شیخ محمد هاشم کشمیری که در سال یکهزار و یکصد و هژده بوقوع آمد

چون بحکم خالق هر دو جهان … شد ز دنیا هاشم اجلال بهشت
آفتاب خلد گو تاریخ او … هم بفرما هاشم اجلال بهشت

تاریخ وفات شیخ عبد الرحیم کشمیری که در سال یکهزار و یکصد و بست بوقوع آمد

چو شد وصل با رحمت حق بخلد … ولی صاحب حال عبد الرحیم
بتاریخ ترحیل او گفت دل … که مخدوم اجلال عبد الرحیم

تاریخ وفات میرزا حیات بیگ کشمیری که در سال یکهزار و یکصد و بست بوقوع آمد

ز دنیای دون شد بجنت دوان … چو آن زنده دل شیخ عالم حیات
ز خورشید سال وصالش بجو … دگر بار کاشف مکرم حیات

تاریخ وفات شیخ لاله بابو کشمیری که در سال یکهزار و یکصد و بست بوقوع آمد

شد چو از دنیا بفردوس برین … حضرت بابا و سلی دستگیر

[illegible marginal notes]

۱۰

هست سلطان المشایخ رحلتش | بازگو سال وصالش شیخ پیر

تاریخ وفات سید حسین بیهقی کشمیری که در سال یکهزار و یکصد و بیست و دو بوقوع آمد

سید والا حسین اهل دل | بود در چشم دو عالم نور عین
سال ترحیلش چو جستم از خرد | شد عیان هادی دین فضل حسین

تاریخ وفات قاضی حیدر کشمیری که در سال یکهزار و یکصد و بیست و دو بوقوع آمد

یافت مسکن بقصر خلد برین | کرد حیدر چو از زمانه سفر
رحلتش خاص دهر حیدر گو | هم بخوان پیر محترم حیدر

تاریخ وفات خواجه محمد افضل کشمیری که در سال یکهزار و یکصد و بیست و چهار بوقوع آمد

ز دنیای فنا عزم سفر کرد | چو میر افضل آن شیخ گرامی
بتاریخ وصال آن شه دین | بگو افضل ولی الله نامی

تاریخ وفات مولانا عنایت الله شال کشمیری که در سال یکهزار و یکصد و بیست و پنج بوقوع آمد

عنایت شیخ عالی والی دین | چو رحلت از جهان دهر فرمود
بتاریخ وصالش گفت سرور | عنایت با عنایت والی جود

تاریخ وفات شیخ عنایت الله کامی کشمیری که در سال یکهزار و یکصد و بیست و پنج بوقوع آمد

چو شیخ عنایت بحکم اله | ز دنیای دون یافت در خلد جا
بتاریخ ترحیل آن شاه دین | بگو با عنایت ولی مقتدا

تاریخ وفات سلطان میر جو کشمیری که در سال یکهزار و یکصد و بیست و پنج بوقوع آمد

چو سلطان میر از جهان رخت بست | بجنت شد آن جلوه گر ماه دین
ز دل شد بتاریخ ترحیل او | عیان میر سلطان شهنشاه دین

تاریخ وفات میر ابو الفتح کشمیری که در سال یکهزار و بیست و پنج بوقوع آمد

باب جنت چون بجو د مفتوح یافت | فتح عالم فاتح الابواب میر
سال تاریخش بقول اهل قال | دان معلی اشرف الاقطاب میر

تاریخ وفات شیخ محمد کشمیری که در سال یکصد و بیست و شش بوقوع آمد

بقعر زمین چونکه مانند گنج | نهان گشت مرشد محمد شفیق
بتاریخ ترحیل او از فلک | عیان گشت مرشد محمد شفیق

[illegible]

تاریخ وفات قاضی دولت حینی بسوی بخاری که در سال یکهزار و یکصد و بیست و شش

رفت چون از جهان بدولت و جاه | شاه دولت ولی حق آگاه
گفت تاریخ رحلتش سرور | شاه ادام الله اجل دولت شاه

تاریخ وفات شیخ احمد المشهور بمولانا جیون که در سال یکهزار و سی بود آمد

شیخ احمد چون بفضل ایزدی | گشت در بزم محمد بار یاب
مهدی حق گفت شیخ احمد وصل اوست | نیز شیخ احمد بعالی جناب

تاریخ وفات میرزا اکمل بدخشی کشمیری که در سال یکهزار و یکصد و سی و یک بود آمد

بجنت بست چون رخت اقامت | ازین دنیا مکمل شیخ کامل
رقم شد نظم عالم ارتحالش | دگر فرما مکمل شیخ کامل

تاریخ وفات عبد اللطیف کشمیری که در سال یکهزار و یکصد و سی و یک بود آمد

شیخ عبد اللطیف صاحب لطف | یافت از لطف حق بجنت بار
فاضل اکبر است تاریخش | بار دیگر خنزینهٔ اسرار

تاریخ وفات میر شرف الدین کشمیری که در سال یکهزار و یکصد و سی و پنج بود آمد

بجنت روان گشت میر شرف | چو زیر زمین روی خود را نهفت
پی سال آن اشرف دو جهان | خرد میر اشرف جوان مرد گفت

تاریخ وفات میر محمد هاشم گیلانی کشمیری که در سال یکهزار و یکصد و سی و پنج بود آمد

هاشمی چون در جنان شد جانشین | وصل شد با اتصال کبریا
گفت تاریخ وصال او خرد | میر سید هاشمی و مجتبی

تاریخ وفات مولانا علی اصغر قنوجی که در سال یکهزار و یکصد و چهل بود آمد

چون علی اصغر سوی جنت شتافت | طرفه دل تاریخ وصلش کرد یاد
جامع فیض کمال آدم است | بار دیگر مجمع فضل عباد

تاریخ وفات بابا محمد مهدی کشمیری که در سال یکهزار و یکصد و پنجاه بود آمد

شیخ مهدی ولی با ارشاد | رفت چون از جهان بجنت صاف
سال تاریخ رحلتش سرور | گفت مخدوم مهدی کشاف

تاریخ وفات شیخ فتح شاه لاهوری که در سال یکهزار و یکصد و پنجاه بود آمد

[illegible]

فتح شاه سکندر شاهی دو جهان	رفت چون در خلد زین دار المحن
طرفه سال انتقالش گفت دل	فتح دین فتاح ابواب زمن
آفتاب هفت اقلیم آمده است	سال ترحیلش اگر خواهی زمن

تاریخ وفات میر محمد اسماعیل کشمیری که در سال یکهزار و یکصد پنجاه و سه بوقوع آمد

گشت چون منزل گزین اندر بهشت	شیخ اسماعیل میر دو جهان
سال وصل اوست عالی تربت	نیز فضل آل اسماعیل دان

تاریخ وفات خواجه ایوب قریشی لاهوری که در سال یکهزار و یکصد پنجاه و نه بوقوع آمد

جناب خواجه ایوب مسعود	چو از دنیا بجنت گشت موصول
زشمس العارفین ایوب مرحوم	عیان سال وصالش است منقول
وگر دل گفت سال انتقالش	که شیخ اولیا ایوب مقبول

قطعه ثانی

خواجه ایوب مرد اهل دل	بود یکتا شیخ حق کامل ولی
سال وصلش هست مهتاب بهشت	نیز فرما شیخ حق کامل ولی

قطعه ثالث از تصنیف میر محمد علی مرحوم

ز دور ارتحال شیخ ایوب	که گشته روح او از وصل حق شاد
نه تنها اهل عالم را جگر سوخت	فلک هم آه و زاری کرد بنیاد
چو رفت آن شارح لفظ همه اوست	چو رفت آن نکته فهم و معنی ایجاد
بجستم سال وصلش از خرد گفت	موحد جان بتوحید خدا داد

تاریخ وفات بابا عبد الباقی کشمیری که در سال یکهزار و یکصد و پنجاه و هفت بوقوع آمد

رفت باقی چون باقلیم بقا	دل بسال وصل آن شیخ زمان
گفت تاج عارفان عارف بگا	هم دگر شیخ البقا باقی بخوان

تاریخ وفات میر فضل علی لاهوری که در سال یکهزار و یکصد و شصت بوقوع آمد

کرد چون از جهان بخلد مقام	جامع فضل و علم و حلم علی
سیر فضل است سال تاریخش	خوان دگر بار فضل علم علی

تاریخ وفات مولانا رستم علی بن علی اصغر قنوجی که در سال یکهزار و یکصد و هشتاد و هشت بوقوع آمد

۱۴۹

از جهان رفت چون بخلد برین — میر رستم علی ولی واصلی
گفت سرور بسال رحلت او — میر کل رستم علی وصی
باز کن عاشق بهشت رقم — سال ترحیل آن تقی و نقی

تاریخ وفات شاه ولی الله محدث دهلوی که در سال یکهزار و یکصد و هفتاد و نه بود

ز دنیا چو رخت اقامت ببست — ولی الله واصلی ولی متقی
وفاتش بجستم ز شیخ کریم — رقم شد دگر شیخ اکبر ولی

قطعه ثانی

چو از دنیا بجنت گشت راهی — ولی الله حق آگه بهشتی
وفات او یکی خورشید شد است — دگر عارف ولی الله بهشتی

تاریخ وفات میر یعقوب لاهوری که در سال یکهزار و یکصد و هفتاد و نه بود

شد چو از دنیا بفضل ایزدی — در جنان یعقوب مخدوم الکریم
ارتحالش هست خورشید جهان — هم بخوان یعقوب مخدوم الکریم

تاریخ وفات خواجه حافظ عبد الخالق اویسی که در سال یکهزار و یکصد و هشتاد و دو بود

وصل شد با ذات حق چون عبد خالق نامدار — رفت روح پاک او بر عرش از فرش زمین
رحلتش خورشید اجلال از خرد شد جلوه گر — هم دگر محبوب خالق هادی اهل یقین

تاریخ وفات شیخ محکم الدین صاحب سیر اویسی که در سال یکهزار و یکصد و نود و هفت بود

جناب محکم الدین صاحب سیر — که ذات پاک او منظور عشق است
بوصلش شاه فیاض است تاریخ — دگر فرما که عاشق نور عشق است

قطعه ثانی

حضرت محکم شه دین اهل سیر — گشت چو از دهر بجنت مقیم
گشت تاریخ وصالش عیان — هادی خلق حاکم محکم کریم
باز پی رحلت آن پادشاه — گفت خرد حاکم محکم عظیم

قطعه ثالث

محکم الدین چون ز دنیا سیر کرد — عقل بهر سال نقل آن جوان
گفت ثابت محکم الدین کامل است — مقتدای عشق محکم دین بخوان

قطعه رابع

ز دنیای دون بست رخت سفر	چو آن صاحب معرفت اهل سیر
بتاریخ ترحیل آن شاه دین	بخوان صاحب معرفت اهل سیر

تاریخ وفات سید شاه حسین گیلانی لاهوری که در سال یکهزار و دوصد و نه بوقوع آمد

چو شد پرتو افکن بخلد برین	حسین آن بچشم جهان نور عین
پی رحلت پاک آن پادشاه	بگو شاه عاشق مکرم حسین

تاریخ وفات سید عبد الکریم المشهور پیر بهاو شاه که در سال یکهزار و دوصد و سیزده

چون شه عبد الکریم آن شیخ حق	رفت از دنیا بجنات النعیم
گشت تاریخ وصال او عیان	متقی متبوع اسید کریم
شیخ فیروز است و دیگر بختیار	ارتحال آن شه جنت مقیم

تاریخ وفات مولوی غلام فرید لاهوری که در سال یکهزار و دوصد شانزده بوقوع آمد

چون فرید آن فرد عالم اهل فضل	از جهان در جنت والا رسید
تاج اخیار است سال وصل او	نیز مهدی متقی فرد الفرید

تاریخ وفات شیخ عبد الباسط بن رستم علی که در سال یکهزار و دوصد و بست و سه بوقوع آمد

عبد باسط چون بجنت نقل کرد	سال وصل آن شه برنا و پیر
عارف دین رستم حق کن رقم	نیز نورا صاحب فیض کبیر

تاریخ وفات نور احمد المشهور نور حسین که در سال یکهزار و دوصد و سی و شش بوقوع آمد

شیخ نور حسین روشن دل	یافت چون از جهان بجنت بار
رحلتش مظهر کمال بگو	نیز ماه منیر فیض اسرار

تاریخ وفات مولانا شاه عبد العزیز دهلوی که در سال یکهزار و دوصد و سی و نه بوقوع آمد

چو عبد العزیز آن ولی خدا	که دنیا بچشمش نبود هیچ چیز
برفت از جهان سال وصلش بجو	ز قطب الشرف شاه عبد العزیز
دگر فاضل علم مقبول گشت	عیان از خرد سالش ای پر تمیز

تاریخ وفات سلطان بالا دین اویسی که در سال یکهزار و دوصد و چهل و یک بوقوع آمد

چو سلطان باقلیم جنت شتافت	تو تاریخ ترحیل و توضیل آن

ز مخدوم سلطان عرفان بجو	شهنشاه سلطان دولت بخوان
تاریخ وفات مولانا عبد القادر بن ولی الله محدث دهلوی که در سال یکهزار و دو صد و چهل و دو	
جناب عبد قادر آنکه علمش	چو مه روشن شد از مه تا بماهی
ولی منظور گو سال وصالش	دوباره جو ز منظور الهی
تاریخ وفات مولانا محمد ولی الله بن سید احمد علی که بسال یکهزار و دو صد و چهل و نه بود آمد	
چون ولی الله ولی اهل دل	از فنا سوی بقا بربست رخت
ارتحال او بگو شمس تقی	هم بخوان راغب ولی ای نیک بخت
تاریخ وفات مولانا غلام رسول لاهوری که در سال یکهزار و دو صد و پنجاه و نه بود	
چون غلام رسول طالب حق	از جهان شد بجنت والا
ارتحالش بگو چراغ ولی	هم دگر کاشف تقی فرما
تاریخ وفات قاضی عبد السلام بن عطاء الحق بدوانی که در سال یکهزار و دو صد و پنجاه و هفت	
رفت چون عبد السلام از دار دهر	ارتحال او بقول خاص و عام
ماهتاب حسن مخدوم است	هم بخوان قاضی حق عبد السلام
تاریخ وفات شیخ لدهی شاه سوهنه دو فر که در سال یکهزار و دو صد و پنجاه و سه بود آمد	
مرد مقبول شیخ لدهے شاه	شد چو روشن بخلد شبل فلق
رحلتش رحمت خدا افزا	بازجو وصل او ز مظهر حق
تاریخ وفات مولانا محمد اسحاق دهلوی که در سال یکهزار و دو صد و شصت و دو	
شیخ اسحاق رهبر آفاق	آنکه ذاتش بد و جهان طاق است
دل بسال وصال او سرور	گفت اسحاق شیخ آفاق است
تاریخ وفات سید منور علی لاهوری که در سال یکهزار و دو صد و شصت و چهار	
گشت چون روشن بخلد جاودان	نور دین هادی منور آفتاب
جلوه گر شد سال ترحیلش ز دل	شمس دین هادی منور آفتاب
قطعه ثانی	
پرتو افگن چو شد منور شاه	در جنان همچو ماه پارهٔ نور
سال تاریخ او شده روشن	از منور وصی ستارهٔ نور

از تصانیف وی است در دین تفسیر زینت دلکه
اشعار موزون و ... بقبول خلق است ۱۲
ف از علمای کبار دهلی است و از حضرت
مولانا شاه عبد العزیز دهلوی بود در علوم
فقه و تفسیر و حدیث ثانی نداشت ۱۲
ف از سادات گیلانی است مرید و خلیفه
سید صاحب ... و وی مرید سید عبد الرزاق
کشمیری و وی مرید میر عبد الرحیم و وی
مرید میر صدر الدین و وی
مرید میر حیدر و وی

۱۵۱

تاریخ وفات شیخ کریم بلند لاهوری که در سال یکهزار و دو صد و شصت و پنج بوقوع آمد

اکرم العالم کریم آنکه پیر	شد چو از دنیا بجنات النعیم
اخترِ دین هست سال وصل او	بار دیگر پاک بین شیخ کریم

تاریخ وفات سید زند علی گیلانی لاهوری که در سال یکهزار و دو صد و شصت و هفت بوقوع آمد

یافت چون در خلد عنبر جا و دان	سید زنده شد علی نیکو صفات
راغب دین هست تاریخش عیان	بار دیگر بود سید نیک ذات

تاریخ وفات مولانا جان محمد لاهوری که در سال یکهزار و دو صد و شصت و شش بوقوع آمد

جان تازه چو یافت اندر خلد	جان جان محمد آخر حال
گفت سرور چراغ دین تاریخ	کرد روشن دگر چراغ جلال

تاریخ وفات مولانا غلام الله لاهوری که در سال یکهزار و دو صد و هفتاد و دو بوقوع آمد

غلام الله چو از عالم سفر کرد	بسال رحلت آن شاه والا
نگین اسعد غلام الله تحریر	غلام الله حق آگاه فرما

قطعه ثانی

اوستاد جهان غلام الله	جامع طالبی و مطلوبی
ارتحالش ز طبع روشن من	گشت روشن چراغ محبوبی

تاریخ وفات مفتی غلام محمد قریشی لاهوری والد ماجد مولف کتاب که در سال یکهزار و دو صد و هفتاد و شش بوقوع آمد

مفتی دین غلام محمد چو از جهان	بدرود گشت و یافت بملک جنان قرار
گو مظهر سلام تاریخ رحلتش	جان جهان غلام محمد بخوان ابرار

قطعه ثانی

چو شد از جهان در بهشت معلی	غلام محمد امین محمد
ز سرور بتاریخ سال وصالش	ندا شد که خورشید دین محمد

قطعه ثالث

چون محمد بنده مقبول حق	شد بجنت از جهان پر بلا
منظر موسی هست سال وصل او	شد دگر منظور منظور خدا

١٥٣

تاریخ وفات مفتی سید محمد لاهوری که در سال یکهزار و دو صد و هشتاد بوقوع آمد

سفر ورزید چون سید محمد … سوی دار البقا خوشحال و خوشتر
بصد افسوس تاریخش خرد گفت … بگو روح منا فرت شد مسافر

گنج هشتم مشتمل بر چهار حصه حصه اول در قطعات تاریخ از واج مطهرات وحصه دوم در قطعات تاریخ وفات بنات والا درجات سرور کاینات علیه السلام و الصلوة حصه سوم در ذکر نساء عارفات و قانتات که از اهل ولایت و کرامت بوند حصه چهارم در ذکر مجانین و مجاذیب

حصه اول تاریخ وفات بی بی خدیجة الکبری زوجه سرور عالم صلی الله علیه وسلم که در سال دهم از بعثت نبوت بوقوع آمد

آن خدیجه طیبه اهلیه حضرت رسول … هست ام المومنین آن مطلع نور کمال
بود آتش معدن حب نبی اندر جهان … شد ورا در سال حب از بعثت نبوی وصال

تاریخ وفات بی بی زینب که در سال چهارم از هجرت نبوی بوقوع آمد

زینب آن زوج نبی محترم … رفت از دنیا بجنت شادکام
چون محبه از جهان پدرود شد … سال ترحیلش بر آمد و السلام

تاریخ وفات بی بی زینب بنت جحش که در سال بستم از هجرت بوقوع آمد

زینب آن معصومه دوران … از جهان در جنت الاعلی برفت
هست زیبا سال وصلش زیب در … هم بخوان پاکیزه از دنیا رفت

تاریخ وفات بی بی سوده رضی الله عنها که در سال بست و دو بوقوع آمد

ام اسود زوجه حضرت رسول … یافت با وصل خدا آخر وصال
بهر تاریخش ز طبعم طرفه تر … زاده آمد عیان تاریخ سال

تاریخ وفات بی بی صفیه بنت حی بن اخطب که در سال سی و شش بوقوع آمد

چو محبوبه شاه ارض و سما … صفیه ز دنیا شد اندر جنان
بگو اهل تاریخ ترحیل او … بفرما دگر پاک رفت از جهان

وفات بی بی ام حبیبه رضی الله عنها که در سال چهل و دو یا چهل و یک بوقوع آمد

چونکه ام حبیب زوج رسول … چهره در پرده جنان بنهفت

رحلت او زکیه ذات ام است — نیز سرور حبیب زیبا گفت

تاریخ وفات بی بی حفصه رضی الله عنها که در سال چهل و پنج یا چهل و هفت بوقوع آمد

چون جناب حفصه زوج مصطفی — از جهان رفت و جنت یافت جا
سال وصل او بقول اهل دین — عالیه گو نیز پاکیزه شمار

وفات بی بی جویریه رضی الله عنها که در سال پنجاه و شش بوقوع آمد

جویریه محبوبه حضرت رسول — رفت از دنیا چو در خلد برین
از خرد سالش جناب آمد عیان — بار دیگر شد ز عالم پاک بین

تاریخ وفات بی بی عائشه صدیقه رضی الله عنها که در سال پنجاه و هشت بوقوع آمد

عائشه محبوبه ذات نبی — یافت از دنیا بذات حق وصال
عابده گو سال وصل آنجناب — نیز محبوب است سال ارتحال

تاریخ وفات بی بی میمونه رض که در سال شصت یا شصت و یک بوقوع آمد

چونکه میمونه صاحب عظمت — در جنان گشت با نبی همدم
سال وصلش مجیبه شد پیدا — نیز شد بی نیاز از عالم

تاریخ وفات بی بی ام سلمه رض که در سال شصت و سه یا شصت و چار بوقوع آمد

ام سلمه ولیه مقبول — زوجه حضرت نبی جهان
ارتحالش ز مهدیه جستم — نیز محبوبه آمد است عیان

حصه دوم مشتمل بر قطعات تاریخ وفات بنات والا درجات سرور کائنات صلی الله
تاریخ وفات بی بی رقیه که در سال دوم از هجرت بوقوع آمد

بنت احمد رقیه صاحب جاه — رفت زین دهر با دل پر غم
سال تاریخ اوست قلب نبی — هم بگو رفت سعده از عالم

تاریخ وفات بی بی زینب رضی الله عنها که در سال هشتم از هجرت بوقوع آمد

جناب زینب و الا حقیقه معصوم — که بود زینت فردوس و زیب بام جنان
چو شد ز دهر بتاریخ رحلت پاکش — ز دل رسید نداشد ولیه از جهان

وفات حضرت ام کلثوم رضی الله عنها که در سال نهم از هجرت بوقوع آمد

ام کلثوم بنت پاک نبی — شد ز دنیا بجنت الاعلی

واصله چون سفر ز عالم کرد	گشت تاریخ رحلتش پیدا

وفات بی بی فاطمه خاتون جنت رضی الله عنها که در سال یازده از هجرت بوقوع آمد

فاطمه خاتون دین بنت نبی	نیک صورت نیک سیرت نیک خو
قرهٔ چشم جناب مصطفی	زوجهٔ عالی علی نیک رو
بعد شش ماه از وصال احمدی	کرد رحلت از جهان چار سو
شافعه روز جزا هست آنجناب	خوان خیر النسا تاریخ او یا لفظ هو
آه شد چون حب مولا از زمین	حاصل آمد سال او ای نیک خو
نیک نام از عرصه آفاق رفت	کن بیان سال وصالش مو بمو
رفت از عالم ولیه سیده	رحلتش گفتم با طور نکو
گشت مهجور از علی زوج جمیل	طرفه تر تاریخ وصل او بگو
شد چو از دوران علیه فاطمه	ارتحالش شد عیان بی گفتگو
چون عزیزه از علی گردد جدا	هیو دید او وصالش هو بهو

حصه سیوم

در قطعات تاریخ وفات نسا عارفات که از اهل کرامت بودند

تاریخ وفات بی بی زاهده رضی الله عنها که در سال بست و پنج هجری بوقوع آمد

زاهده مریم صفت عفت مآب	والیه معصومه در زمان
رفت از دنیا چو در خلد برین	هادیه سال وصال او بخوان

تاریخ وفات بی بی شعوانه عجمی که در سال یکصد و هفتاد و پنج بوقوع آمد

خوش شعوانه نیکو صفت نیک ذات	ز دنیای دون شد بقصر جنان
نعیمه بگو رحلت پاک او	سعینه بدان هم یقینه بخوان

تاریخ وفات بی بی غفیره عابده که در سال یکصد و هشتاد بوقوع آمد

چون غفیره عابده نیکو خصال	شد با وج خلد چون بدر کمال
زنده دل نیک است سال وصل او	عابده محمود هم تاریخ سال

تاریخ وفات بی بی رابعه بصری که در سال یکصد و هشتاد و پنج بوقوع آمد

رابعه چون از جهان چار سو	با صفا در هشت جنت یافت بار

۱۵۵

سال تاریخش ز سکینه بجو	باز مسعوده بخوان ای باوقار

تاریخ وفات بی بی نغمه رحمة الله عنها که در سال دو صد و نه بوقوع آمد

چونکه معصومه زمان نغمه	شد ز عالم بجنت الاعلی
رحلتش جو ز لفظ صدیقه	بار دیگر معقدسه فرما

وفات بی بی فاطمه نیشاپوریه که در سال دو صد و بست و سه بوقوع آمد

رفت چون از دهر در بزم قبول	صوفیه والا ولیه فاطمه
بهر سال ارتحال آنجناب	شد ندا از دل جمیله فاطمه
گشت از اکبر وصالش جلوه گر	باز دل اکه جبیبه فاطمه

تاریخ وفات بی بی تحفه که در سال دو صد و سی و پنج بوقوع آمد

تحفه آن تحفه ولایت دل	بود اسے علی محب مسعوده
رحلتش ز نده دل تمله خوان	باز فرما محب مسعوده

وفات بی بی ام محمد رحمة الله علیها که در سال سه صد و دوازده بوقوع

حضرت ام محمد عالیه	شد چو از دنیای دون اندر جنان
ارتحال او چو جستم از خرد	گفت دل معصومه دل آگاه خوان

تاریخ وفات بی بی امته الواحد که در سال سه صد و هفتاد و هفت بوقوع آمد

رفت یکتا زین جهان چون در جنان	امته الواحد وحید با کمال
بادشاه دین بگو تاریخ او	قطبه دوران بخوان تاریخ سال

تاریخ ولادت و وفات بی بی امته الاسلام که ولادتش در سال سه صد و هژده و وفات در سال سه صد و نود و پنج هجری المقدس بوقوع آمد

شه عفت ولیه ام اسلام	که آمد ختم بر وی نام تفصیل
تولیدش سلیمه ام اسلام	بگو سرور ز قصیره سال ترحیل

تاریخ وفات بی بی میمونه و اعظا که در سال سه صد و نود و نه و وفاتش بوقوع آمد

حضرت میمونه آن بید از نغر	رفت از دنیا چو در خلد بریز
گو مکرم کامله تاریخ او	بار دیگر معدن نور یقین

تاریخ ولادت و وفات بی بی ام محمد که ولادتش در سال سه صد و هفتاد و چار

١٥٦

۱۵۷

حضرت ام محمد ام دین — سالکه بود است در راه خدا
طاهره محبوبهٔ کامل بگو — سال تولیدش بقبول اصفیا
رحلتش صدیقهٔ معصومه ست — شد بدل از هاتف غیبی ندا

تاریخ وفات بی بی خدیجه واعظه که در سال چارصد و هفتاد و پنج یا شش بوقوع آمد

چون خدیجه سیده با عز و جاه — یافت از دنیا تقرب حق وصال
عاشقه تحریر کن ترحیل او — محرم حق سیده دان انتقال

تاریخ وفات بی بی کریمه مروزیه که در سال چارصد و شصت و چار یا هفتاد و [illegible]

چون کریمه مکرمه اهل کرم — با کرامت شد بخلد جاودان
سال ترحیلش حبیب جنت ست — هم کریمه صادقه کردم بیان
شد ز دل ز آهد بدیعه عارفه — بار دیگر ارتحال او عیان

تاریخ وفات بی بی فاطمه حافظه که در سال پانصد و بست و یک بوقوع آمد

فاطمه چون از جهان بی ثبات — رفت با حق یافت قرب اتصال
ارتحالش فاطمه منصور خوان — بار دیگر جو ز معشوقه وصال

تاریخ وفات بی بی فاطمه بنت نصر بنت عطاره که در سال پانصد و هفتاد [illegible]

فاطمه چون کرد ز دنیا سفر — یافت عجب وصل بوصل خدا
سال وصالش چو بجستم ز دل — گفت بگو مشفقهٔ اولیا

تاریخ وفات بی بی ساره عابده که در سال ششصد و سی و هشت بوقوع آ[مد]

رفت چون ساره از جهان فنا — گشت در جنت ابد والی
گفت تاریخ رحلتش سرور — قدس الله سرها العالی

تاریخ وفات بی بی فاطمه سام که در سال ششصد و چهل و سه بوقوع آ[مد]

جناب فاطمه خاتون جنت — چو از دنیا بجنت یافت آرام
چو جستم از خرد سال وصالش — خرد فرمود رهبر فاطمه سام

تاریخ وفات بی بی قرسم خاتون که در سال ششصد و چهل و سه بوقوع آمد

ز دنیا رفت در فردوس اعلی — چو آن ام الفقر[illegible] عالی علیه
پی سال وصال آن صفاکیش — ندا گر دید لا نا[سی] ولیه

[illegible]

قطعه ثانی

چونکه ام الفرید معصومه — رفت در بر ده بهشت باشند
بهر تاریخ آن ولیه دهر — گفت دل عارفه فنا سے ابتد

تاریخ وفات بی بی زلیخا مادر او که در سال ششصد و چهل و هشت بوقوع آمد

چون زلیخا ام دین خیر النسا — رفت از دنیای دون اندر جنان
شد زلیخا سال وصل آنجناب — هست رحمت نیز تاریخش عیان

تاریخ وفات بی بی اولیا که در سال ششصد و پنجاه و پنج بوقوع آمد

رفت از دنیا چو در خلد برین — عابره و الاولیه اولیا
بهر سال ارتحال آنجناب — مستقیمه گشت از رضوان ندا

تاریخ وفات بی بی لل دوهی کشمیری که در سال هفتصد و پنجاه و شش بوقوع آمد

چون بجانان داد جان شد در بهشت — لل دوهی مجذوبه عالی مکان
سرورا سال وصالش طرفه تر — رحمت حق باز مجذوبه بخوان

تاریخ وفات بی بی راستی قدس سرها که در سال ششصد و نود و پنج بوقوع آمد

راستی مجذوبه عالم که بود — راست رو چون تیر اندر راستی
هست مجذوبه وصال پاک او — سال ترحیلش چو از من خواستی

تاریخ وفات بی بی فاطمه سیده گیلانی که در سال یکهزار و شانزده بوقوع آمد

شد ز دنیا چون جناب فاطمه — سرمهٔ چشم جهان شد خاک او
غوث اعظم بود جد آنجناب — اعظمه آمد وصال پاک او

تاریخ وفات بی بی جمال خاتون که در سال یکهزار و چهل و نه بوقوع آمد

عارفه خاتون دین بی بی جمال — ذات او امد سعیده اعظمه
ارتحال او چو جستم از خرد — شد ندا از دل وحیده اعظمه

حصه چهارم

در ذکر مجانین و مجاذیب که از اهل باطن بوده اند

تاریخ وفات سرنگا مجذوب هانسوی که در سال ششصد و چهل و شش بوقوع آمد

سرنگا جاذب جذب الهی — که روحش طایر خلد برین است

نظام الدین بدایونی ... سلطان المشایخ [illegible]

158

چو جستم از خرد تاریخ سالش	ندا آمد که عاشق قطب دین است
تاریخ وفات سوهن مجذوب چودهری که در سال هفتصد و بست و هشت بوقوع [آمد]	
شیخ سوهن جاذب جذب اله	بود بر چرخ یقین بدر الکمال
زاهد مشکل‌گشا تاریخ اوست	هم حبیب جاذب آمد ارتحال
تاریخ وفات شیخ حسن مجذوب که در سال هشتصد و هفتده بوقوع آمد	
چون حسن مجذوب حسن الاولیا	گشت در خلد معلی جای گیر
بهر سال ارتحال آن ولی	گفت سرور عاشق صادق امیر
تاریخ وفات اله دین مجذوب که در سال نهصد و چهل و شش بوقوع آمد	
اله دین از جهان چون رخت بربست	قدم اندر جنان بنهاد یکدست
چو سال انتقال او بجستم	ز هاتف شد ندا صوفی سرمست
تاریخ وفات میان معروف مجذوب که در سال نهصد و چهل و هفت بوقوع آمد	
شد بجنت چو از جهان اخشر	میان معروف با خدا مجذوب
گشت مجذوب نامدار وصال	باز دل گفت رهنما مجذوب
تاریخ وفات شاه منصور مجذوب که در سال نهصد و چهل و هفت بوقوع آمد	
شاه منصور چون بصد نصرت	گشت با وصل ایزدی موصول
گفت تاریخ رحلتش سرور	شاه منصور عابد مقبول
تاریخ وفات علاء الدین مجذوب که در سال نهصد و چهل و هفت بوقوع آمد	
جاذب جذب حق علاء الدین	گشت روشن بخلد چون مهتاب
رحلتش هست واقف سرمست	از سر مست سید اقطاب
تاریخ وفات شیخ حسن بود که مجذوب که در سال نهصد و شصت و چار بوقوع آمد	
چو رفت از دار دنیا متصل شد	بوصل حق حسن محبوب احسن
عجب سال وصالش جلوه گر شد	ز محبوب اله مجذوب احسن
تاریخ وفات شاه ابو الغیب مجذوب که در سال نهصد و شصت و هفت بوقوع آمد	
سید غیب از جهان چون رخت بست	باب جنت بر روانش گشت باز
بهر سال انتقال آن جناب	شد عیان سعید بخاری بی نیاز

[illegible] شیخ علاء الدین [illegible]

۱۵۹

در دیار سند بود و تصرف [illegible] داشت
از وقات از احوال استقبال خبر دادی
و او را شیخ علاء ول علاء ول نیز گفتندی اول در
سامانه می اند بعد از آن در دهلی رسید و بیمار
وطن گرفت وفات ۹۴۷ از مجذوبان دهلی بود
اگر چه برهنه تن در کوچه و بازار گردیدی اما
عضو مخصوص او گم بود و آن را بیا شد اصلا
انتشار نکردی [illegible] کلوخ در دیوار زده
پیمانه وقت نشرنک از تربیت حاجی عبدالوهاب
بخاری صاحب جذب و استغراق و حالات
قوی بود

تاریخ وفات شیخ بابن مجذوب اجمیری که در سال نهصد و شصت و هفت بوقوع آمد

چو رخت زندگی زین دهر بربست　　بجنت یافت جا سرمست بابن
بسال ارتحال آن شه دین　　بگو قطب الهدا سرمست بابن ۹۶۷

تاریخ وفات بابا لیو ر مجذوب که در سال نهصد و هفتاد و نه بوقوع آمد

رفت از دنیا چو در خلد برین　　هست لقب عاشق صادق لیو ر
سال تاریخ وصال آن جناب　　هست صادق پاک من عاشق لیو ر ۹۷۹

تاریخ وفات میان مونگر مجذوب که در سال نهصد و هشتاد بوقوع آمد

جناب شیخ مونگر عاشق مست　　چو در خلد معلی یافت توفیق
چو سال ارتحالش جست سرور　　خرد گفتا معلی پیر تحقیق ۹۸۰

تاریخ وفات شیخ چینی شاه مجذوب کشمیری که در سال نهصد و هشتاد و یک بوقوع آمد

شیخ چینی شاه مجذوب خدا　　یافت چون با وصل ربانی وصال
وصل یارکش هست عشق هو بخوان ۹۸۱　　بار دیگر کن بیان فیض کمال

تاریخ وفات شاه بدیع الدین مجذوب که در سال نهصد و نود و دو بوقوع آمد

سرور عشاق مجذوبان حق　　شد بدیع الدین ولی رفیع فقیر
رفت از دنیا چو در خلد برین　　شد عیان سالش ز سرمست کبیر ۹۹۲

تاریخ وفات خواجه کشمیری که در سال یکهزار و بیست و شش بوقوع آمد

ز دنیا ای دلی رخت سفر بست　　جوان شیخ زمین داود مجذوب
بتاریخش بگو داود اعظم ۱۰۲۶　　دگر قطب الحسن داود مجذوب

تاریخ وفات محمد یوسف ملی مجذوب کشمیری که در سال یکهزار و بیست و هفت بوقوع آمد

چون محمد علی ولی ثانی　　شد بجنت بفضل ربانی
سال تاریخ رحلتش سرور　　گشت روشن ز شیخ نورانی

تاریخ وفات شیخ یوسف مجذوب که در سال یکهزار و بیست و هشت بوقوع آمد

چو رحلت کرد سوی دار جنت　　ز دنیا یوسف باحسن مجذوب
دلم در سال تاریخ وصالش　　بگفتا یوسف باحسن مجذوب ۱۰۲۸

تاریخ وفات سید مشهد مجذوب که در سال یکهزار و یکصد و پانزده بوقوع آمد

[illegible]

[illegible]

[illegible]

شیخ مشهور پیر دین مجذوب حق سال ترحیلش چو جستم از خرد	شد چو از دنیا بجنت یافت جا گشت از هاتف ندا اشیر خدا ۱۱۳۱

تاریخ وفات سید عبد الله مجذوب که در سال یکهزار و یکصد سی و یک بوقوع آمد

چو از دنیا بجنت گشت راهی بسال ارتحال آن شه دین	جناب شیخ عبد الله مجذوب خرد فرمود سید شاه مجذوب ۱۱۳۱

وفات نانو مجذوب نوشاهی که در سال یکهزار و یکصد و سی و دو بوقوع آمد

ز دنیا رفت در خلد معلی ز رضوان سال ترحیلش بجستم	چونانو شاه حق بین عاشق است بگفتا کعبه دین عاشق است ۱۱۳۲

تاریخ وفات حافظ طاهر کشمیری نوشاهی که در سال یکهزار و یکصد و سی و شش بوقوع آمد

زین جهان فنا بخلد برین سال تاریخ رحلتش سرور	رفت افسوس طاهر مجذوب گفت افسوس طاهر مجذوب ۱۱۳۶

تاریخ وفات معصوم شاه لاهوری که در سال یکهزار و دو صد و بیست و یک بوقوع آمد

رفت با عصمت چو در خلد برین سال ترحیلش چو جستم از خرد	شیخ معصوم جهان مجذوب عشق گفت ای سرور بخوان مجذوب عشق ۱۲۲۱

تاریخ وفات مستقیم شاه مجذوب لاهوری که در سال یکهزار و دو صد و چهل بوقوع آمد

از جهان چون بجنت الاعلی بهر تاریخ رحلت پاکش	یافت جا مستقیم روشن دل شد ندا مستقیم روشن دل ۱۲۴۰

تاریخ وفات تاجی شاه مجذوب لاهوری که در سال یکهزار و دو صد و شصت و یک بوقوع آمد

تاج جنت شد چو با عز و وقار هست مجذوبی بگو تاریخ او ۱۲۶۱ سر اعظم شیخ عارف گفته ام ۱۲۶۱ هم دگر خورشید عالم کن بیان ۱۲۶۱	شیخ تاجی شاه تاج اولیا نیز عاشق مست کامل حق نما ۱۲۶۱ رحلت آن پادشاه اتقیا طرفه تر تاریخ سالش سروَرا

تاریخ وفات نظام شاه مجذوب لاهوری که در سال یکهزار و دو صد و شصت و نه

عاشق حق نظام شاه جهان شاه مجذوب پیر خوان سالش ۱۲۶۹	چون برفت از جهان بحق پیوست هم بدان عاشق ازل سرمست ۱۲۶۹

۱۶۱

صاحب کرامات بلند بود مزارش بیرون دروازهٔ لاهوری است ۱۲

ف نقیر روشن ضمیر و مجذوب صاحب سکر و استغراق بود و در موضع فیض پور که از مضافات لاهور است میماند ۱۲ ف مزارش بیرون دروازه موچی است ۱۲

ف از اهل مجذوبین متأخرین و از مجذوبان لاهور است و همراه اهل شهر به بزرگی وی معتقد اند مزارش در گورستان میانی است ۱۲

تاریخ وفات مستان شاه مجذوب لاهوری که در سال یکهزار و دو صد و هفتاد و سه بوقوع آمد

چو از دنیا بفردوس برین رفت — شه مستان شه دیوانهٔ عشق
بسال ارتحال آن شه دهر — بگو عاشق وصالے مستانهٔ عشق

قطعهٔ ثانی

سفر کرد در جنت دا ئمی — چو رفت از جهان آه مستان شاه
بتاریخ ترحیل آن مست عشق — بخوان ماه دین شاه مستان شاه

گنج هشتم مشتمل بر دوازده حصه حصهٔ اول در قطعات تاریخ وفات خلفای بنی امیه حصهٔ دوم در بیان وفات خلفای بنی عباس حصهٔ سوم در ذکر شاهان غزنوی حصهٔ چهارم در ذکر شاهان غوریه حصهٔ پنجم در ذکر شاهان خلجیه حصهٔ ششم در ذکر شاهان تغلقیه حصهٔ هفتم در ذکر شاهان خضرخانیه حصهٔ هشتم در ذکر شاهان لودیه حصهٔ نهم در ذکر شاهان چنگیزیه و تیموریه چغتائیه حصهٔ دهم در ذکر شاهان و حکام متفرقات حصهٔ یازدهم در ذکر امرای بلند اقتدار حصهٔ دوازدهم در ذکر شعرای روزگار

حصهٔ اول در ذکر خلفای بنی امیه

تاریخ وفات امیر معاویه بن ابی سفیان که در سال پنجاه و نه بوقوع آمد

ابن سفیان بحکم ایزد پاک — چون بعبد جاه رفت از دنیا
سرورا سال ارتحال او — کن رقم آه رفت از دنیا

تاریخ وفات یزید بن معاویه که در سال شصت و چار هجری بوقوع آمد

چون یزید لعین عدو اله — دشمن دین و ظالم اظلم
بدسیر بد مآل و بدکردار — قاتل آل سید اکرم
خصم آل نبی و محسن کش — بانی جور و موذی اعظم
گشت مردار و در جهنم رفت — روح او جسم باز مین شد ضم
از جفائش بماند تا دم حشر — نام بدنام در بنی آدم
سال تاریخ مردنش پیداست — شد یزید پلید از جا کم

قطعهٔ ثانی

١٦٢

چون یزید پلید رفت آخر — باهزار انفعال از عالم
طرفه تاریخ مردنش سرور — گفت شد بد مآل از عالم

تاریخ وفات مروان بن حکم که در سال شصت و پنج هجری بوقوع آمد

رفت مروان ازجهان پر بلا — رخت خود در عالم عقبی نهاد
سال فوتش چون بجستم از خرد — دل بتاریخش بگفتا جان بداد

تاریخ وفات معاویه بن یزید که در سال شصت و شش بوقوع آمد

تارک سلطنت چو ابن یزید — رفت از عالم فنا بجنان
سال ترحیل او بصد افسوس — شد عیان رفت صادق از دوران

تاریخ وفات عبد الملک بن مروان که در سال هشتاد و پنج یا شش بوقوع آمد

کرد رحلت آخرش عبد الملک — سوی عقبی از جهان پر ملال
چونکه بی دینی بد آتش ختم بود — شد ز بد دینی عیان سال وصال
باز سال ارتحالش طرفه تر — دیو دنیا شد عیان یا ذی الجلال

تاریخ وفات ولید بن عبد الملک که در سال نود و پنج بوقوع آمد

چو در زید با حکم ایزد ولید — ز دنیای فانی بعقبی مکان
بگو رحلتش و اسفی اهل جود — بفرما دگر بار اهل جهان

تاریخ وفات سلیمان بن عبد الملک که در سال نود و نه بوقوع آمد

چون سلیمان رتبه شاه اهل جاه — از جهان با خاطر پر غم برفت
سال تاریخ وصالش طرفه تر — گفت سرور طالب از عالم برفت

تاریخ عمر بن عبد العزیز که در سال یکصد و یک بوقوع آمد

چون عمر آن الاکمل عبد العزیز — یافت از دنیا بوصل حق وصال
رحلتش صاحب بگو نامی بخوان — هم مه نو کن رقم ای باکمال

تاریخ وفات حجاج بن یوسف که در سال یکصد و سه بوقوع آمد

بصد افسوس حجاج از جهان رفت — چو بعد از ظلم و جور و قتل و تاراج
ابلیس تاریخ وفاتش — دگر فرما که بی دین بود حجاج

تاریخ وفات یزید بن عبد الملک که در سال یکصد و پنج هجری بوقوع آمد

٦٣

یزید ابن عبد الملک چون ز دهر — سفر کرد و شد سوی عقبی روان
سهل است روشن بتاریخ او — دگر جلوه گر گشت ناه جهان

تاریخ وفات هشام بن عبد الملک که در سال یکصد و بیست و سه بوقوع آمد

چو هشام از جهان رخت سفر بست — بعقبی رفت آن محبوب دنیا
ز دل تاریخ ترحیلش بجستم — خرد گفتا بخوان محبوب دنیا

تاریخ وفات ولید بن یزید که در سال یکصد و بیست و شش بوقوع آمد

چون ولید پلید زندیقی — روی خود در نقاب قبر نهفت
جستم از دل چو سال تاریخش — عقل نقاش ولید بیدین گفت

تاریخ وفات یزید ناقص بن ولید که در سال یکصد و بیست و شش بوقوع آمد

شد بصد حسرت و غم و آلام — سوی عقبی یزید عالیشان
چونکه ملک جهان بحکمش بود — گو وفاتش یزید اهل جهان

تاریخ وفات مروان بن محمد که در سال یکصد و سی و چار بوقوع آمد

گر چو چون نام بنی امیه ختم — بعد قتل خویش مروان از جهان
سال قتل او بطرز خوبتر — لا بقا تحریر کن امثال خوان

حصه دوم در قطعات تاریخ خلفای بنی عباس که بعد بنی امیه پادشاه شدند

تاریخ وفات ابو العباس سفاح بن محمد عباسی که در سال یکصد و سی و هفت بوقوع آمد

چون بصد درد و حزن حسرت و آه — شد ز ملک جهان ابا عباس
از ارتحالش ز نام نامی او — گفت سرور بخوان ابا عباس

تاریخ وفات ابو جعفر منصور بن محمد عباسی که در سال یکصد و چهل و نه بوقوع آمد

چون ابو جعفر شه با کر و فر — آخر از اقلیم فانی شد روان
سال تاریخش رقم شد از خرد — اهل دل حاکم دگر والا مکان

تاریخ وفات محمد مهدی بن ابو جعفر که در سال یکصد و شصت و نه بوقوع آمد

چونکه مهدی بحکم ربانی — از فنا در بقا شده جاگیر
از ارتحالش وحید فاهم گو — بنده حق دو باره کن تقریر
بار دیگر بخوان جمال الدین — مه جبین مهدی اش بکن تحریر

١٦٥

تاریخ وفات هارون رشید بن جعفر بن محمد مهدی که در یکصد و نود و سه بوقوع آمد

گر در رحلت چو از جهان فنا	شاه هارون رشید با اقبال
سال تاریخ رحلتش سرور	جلوه گر شد جمیل اصل جمال

تاریخ وفات مامون رشید بن هارون رشید که در سال دو صد و پانزده بوقوع آمد

چونکه مامون نیافت جای امان	رخت خود بر دار جهان بیرون
سال تاریخ رحلتش آخر	جست سرور ز عالم میمون

تاریخ وفات معتصم بالله المشهور ابراهیم ثمن بن مامون که در سال دو صد بیست و هفت

معتصم چون با غم و حزن و ملال	شد ازین دار فنا آخر روان
سال تاریخش چو جستم از خرد	گفت عالیجاه و اعلی جهان

تاریخ وفات واثق بالله بن معتصم بالله که در سال دو صد و سی سه بوقوع آمد

چونکه واثق اجر از حکم قضا	رفت از ملک جهان بی قال و قیل
سال تاریخش با طوار نکو	شد ندا از دل که سلطان جمیل

تاریخ وفات جعفر متوکل علی الله که در سال دو صد و چهل و هشت بوقوع آمد

شاه متوکل که بر نامش زدند	سکه احکام فرمان جهان
رفت چون از عالم ناپایدار	ارتحالش هست سلطان زمان

تاریخ وفات محمد منتصر بالله که در سال دو صد و پنجاه و پنج بوقوع آمد

چون محمد بلطف و رحمت حق	شد ز دنیا بعزت و توقیر
کن بتاریخ رحلتش سرور	آب سیف قهر سے تحریر

تاریخ وفات معتمد علی الله بن متوکل که در سال دو صد و شصت و نه بوقوع آمد

معتمد را چو انتها و نماند	بر زمانه برفت آخر کار
دل سرور ز صد غم و افسوس	گفت سال وفات او دیدار

تاریخ وفات معتضد علی الله بن موفق که در سال دو صد و هشتاد و نه بوقوع آمد

متاع چو بشد ز دار الفنا	چو شاه معتضد ذی شان صالح
بگو ابن موفق سال ترحیل	دگر باره بخوان سلطان صالح

تاریخ وفات مکتفی بالله بن معتضد بالله که در سال دو صد و نود و پنج بوقوع آمد

مکتفی چون عمر کافی از خدا	یافت رخت خویش بربست از جهان
دل بسال ارتحالش طرفه تر	گفت والی زمان سلطان بخوان
تاریخ وفات مقتدر بالله بن معتضد بالله که در سال سیصد و بست و چار بوقوع آمد	
مقتدر چون شد به تقدیر اله	در بلای موت آخر مبتلا
پیر دین خوانش بسال انتقال	بار دیگر دان جوان پادشا
تاریخ وفات قاهر بالله بن معتضد بالله که در سال سیصد و بست و چار بوقوع آمد	
شاه قاهر قاهر اعدای دین	شد بمهر حق چو در جنت دوان
بهر سال ارتحالش طرفه تر	بحر حسن از خامه مشکین روان
تاریخ وفات راضی بالله بن مقتدر بالله که در سال سیصد و چهل و نه بوقوع آمد	
چونکه راضی از رضای ایزدی	یافت از دنیا سوی عقبی اتصال
سن ترحیلش چو جستم از خرد	مرد عادل شد عیان تاریخ سال
تاریخ وفات مقتضی بالله بن مقتدر بالله که در سال سیصد و پنجاه و شش بوقوع آمد	
رخت هستی چونکه از عالم ببست	مقتضی با حکم قاضی القضا
سال ترحیلش امیر عادل است	بار دیگر حق طلب اصل صفا
تاریخ وفات مطیع بالله بن مقتدر بالله که در سال سیصد و هشتاد و هشت بوقوع آمد	
چون مطیع دین شه اهل کرم	برد رخت خویش زین فانی طبق
طرفه سال رحلت آن پادشا	هست زیب دین مطیع حکم حق
تاریخ وفات قادر بالله بن اسحاق که در سال چارصد و بست و یک [illegible]	
کرد رحلت از جهان بی ثبات	شاه دین قادر به تقدیر خدا
هست محبوب جهان قادر وصال	بار دیگر قادر اهل عطا
تاریخ وفات قائم بامر الله بن قادر بالله که در سال چارصد و شصت و چار بوقوع آمد	
روح قائم شد چو بر چرخ برین	جسم قائم گشت قائم در زمین
رحلتش گو اهل دل قائم بامر	باز کن روشن بوصلش شمس دین
تاریخ وفات مقتدی بالله بن قائم بامر الله که در سال چارصد و هشتاد و [illegible] بوقوع آمد	
آخرش از دار فانی رخت بست	مقتدی بالله شاه [illegible] کامیاب

١٦٦

۱۶۷

شاه مقبول است سال وصل او — تیر اکبر بگو با آفتاب

تاریخ وفات مستظهر بالله بن مقتدی بالله که در سال پانصد وشصت وهشت بوقوع آمد

گشت بر اوج فلک منزل گزین — رفت مستظهر بالله چو زین دار ملال
دولت حکم است تاریخش دگر — بادشاه صادق آمد ارتحال

تاریخ وفات مسترشد بالله بن مستظهر بالله که در سال پانصد وبست وپنج بوقوع آمد

ازین دار الفنا رخت بقا بست — چو مسترشد شه ذیجاه عالی
بتاریخ وصال آن شه دین — رقم شد طالب الله شاه عالی

تاریخ وفات مقتفی لامر الله بن مستظهر بالله که در سال پانصد وپنجاه بوقوع آمد

چون شه مقتفی لامر الله — دست بردار شد ز ملک حیات
متقی سال رحلتش گفتم — بار جستم ز قبله حاجات

تاریخ وفات مستنجد بالله بن مقتفی لامر الله که در سال پانصد وشصت بوقوع آمد

جناب شاه مستنجد شه دین — چو در اقلیم باقی یافت توصیل
بسرور شد ندا از هاتف غیب — بگو سرد از عادل سال ترحیل

تاریخ وفات ناصر لدین الله نبیره مستنجد بالله که در سال ششصد وشانزده بوقوع آمد

شد به نصرت چو ناصر از عالم — دل بتاریخ آن شه اقبال
گفت سلطان سرور هست بگو — باز سرور محب اهل جلال

تاریخ وفات طاهر بالله بن ناصر لدین الله که در سال ششصد وبیست بوقوع آمد

رفت طاهر چو طاهر از دنیا — دل پی سن سال رحلت آن
گفت طاهر شه زمن فرما — هم چو امجد بادشاه جوان

تاریخ وفات مستنصر بالله بن طاهر بالله که در سال ششصد وسی وهفت بوقوع آمد

رفت با صد نصرت از عالم بخلد — چونکه مستنصر شه عالم پناه
شد عیان مفتاح حق تاریخ او — باز دیگر نیر دین بادشاه

تاریخ وفات مستعصم بالله بن مستنصر بالله که در سال ششصد وپنجاه وشش بوقوع آمد

چونکه از دست هلاکو شد شهید — شاه مستعصم شه عالی مقام
سال تاریخ وصالش طرفه تر — هست سلطان المکرم نیک نام

قطعهٔ ثانی

از شهادت چو یافت قدر بلند	شاه مستعصم آن شه مقبول
عبد مقتول گو بتاریخش	هم بخوان حاکم ابد مقتول

حصهٔ سوم در قطعات تاریخ وفات پادشاهان غزنی

تاریخ وفات سلطان الپتگین بادشاه که در سال سه صد و شصت و هشت بوقوع آمد

چونکه الپتگین بفضل کردگار	رفت از دنیای دون اندر جنان
بهر تاریخ وصالش طرفه تر	شد ندا از ها تفم شاه جهان ۳۶۰

تاریخ وفات شاه اسحاق بادشاه بن الپتگین در سال سه صد و شصت و هفت بوقوع آمد

کرد رحلت چو از جهان اسحاق	رحلتش با هزار حسرت و آه
گفت سرور امیر اهل عطا	هم دگر بادشاه دل آگاه ۳۶۷

تاریخ وفات سلطان ناصر الدین سبکتگین که در سال سه صد و هشتاد و هفت بوقوع آمد

رفت چون با نصرت و فتح و ظفر	ناصر الدین بادشاه اهل جاه ۳۸۷
شد عیان فرد زمانه رحلتش	گشت پیدا نیز دینی بادشاه
والی نصر است تاریخ وصال	بهر سال آن شه عالم پناه

تاریخ وفات سلطان محمود غزنوی که در سال چارصد و بست و یک بوقوع آمد

چو محمود از جهان شد حمد گویان	بجنت یافت وصل ذات معبود
ز عبد الله شد محمود اسم علی ۴۲۱	عیان شد سال وصل آن شه جود ۴۲۱
دگر باره بتاریخش ندا شد	زهی مطلوب دین سلطان محمود ۴۲۱
عیان شد بادشاه حق وصالش ۴۲۱	دگر عین الکرم گردید موجود ۴۲۱
وفاتش نیز میر نیکنام است ۴۲۱	شه اهل عطا هم عقل فرمود ۴۲۱
ولی دین سلطان السلاطین ۴۲۱	رقم شد رحلت آن شاه مسعود

قطعهٔ ثانی

زین دهر چو رفت خوش بجنت	محمود شه مبارک آمین ۴۲۱
تاریخ وصال او بسرور	فرمود خرد امیر حق بین

قطعهٔ ثالث

۱۶۹

رفت چون از جهان بجنت خلد — شاه ذی جاه نامور مسعود
سال تاریخ رحلتش سرور — گفت سلطان دین حق محمود

تاریخ وفات سلطان مسعود غزنوی که در سال چارصد و سی و سه بوقوع آمد

خوش شد با صد سعادت سوی جنت — شه مسعود دین شاه زمانه
شه دین یکدل آمد ارتحالش — دگر مسعود سلطان زمانه

تاریخ وفات سلطان محمد غزنوی که در سال چهارصد و سی و چار بوقوع امد

چون محمد بلطف و فضل اله — شد ز دنیای دون بخلد برین
شه جمیل بگو بتاریخش — نیز سلطان دین محب یقین

تاریخ وفات سلطان مودود شاه غزنوی که در سال چارصد و چهل و یک بوقوع امد

چون شه مودود سلطان عظیم — رفت از دنیا بقصر لایزال
دان شه کونین سال وصل او — هم بدان مودود شاه اهل حال

تاریخ وفات سلطان ابراهیم غزنوی که در سال چارصد و هشتاد و یک بوقوع آمد

ز دنیا سوی جنت چون سفر کرد — جناب شاه ابراهیم حق بین
شود حاصل وصال آن شه دهر — ز ابراهیم عاملی والی دین
رقم شد شاه دین عامل زحامی — وصال پاک او بازینت تزئین
دگر سلطان امیر نیک فرا — سنین رحلتش ای فرخ آئین

تاریخ وفات سلطان مسعود ثانی غزنوی که در سال چارصد و نود و شش بوقوع آمد

چو مسعود از جهان رخت سفر بست — بجنت وصل شد بادات مسعود
بگو تاریخ آن شاه جوان مرد — ولی دین حق مسعود محمود
سراج العالمین دل گفت سالش — دگر شاه بد اسعود فرمود

تاریخ وفات سلطان ارسلان غزنوی که در سال پانصد هجری بوقوع آمد

ارسلان چون از جهان بر بود رخت — رفت در جنت بتقدیر قدیر
رحلتش سلطان فردوس آمد — بازشاه دین مکمل اسعد
پادشاه واقف آمد وصل او — شاه صدق هست و دگر سلطان نصیر

تاریخ وفات سلطان بهرام شاه غزنوی که در سال پانصد و چهل و هفت بوقوع آمد

چو بهرام از جهان رخت سفر بست | بجنت یافت جائی امن و آرام
وصالش شاه عالم اهل دین است | دو بار احق طلب سلطان بهرام

تاریخ وفات ظهیر الدوله خسروشاه که در سال پانصد و پنجاه و پنج بوقوع آمد

بجنت یافت جای عیش و عشرت | چو خسرو بادشاه اهل دنیا
عیان شد بر رحلت آن شاه عالی | ز محبوب الصمد اشاه معلی

قطعه ثانی

چو خسرو شه اهل جاه و تمیز | شد از دهر در ملک خلد برین
ز سرور عجب رحلت پاک او | عیان گشت سلطان شه اهل دین
دو بار است سال ترحیل شاه | شده جلوه گر مهر علم یقین

تاریخ وفات خسرو ملک بن خسروشاه که در سال پانصد و هشتاد و سه بوقوع آمد

ز دنیای دون خسرو خلد شد | چو خسرو ملک شاه اهل یقین
پی سال ترحیل آن بادشاه | بگو نیّر اکبر اهل دین

قطعه ثانی

بملک خلد آخر یافت شاهی | چو خسرو یافت ز ارکان الارکین
عجب تر بهر تاریخ وصالش | ز دل آمد ندا رکن الارکین

حصه چهارم در ذکر بادشاهان خاندان غوریه انار الله برهانهم

تاریخ وفات سلطان علاء الدین حسین جهانسوز که در سال پانصد و پنجاه و یک بوقوع آمد

رفت از دنیا بصد حسن و جمال | چونکه آن شاه دل آگاه حسین
سال تاریخ وصالش طرفه تر | هست محبوب جهان شاه حسین

تاریخ وفات سلطان غیاث الدین محمد غوری که در سال پانصد و نود و نه بوقوع آمد

چون غیاث الدین محمد شاه غور | از جهان در خلد شد بی گفتگو
شاه صابر گو بسال رحلتش | نیز فرما بادشاه نیک رو

تاریخ وفات سلطان شهاب الدین المخاطب بعلاء الدین که در سال ششصد و دو بوقوع آمد

علاء الدین چو از دنیا سفر کرد | بسال رحلت آن شاه والا
یکی سلطان علاء الدین هیرات | دگر میر علاء الدین معلی

۱۷۵

[illegible]

بوصلش ماه ... هشت بهشت روشن — دوبارا آفتاب حسن زیبا
علاوالدین امیر حق طلب خوان — که گردد سال تاریخش هویدا

قطعه ثانی

شد ز دنیا چو در بهشت برین — شاه اهل هدا شهاب الدین
گوشه تا موربتا ریخش — هم بخوان حق نما شهاب الدین

تاریخ وفات سلطان قطب الدین ایبک که در سال ششصد و هفت بوقوع آمد

کرد رحلت چو از جهان فنا — شد بجنت مقیم قطب الدین
سرور عالم است سالش نیز — بادشاه حلیم قطب الدین

تاریخ وفات سلطان شمس الدین التمش که در سال ششصد و سی و سه چار بوقوع آمد

شاه شمس الدین شه شمس اللقا — پرتو افگن شد چو در خلد برین
رحلتش هادی حق شمس الجمال — هم بخوان شمس العطا حامی دین

تاریخ وفات رکن الدین فیروزشاه غوری که در سال ششصد و سی و پنج بوقوع آمد

چو فیروزشاه جهان اهل جاه — ز دنیای دون یافت باحق وصال
بگو شاه رکن جهان رحلتش — دوبار از فیروز بحر الکمال

تاریخ وفات رضیه بیگم ملکه هند که در سال ششصد و سی و هشت بوقوع آمد

چون رضیه بر سپهر علاق — کرد رحلت زدار حزن و ملال
ماه لاثانی است ترحیلش — ملکه ملک جنت آمد سال

تاریخ وفات معز الدین بهرام شاه بن التمش که در سال ششصد و سی ... بوقوع آمد

رفت در جنت زدار بی ثبات — چون شه اهل زمین بهرام شاه
سال ترحیلش بگو اهل برات — باز دیگر پاک بین بهرام شاه

قطعه ثانی

شاه بهرام چون بفضل اله — شد ز دنیای دون بباغ جنان
شاه نور الوری بگو سالش — نیز بهرام میر عالم خوان

تاریخ وفات مسعود علاوالدین غوری که در سال ششصد و چهل و چار بوقوع آمد

چو مسعود شد با سعادت ز دهر — بتاریخ ترحیل آن نوجوان

۱۷۱

[illegible]

یکی شاه مسعود محسن بگو | دگر شاه مسعود جان جهان

تاریخ وفات سلطان ناصر الدین محمود شاه که در سال ششصد و شصت و چار بوقوع آمد

زد از الفناچو بکه محمود رخت | شود جلوه گر رحلتش شبل ماه
زعالی نسب ناصر اهل دین | دگر بحر مواج محمود شاه

قطعهٔ ثانی

زد از دهر چون رخت سفر لیست | شه محمود حق آگاه عادل
عیان شد سن و سال ارتحالش | ز سلطان زمانه شاه عادل

تاریخ وفات سلطان غیاث الدین بلبن که در سال ششصد و هشتاد و شش بوقوع آمد

شه والا غیاث الدین بلبن | بجنت یافت چون از دار دون بار
بسال اش نیک نحو از دل عیان شد | دگر فرمود عالی شاه دیندار

تاریخ وفات معز الدین کیقباد که در سال ششصد و هشتاد و نه بوقوع آمد

چون معز الدین شاه کیقباد | رفت از دنیا بجنت شاد کام
داد گستر خوان بسال رحلتش | هم معز الدین شاه نیکنام

حصهٔ پنجم در ذکر شاهان خلجیه انار الله برهانهم

تاریخ وفات جلال الدین فیروز شاه خلجی که در سال ششصد و نود و پنج بوقوع آمد

چو از دنیا بفردوس برین رفت | جلال الدین حق آگاه فیروز
وصالش اصل دین شاه جهانگیر | رقم کن نیز مولی شاه فیروز

تاریخ وفات سلطان علاء الدین خلجی که در سال هفتصد و پانزده بوقوع آمد

قدر اعلی یافت در خلد برین | چون علاء الدین شه روشن ضمیر
مشفق صادق بگو تاریخ او | نیز عابد زنده دل شاه کبیر

تاریخ وفات قطب الدین مبارک خلجی که در سال هفتصد و بست و یک بوقوع آمد

چو قطب الدین مبارک شاه مقتول | بجنت رفت از دنیای پر سم
عجب سال وصالش جست سرو | ز قطب الدین مبارک قطب عالم

حصهٔ ششم در ذکر شاهان تغلقیه انار الله برهانهم

تاریخ وفات سلطان غیاث الدین محمد تغلق که در سال هفتصد و بست و پنج بوقوع آمد

چون غیاث الدین محمد شاه هند   شد ازین دنیای دون با درد و آه
از دل سرور بسال رحلتش   شد میان بحر المعانی بادشاه

تاریخ وفات سلطان محمد تغلق عادل شاه که در سال هفتصد و پنجاه و دو بود

چون بعید و رد و غم سفر ورزید   از جهان در جنان محمد شاه
سال وصالش شه ولایت خوان   نیز نور زمان محمد شاه

تاریخ وفات سلطان فیروزشاه بن سالار رجب تغلق که در سال هفتصد و نود

چو فیروزشاه از جهان رخت بست   بجنت شده از جهان مثل ماه
شهنشاه صالح بگو رحلتش   دگر مالک ملک فیروزشاه

تاریخ وفات سلطان غیاث الدین تغلق که در سال هفتصد و نود و یک بود

غیاث الدین تغلق شاه نامی   چو رفت از دهر سال رحلت آن
بخوان سرور صبیب حق شهنشاه   امیر المومنین شاه ابدان

تاریخ وفات سلطان ابوبکر بن ظفرخان بن فیروزشاه که در سال هفتصد و نود و دو

جلوه گر شد چو در بهشت برین   شاه ابوبکر ماه اهل فلاح
سال تاریخ رحلتش سرور   دان ابوبکر شاه اهل فلاح

تاریخ وفات ناصر الدین محمد شاه بن فیروزشاه تغلق که در سال هفتصد و نود و

ناصر دین محمد پادشاه   شد چو از دنیا سوی جاگیر
سال تاریخ وصالش طرفه تر   شد عیان منصور دین ماه منیر
حاکم منصور ناصر کن رقم   بار دیگر وصل آن روشن ضمیر

تاریخ وفات علاء الدین سکندر شاه تغلق که در سال هفتصد و نود و شش بود

چون سکندر پادشاه اهل هند   رفت از دنیا باقلیم جنان
سرور اعید فریاد جاه گو   سال ترحیلش با قوال جهان
گو سکندر پادشاه حق طلب   هم سکندر شاه محبوب جهان

تاریخ وفات ناصر الدین محمود شاه بن محمد شاه تغلق ثانی که در سال هشتصد و پانزده

ناصر دین چو شاه دین محمود   شد ز دار فنا بقصر سلام
شمع دین ناصر است تاریخش   جلوه گر گشت باز خلد مقام

حصهٔ هفتم در ذکر پادشاهان خاندان سادات خضر خانیه

تاریخ وفات سید خضر خان بن سلیمان که در هشتصد و بست و چار بوقوع آمد

چو شد سید خضر خان پادشاه ز دنیای فانی بجنت قریب
بگو خواجه دهر تاریخ او دو بار شهنشاه عالم حبیب

تاریخ وفات سید معز الدین ابو الفتح مبارک شاه که در سال هشتصد و سی و هفت بوقوع آمد

چو شد مظلوم زین دیر پر آفت مبارک شاه والا جاه مقبول
بسالش گو امین دهر بو الفتح دگر والی دین سلطان مقتول

تاریخ وفات سلطان محمد شاه خضر خانیه که در سال هشتصد و چهل و نه بوقوع آمد

شد ز دنیا چو در بهشت برین شاه روی زمین محمد شاه
گفت تاریخ رحلتش سرور عارف اهل دین محمد شاه

تاریخ وفات سلطان علاء الدین عالم شاه که در سال هشتصد و هشتاد و سه بوقوع آمد

چو از دنیا بملک جاودانی رفت علاء الدین حق آمین شاه عالم
وصال باکمال آن شه دین رقم شد ناصر الدین شاه عالم

حصهٔ هشتم در ذکر پادشاهان خاندان سلطنت لودیه انار الله براهینهم

تاریخ وفات سلطان بهلول لودی که در سال هشتصد و نود و چار بوقوع آمد

چو اندر ملک جنت یافت شاهی شه دین شاه حق آگاه بهلول
عیان شد سن وصال انتقالش ز حق آمد شهنشاه بهلول

تاریخ وفات سلطان سکندر لودی که در سال نهصد و بست و سه بوقوع آمد

چون ز دار فنا سفر ورزید یافت در خلد جا سکندر شاه
سال تاریخ رحلتش سرور گفت ابر عطا سکندر شاه

تاریخ وفات سلطان ابراهیم شاه لودی که در سال نهصد و سی هجری بوقوع آمد

چونکه ابراهیم شاه اهل جاه سوی جنت از زمانه جنت راه
سال ترحیلش چو جستم از خرد گفت شاه هند ابراهیم شاه

حصهٔ نهم در ذکر شاهان چنگیزیه و تیموریه و جغتائیان هند که شاهان مغلیه مشهور اند

آخرش چنگیز خان چون رخت بست بعد قتل عام تاراج جهان

۱۷۴

[illegible]

گو وصالش قائل آل سبے	باز سیف قہر حقانی بخوان

تاریخ وفات ہلاکوخان بن تولیخان بن چنگیزخان کہ درسال ششصد وشصت وسہ بوقوع آمد

چون ہلاکو شد ہلاک از دست مرگ	زحلت آن پادشاه جان ستان
پادشاه ملک تبر حرم آمدست	باز فتال کبیر است ای جوان

تاریخ وفات امیر تیمور گورگان کہ درسال ہشتصد وہفت بوقوع آمد

چو تیمور از جہان رخت سفر بست	لسال رحلت آن شاه مسعود
خرد گفتا بگو تیمور رستاف	دگر مطلوب دین تیمور فرمود
بگو نیکو خصال و باز بر خوان	ز والا جاه شاہنشاه محمود

تاریخ وفات میران شاه بن تیمور کہ درسال ہشتصد وبست وپنج بوقوع آمد

از جہان فنا چو کرد سفر	شد بدار السلام میران شاه
عقل تاریخ انتقالش گفت	والی نیک نام میران شاه

تاریخ وفات سلطان محمد میرزا کہ درسال ہشتصد وپنجاه وپنج بوقوع آمد

چو سلطان محمد امیر کبیر	بسوی جنان شد ز دار محن
بتاریخ ترحیل آن شاه دین	بگو حق طلب تا جد آر زمن

تاریخ وفات سلطان ابوسعید میرزا کہ درسال ہشتصد وہفتاد ودو بوقوع آمد

چون بعقد بر خدای عز وجل	رفت از دنیا بجنت بوسعید
بہر سال ارتحالش طرفہ تر	گفت سرور میر ملت بوسعید

تاریخ وفات عمر شیخ میرزا کہ درسال ہشتصد ونود ونہ بوقوع آمد

میر تو افگن گشت بر اوج بہشت	چون عمر آن نور باه معدلت
جلوه گر شد سال وصل انتخاب	طرفہ اہل جو دشاه معدلت

تاریخ ولادت ووفات بابر بادشاه کہ ولادتش درسال ہشتصد وہشتاد وہشت ووفات وی در سنہ نہصد وسی وہفت بوقوع آمد

بادشاه دین امیر سلطنت	بابر آن عالی مکان عالی جناب
شمس ممتاز است تولیدش عیان	ظاہر آمد نیز تاج آفتاب
ارتحالش آفتاب جنت است	والی فیض است ہم اندر جناب

175

[illegible]

نا اتفاقی برادران ... و همایون بادشاه ... بمقابله رو ... افغانان ... سال ... سلطنت ... ۹۴۷ ... بعد وفات

قطعهٔ ثانی	
چو بابر از جهان رخت سفر بست	تو سال رحلت آن اهل توقیر
ز شاهنشاه بابر اهل دل جو	درّ والا قدر شاه جهانگیر
قطعهٔ ثالث	
شد چو از دنیا سجلد جاودان	شاه بابر بادشاه اهل جاه
گشت تاریخ وصال دعیان	بنده حق منیر بابر بادشاه

تاریخ ولادت و وفات نصیر الدین محمد همایون بادشاه که ولادتش در سال نهصد و سیزده و وفات در سنه نهصد و شصت و سه بوقوع آمد

کریم الخلق سلطان السلاطین	همایون شاه والا جاه اعظم
همایون صاحب تاج منور	بگو تولید آن شاه معظم
همایون ابر رحمت رحلتش دان	دگر شاه همایون تاج عالم
همایون رتبه مرد آمد وصالش	دگر نور بهشت هست ای کرم

تاریخ ولادت و وفات جلال الدین محمد اکبر بادشاه غازی که ولادتش در سال نهصد و چهل و نه و وفات وی در سنه یکهزار و چهارده بوقوع آمد

ان جلال الدین اکبر بادشاه	سرور عالم شه بر نا و پیر
سال تولیدش چو جستم از خرد	شد عیان منصور حق اکبر کبیر
حامی شفیق آمده تولید او	باز شاهنشاه دین اکبر کبیر
سیر دین رستم بخوان ترحیل آن	فضل عدل آمد عیان باز از ضمیر
قطعهٔ ثانی	
چو اکبر شه اعظم ملک هند	ز دنیا العقبی شده جاهی گیر
بتاریخ ترحیل آن شاه دهر	بخوان تاج اجلال مهر منیر
قطعهٔ ثالث	
چون جلال الدین اکبر شاه هند	رفت از دنیا العقبی جست راه
زینت تاج و لوا اهل جلال	گو وصال آن شه عالم پناه
سیو شهنشاه ملک اکبر است	هم جلال تاج اکبر بادشاه

... ایران رسید و با مراد شاه ... طهماسب بادشاه ... آورده و بار دیگر رونق افزای تخت ... شد ... سلطنت ... جان بجان آفرین سپرد ... عمر یافت همایون شاه ... ۱۲ ... بعد وفات ... بمقام کلانور بر تخت نشست

176

قطعه رابع

اکبر آن اهل دولت اکبر	شد ز دار الفنا بحسرت و آه
سال تاریخ رحلتش سرور	گو شهنشاه و شاه والا جاه

تاریخ ولادت و وفات نور الدین محمد جهانگیر بادشاه که ولادتش در سال نهصد و هفتاد و هفت و وفات در سنه یکهزار و سی و شش بوقوع آمد

خسرو گیتی جهان فضل الهی	جهانگیر آن شه با هنر و توقیر
جهانگیر آفتاب حسن مولی است	کنی در باب تولیدش چو تقریر
وصال آن شه ذی مرتبت خواه	ز نور علم نور الدین جهانگیر
کمین ظل الهی و الهی جود	بسال رحلت آن شاه تحریر
سخی ماند جهانگیر است و صلش	دگر نیکو شهنشاه جهانگیر

قطعه ثانی

آن جهانگیر بادشاه جهان	آنکه وصفش برون ز تقریر است
سال تولید او اگر خواهی	سرور المحترم جهانگیر است
سن وصلش اگر کنی تحریر	و الی پاک میر توقیر است

قطعه ثالث

شاه نور الدین و شد دل سوی	عادل دین ثانی نوشیروان
شمس نور نور دین تولید او	باز فیاض یگانه شد عیان
پیشو دید اکرم اهل خلق	بهر سال ارتحال آن جوان

تاریخ ولادت و وفات شهاب الدین محمد شاه جهان بادشاه که ولادت در سال یکهزار و وفات وی در سنه یکهزار و هفتاد و شش بوقوع آمد

شاه والا مالک اقلیم هند	آن شهاب الدین شه دوران
اهل دل ز ستم قوید گفته ام	سال تولیدش بقول صالحان
رحلت آن بادشاه اهل جاه	شد عیان مشکل کشا شاه جهان
باز گو سال وصال آن جناب	نور اهل دین شهنشاه جهان

قطعه خامس

بعد وفات اکبر بادشاه ... نور الدین جهانگیر ...
بتخت هندوستان اجلاس کرده و تا بیست و دو سال سلطنت کرده و بعد ... و در حالت ... اورنگ زیب ... نظر بندی وفات یافت و مزارش در آگره زیارتگاه خلق است ۱۲

۱۷۷

به تقدیر آن قادر ذو الجلال — چو رفت از جهان آه شاه جهان
رقم کرد سرور بتاریخ او — شه اهل دین شاه شاه جهان

تاریخ ولادت و وفات ابو المظفر محی الدین اورنگ زیب عالمگیر بادشاه که ولادتش در سال یکهزار و بست و هشت و وفات در سنه یکهزار و یکصد و هژده بوقوع آمد

عاقل و عادل جهانگیر ای خلق — شاه عالمگیر اهل عز و جاه
فضل حسن و نیر مهتاب شرف — سال تولیدش عیان شد مثل ماه
رحلت او هست غازی اهل دین — هم امیر تاج سلطان بادشاه
بازخوان سال وصال آن جناب — شاه با اسلام عالمگیر شاه
ذو الفقار آمد دگر وصلش عیان — از دل سرور بصد افسوس و آه

تاریخ ولادت و وفات محمد معظم شاه عالم بهادر شاه که ولادتش در سال یکهزار و پنجاه و سه و وفات در سنه یکهزار و یکصد و بست و چار بوقوع آمد

مهربان و بنده پرور اهل جاه — شاه عالم بادشاه مه لقا
حافظ دین گشت از سرور رقم — سال تولیدش بصد صدق و صفا
بار دیگر چو وصال پاک او — از شه دین شاه عالم بادشاه

تاریخ ولادت و وفات محمد معز الدین جهاندار شاه که ولادتش در سال یکهزار و هفتاد و دو و وفات در سنه یکهزار و یکصد و بست و پنج بوقوع آمد

معز الدین سلطان السلاطین — ولی هند والی شاه سردار
عیان گشت از دل من فیض آفاق — پی تولید او کردم چو تکرار
ز خوش دیدار ترحیلش عیان است — دگر منعم شهنشاه جهاندار

تاریخ ولادت و وفات جلال الدین محمد فرخ سیر بادشاه که ولادتش در سال یکهزار و نود و پنج و وفات در سنه یکهزار و یکصد و سی یک بوقوع آمد

نیک سیرت شاه دین فرخ سیر — حق نمای معدلت حق امتزاج
بادشاه حسن رستم شد رقم — سال تولیدش بلوح ابتهاج
سن ترحیلش با قوال صحیح — هست مصباح جهان فرخ مزاج

تاریخ ولادت و وفات ابو الفتح روشن اختر محمد شاه بادشاه که ولادتش در

[illegible]

۱۷۸

سال یکهزار و یکصد و چهارده و وفات در سنه یکهزار و شصت و یک بوقوع آمد		
حامی دین روشن اختر بادشاه سال تولیدش باوج عز و جاه شد عیان سلطان اعظم رحلتش		موج دریای سخا عین الیقین شد عیان مهتاب روشن جبین هم مه روشن محمد تاج دین
تاریخ ولادت و وفات مجاهد الدین ابونصر احمد شاه که ولادتش در سال یکهزار یکصد و چهل و وفات در سنه یکهزار و یکصد و هشتاد و چار یا هشت بوقوع آمد		
مالک ملک هند و اسلے دهر سال تولید آن شه عالی سن ترحیل گر کنی ترقیم		شاه ابونصر احمد عالی جاه گو جمال بهشت احمد شاه از شهنشاه ملت احمد خواه
قطعه ثانی		
چون بحکم ایزد قیوم و علام الخبیر رحلتش موصول مظلوم است ای شنوا آن		رفت نابینا ز عالم آه احمد بادشاه نیز عالم زیب شاهنشاه احمد بادشاه
تاریخ ولادت و وفات اعز الدین محمد عالم گیر ثانی که ولادتش در سال یکهزار نود و نه و وفات در سنه یکهزار و یکصد و هفتاد و سه بوقوع آمد		
بادشاه جهان اعز الدین صاحب فیض حق شود پیدا رفت چون از جهان بخلد برین فضل ربانی است و پاک نظر		اهل تحریر و صاحب تقریر سال تولید گر کسے تحریر وصل آن بادشاه با توقیر هم شهنشاه عالم عالمگیر
تاریخ ولادت و وفات سلطان جلال الدین عالی گوهر شاه عالم ثانی که ولادتش در سال یکهزار و یکصد و چهل و وفات در سنه یکهزار و دو صد و بست و یک بوقوع آمد		
مالک اقلیم دین فرمان روا سال تولیدش خلیل ملت است شد چو از دنیا بفردوس برین شاه عالم شمع نور حق بگو		شاه عالم آن شهنشاه زمان سیر فیض آمد دگر از دل عیان گفت هاتف از پی تاریخ آن شاه عالم رستم دینی بخوان
تاریخ ولادت و وفات ابوالنصر معین الدین اکبر شاه که ولادتش در سال		

۱۷۹

بهادر شاه است بعد نابینائی احمد شاه بادشاه شد و پنج سال و هفت ماه پادشاهی کرد آخر بگفته عماد الملک بعدی قتلجان پادشاه را در کوتله فیروز شاه بقتل رسانید و شاه جهان ثانی را بر تخت نشانید و بعد از آن شاه عالم ثانی پادشاه گردید و سلطنت بر شاه عالم قائم ماند و فرزند عالمگیر ثانی است و در زمانه این پادشاه بسیار شور و شر در ملک هندوستان افتاد آخر قادر خان پادشاه را نابینا کرد و بیدار از تخت راند پادشاه ... اما بسبب قتل قادر خان تخت بیدار بخت ماند آخر قبضه اهل فرنگ بر دهلی شد ۱۲

[illegible]

یکهزار و یکصد و هفتاد و سه و وفات در سنه یکهزار و دوصد و پنجاه و سه بوقوع آمد

شاه اکبر معین دین نبی	بادشاه جهان بفر و وقار
والی رتبه شاه دین ناصح	سال مولد او بجوان ای یار
کن رقم سین و سال رحلت او	شاه اکبر سراج پر انوار
از خرد رحمت خدا اگر وید	سال تاریخ رحلتش اظهار

تاریخ ولادت و وفات محمد سراج الدین ابوظفر بهادر شاه المتخلص بظفر که ولادتش در سال یکهزار و یکصد و هشتاد و نه و وفاتش در سنه یکهزار و دوصد و هفتاد و ...

سرور اهل هند و عالی شان	بادشه بوظفر مظفر هند
عقل فیاض مهربان فرمود	طرفه تولید آن مبشر هند
گفته اند هم ابوظفر تاریخ	بهر تولید پاک سرور هند
بوظفر کامل است ترحیلش	هم بفرما دگر مظفر هند

حصه دوم مشتمل بر قطعات تواریخ وفات شاهان متفرقات اهل هند وغیره تاریخ وفات سلطان علاء الدین حسن بهمنی بادشاه ملک دکن که در سال هفتصد و پنجاه و نه بوقوع آمد

چون حسن رحلت ازین عالم نمود	وصل شد با حق بفضل و لطف هو
شاه جنت سال ترحیلش بگو	هم تقرب بحسن عالم حسن

تاریخ وفات سلطان محمد شاه بن حسن بهمنی که در سال هفتصد و هفتاد و ششم بوقوع آمد

چون محمد شه ز سین و زمان	رفت ازین دار دون بجنت راه
شاه ملت بگو بسالش نیز	اهل دل مرد دین محمد شاه

تاریخ وفات سلطان مجاهد شاه بن محمد شاه بهمنی که در سال هفتصد و هفتاد و نه بوقوع آمد

مجاهد شه آن والی تخت و تاج	چو از دار دنیا بجنت رسید
ز سرور بتاریخ او شد ندا	که اهل العطا بادشاه شهید

قطعه ثانی

چو از دنیا شه ملک بقا شد	مجاهد شاه دین فرخنده آئین
ملک فطرت بگو تاریخ سالش	دگر شاه مجاهد میر حق بین

تاریخ وفات سلطان داود بن حسن بهمنی که در سال هفتصد و نود و نه بوقوع آمد

چو داود آن شه ملک ولایت ... ز دنیائی دنی ترحیل فرمود
بتاریخ وصال آن شه دهر ... رقم شد زیب دولت شاه داود

تاریخ وفات سلطان محمود بن حسن بهمنی که در سال هشتصد و نود و نه بوقوع آمد

چو در اقلیم جنت یافت شاهی ... جناب شاه حق آگاه محمود
رقم شد خاص حق تاریخ سالش ... دگر مهر معلی شاه محمود

تاریخ سلطان شمس الدین بن محمود بهمنی که در سال هشتصد و شانزده بوقوع آمد

رفت شمس الدین چو با عز و وقار ... مثل خورشید بر اوج چرخ جا زین
سال وصلش نیر روشن بخوان ... نیز شمس الدین امین اهل دین

تاریخ وفات فیروزشاه بن داودشاه بهمنی که در سال هشتصد و بیست و نه بوقوع آمد

رفت چون فیروزشاه اندر بهشت ... دل بسال وصل آن عالی لقا
گفت جنت آشیانی کن رقم ... بار دیگر بادشاه اتقیا

قطعه ثانی

چو در رسید بر عرش الاعظام ... ز روی زمین شاه فیروزمند
ندا شد ز دل سال تاریخ او ... که محبوب دین شاه فیروزمند

تاریخ وفات احمدشاه بن داودشاه بهمنی که در سال هشتصد و سی و هشت بوقوع آمد

چو در بزم احمد شد از دار دون ... شه احمد آن بادشاه زمن
وصالش یکی خواجه اکبر است ... دو باره شه ملت احمدی

تاریخ وفات سلطان علاء الدین بهمنی که در سال هشتصد و شصت و دو بوقوع آمد

چون علاء الدین شه والاهمم عالی مکان ... قدر اعلی یافت از دنیا بملک جاودان
سال تاریخش علاء الدین چنین او گفته ام ... هم علاء الدین الانزلت اهل جهان

تاریخ وفات سلطان همایون ظالم بهمنی که در سال هشتصد و شصت و پنج بوقوع آمد

همایون ستمگار و اهل ستم ... چو ناگه جوان مرگ رفت از جهان
وفاتش همایون بد مذهب است ... دو باره همایون رنج خلق دان

قطعه ثانی

چونکه همایون شه اهل ستم ... آنکه بکس داد بظلم نداد

گشت جوان مرگ دلم سال او	گفت بلا اهل ستم نام او
تاریخ وفات سلطان نظام شاه بهمنی که در سال هشتصد و شصت و هفت بوقوع آمد	
رفت چو سلطان نظام از زمین	سال وصالش بصد آه و فغان
گلشن زینت ز دلم شد رقم	نیز جوان رفت جوان از جهان
تاریخ وفات سلطان شمس الدین محمد بن همایون بهمنی که در سال هشتصد و هشتاد	
چون تو افلاک گشت در خلد برین	چون محمد شاه بشاه اهل جاه
گشت روشن سال تاریخش ز دل	شمس یزدانی محمد پادشاه
تاریخ وفات محمود شاه بن محمد شاه بهمنی که در سال نهصد و بست و چهار بوقوع آمد	
چون شه محمود سلطان جهان	از جهان بی بقا رحلت نمود
سال تاریخش دلم با حال او	گفت کج ناعاقبت اندیش بود
تاریخ وفات احمد شاه بن سلطان محمود که در سال نهصد و بست و هفت بوقوع آمد	
چون شه تخت و تاج احمد شاه	در عدم گشت ناگهان معدوم
هست برگشته سال تاریخش	همدگر رفت بنده مسموم
تاریخ وفات علاء الدین بن احمد شاه بهمنی که در سال نهصد و بست و نه بوقوع آمد	
بشمشیر قضا و تیغ تقدیر	چو شد سلطان علاء الدین مقتول
ندا شد بهر سال قتل آن شاه	ز سرور شاه والا جاه مقتول
قطعه ثانی	
شاه دکن چو رفت ز دنیا بر آن تقی	با حال زار و صورت حیران ستم رسید
یعنی که گشت قتل ز دست تمحرا	گفتم بسال قتلش سلطان ستم رسید
تاریخ وفات شاه ولی الله بن محمود شاه بهمنی که در سال نهصد و سی بوقوع آمد	
گشت چون مقتول سلطان ولی الله آه	بی گنه بی جرم و بی تقصیر بی رد و بدل
سال تاریخش بصد افسوس و حسرت سر زد	گر ولی الله مقتول وزیر بی ادب
تاریخ وفات شاه کلیم الله بن محمود شاه بهمنی که در سال نهصد و سی و شش بوقوع آمد	
چو از دنیا بجنت رفت مسموم	کلیم آن شاه والا جاه معزول
رقم شد سن و سال انتقالش	که عالی جاه شاهنشاه معزول

١٨٣

ذکر خاندان سلاطین عادلشاهیه

تاریخ وفات یوسف عادل شاه بیجاپوری که در سال نهصد و شانزده بوقوع آمد

یوسف مصر شهنشاهی چو او	ارفنا بنهاد در جنت قدم
دل بسال ارتحالش طرفه تر	گفت حق بین یوسف مصر کرم

تاریخ وفات سلطان اسمعیل عادلشاه که در سال نهصد و چهل و یک بوقوع آمد

چون بصد اعزاز و اکرام از جهان	رفت اسماعیل اهل مکرمت
سال تاریخش ز طبع روشنم	شد عیان مصباح نور معدلت

تاریخ وفات ابراهیم شاه بن اسماعیل عادلشاه که بسال نهصد و شصت و پنج بوقوع آمد

شد چو ابراهیم از دار فنا	دل بسال رحلت آن اهل جاه
ماهتاب انور ابراهیم گفت	نیز سلطان میر ابراهیم شاه

تاریخ وفات سلطان علی بن ابراهیم شاه عادل که در سال نهصد و هشتاد و هشت بوقوع آمد

رفت از دار فنا سوی بهشت	چونکه آن اعلی علی عالی قدر
سال وصل اوست فیاض زمن	هم علی جنتی عالی قدر

قطعه ثانی

چونکه بشمشیر قضای اله	شاه علی میرزبان شد شهید
سال وصالش چو بجستم ز دل	گفت بگو شاه جهان شد شهید

تاریخ وفات ابراهیم عادلشاه ثانی بن طهماسپ بن ابراهیم عادلشاه اول ۱۰۳۵ هـ بوقوع آمد

چو ابراهیم ثانی شاه ذی جاه	ز دنیا شد بخلد جاودانی
ندا آمد بسال انتقالش	که قطب الهند ابراهیم ثانی

ذکر سلطنت نظام شاهی بحری

تاریخ وفات نظام الملک احمد شاه بحری که در سال نهصد و چارده بوقوع آمد

شاه احمد حامد ذات اله	شد چو از دنیا بفردوس برین
در وفق حق شد سال تاریخش عیان	هم گدائی احمدی خاقان دین

تاریخ وفات برهان نظام الملک بن احمد شاه که در سال نهصد و شصت و یک

چون شه برهان شهنشاه جهان برهان دین	زین جهان بر بالا گر دید در جنت مقیم

گو شهنشاه مکرم بو الفضایل کن رقم ۹۶۱ — رحلتش هم حب مولی شاه برهان الکرم ۹۶۱

تاریخ وفات حسین نظام شاه بحری که در سال نهصد و هفتاد و دو بوقوع آمد

چون حسین از عالم دنیا برفت — هست تاریخش بقول اهل راز
اهل دین مرد چو آن دولت حسین ۹۷۲ — باز گو میرا امارت بی نیاز ۹۷۲

تاریخ وفات مرتضی نظام شاه بن حسین شاه که در سال نهصد و نود و شش بوقوع آمد

بلطف کردگار مرتضی چون مرتضی شاه — بجنت شد روان با فضل مولی
بگو تاریخ او فیاض عادل ۹۹۶ — بخوان سرور دوباره فضل مولی ۹۹۶

تاریخ وفات میران حسین بن مرتضی شاه که در سال نهصد و نود و شش بوقوع آمد

چون پدرکش آن شه میران بمرد — داد یکسر دین و دنیا را بباد ۹۹۶
سال قتل او عیان شد از خرد — حیف بدین بد پدرکش نامراد
بار دیگر نوجوان مقتول شد ۹۹۶ — بهر سال رحلتش آمد بیاد

تاریخ وفات برهان نظام شاه بن حسین نظام شاه که در سال یکهزار و سه بوقوع آمد

نظام دین و دنیا شاه برهان — ز دنیا شد چو با صد عز و اقبال
بتاریخ وصال آن شه دهر — بگو برهان ملت بحر اجلال ۱۰۰۳

تاریخ وفات ابراهیم نظام شاه بن برهان شاه که در سال یکهزار و سه بوقوع آمد

چو ابراهیم شد در جنگ مقتول — بجنت رفت ازین دهر دغا باز
بتاریخ وصال آن شه دهر — رقم شد رفت ابراهیم جانباز ۱۰۰۳

ذکر خاندان سلطنت قطب شاهی

تاریخ وفات سلطان قلی قطب شاه که در سال نهصد و پنجاه بوقوع آمد

قطب شاه جهان چو از تقدیر — از جهان جست سوی جنت راه
گو ابو الفضل سال وصلش نیز — معدن جود قطب شاهنشاه ۹۵۰

تاریخ وفات جمشید قطب شاه که در سال نهصد و پنجاه و هفت بوقوع آمد

شه جمشید جم دولت شه دهر — ز دنیا بر در جنت چو در جنت
وصال پاک او میر بهشت است ۹۵۷ — دگر قطب محسن میر ولایت ۹۵۷

تاریخ وفات سلطان ابراهیم قطب شاه که در سال نهصد و هشتاد و نه بوقوع آمد

چون ز دنیا سوی عقبی رحلت … شاه ابراهیم شاه اهل جاه

سال وصل دوست فیاض‌ جهان … نیز زیبا تاج ابراهیم شاه

تاریخ وفات محمد علی شاه بن ابراهیم شاه که در سال یکهزار و بست و یک بوقوع آمد

محمد رفت چون از دار فانی … وصال آن شه دین شاه فیاض

ز قطب فضل و فضل عام جستم … دگر باره ز ما سالی جاه فیاض

تذکرهٔ شاهان گجراتی

تاریخ وفات مظفر شاه گجراتی که در سال هشتصد و چارده بوقوع آمد

چون مظفر ولی به فتح و ظفر … از جهان گشت و اهل جنات

تاج بهجت بخوان بتاریخش … هم بخوان اصل حاکم گجرات

تاریخ وفات سلطان احمد شاه گجراتی که در سال هشتصد و چهل و شش بوقوع آمد

شد چو احمد شه ولایت جلد … رحلت آن شه معلی جاه

اهل دل آل نصرت است بخوان … نیز و سالی دولت احمد شاه

قطعهٔ سالی

شد چو از دنیا بخلد جاودان … شاه دین احمد ولی اهل عروج

سال ترحیلش بسبر و رشد عیان … تاج دین احمدی اهل عروج

تاریخ وفات محمد شاه بن احمد شاه گجراتی که در سال هشتصد و پنجاه و پنج بوقوع آمد

ره‌ای جنت چو شد با عز و شان … آن محمد بادشاه والی تاج

سال تاریخ وصالش طرفه تر … دان محمد پادشاه والی تاج

تاریخ وفات قطب الدین بن احمد شاه که در سال هشتصد و شصت و سه بوقوع آمد

بجنت رفت از دنیای فانی … چو قطب الدین شه فرخنده آیین

بخوان دریای رحمت رحلت او … دگر حبل المتین قطب السلاطین

تاریخ وفات محمود شاه بهنگره گجراتی که در سال نهصد و هفده بوقوع آمد

چو شد محمود بیان ز دار فنا … شه دهر محمود اندر جنان

وصالش بگو عزت و دولت است … شهنشاه محمود محسن بخوان

تاریخ وفات مظفر شاه گجراتی که در سال نهصد و سی و دو بوقوع آمد

۱۸۶

مظفر چون ز دنیا رخت بربست	همه بگذاشت این سامان دولت
بسال ارتحال آن شه دین	بگو والا قدر سلطان دولت ۹۳۲

قطعهٔ ثانی

چون مظفر رفت سوی اوج بهشت	گشت روشن در جهان مانند ماه
فضل ایزد گو وصال پاک او	بار دیگر خوان ایالت دستگاه ۹۳۲

تاریخ وفات شاه اسکندر بن مظفر گجراتی که در سال نهصد و سی و دو بوقوع آمد

یافت اسکندر بجلد آب حیات	چونکه از دنیای دون آمد ستوه
رحلتش کردم بیان فضل حبیب	نیز اسکندر جوان دارا شکوه ۹۳۲

تاریخ وفات بهادرخان بن مظفرخان بادشاه که در سال نهصد و چهل و سه بوده

چون بهادر شاه زین دار فنا	رحلت آن پادشاه نامور
گو شهنشاه بهادر اهل دین ۹۴۳	هم بهادر بادشاه بحر و بر ۹۴۳

تاریخ وفات محمود شاه بن شهزاده لطیف بن مظفر که در سال نهصد و شصت و یک بوقوع آمد

چون شهادت یافت محمود از قضا	سرخرو در جنت والا رسید
بوالفضائل گو بسال وصل او	هم بخوان عالی گهر شاه شهید ۹۶۱

قطعهٔ ثالث

چون شهادت زسعت نکو یافت	شاه محمود عاقبت مسعود ۹۶۱
کاظم آمد عیان تبار تسنخش	هم دگر گنج معرفت محمود

تاریخ وفات احمد شاه بادشاه گجراتی که در سال نهصد و شصت و نه بوقوع آمد

قتل گردید چو بی جرم شه احمد دین	حق در خلد برین نام محمد بخشید
سال تاریخ وصالش دل غمدیده سرود	واه واه طرفه بیان کرد که احمد شهید

ذکر سلاطین مالوه مندو

تاریخ وفات دلاورخان حسین مالوی که در سال هشتصد و هشت بوقوع آمد

دلاور ز مر دنیا چو مسموم رفت	بفردوس شد همچو غرنده شیر
زکامل بهشتی بیجو رحلتش	دگر بادشاه دلاور دلیر

تاریخ وفات هوشنگ بن دلاورخان که در سال هشتصد و سی و هشت بوقوع آمد

شد چو بد بود از جهان بر بلا	رفت در فردوس حق صاحب شکوه
خواجه اکبر بگو تاریخ او	باز فرما شاه شیاف هوشنگ

تاریخ وفات محمد شاه غزنین مالوی که در سال هشتصد و سی و نه بوقوع آمد

چون بشمشیر جور اهل ستم	آن محمد جوان بقتل رسید
طرفه سال شهادتش سرور	گفت افسوس بادشاه شهید

تاریخ وفات سلطان محمود خلجی مالوی که در سال هشتصد و هفتاد و سه بوقوع آمد

چون ز دنیای دون بخلد برین	شد بناز و نعیم شه محمود
بانی خیر گو تا ربخشش	نیز بحر کرم شه محمود

تاریخ وفات غیاث الدین خلجی مالوی که در سال نهصد و پنج بوقوع آمد

غیاث الدین چو شد مسموم و مهلک	بجنت رفت از دنیای پرشور
زتاریخ دم بجو سال وصالش	دو بار ماه تابان مطلع نور

تاریخ وفات ناصر الدین خلجی مالوی که در سال نهصد و شانزده بوقوع آمد

ناصر الدین چون بقتل کردگار	روی خود در پرده عقبی نهفت
عقل سال ارتحالش طرفه تر	عمده دین ناصر و منصور گفت

تاریخ وفات سلطان محمود بن ناصر الدین که در سال نهصد چهل و یک بوقوع آمد

چون به تیغ جفا شهادت یافت	شاه محمود سرور مسعود
گفت تاریخ رحلتش سرور	شاه جا بناز عاقبت محمود

ذکر سلاطین فاروقی برهانپوری خاندیسی

تاریخ وفات ملک راجه برهانپوری که در سال هشتصد و یک بوقوع آمد

چون ملک سیرت آن ملک راجه	شد بدار جنان زنیت ملال
رحلتش هست میر میران میر	کرت ثانی است نیک خصال

تاریخ وفات سلطان نصیر بن ملک راجه که در سال هشتصد و چهل و یک بوقوع آمد

اهل نصرت نصیر و الا جاه	شاه دین با تمیز فاروقی
رفت چون رحلتش بگو مشتاق	هم نصیر غضنفر فاروقی

تاریخ وفات میران عادل شاه فاروقی که در سال هشتصد و چهل و چهار بوقوع آمد

چون شهادت یافت میران بادشاه
سال وصل آن شه والاسعید

هست میران شاه مقبول جهان
بار دیگر قطب حق شاه شهید

تاریخ وفات مبارک شاه فاروقی که در سال هشتصد و شصت و یک بوقوع آمد

چون مبارک پادشاه دین پناه
رفت در جنت با علی مرتبت

رحمت باری رقم کن سال او
بار دیگر خوان سکندر منزلت

قطعه ثانی

چو سلطان المبارک شاه دیجا
بملک خلد اعلی گشت والی

عیان شد سن سال انتقالش
ز سلطان المبارک شاه عالی

تاریخ وفات میران عینا عادل شاه فاروقی که در سال هشتصد و نود و هفت بوقوع آمد

ز دنیا رفت در خلد معلی
چو عادل شاه شاهان میر میران

رقم شد سال وصل آن شه دین
امین الدین سلطان میر میران

تاریخ وفات سلطان داود فاروقی که در سال نهصد و چارده بوقوع آمد

چون سفر ورزید با صدق و صفا
از جهان شاه جهان داود خان

سال وصل آن شه والاهمم
هست سلطان زمان داود خان

تاریخ وفات عادل شاه اعظم همایون فاروقی که در سال نهصد و بیست و شش بوقوع آمد

چو رفت از جهان میر عادل امیر
بخلد برین یافت جای امان

عیان شد ز دل سال ترحیل او
شهنشاه عادل امین جهان

تاریخ وفات میران محمد شاه فاروقی که در سال نهصد و چهل و دو بوقوع آمد

زین جهان میر بالا بدر رو شد
چون محمد شاه مقبول خدا

رحلتش عرش آشیانی گفته ام
هم محمد شاه دین شمس عطا

تاریخ وفات میران مبارک شاه فاروقی که در سال نهصد و هفتاد و چار بوقوع آمد

چون مبارک رفت در دار البقا
رحلت آن شاه والامرتبت

گو مبارک سر در اقلیم دین
هم بخوان مسعود میر معدلت

تاریخ وفات میران محمد شاه بن مبارک شاه فاروقی که در سال نهصد و هشتاد و چار بوقوع آمد

محمد چو بدرود شد از جهان
ز حق یافت مسکن بخلد برین

۱۸۹

وضالش عیان شد ز دل فیض مند — دو باره شهنشاه روی زمین

تاریخ وفات راجه علی خان فاروقی که در سال یکهزار و پنج بوقوع آمد

راجه میران علی آن شاه دین — چون سلامت رفت در دار السلام
سال وصلش چو ز روشن ماهتاب — هم بخوان میران علی جنت مقام

تاریخ معزولی میران بهادر خان فاروقی که در سال یکهزار و هشت بوقوع آمد

چو آن نزول بهادر شاه نامرد — بقید شاه اکبر دست خود بست
بمعزولی آن سلطان بعقل — بگو تا اهل دولت داد از دست

تذکره شاهان پوربی شرقی

تاریخ وفات محمد بختیار اولین بادشاه و حاکم پورب که در سال ششصد و دو بوقوع آمد

چونکه آن بختیار صاحب بخت — از جهان جنت سوی جنت راه
ماه روشن بگو تاریخش — باز سیر گنبد عالی جاه

تاریخ وفات فخر الدین المخاطب علاء الدین شرقی که در سال هفتصد و چهل و یک بوقوع آمد

چون بصد عز و جاه فخر الدین — یافت در خلد رتبه عالی
هست مصباح شرق تاریخش — باز بید است اسلم شرقی

تاریخ وفات علی علاء الدین مبارک شاه که در سال هفتصد و چهل و سه بوقوع آمد

چون با فضال خالق دو جهان — یافت در خلد جا علاء الدین
هست اهل بهشت تاریخش — نیز شمس العلی علاء الدین

تاریخ وفات حاجی الیاس المخاطب شمس الدین بنگله که در سال ... بوقوع آمد

شمس دین چون بصورت خورشید — شد ز دنیا بر اوج خلد برین
شاه جنت بگو تاریخش — بار دیگر سراج شمس الدین

تاریخ وفات شاه اسکندر بن شمس الدین که در سال هفتصد و شصت و ... بوقوع آمد

چون سکندر گشت مدفون در زمین — روح پاکش شد بر اوج آسمان
شاه عالیشان بگو تاریخ او — هم جلال دین سکندر شاه خوان

تاریخ وفات غیاث الدین بن سکندر شاه شرقی که در سال هفتصد و هشتاد و پنج

سفر کرد چون شاه والا غیاث — بجنت ازین دار ناپایدار

رقم کن تاریخ مصباح خلد ... دو بار انجوان صاحب اعتبار

تاریخ وفات سلطان السلاطین بن غیاث الدین که در سال هفتصد و هشتاد و نه بوقوع آمد

بملک خلد آخر یافت شاهی ... چو سلطان السلاطین فرخ آئین

عیان شد سن و سال انتقالش ... ز سلطان السلاطین صحبت دین

تاریخ وفات سلطان شمس الدین ثانی که در سال هفتصد و هشتاد و هفت بوقوع آمد

جلوه گر شد در بهشت و اسئے ... چونکه شمس الدین منور اهل دین

ارتحالش گشت روشن از خرد ... طرفه شمس دین اکبر اهل دین

تاریخ وفات ... سلطان جلال الدین که در سال هشتصد و دوازده بوقوع آمد

چون جلال الدین بفضل ایزد ... یافت با وصل خدا آخر وصال

هست بی تقصیر سال وصل او ... نیز اهل تاج مرد دین جلال

تاریخ وفات سلطان احمد بن جلال الدین که در سال هشتصد و سی و ... بوقوع آمد

رحمت بر بست چون بحکم قضا ... از جهان شاه عاشق احمد

ارتحالش بجو ز خاص الحق ... هم بخوان شاه عاشق احمد

تاریخ وفات ناصر الدین شاه بهنگره که در سال هشتصد و شصت بوقوع آمد

چون بصد نصرت فو دنیای دنی ... رفت ناصر شاه دین اندر جنان

سال وصل او بصد عز و قباز ... ناصر منصور حق آگاه خوان

تاریخ وفات سلطان باربک بن ناصر شاه که در سال هشتصد و هفتاد ... بوقوع آمد

چو شاه باربک با عز و اقبال ... بجنت گشت روشن صورت ما

خرد بو نصر شاه باربک گفت ... وصالش شاه طالب باربک شاه

تاریخ وفات یوسف شاه بن باربک شاه که در سال هشتصد و هشتاد و هفت بوقوع آمد

یوسف دین نبی شاه جهان ... زیب جنت شد چو با حسن و جمال

تقویت دان سال وصلش طرفه تر ... نیز بر حق یوسف مصر کمال

تاریخ وفات فتح شاه باربک که در سال هشتصد و نود و شش بوقوع آمد

یافت چون مفتاح جنت از خدا ... فتح شد با فتح و بنصرت در جنان

رحلت آن شاه کشمیر و بگو ... همدگر ثانی اسکندر بخوان

190

[illegible]

باز دل سال وصالش طرفه تر	گفت مرد دین مفتاح جهان
تاریخ وفات اندل حبشی المخاطب به فیروزشاه که در سال هشتصد و نود و نه بوقوع آمد	
شد چو با فیروزی ولطف و خوشی	از جهان اهل عطا فیروزمند
سال تاریخ وصالش طرفه تر	هست فیروز حق تا فیروزمند
قطعه ثانی	
شاه فیروز آن شه اهل ظفر	شد چو در عرش برین فیروزمند
دل بسال وصل آن والا مکان	گفت شاه مومنین فیروزمند
تاریخ قتل محمود شاه بن فیروزشاه که در سال نهصد و پنج بوقوع آمد	
شاه محمود چون به تیغ جفا	گشت با وصل ایزدی موصول
سال تاریخ قتل آن مظلوم	هست محمود مسلمین مقتول
تاریخ وفات بدر حبشی مظفرشاه که در سال نهصد و نه بوقوع آمد	
چو مقتول شد بدر اهل جفا	ز دنیای دون شد بصد حیف و غم
بتاریخ آن ظالم پر جفا	نداشد ز دل بدر ابر ستم
تاریخ وفات سلطان علاء الدین شریف مکی که در سال نهصد و بیست و هفت بوقوع آمد	
چون سفر ورزید در دار البقا	از جهان اسعد علاء الدین شریف
سال تاریخ وصالش طرفه تر	شد بیان اسعد علاء الدین شریف
تاریخ وفات شاه نصیب بن علاء الدین که در سال نهصد و چهل و نه بوقوع آمد	
نصیب خود چو از خلد برین یافت	نصیب آن شاه دین فرخنده اعمال
بگو خوشحال سال رحلت او	دو بار افخر دنیا فخر اجلال
تاریخ وفات سلیمان خان افغان که در سال نهصد و هشتاد و یک بوقوع آمد	
چون سلیمان ز دهر کرد سفر	با صد افسوس و حیف و حسرت و آه
فیض کامل بگو تا تاریخش	هم سلیمان سخی عالی جاه
تاریخ وفات داود خان بن سلیمان خان که در سال نهصد و هشتاد و سه بوقوع آمد	
ز دست فوج اکبر شاه دهلی	چو شد بی حال آخر حال داود
بسال قتل او با حسرت و آه	رقم شد قتل شد اقبال داود

۱۹۱

[illegible]

تذکرهٔ شاهان شرقی یعنی جونپور و بهار وغیره

تاریخ وفات ملک سرور خواجه جهان حاکم اول ولایت شرقی که در سال هشتصد و دو بوقوع آمد

گشت چون سرور بصد عز و وقار	سرور اقلیم فردوس برین
هست مخدوم همایون رحلتش	نیز سرور مالک اقلیم و دین

تاریخ وفات سلطان مبارک بن ملک سرور که در سال هشتصد و چار بوقوع آمد

مبارک یافت چون جای مبارک	ز دنیای دنی در خلد اعظم
وفاتش نصرت دین بار دیگر	ز سلطان مبارک میر عالم

تاریخ وفات سلطان ابراهیم شرقی بن ملک سرور که در سال هشتصد و چهل بوقوع آمد

شل ابراهیم ابراهیم رفت	چون ازین دنیا بگلزار جنان
وصالش ابراهیم اشرف کن رقم	شمس دولت یا شمس حق بین بخوان

تاریخ وفات سلطان محمود شرقی که در سال هشتصد و شصت و دو بوقوع آمد

یافت چون محمود محمود انفصال	از جهان بی بقا خلد برین
سال تاریخ وصالش طرفه تر	گفت سرور رستم محمود دین

تاریخ وفات سلطان محمد شاه شرقی که در سال هشتصد و شصت و سه بوقوع آمد

چون محمد شاه والا مرتبت	گشت آخر از عدم جنت نشین
شد رقم خان بهادر سال او	بار دیگر شد رقم جنت نشین

تاریخ وفات سلطان حسین بن محمود شرقی که در سال هشتصد هشتاد و سه بوقوع آمد

چون بحکم خالق هر دو جهان	خوش مسافر گشت زین عالم حسین
دل بسال رحلت آن بادشاه	گفت سرور محسن اسلم حسین

ذکر سلاطین سنده و ٹهٹه

تاریخ وفات عماد الدین محمد قاسم که در سال نود و شش بوقوع آمد

خواند بر کار دین جان داد آخر	عماد الدین سرا یا حب مولی
حبیب دینی آمد ارتحالش	دلم گفتا دو بار احب مولی

تاریخ وفات سلطان ناصر الدین قباچه بیگ که در سال ششصد و بیست و شش بوقوع آمد

چون بصد نصرت بملک خلد رفت	ناصر الدین شاه ملت با صلاح

رحلتش نور علی نور ست و نیز	ناصر دین نبی اهل فلاح
تاریخ وفات شجاع بیگ المشهور شاه بیگ ارغون که در سال نهصد و ... بوقوع آمد	
چون بتقدیر خدای ذو الجلال	گشت راهی سوی جنت شاه بیگ
سال تاریخ وصالش از خرد	شد عیان سلطان دولت شاه بیگ
تاریخ وفات شاه حسین بن شاه بیگ که در سال نهصد و شصت و دو بوقوع آمد	
چو منزل گزین شد بخلد برین	ازین دهر برچید دامان حسین
بصد حسن تاریخ وصلش بگو	امیر جهان تاج احسان حسین
تاریخ وفات میرزا عیسی خان ترکمانی که در سال نهصد و هفتاد و پنج بوقوع آمد	
همچو عیسی شد بچرخ چارمین	چون نکو آیین عیسی ترکمان
گفتم بحبش آمد وصال او ز دل	هم محب دین عیسی ترکمان
تاریخ وفات سلطان محمود بهکری که در سال نهصد و هشتاد و دو بوقوع آمد	
چون برون گشت از حد حملهای اکبر	سلطنت داد او خود اندر جهان محمود رفت
سال تاریخش بسر ورا ز دل پرورد خویش	شد عیان محمود والی جهان محمود رفت
تاریخ وفات میرزا باقی ترخانی ترکمانی بن شاه حسین که در سال نهصد و نود و سه	
چو باقی بدار البقا رخت بست	بجز نام باقی نماندش نشان
بتاریخ آن پهلوان شیر گیر	بیان شد ز سرور رستمتن زمان
تاریخ وفات میرزا جانی ترخانی برادر میرزا باقی که در سال یکهزار و نه بوقوع آمد	
چو جانی داد جان خود بجان بخش	بجنت رفت با نیکوتر احوال
ز جانی فخر دنیا جو وصالش	دگر بر گیر جا نی فخر اجلال
ذکر سلاطین ملتان	
تاریخ وفات سلطان قطب الدین لنگاهی ملتانی که در سال هشتصد و هفتاد و ...	
قطب دین شاه زمان قطب جهان	قطب جنت شد چو با صد افتخار
خیر دین گو رحلت آن پادشاه	هم بخوان قطب السلاطین شهسوار
تاریخ وفات شاه حسین لنگاهی ملتانی که در سال نهصد و چار بوقوع آمد	
چون ز دنیا یافت حسن عاقبت	شاه محسن صاحب حشمت حسین

۱۹۳

رحلتش فرما امین نیکو خصال
هم حسن محسن جو آمد ولت حسین

قطعهٔ ثانی

بحکم خداوند ملک و ملک
ز دنیای دون شد بجنت حسین
ز دل شد پی سال وصلش ندا
که عالی مکان حسن دولت حسین

تاریخ وفات محمود بن فیروز بن حسین لنگاهی که در سال هشتصد و سی و یک

ز دنیا رفت در خلد معلی
چو آن محمود شاهنشاه معصوم
بتاریخش خرد فرمود سرور
بگو شد شاه حق آگاه معصوم

ذکر شاهان کشمیر جنت نظیر

تاریخ وفات راجه رنجن دیو ملخاطب سلطان صدرالدین که در سال هفتصد و بیست و هفت

ز دنیا چو بر صدر جنت نشست
شه دین ولی صدر دنیا و دین
وصالش ز منصور ناصر بجو
دگر مهربان صدر دنیا و دین

تاریخ وفات شاه میرشاه پادشاه کشمیری که در سال هفتصد و چهل و هفت بوقوع

سفر کرد چون شاه میر از جهان
ز حق یافت در قصر فردوس جاه
شود سال ترحیل او جلوه گر
امیر جهانگیر اهل صفا

تاریخ وفات سلطان جمشید بن شاهمیر که در سال هفتصد و چهل و هشت بوقوع آ

چو آن جمشید دیشان شاه جمجاه
شد از دست علی مجروح و مقتول
ز حشمت سال ترحیلش بجستم
دگر آمد به امقتول موصول

تاریخ وفات سلطان علی کشمیری که در سال هفتصد و پنجاه و هشت بوقوع آمد

علی اعلی لقب سلطان عالی
چو با قدر معلی در جنان شد
ز عالی مرتبه جستم وصالش
دگر باره شه جنت مکان شد

تاریخ وفات سلطان شهاب الدین کشمیری که در سال هفتصد و نود بوقوع آ

ز دنیای دون یافت در خلد جا
چو آن شاه دین اهل دولت شهاب
بتاریخ ترحیل او هاتفم
بگفتا بگو آن سپهر جنت شهاب

قطعهٔ ثانی

گشت چون سلطان شهاب اهل دین
از جهان بر اوج جنت بهره یاب

۱۹۴

سال تاریخش چو جستم از سروش	شد ندا از مقبل دین پرور شهاب
تاریخ وفات سلطان قطب الدین کشمیری که در سال هشتصد و نوزده بود	
چو قطب السلاطین ولی قطب الدین	ز دنیای دون رفت قطب جهان
بتاریخ ترحیل آن اهل جاه	بگو قطب ملت بدیع الزمان
تاریخ وفات سلطان سکندر بت شکن کشمیری که در سال هشتصد و نوزده بود	
چو گم باذات خالق دو جهان	گشت موصول شاه اسکندر
والی بت شکن بگو تاریخ	نیز مقبول شاه اسکندر
تاریخ وفات سلطان علی بن سکندر بت شکن که در سال هشتصد و بست و شش بود	
علی شاه عاسے نسیب مهر دین	بخلد برین یافت جای قرار
بجو سال وصلش ز خاقان دین	دگر بار فرماے علی شهسوار
تاریخ وفات شاهی خان مخاطب بزین العابدین که در سال هشتصد و هفتاد و هفت بود	
چو آن ذو الکرم شاه زین العباد	سفر کرد بر آسمان از زمین
بوصلش بگو شمع زینت دگر	سعید زمان زینت العابدین
تاریخ وفات شاه حیدر کشمیری که در سال هشتصد و هفتاد و نه بود	
چو با صد حسرت و افسوس آخر	ز دنیا شد جوان حیدر شهنشاه
بسال رحلت آن شاه عالی	زوال آمد عیان حیدر شهنشاه
تاریخ وفات شاه حسن ولد حیدر شاه که در سال هشتصد و نود و سه بود	
ز دنیا شد چو حسن وی فرو در	حسن آن شاه مرد با مروت
بگو با شفیق سال رحلت او	دو باره خواه مرد با مروت
تاریخ وفات فتح شاه بن ادهم خان بن زین العابدین که در سال هشتصد و ...	
چو آن مفتاح دین فتاح عالم	ز دنیا رفت در جنت خرامان
بسال ارتحال آن شه دین	دلم فرمود شاهنشاه دوران
تاریخ وفات محمد شاه بن شاه حسن که در سال نهصد و چهل و چار بود	
چون محمد ازین سراے عدم	رفت خندان بسوے گلزار
فخر دین گو بسال ترحلش	هم بگو آن آفتاب پر انوار

قطعهٔ ثانی

جای خود ورزید در خلد برین … چون محمد آن شه روشن ضمیر
سال تاریخ وصالش سرورا … گو محمد شاه دین میر کبیر

تاریخ وفات سلطان شمس الدین بن محمد شاه که در سال نهصد و چهل و پنج بوقوع آمد

شد چو از عالم بصد عز و وقار … میر اکبر شاه شمس الدین سعید
فخر دنیا گو وصال پاک او … بار دیگر شاه شمس الدین سعید

تاریخ وفات اسماعیل شاه بن محمد شاه که در سال نهصد و چهل و هفت بوقوع آمد

شاه والاجاه اسماعیل شاه … چون درین دنیای دون مهمان نبود
رحلتش فیاض دانا شد رقم … بار دیگر از جهان معدوم گشت

تاریخ وفات نازک شاه بن فتح شاه که در سال نهصد و پنجاه و هشت بوقوع آمد

پادشاهانه بملک جنت رفت … چون نهٔ پادشاه نازک تن
دانی فضل گو تاریخش … هم توئی پادشاه نازک تن

تاریخ وفات شاه چک غازی کشمیری که در سال نهصد و هفتاد و یک بوقوع آمد

چونکه غازی چک ازین فانی مقام … رفت با اعمال و بد دار الجزا
سال مرگ آن شه اهل ستم … خان اکبر هست ای یار دیا کلک قضا

تاریخ وفات حسین شاه چک که در سال نهصد و هفتاد و هفت بوقوع آمد

ز دنیا چو شد با هزاران الم … حسین آن جفا پاک اهل تشیع
بتاریخ آن اهل جور و جفا … خرد گفت سفاک اهل تشیع

تاریخ وفات علی شاه برادر حسین شاه که در سال نهصد و هشتاد و شش بوقوع آمد

چون علی اعلی مراتب بادشاه … از جهان با حسرت و غم اه رفت
سال تاریخش بطرز طرفه‌تر … هاتفم فرمود سرور شاه رفت

تاریخ وفات یوسف شاه بن علی شاه که در سال نهصد و نود و نه بوقوع آمد

شد چو یوسف ازین سرای سپنج … در بقا زو قدم بپای ثبات
چشم زخم است رحلت آن شاه … هم دگر بار رقم الدرجات

١٩٧

۱۹۶

ذکر شاهان عثمانی سلاطین روم

تاریخ وفات امیر سلیمان ابو الآبای شاهان عثمانی که در سال ششصد و بیست و شش بوده

سلیمان چو بر تخت جنت نشست	بتاریخ او شد ندا از ضمیر
یکی قبلهٔ اهل جنت بگو ۶۲۶	دگر سایهٔ حق سلیمان امیر ۶۲۶

تاریخ ولادت و وفات سلطان عثمان بن طغرل بن سلیمان بادشاه اول از سلاطین عثمانی که ولادتش در ششصد و پنجاه و شفت و وفات در سنه هفتصد و بیست و شش بوده

امیر جهان بانی خاندان	شه دهر عثمان اهل کمال
بتولید آن شاه دولت پناه	زبیدار دولت بجو سن و سال
بتاریخ ترحیل او دین پرست ۷۲۶	بخوان بار دیگر عدیم المثال ۷۲۶

قطعه ثانی

رفت چون عثمان چو عثمان در بهشت	سال وصل آن شه روی زمین
از دلم آمد عیان عثمان نجیب ۷۲۶	گشت پیدا باز شاهنشاه دین ۷۲۶

تاریخ ولادت و وفات سلطان ارخان بن عثمان که ولادتش در سال ششصد و هشتاد و یک و وفات در سنه هفتصد و شصت و یک بوقوع آمده

شاه ارخان که ذات اقدس او	حامی دین مصطفی آمد
گشت رافت عیان بتولیدش	همدگر سایهٔ خدا آمد
محرز دین است رحلتش دیگر ۷۶۱	از خرد شاه مجتبی آمد ۷۶۱

تاریخ ولادت و وفات سلطان مرادخان بن ارخان عثمانی که ولادتش در سال هفتصد و بیست و هشت و وفات در سنه هفتصد و نود و یک بوقوع آمده

شاه عالی شان مراد اهل دین	آنکه با در مثل او دیگر نزاد
گشت پیدا عارف دین بادشاه ۷۲۸	طرفه تر تولید این نیکو نهاد
رحلت پاکش خرد با صد الم	گفت جان اهل جنت با مراد ۷۹۱

تاریخ وفات سلطان بایزید یلدرم بن مرادخان که در سال هشتصد و پنج بوقوع آمد

بایزید آن شاه اهل عدل و داد	چون به تخت خلد اعلی رفت با
رحلتش از دل عیان شد جان نثار	همدگر اهل صد امت با صفا

تاریخ وفات سلطان محمد خان عثمانی که در سال هشتصد و بست و چار بوقوع آمد

چون محمد شاه والاجاه نیکو خاتمت ... از زمانه روی خود در پرده جنت نهفت

گفت دل تاریخ وصلش چون جد بهرامی بریز ... همدگر شاه محمد شاه عالی جا گفت

تاریخ ولادت و وفات سلطان مراد خان ثانی عثمانی که ولادتش در سال هشتصد و شش و وفات در سال هشتصد و هشتاد و شش بوقوع آمد

مراد آن شه رستم دین حق ... امیر زمن صاحب عقل و داد

خداوند عالم عجب طرفه تر ... تولید آن شاه آمد بیاد

شد از دل بتاریخ ترحیل او ... ندا شیر دل پهلوان با مراد

تاریخ وفات سلطان بایزید ثانی عثمانی که در سال نهصد و هیژده بوقوع آمد

چو سلطان بایزید آن شاه ذیجاه ... شد از اهل جهان سر در جنت

رفیع المنزلت گو ارتحالش ... دگر باره بخوان سر در جنت

قطعه ثانی

چون بایزید صاحب اکرام تخت و تاج ... زین دهر رخت بست و بملک جنان رسید

جستم چو سال رحلت و از بهر وش غیب ... گفتا بگو که منبع اخلاص بایزید

تاریخ وفات سلطان سلیم عثمانی که در سال نهصد و بست و شش بوقوع آمد

سلیم از جهان چونکه بیرون شد ... سلامت روان شد بخلد عظیم

رقم کن تبر ترحیل او اهل فیض ... دگر تاج اسلام میر سلیم

تاریخ وفات سلطان سلیمان خان عثمانی که در سال نهصد و هفتاد و چار بوقوع آمد

سلیمان چون بملک جاودان رفت ... بسال وصل یار حق سلیمان

ولایت منزلت با فضل و دین گو ... دوباره وصل یار حق سلیمان

تاریخ ولادت و وفات سلطان سلیمان خان ثانی عثمانی که ولادتش در سال نهصد و بست و نه و وفات در سنه نهصد و هشتاد و دو بوقوع آمد

سلیمان جاه سلطان شاه عالی ... که بود از غیر حق مامون و مصئون

بگو فیاض و الاسال تولید ... که آمد راست در تاریخ مضمون

ز بهر سال ترحیلش رقم کن ... ثریا جاه سلطان همایون

۱۹۸

[illegible]

تاریخ وفات مراد خان ثالث که در سال یکهزار و چار هجری بوقوع آمد

چون مراد از حق مراد خویش یافت	رخت خود در جنت والا نهاد
جامع فیض است سال وصل او	بار دیگر خان عادل با مراد

تاریخ وفات محمد خان ثالث عثمانی که در سال یکهزار و سیزده بوقوع آمد

چو در بزم محمد رفت در سند	محمد با وقار صاحب عدل
محمد را اکرام آمد وصل او نیز	محمد شهریار صاحب عدل

تاریخ وفات سلطان احمد اول که در سال یکهزار و بیست و نیم یا بیست و شش بوقوع آمد

رفت چون احمد به بزم احمدی	از جهان بر بلا بربست بار
تاج برکت گو وصال پاک او	بار دیگر نور احمد شهریار

تاریخ قتل سلطان عثمان ثانی که در سال یکهزار و سی و دو بوقوع آمد

چو عثمان یافت چون عثمان شهادت	بوصل وصل حق گردید موصول
بتاریخش بخوان فیاض عالم	دگر باره قوی دل شاه مقتول

تاریخ وفات مراد خان چهارم عثمانی که در سال یکهزار و چهل و نه بوقوع آمد

چون ز دنیا مراد جنت یافت	مرد دین با سعادت اهل مراد
سال تاریخ وصل او سرور	هست شها بجنت اهل مراد

تاریخ شهادت سلطان ابراهیم عثمانی که در سال یکهزار و پنجاه و هشت بوقوع آمد

چو نکه زین کلبه ملال و الم	خوش بجنت رسید ابراهیم
سال وصلش شد از دلم پیدا	مولعا شد شهید ابراهیم

تاریخ ولادت و وفات سلطان سلیمان ثانی که ولادتش در سال یکهزار و پنجاه و دو و وفات در سنه یکهزار و یکصد و سه بوقوع آمد

سلیمان چو با حشمت و عز و جاه	بعرش برین شد ز فرش زمین
بتاریخ ترحیل آن پادشاه	بگو منزل او بهشت برین

قطعه ثانی

سلیمان اهل تاج و قیصر روم	که شد با وی ادا اقبال و دولت
ز دولت خواه تولیدش بجستم	که شد حاصل مرا سالش سلامت

یکی مار بهی ساز دل شمع فیض	دگر اخلاص کیش آمد ولادت
بر سبیل یکی آن سلطان رقم کرد	شال گلشن اقبال و جنت

تاریخ وفات سلطان احمدخان ثانی عثمانی که در سال یکهزار و یکصد و شش بوقوع آمد

احمد آن عابد خدای کریم	یافت آخر به بزم احمد جا
اعظم الدین بگو تا ریخش	شمع فیض احمدی فرما

قطعهٔ ثانی

رفت در بزم احمدی آخر	احمد آن پادشاه عالیشان
سال تاریخ آن شه والا	حافظ دین احمد است جنان

تاریخ وفات محمود اول عثمانی که در سال یکهزار و یکصد و شصت و هفت بوقوع آمد

چون شه محمود محمود الخصال	رفت از دنیا بخلد جاودان
رحلتش محمود ظل الحق بگو	اهل نعمت عاقبت محمود جنان

قطعهٔ ثانی

اهل محامد شه محمود دین	گشت چو زین دهر بجنت روان
سال وصال دل پر درد من	گفت که محمود بهشت آشیان

تاریخ وفات عثمان ثالث که در سال یکهزار و یکصد و هفتاد و دو بوقوع آمد

شاه عثمان شه ولایت دین	شد ز دنیا بجنت الاعظم
سال تاریخ آن شه والا	هست عثمان دین شه عالم

تاریخ وفات سلطان مصطفی خان ثالث که در سال یکهزار و یکصد و هشتاد و هفت بوقوع آمد

مصطفی چون آن شه گردون مکان	یافت در خلد معلی مدعا
رحلتش روشن شد از اوج خرد	نور دین جامی شرع مصطفی

تاریخ وفات عبدالحمیدخان عثمانی که در سال یکهزار و دو صد و چهار بوقوع آمد

چو سلطان دین شاه عبدالحمید	مکان یافت در خلد و بنیاد بهشت
بتاریخ ترحیل آن میر دین	بگو زیب دین پادشاه بهشت

تاریخ وفات سلطان محمود ثانی عثمانی که در سال دو صد و پنجاه و پنجم بوقوع آمد

شاه محمود آن حمید العاقبت	چون ز دنیا یافت معراج بهشت

۳۰۰

سال وصل او ست منظور جهان ۱۲۵۵	بار دیگر جلوه تاج بهشت ۱۲۵۵

تاریخ ولادت و وفات سلطان عبد المجید خان عثمانی که ولادتش در سال یکهزار و دو صد و سی هشت یا سی نه و وفات در سنه یکهزار و دو صد و هفتاد و هفت

ولی اهل سیف و قلم پادشاه	شهنشاه عبد المجید سعید
شده چشمه فیض تولید او ۱۲۳۸	وصالش ز بحر سخاوت پدید ۱۲۷۷
دوباره وصالش نکو اختر است ۱۲۷۷	دگر غازی الدین عبد المجید ۱۲۷۷

قطعه ثانی

شاه عبد المجید والا جاه	آنکه مثلش نبود کس زین پیش
سال تولید آن شه والا	هست عبد المجید خیر اندیش ۱۲۳۹
بازجستم ز مظهر اسلام ۱۲۷۷	سال ترحیل آن سعادت کیش
خان عبد المجید عالی شان ۱۲۷۷	رحلتش گفت طبع روشن ضمیر

ذکر شاهان سور افغان

تاریخ ولادت و وفات شیر شاه پادشاه دهلی که ولادتش در سال هشتصد و نود و هفت و وفات در سنه نهصد و پنجاه و دو بوقوع آمد

شیر شاه شیر دل شیر دلیر	شیر دین شیر جوان بخت جوان
بر زمین چون جلوه گر شد مثل ماه	شمع زینت شد بتولیدش عیان
سال وصل او عیان شد از خرد	پادشاه شیر دل اهل جهان ۹۵۲
باز شد روشن ز دل حور بهشت ۹۵۲	رحلت آن شاه دین جنت مکان

تاریخ ولادت و وفات اسلام شاه پادشاه هند که ولادتش در سال نهصد و ... و وفات در سنه نهصد و شصت بوقوع آمد

شهنشاه اسلام اسلام شاه	که برا برج دین بود چون آفتاب
ز بحر الکرامت شود جلوه گر	بتولید او گر شمار رسے حساب
ز دل سال ترحیل او شد عیان	شهنشاه اسلام عالی جناب

تذکره شاهان ایرانی و کابلی

تاریخ وفات شاه طهماسب شاه ایرانی که در سال نهصد و هشتاد و چهار بوقوع آمد

از زین دار فنا رخت سفر بست … چو طهماسب شه ذیجاه ایران
بتاریخ وصال او ز سرور … رقم شد شاه عالی شاه ایران

تاریخ وفات نادرشاه ایرانی که در سال یکهزار و یکصد و شصت بوقوع آمد

جابر دهر شاه نادرشاه … بود لشکرکشش مثال قهر خدا
گفت تاریخ رحلتش سرور … سیف اهل جلال قهر خدا

تاریخ وفات احمدشاه بادشاه درانی که در سال یکهزار و یکصد و هشتاد و چهار بوقوع آمد

احمد آن غازی دین احمدی … شد چو در جنت بالطاف خدا
رحلتش محبوب حق غازی بگو … هم بخوان خورشید دین آی باصفا
باز جستم رحلت پاکش ز دل … شاه احمد بادشاه القبا
طالب الله غازی محبوب دان … رحلت آن شاه با حلم و حیا

تاریخ وفات تیمورشاه بن احمدشاه درانی که در سال یکهزار و دو صد و هفت بوقوع آمد

ز دنیای دون شد بخلد برین … چو آن میر تیمور بحر کمال
بتاریخ ترحیل او طرفه تر … بخوان میر تیمور بحر کمال

تاریخ وفات شاه شجاع الملک که در سال یکهزار و دو صد و پنجاه و نه بوقوع آمد

رفت از دنیا بجنات النعیم … چون شجاع ملک و دولت اهل حق
گفت تاریخ وصال او خرد … گو شه اهل شجاعت اهل حق

تاریخ وفات امیر دوست محمدخان بارکزی که در سال یکهزار و دو صد و هفتاد و نه

رفت در بزم محمد در جنان … چون محمد دوست با صد آگهی
از سر افسوس سال وصل اوست … با محمد دوست میر حقیقی

صید از وهم شتلر قطعات تاریخ وفات امرا و وزرای بادشاهان هند و دیگر فرمانروایان صوبه بنجاب

تاریخ وفات آصف خان غیاث الدین ولد بدیع الزمان قزوینی وزیر با تدبیر اکبر بادشاه که در سال نهصد و هشتاد و سه بوقوع آمد

سفر چون کرد از دنیا غیاث الدین آصف جاه … بجنت یافت جای خویش اندر قرب جانی
عیان شد گنج فضل الهی هاتف غیب شد … دگر آمد ندا از دل وزیر آصف ثانی

تاریخ وفات اجه بیربر امیر مشیر اکبر شاه که در سال نهصد و نود و چهار بوقوع آمد

بپوشید روی خود از روی مهر — چو آن را که بحر و بر زیر ما بر
بگو سال ترحیل ممتاز وقت — دگر مرد عالی گهر بر

تاریخ وفات بیرم خان وزیر و اتالیق اکبر شاه که در سال نهصد و شصت و هفت

چو بیرم ز دار فنا رخت بست — بلطف خدا شد بدار السلام
بگو ذو الکرم سال تاریخ او — بفرما دگر خان اقدس مقام

تاریخ وفات ابو الفیض فیضی شاعر عهد اکبر بادشاه که در سال یکهزار و دو بوقوع آمد

ابو الفیض آنکه متخلص بفیضی ست — جناب علم دنیا بود و الی
ز دل فیاض عام آمد وصالش — همایون فیض و هم فیاض عالی

تاریخ وفات نواب بهادرخان که در سال یکهزار و ده هجری بوقوع آمد

آن بهادرخان وزیر اکبری — بود عالی مرتبت عالی مکان
گشت سال انتقالش از خرد — بنده نیکو بهادرخان عیان

تاریخ وفات شیخ ابو الفضل امیر اکبر شاه که در سال یکهزار و یازده بوقوع آمد

حضرت ابو الفضل فضل اهل فضل — فاضل افضل امیر با کمال
صاحب فضل آمده تاریخ او — بار دیگر فاضل اهل جلال
بر ملا فیاض عالی جاه گفت — عقل بعد از نقل او تاریخ سال

تاریخ وفات نواب احتشام خان بن قطب الدین خان بن خواجه سلیم چشتی که در سال یکهزار و

چو آن محتشم احتشام جهان — ز حق یافت در خلد والا مقام
بتاریخ او آمد از دل ندا — امین اهل دل صاحب احتشام

تاریخ وفات خانخانان مهابت خان امیر شاهجهانی که در سال یکهزار و چهل و پنج بوقوع آمد

مهابت خان خانان خان والا — باخر رفت از دنیا بجنت
بگو دهی القدر سال رحلتش نیز — و بارا یار سا میر عنایت

تاریخ وفات آصف خان ابو الحسن طهرانی برادر نورجهان بیگم که در سال یکهزار و

ابو الحسن آصف امیر با وقار — عاقل است و عالم است و عامل است
فضل عالم هست تاریخش دگر — خان والا ابو الحسن آصف دل است

تاریخ وفات نواب وزیر خان مرحوم که در سال یکهزار و پنجاه و چهار بوقوع

بدربار جنت چو شد بار یاب ... وزیر امین میر روشن ضمیر
بتاریخ ترحیل او شد عیان ... معلی تکمیل وزیر بشیر

تاریخ وفات نواب سعد الله خان وزیر که در سال یکهزار و پنجاه و شش بوقوع آمد

یافت ملک خلد از دربار حق ... چونکه بعد از وصل سعد الله خان
رحلتش شمع مروت گفت قسم ... نیز صاحب عدل سعد الله خان

تاریخ وفات نواب علی مردان خان که در سال یکهزار و شصت بوقوع آمد

امیر صاحب حشمت شیر صاحب دولت ... ثنا گوئی علی و مرد حق آگاه مرد دلبر خان
سفر چون کرد از دار فنا سوی بقا آخر ... خرد فرمود تاریخش که ما لیجا مردان خان

تاریخ وفات آصف جاه اله وردی خان ترکمان که در سال یکهزار و شصت و هشت بوقوع آمد

چون اله وردی امیر با صفا ... رفت از دنیا بخلد جاودان
گشت سال ارتحالش جلوه گر ... طالب یکدل امیر ترکمان

تاریخ وفات امیر نصرت جنگ که در سال یکهزار و هفتاد بوقوع آمد

امیر غازی میدان جنگ نصرت خان ... که بود حمله تیغش بجنگ مثل نهنگ
چو خورد ضربه تیغ فنا ز دست اجل ... ندا شد از دل سرور امیر نصرت جنگ

تاریخ وفات سید اسلام خان وزیر شاهجهان که در سال یکهزار و هفتاد و چهار بوقوع آمد

چون بحکم حق زچشم اهل خلق ... شد نهان اسلام فضل ایزدی
رحلتش گو عارف جنت کریم ... هم بخوان اسلام فضل ایزدی

تاریخ وفات امیر خان میر میران که در سال یکهزار و هفتاد و هشت بوقوع آمد

میر میران چو از عطای خدا ... شد ز دنیا بخلد بی تعلیل
خواجه جنتی است تاریخش ... هم بخوان میر عادل ابن خلیل

تاریخ وفات میر خلیل الله خان ولد میر میران نعمت الله خان که در سال یکهزار و هشتاد و هفت بوقوع آمد

داخل جنت چو شد با عز و شان ... میر دین واقف خلیل الله خان
میر نعمت قبله عالم آمده است ... رحلتش عارف خلیل الله خان

تاریخ وفات شایسته خان ابو طالب آصف خان طهرانی که در سال یکهزار و هشتاد و هفت بوقوع آمد

میر شایسته چو آن شایسته کار ... رفت از دنیا بخلد جاودان

۲۰۵

سال تاریخش رضا مولی بگو / زنده دل شایسته یار است ای جوان

تاریخ وفات امیر عالمگیری محرم خان که در سال یکهزار و یکصد و ده بوقوع آمد

چونکه محرم بفضل ربانی / از جهان یافت در بهشت مکان

سال تاریخ رحلتش سرور / کن رقم نیک نام محرم خان

تاریخ وفات خیر اندیش خان کمبو امیر شاهجهانی که در سال یکهزار و یکصد و بیست

خیر اهل خیر خیر اندیش خان / یافت از دنیا چو با حق اتصال

ارتحالش طرفه دخل جنت است / خیر دین مرد است هم تاریخ سال

تاریخ وفات دانشمند خان المشهور میر نعمت خان المتخلص بعزّ محمد شیرازی که در یکهزار و یکصد و ...

ز دنیای دون شد بخلد معلی / چو یارب این نکته دان میر نعمت

بتاریخ ترحیل آن میر علی / رقم گشت میر جهان میر نعمت

تاریخ وفات اعتقاد خان وزیر جهاندارشاه که در یکهزار و یکصد و بیست و پنج بوقوع آمد

اعتقاد از اعتقاد پاک خویش / شد چو از دنیا بجنت رو نهاد

سال ترحیلش چو جستم شد عیان / نیر والا امیر اعتقاد

باز تاریخش خلیل مجتبی است / هم سخی مجتبی آمد بیاد

تاریخ وفات اسد خان وزیر عالمگیری که در سال یکهزار و یکصد و بیست و شش بوقوع آمد

رفت زین ویرانهٔ فانی بخلد / چونکه آن والا اسد خان شیردل

مقعد اشرف بگو تاریخ او / بار دیگر شیر یزدان شیردل

تاریخ وفات حسین علیخان شهید که در سال یکهزار و یکصد و سی و سه بوقوع آمد

چون حسین آن حسن دور زمان / رفت از دار فنا با نیک خو

گشت تاریخ وصال او عیان / شیخ اکبر هم شهید خوبرو

تاریخ وفات نواب محمد امین خان نقشبندی که در سال یکهزار و یکصد و سی و سه

چون محمد امین امین الله / شد ز دنیای دون بخلد مقیم

سال تاریخ رحلتش سرور / گو محمد امین سخی کریم

تاریخ وفات عنایت الله خان بهادر وزیر عالمگیر که در سال یکهزار و یکصد

میر عالم عنایت الله خان / شد بجنت چو از جهان جاگیر

سال توصیل آن ذو الاکرام باز تاریخ رحلتش فرما		هست صاحب وزیر با تدبیر ۱۱۳۵ شمس عالم وزیر عالمگیر
تاریخ وفات نواب سید محمد قطب الملک که در سال یکهزار و یکصد و سی و سه بوقوع آمد		
چو قطب الملک عبد الله محمد غلام الله و فضل المومنین خواند		بجنت شد ز دنیا انتقالش محمد ذی القدر سال وصالش
تاریخ وفات معتمد الدوله اسحاق خان که در سال یکهزار و یکصد و پنجاه بوقوع آمد		
چون بحکم خالق اصل جهان از نظر تاریخ ترحیلش بجو		شد ز دنیا در جنان اسحاق خان هم بخوان رکن جهان اسحاق خان
تاریخ وفات صمصام الدوله محمد عاصم خان دوران که در سال یکهزار و یکصد و پنجاه		
چون ز دنیا رفت عاصم دهر گفت مشتاق برحق هست اول		عقل تاریخ او که شایان است ۱۱۵۱ باز دلدار خان دوران است
تاریخ وفات امیر محمد امین المخاطب برهان الملک سعادت خان که در سال یکهزار و		
چو از دهر شد سوی جنت روان بتاریخ ترحیل او طرفه تر		محمد امین میر روشن ضمیر بخوان با سعادت امین شهیر
تاریخ وفات ذو الفقار الدوله نجف خان صفوی که در یکهزار و یکصد و پنجاه و شش بوقوع آمد		
ذو الفقار آن صاحب سیف و قلم مصر افضل گو وصالش طرفه تر		یافت چون از حق بدار خلد بار باز چو سالش ز والا ذو الفقار
تاریخ وفات نواب قمر الدین خان وزیر محمد شاهی که در سال یکهزار و یکصد و شصت و		
شد ز دنیا چو در بهشت برین سیر افضل بگو تا بر نخش		قمر الدین وزیر نیک اختر نیز بحر کمال رشک قمر
تاریخ وفات ظفر خان امیر محمد شاهی که در سال یکهزار و یکصد و شصت و سه بوقوع آمد		
روشن الدوله ظفر خان با ظفر دل بسال ارتحالش طرفه تر		شد چو از دنیا بجنت بار یاب گفت روشن حامی دین آفتاب
تاریخ وفات اسد یار خان المتخلص بانسان که در سال یکهزار و یکصد و شصت و دو		
چون آن سفر ورزید از دنیا شد		رفت مثل شیر در خلد برین

۳۰۶

ارتحالش شیر دل شیر حق است | بار دیگر جو زخیر الاکرمین

تاریخ وفات آصف خان نظام الملک قمر الدین صوبه دار که در سنه ابوقوع آمد

ناظم دین نظام اهل جهان | شد ز دنیا چو در بهشت برین
سال تاریخ رحلتش سرور | هست اهل جمال ناظم دین

تاریخ وفات ابومنصور صفدر جنگ صوبه اوده که در سنه ابوقوع آمد

میر منصور چون بعد نصرت | گشت روشن بجنت پرنور
دل بتاریخ رحلت یاکش | گفت عادل سخی ابومنصور

تاریخ وفات میر معین الملک المشهور میر منو صوبه لاهور که در سنه ابوقوع آمد

معین جهان میر والاصفات | چو شد از جهان در بهشت برین
شد از دل بتاریخ ترحیل او | عیان بنده خاص میر معین

تاریخ وفات نواب بکهاری خان مرحوم که در سنه هجری بوقوع آمد

سید دین حق بکهاری خان | شد بخلد برین چو از عالم
گفته ام شیخ پارسا تاریخ | کرده ام زینت بهشت رقم
ارتحالش سراج فضل آمد | سید معنی است ای همدم

تاریخ وفات شجاع الدوله جلال الدین حیدر که در سنه هجری بوقوع آمد

شجاع شیر دل مردانه دهر | بفضل حق ز دنیا شد بجنت
بتاریخ وصال او رقم کن | امین الله مرد با شجاعت

تاریخ وفات حافظ جمال الدین المشهور حافظ لدها که در سال سنه هـ بوقوع آمد

حافظ قران جمال اهل دین | شد چو از دنیای دون باعز و جاه
حق نما حافظ بگو تاریخ او | بار دیگر حافظ عالم پناه

تاریخ وفات نواب آصف الدوله محمد یحیی که در یکهزار و دو صد و دوازده بوقوع آمد

آصف ثانی و سلیمان جاه | شد چو واصل بقرب یزدانی
گفت تاریخ رحلتش سرور | با صفا شاه آصف ثانی

تاریخ تقرر حکومت رنجیت سنگه در لاهور که در یکهزار و دو صد و شانزده بوقوع آمد

جوان و جوان بخت رنجیت سنگه | شه ملک پنجاب با عز و فر

۲۰۷

چو بر شهر لاهور شد و خلیاب — بگو سال اجلاس اہل ظفر

تاریخ ولادت و وفات حافظ نور محمد لاهوری که ولادتش در سال یکهزار و یکصد و شصت و شش و وفات در یکهزار و دوصد و سی و پنج بوقوع آمد

حضرت نور محمد نور دین — شیخ عالم بنده نیکو سرشت
سال تولیدش رقم شد شیخ نور ۱۱۶۶ — رحلت او نور ارکان بهشت ۱۲۳۵

تاریخ ولادت و وفات مولوی حافظ روح الله لاهوری که ولادتش در سال یکهزار و یکصد هفتاد و یک و وفات در سنه یکهزار و دوصد و چهل و چهار بوقوع آمد

حسیم علم و روح دنیا جان دین اہل راح — شیخ حق آگاه روح الله روح جنتی ۱۲۴۴
شیخ اکرم ۱۱۷۱ سال تولیدش رقم شد جلتش — وان فنا فی الله روح الله روح جنتی

تاریخ وفات رنجیت سنگه والی پنجاب که در سال یکهزار و دوصد و پنجاه و شش بوقوع آمد

چو از چشم خلق جهان کرد رو — نهان شمس پنجاب رنجیت سنگه
بتاریخ ترحیل او طرفه تر — بخوان شمس پنجاب رنجیت سنگه ۱۲۵۶

قطعه ثانی

شاه رنجیت حاکم پنجاب — مثل او در زمانه نایاب است
سال وصلش چو از خرد جستم — گفت خورشید جمله پنجاب است ۱۲۵۶

تاریخ وفات کهرک سنگه بن رنجیت سنگه که در سال یکهزار و دوصد و پنجاه و هفت بوقوع آمد

ز دنیا چو شهزاده کهرک سنگه — روان گشت با عز و جاه و وقار
بتاریخ ترحیلش ای خوش خصال — بگو شاه والا قدر تاجدار ۱۲۵۷

تاریخ وفات نونهال سنگه بن کهرک سنگه که در سال مذکور بوقوع آمد

چونکه آن نونهال گلشن دهر — رفت بی برز باغ دور زمان
از سر آه گفتمش تاریخ — باید ر رفت حیف از دوران ۱۲۵۷

تاریخ قتل شیر سنگه بن رنجیت سنگه که در سال یکهزار و دوصد و شصت بوقوع آمد

راجه شیر سنگه رفت از دهر — چونکه از نعمت جهان شد سیر
سال تاریخ رحلت آن شاه — کن رقم شاه عدل شیر دلیر ۱۲۶۰

۲۰۸

قطعهٔ ثانی

چون سفر ورزید از دار فنا | شاه والا جاه جا قبل شیر سنگه
بهر تاریخ وصالش طرفه تر | گفت سرور شیر عادل شیر سنگه

قطعهٔ ثالث

چون ز دست معاندانش شد قتل | شیر سنگه آن امیر با توقیر
سال تاریخ رحلتش سرور | گفت شیر دلیر بد ز منیر

تاریخ قتل راجه دهیان سنگه وزیر که در یکهزار و دو صد و شصت بوقوع آمد

چون قتل ز دست دشمن خویش | شد صاف وزیر اجل شمشیر
تاریخ وصال او رقم شد | سیاف وزیر اجل شمشیر

قطعهٔ ثانی

گشت افسوس چون بناحق قتل | دهیان سنگه آن وزیر با تدبیر
دل سرور بسال رحلت او | گفت کامل مشیر با تدبیر

تاریخ قتل مهر کسیا که در سال یکهزار و دو صد و شصت بوقوع آمد

تها قابل نهی جسکه بوسخا برابری صفا کیشا | تو بعد قتل آه کوئی برزبان مین کہیا سوا ہو کیشا
زہی تاریخ نقل او سکی بہت تجسس جو کی تو آخر | یہہ دل سی آئی ندا کیشا زمین مین ہی گیا کیشا

تاریخ وفات سردار جیت سنگه سندهانوالیه که در سال یکهزار و دو صد و شصت بوقوع آمد

جیت سنگه آن قاتل شیر دلیر ملک ہند | ضربۂ تیغ اجل سی جبکہ گهائل ہو گیا
دل نی سال قتل مین وسی قاتل بی رحم کی | یون کہا قتل اجل آقا کا قاتل ہو گیا

تاریخ وفات فقیر عزیز الدین مرحوم که در سال یکهزار و دو صد و شصت بوقوع

شد عزیز الدین چو با عزت بخلد | بهر سال آن عزیز مومنین
پرتو افگن شد ز دل خورشید علم | از خرد شد جلوه گر نسطور دین

تاریخ قتل راجه هیرا سنگه که در سال یکهزار و دو صد و شصت و یک بوقوع آمد

بدست جور سکهان جفا کیشش | جوان مارا ہے ہیرا ہای افسوس
بسال قتل یون سرور نی رو برو | کہا ٹوٹا ہے ہیرا ہای افسوس

تاریخ قتل راجه سوچیت سنگه که در سال یکهزار و دو صد و شصت و یک بوقوع آمد

۲۰۹

که بعوض قتل شیر سنگه دهیان سنگه از دست راجه هیرا سنگه کشته شد ۱۲

که از فضلای امرای دربار لاهور مردی بانجابت و مروت بود و در علم و هنر ثانی نداشت حقیقت در علم طب بوی دم مسیحائی عطا فرموده بود ۱۲

که در عین بلوهٔ سکهان فوج با نذرت خلعت مصاحب وغیره برلب دریای راوی کشته شد ۱۲

ده بهادر سوچیت سنگه افسوس — آکی بالا ہی کہیت قتل ہوا
پہر تاریخ بولا سرور ہائی ۱۲۶۱ — بی بہادر سوچیت قتل ہوا

تاریخ قتل سردار جواہر سنگه که در سال یکہزار و دو صد و شصت و دو بوقوع آمد

پا یا خود بہر جنکه سکہونکو جواہر سنگه نی — فوج مین پہونچا تکہیر اپنا کہسر توڑ کر
مارجب ڈالاگیا آخر تو سرور یہہ سال — بولا اہل فوج نی ڈالا جواہر توڑ کر ۱۲۶۲

تاریخ وفات میان محمد بخش صحاف لاہوری که در سال یکہزار و دو صد و شصت و سه بوقوع آمد

محمد بخش از فضل آلہی — چو در بزم محمد یافته بار
بزد دل تاریخ سال ارتحالش — ندا آمد محمد بخش دیندار ۱۲۶۳

تاریخ حاضری شیر سنگه و چتر سنگه مفسدان که در سال یکہزار و دو صد و شصت و پنج بوقوع آمد

جب آکر چتر سنگه اور شیر سنگه — وه دو نو گنہگار حاضر ہوئی
وہین سوچ سرور نی تاریخ سال — یہہ لکہی که لاچار حاضر ہوئی ۱۲۶۵

تاریخ جلا وطنی مہاراجه دلیپ سنگه که در سال یکہزار و دو صد و شصت و شش بوقوع آمد

چون شه پنجاب از پنجاب رفت — چشمه سان از چشم مردم آب رفت
عالمی در چشم مردم شد سیاه — چون ز چشم آن غیرت مہتاب رفت
جمله گل در ہجر او خوردند گل — بلکه از نرگس خمار خواب رفت
بلبلان در فرقتش نعره زدند — چون ز بستان صحبت احباب رفت
گفت سرور از سر درد این سخن — نو گلی از گلشن پنجاب رفت ۱۲۶۶

قطعه ثانی

در تاریخ جلا وطنی مہاراجه دلیپ سنگه مطابق سمت ۱۹

چون لارڈ گورنر بہ همت خویش — در ملک دلیپ سنگه باد ان بردند
با حیف دو آه سرور آندم نالید — از دست یتیم ناتوان نان بردند

قطعه ثالث

جب تصرف اہل انگلش نی تمام — کر لیا پنجاب مین بی خوف و بیم
سال تاریخ اوسکا بولا دل که ہای — لوٹ گیا ناحق مین ہمو جب یتیم ۱۲۶۶

تاریخ وفات فقیر نور الدین مرحوم که در سال یکهزار و دوصد و شصت و هشت بوقوع آمد

پرتوافگن گشت بر اوج بهشت — چون جناب نور دین نور یقین
شد چراغ دین بسالش جلوه گر — هم بخوان نور الکرامت نور دین

تاریخ وفات راجه دینا ناتهه که در سال یکهزار و دوصد و هفتاد و چار بوقوع آمد

راجه و دیوان که دینا ناتهه بود — شد چو از دنیای فانی شاد کام
سال تاریخ وفاتش طرفه تر — گفت دل اهل سخاوت نیک نام

تاریخ وفات مهاراجه گلاب سنگه والی کشمیر که در سال یکهزار و دوصد و هفتاد و چار بوقوع آمد

گلاب آن شیر دل والی کشمیر — شه کوه و بیابان صاحب تاج
چو رفت از دهر تاریخش عیان شد — امین دهر دشمن کش مهاراج

تاریخ وفات شیخ امام الدین مرحوم که در سال یکهزار و دوصد و هفتاد و پنج بوقوع آمد

چون امام دین بفضل ایزدی — شد امام روضهٔ خلد برین
هست تاریخ وصالش طرفه تر — حامی شرع امام دین متین

تاریخ وفات راجه تیج سنگه که در سال یکهزار و دوصد و هفتاد و نه بوقوع آمد

نهان شد ز روی نظر مثل ماه — چو بر داشت زینجا قدم تیج سنگه
بتاریخ ترحیل او گفت دل — زهی ماهتاب کرم تیج سنگه

تاریخ وفات نواب علی رضا خان مرحوم که در سال یکهزار و دوصد و هشتاد و دو بوقوع آمد

حامی دین علی رضا نواب — فدوی حیدری فدای علی
رفت چون زین جهان بدار بقا — یافت جائی بقرب جای علی
گفت سرور بسال تاریخش — اهل دین بندهٔ رضای علی

قطعه ثانی

حامی دین علی رضا نواب — حق بد و گار او بشد حامی
سرور زار سال ترحیلش — گفت بر رضا علی علی حامی

تاریخ وفات دیوان امرناتهه اکبری که در سال یکهزار و دوصد و هشتاد و چار

شد چو در دیوان گه ملک بقا — آه دیوان اکابر امرناتهه
رحلت او فاضل علم اکبری است — بار دیگر هاست شاعر امرناتهه

[illegible]

تاریخ وفات مفتی غلام رسول لاهوری که در سال یکهزار و دو صد و هشتاد و هفت بوقوع آمد

چون غلامی از غلامان رسول — گشت در خلد برین مسند نشین
مصرع تاریخ سرور زد رقم — صاحب دین مفتی شرع مبین

تاریخ وفات مفتی حافظ غلام احمد لاهوری که در سال یکهزار و دو صد و نود و یک بوقوع آمد

چونکه بشتافت از جهان بخلد برین — تیز راند حافظ کلام الله
دامن همت خود از دنیا — خوش فشاند حافظ کلام الله
وقت رحلت بیاد خویش آورد — آنچه خواند حافظ کلام الله
نقش بند از فراق بر دلها — مشاند حافظ کلام الله
سال تاریخ رحلتش سرور — گو نماند حافظ کلام الله

۱۲۹۱

قطعهٔ ثانی

چون غلام احمد آن مرد خدا — جان سپرد آخر بنام احمدی
وقت رحلت یافت از فضل اله — بادهٔ الفت ز جام احمدی
جام شد ز انعام حق بر ذات او — فضل یزدان لطف عام احمدی
سرورا تاریخ سال رحلتش — گو محب حق غلام احمدی

۱۲۹۱

تاریخ وفات مولوی غلام رسول ساکن قلعه میهان سنگه که در ۱۲۹۱ھ بوقوع آمد

چون غلام حضرت خیر الرسل — کرد رحلت ازین دنیا ز دل
ماند جسمش همچو گنجینه بخاک — روح شد با وصل یزدانی وصول
رفت از دلها قرار از رفتنش — ماند هجران در بدن جان ملول
کرد آن فیاض رحلت ای دریغ — آه رفت آن فاضل اهل قبول
مصرع تاریخ او سرور نوشت — بندهٔ مطلوب و مشتاق رسول

۱۲۹۱

تاریخ وفات شیخ عزیز الدین مهتمم مطبع وکثوریا پریس لاهور که در ۱۲۹۱ھ بوقوع آمد

عزیز دین ز دنیا رخ بپوشید — ز چشم اهل دین جان رفت افسوس
گل از باغ زمانه روی بنهفت — سهی سرو از گلستان رفت افسوس
جوان بختی بعمر نوجوانی — ز دنیا شمع پیران رفت افسوس
مکان کرد از مکان در لامکانی — مکین از دار امکان رفت افسوس

رقم زد سرور غمگین بسالش	عزیز نرم دوران رفت افسوس ۱۲۹۱
تاریخ وفات سید محمد شاه حکیم لاهوری که در سال یکهزار و دوصد و دو یک	
رفت از دنیای فانی در بهشت جاودان	چون محمد شاه والا منزلت با صد وقار
سال تاریخش سرور شد ندا از آسمان	گو جنت جای محمد شاه عالی اقتدار ۱۲۹۱
قطعه ثانی	
چون محمد شه عالی نسبی	رفت در خلد برین آخر کار
گفت تاریخ وصالش سرور	شاه توحید محمد سردار ۱۲۹۱
تاریخ وفات حکیم محمد بخش لاهوری که در سال یکهزار و دوصد و نود و دو	
چون بتقدیر ایزد متعال	رخت بست از جهان محمد بخش
سرورا سال انتقال او	کن رقم مهربان محمد بخش ۱۲۹۲
حصه دوازدهم در ذکر شعرای نامدار	
تاریخ وفات فردوسی طوسی که در سال چارصد و شانزده بوقوع آمد	
شیخ طوسی چو رفت زیر زمین	شد غروب آفتاب فردوسی
بلبل فارسی است تاریخش ۴۱۶	بار دیگر جناب فردوسی ۴۱۶
تاریخ وفات عنصری شاعر که در سال چارصد و سی و یک بوقوع آمد	
عنصری چون ز چار عنصر خویش	رفت بیرون بخلد یافت مقام
رحلتش گو مکرم اسلم ۴۳۱	نیز نوعندلیب حسن کلام ۴۳۱
تاریخ وفات افضل الدین خاقانی که در سال پانصد و هشتاد و سه بوقوع آمد	
سرور ملک شعر خاقانی	رحلت از دهر چون بخلد نمود
بهر تاریخ رحلتش سرور	شد ندا از خرد که شاعر بود
تاریخ وفات اوحد الدین انوری که در سال پانصد و نود و دو بوقوع آمد	
چو انور از این دار ظلمات دهر	بخلد برین شد بصد بر ترے
تاریخش او شاعر طیب است ۵۹۲	دگر ماه انور زهے انوری ۵۹۲
تاریخ وفات ظهیر فاریابی که در سال پانصد و نود و هشت بوقوع آمد	
چو شد ظهیر فاریابی ز دار فنا	بحق یافت در خلد اعلی مقام

بتاریخ آن شاعر بی نظیر	بگو شاه عالی ملک کلام
تاریخ وفات بدر چاچی که در سال هفتصد و بیست و پنج بوقوع آمد	
شده پرتو افگن باوج جنان	چو آن بدر پر نور روشن ضمیر
عدیم المثل خوان بتاریخ او	وگر صاحب حسن بدر منیر
تاریخ وفات عرفی که در سال نهصد و نود و نه بوقوع آمد	
چو بربست رخت اقامت بجنت	ز ملک فنا حاکم شعر عرفی
بتاریخ ترحیل او طرفه سرور	شد از دل ندا حاکم شعر عرفی
تاریخ وفات نور الدین ظهوری که در سال یکهزار و چهارده بوقوع آمد	
چون ظهوری عزت اهل کلام	شد ز دنیا با کمال آسکی
ارتحال آن شه ملک سخن	شد بیان شیرین مقال فارسی
تاریخ وفات زلالی شاعر که در سال یکهزار و سی و یک بوقوع آمد	
چون زلالی خورد از جنت زلال	سال ترحیلش بخوان با صد صلاح
اولا عذب اللسان مطلوب گو	بعد از آن عذب البیان اهل کلام
تاریخ وفات غنی کشمیری که در سال یکهزار و هفتاد و دو بوقوع آمد	
غنی آن میر اقلیم بلاغت	شه ملک سخن واسلی ذی جود
چو مستغنی شد از دنیای فانی	بتاریخش رقم کردم غنی بود
تاریخ وفات صائب تبریزی که در سال یکهزار و هشتاد بوقوع آمد	
شد روان صائب ازین دار فنا	رخت خود بربست ازین دیر محن
سال تاریخ وصالش طرفه تر	گفت سرور شاه جان با سخن
تاریخ وفات میر ناصر علی سرهندی که در سال یکهزار و یکصد و نه بوقوع آمد	
ناصر دین سیر جهان اهل دل	شاعر بی بدل شریف زمن
سال وصالش چو بجستم ز دل	گفت زهی ناصر اهل سخن
تاریخ وفات سراج الدین علی خان آرزو که در سال یکهزار و یکصد و شصت و نه بوقوع آمد	
تا خاک شد دفن مانند گنج	چو آن آرزو آبروی سخن
بتاریخ ترحیل او گفت دل	فسوس آرزو آرزوی سخن

[illegible]

۲۱۵

تاریخ وفات سید غلام علی آرزو که در سال یکهزار و دو صد بوقوع آمد

غلام علی چون بصد آرزو — فدا کرد جان از ابنام علی
بتاریخ ترحیل آن میر دین — دلم گفت واحد غلام علی ۱۲۰۰

تاریخ وفات میر حسن لکهنوی که در سال یکهزار و دو صد و یک بوقوع آمد

گشت از دنیا چو سبقت روان — میر جهان عاشق نام حسین
سال وصالش چو بجستم ز دل — گفت که بود غلام حسین ۱۲۰۱

تاریخ وفات خواجه میر درد دهلوی که در سال یکهزار و دو صد و نه بوقوع آمد

خواجه باذر درد میر اهل دین — شد چو از دنیا بجنت سبب نیاز
گفت تاریخ وصال او خرد — عاشق درد محبت بی نیاز ۱۲۰۹

تاریخ وفات رفیع السودا لکهنوی که در سال یکهزار و دو صد و نوزده بوقوع آمد

آنکه سودا از رفیع نامش بود — مثل او در زمانه نایاب است
رفت چون از جهان تاریخش — گفت سرو چراغ احباب است ۱۲۱۹

تاریخ وفات نظیر اکبرآبادی که در سال یکهزار و دو صد و نوزده بوقوع آمد

شاعر بی نظیر دهر نظیر — جست چون از جهان بجنت راه
وا اسفی بی نظیر گو سالش — هم بخوان بی نظیر والا جاه ۱۲۱۹

تاریخ وفات حکیم انشاء الله خان که در سال یکهزار و دو صد و بست و یک بوقوع آمد

حضرت انشاء چو با حکم خدا — یافت از دنیا بسبقت انتقال
از خرد آمد عیان تاریخ او — عزت شعرای هندی با کمال ۱۲۳۱

تاریخ وفات میر تقی شاعر که در سال یکهزار و دو صد و بست و پنج بوقوع آمد

چونکه میر تقی بصد اعزاز — کرد رحلت ز دار رنج و محن
عقل تاریخ ارتحال او — گفت میر بزرگ اهل سخن ۱۲۲۵

تاریخ میرزا محمد حسین قتیل که در سال یکهزار و دو صد و سی و هفت بوقوع آمد

از فنا سوی بقا رحلت نمود — چون قتیل آن میر و یکتای زمن
گشت سال انتقالش جلوه گر — صاحب دل رد وق اهل سخن

تاریخ وفات میر آتش هندی که در سال یکهزار و دو صد و پنجاه و سه بوقوع آمد

[illegible]

غریق بحر غم شد خلق چون گشت — چنین پاکیزه گوهر کشته افسوس
همه بی سر سران دهر ماندند — چو از سر گشت افسر کشته افسوس
بچرخ آمد ز داغ غم دل چرخ — چو شد آن ماه پیکر کشته افسوس
شد از زخم غم آن جان عالم — جهان بی تیغ و خنجر کشته افسوس
دل بلبل ز داغ هجر گل خورد — که گلچین شد گل تر کشته افسوس
فغان زد سرور آخر از سر آه — که شد ناحق گوهر تر کشته افسوس [illegible]

تاریخ وفات مهاراجه مهندر سنگه بهادر والی پٹیاله که در سنه ۱۲۹۳ هـ بوقوع آمد

مهندر سنگه کرد از دهر رحلت — دلا در جنگ مرد پهلوان مرد
۱۲۹۳
بسال رحلتش سرور ندا کرد — که رستم دل مهاراجه جوان مرد

ایضاً مطابق سنه ۱۸۷۶ء

افسوس که در موقع ایام جوانی — از ملک جهان والی پٹیاله روان رفت
تاریخ جوان مرگی آن والی اقلیم — دل گفت مهاراجه فیاض جوان رفت

تاریخ وفات رئیس نامدار دیوان کرپارام صاحب وزیر سرکار مهاراجه جموں کشمیر

زینت دیوان عالم و فخر دیوانیان — یعنی کرپارام دیوان صاحب نام و نشان
آن امیر ابن امیر و آن وزیر ابن وزیر — صاحب تدبیر عالم گیر و عالی خاندان
صاحب دولت جوان طالع علو المنزلت — اهل علم و اهل فضل و افسر دانشوران
در اطاعت خاکبوسش سروران سرزمین — خم به پیش آستانش گردن گردن‌کشان
دفعتاً پوشید از عالم رخ پرنور خویش — همچو مردم شد نهان از چشم مردم ناگهان
مثل دریا دل بجوش آتش آمد بجوش — دیده‌ها چون ابر گوهربار شد گوهرفشان
چار سو هنگامهٔ غوغا گرم در پنجاب گرد — ناله و زاری و آه و شور و فریاد و فغان
سینه چاک اند از پریشانی چو زلف تابدار — در زمانه نیک و بد پیر و جوان خرد و کلان
سرور غمگین بصد حسرت پی تاریخ سال — گفت کرپارام دیوان دفعتاً رفت از زمان
۱۲۹۶

تاریخ وفات محمد سلطان خان رئیس اعظم لاهور

آه صد افسوس کان سلطان علی المنزلت — رفت از ملک جهان آخر باقلیم جنان

چشمهٔ فیض از زمین مسدود شد و احسرتا ... آه شد بی آب از پنجاب دریای روان

گشت پنهان صورت گنجینه جسمش در زمین ... جان پاکش کرد پرواز از مکان بر لامکان

در غمش پیر و جوان یک حشر برپا ساختند ... نوحه‌ها کردند اندر ماتمش خرد و کلان

هست باقی ذکر خیرش در گروه اهل خیر ... ماند نام نامیش مذکور در نام آوران

بهر سال ارتحالش سرور از کلک اشکبار ... شد عیان «بهشت محمد رفت سلطان جهان»

ایضاً

چو سلطان اقلیم دانشوری ... به نیکو خصالی بفردوس رفت

رقم کرد سرور تاریخ سال ... که سلطان عالی بفردوس رفت

تاریخ تشریف آوری شهزاده ولیعهد پرنس آف ویلز بهادر در اقلیم هندوستان که در سال یکهزار و هشتصد و هفتاد و شش بوقوع آمد

چو در هند آن ولیعهد شه کشورگشا آمد ... بگوش مردم از هر سو صدای مرحبا آمد

عیان بر اوج نیکو اختری شمس الضحی آمد ... برون از مطلع عز و شرف بدر الدجی آمد

چنان بر آن ز لندن بادبانش در هوا آمد ... که در یکیک قدم بر بادپای بادپا آمد

عجب از خطهٔ انگلند شد بحر عطا جاری ... عجب از سرزمین لندن این دریا بر اینجا آمد

امیری تاجداری شهسواری بخت بیداری ... جوانی پهلوانی مهربانی مه لقا آمد

شه عالم پناهی کج کلاهی عرش درگاهی ... بحمد الله که در لاهور از فضل خدا آمد

نرفت از فیض آن سرچشمهٔ جود و کرم خالی ... که در دربار دُربارش گدای بینوا آمد

بگوش هر که رفت از مقدم این شاه ایمائی ... ز سر پا کرد و در خدمت بصد صدق و صفا آمد

ندارد در جهان این گنج بخش فیض بزوالی ... که از گنجینه‌اش صد گنج گوهر رفت یا آمد

گذر اندر مکان خویش کرد این صاحب حکمت ... مکین خانهٔ اقبال در دولت سرا آمد

پی اهل عجم سرتا با شد مقدمش رحمت ... ز دیدار شفابخشش بلا رفت و شفا آمد

ندا آمد ز هاتف بهر سال مقدمش سرور ... «ز لندن تاجدار دولت و کشور بیا آمد»

تاریخ اخذ خطاب شهنشاهی هندوستان حضرت ملکهٔ معظمه وکتوریا که در ۱۸۷۶ع بوقوع آمد

یافت تاج اقتدار و افتخار اقلیم هند ... چون شه انگلند شاهنشاه عالیجاه شد

از دل سرور پی تاریخ سال این نوید ... «شد ملکه وکتوریه در هند شاهنشاه شد»

والا شهزادهٔ عالم و عالمیان پرنس آف ویلز بهادر ولیعهد تخت انگلستان است

۳۱۹

خاتمة الطبع

حمد بیحساب کردگار خالق اللیل و النهار که درین حین فرخ آیین کتاب لاجواب مسمی به گنجینهٔ سروری معروف به گنج تاریخ مصنفهٔ عالی گهر سخنور نامور مفتی غلام سرور لاهوری متضمن قطعات تاریخ ولادت و وفات حضرت سرور کائنات علیه الصلوة و السلام و اصحاب کرام و ائمهٔ عالی مقام و مشائخ عظام و سلاسل عالیهٔ قادریه و چشتیه و نقشبندیه و سهروردیه و بزرگان خاندانهای متفرقات و نسای عارفات و مجانین و مجاذیب و خلفای بنی امیه و عباسیه و سلاطین غزنویه و غوریه و خلجیه و تغلقیه و خضرخانیه و لودیه و چغتائیه و بهمنیه و عادلشاهیه و نظام شاهیه و قطب شاهیه و گجراتیه و مالویه و برهان پوریه و خاندیسیه و پوربیه و شرقیه جونپوریه و شاهان سنده و ٹهٹه و کشمیر و سلاطین عثمانیه رومیه و افغانان سوریه و درانیه و بارکزئیه کابلیه و تذکرهٔ امرای نامدار و شعرای ذوی الاقتدار در مطبع نامی و گرامی جناب معلی القاب منشی نولکشور صاحب دام اقباله واقع لکهنؤ بماه مارچ ۱۸۹۴ء مطابق ماه صفر ۱۳۱۱ هجری الاقدس حلیهٔ انطباع پوشید و الله الموفق و المعین و به نستعین

قطعهٔ تاریخ اختتام طبع از نتائج طبع مفتی غلام صفدر صاحب لاهوری متخلص به فوقانی خلف مصنف کتاب

گنج تاریخ است رنگین نسخه و نادر کتاب	دفتر ضم و ذکا مجموعهٔ بالاتری
بو العجب تاریخ تاریخ شهان و اولیا	طرفه ذکر اولیاست است پیغمبری
گنج صورت گنج معنی گنج علم و گنج فضل	بحر حسن و معدن خوبی و کان برتری
وقت تحریرش به تحریر مضامین بلند	جست کلک تر زبان با شاخ طوبی همسری
نامهٔ نامی ست بهر انکشاف جمله حال	جام جمشید ست یا آئینهٔ اسکندری
در بهار این چمن و خلی نبیدار د خزان	رنگ و بوی این گلستان است انقوشتان گی
سرور لاهور این گنج لطافت جمع کرد	آنکه در ملک سخن دارد به سر تاج سری
مثل صائب رای صائب دارد این اهل سخن	هست طبع روشنش روشن چو طبع انوری
سال طبعش جست فوقانی چو آخر ز سروش	گفت گویا گنج معنی هست گنج سروری

از مفتی غلام حیدر صاحب متخلص حیدر لاهوری خلف مصنف کتاب

چو شد مطبوع طبع اهل اکرام	دوباره گنج دولت گنج تاریخ

دوسری بار جب ہوئی مطبوع
گنج تاریخ یہ نئی تاریخ
پہلے اس سے تمام دنیا میں
ایسی تاریخ کوئی نہ تھی تاریخ
کہیں مذکور ہے مشائخ کا
کہیں شاہوں کی ہر ملکی تاریخ
کیسی نادر ہوئی ہے یہ تصنیف
کیا عجائب ہے یہ بھی تاریخ

۲۲۰